



نماند هر چه آن از مرد ماند
بماند هر چه آنرا برفشاند
ناصر خسرو

پیشینه آموزش و پرورش کردستان

جلد اول

از سال ۱۲۷۳ تا سال ۱۳۲۰ شمسی

تألیف:

سید عبد الحمید حیرت سجادی

سازمان آموزش و پرورش استان کردستان

حیرت سجادی، عبدالحمید، ۱۳۰۸ -
پیشینه آموزش و پرورش کردستان / مجری طرح
عبدالحمید حیرت سجادی؛ ناظر طرح فاروق داود
پور. - تهران: عابد، ۱۳۸۰. -
ج. ۱: مصور، نقشه، جدول، نمونه، عکس.
۳۰۰۰ ریال: (ج. ۱) ISBN 964-364-103-1
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
مندرجات: ج. ۱. از سال ۱۲۷۳ تا سال ۱۳۲۰
شمسی. -
۱. آموزش و پرورش -- ایران -- کردستان --
تاریخ. ۲. مدرسه‌ها -- ایران -- کردستان -- تاریخ.
۳. معلمان -- ایران -- کردستان. الف. داودپور،
فاروق. ب. عنوان.

۳۷۰/۹۵۵۴۲

LA ۱۳۵۴/عک ۹

۸۰-۲۱۸۴۳

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:



- نام کتاب پیشینه آموزش و پرورش کردستان (جلد اول)
- مؤلف سید عبدالحمید حیرت سجادی
- ناظر فاروق داودپور
- ناشر عابد
- لیتوگرافی رنگارنگ
- چاپ آسمان
- صحافی زرچینی
- شمارگان ۳۰۰۰ جلد
- نوبت و تاریخ چاپ اول - زمستان ۱۳۸۰
- قیمت ۳۰۰۰ تومان
- شابک ۱-۱۰۳-۳۶۴-۹۶۴ ISBN 964-364-103-1

آدرس مرکز بخش: تهران - خیابان طالقانی - نبش ملک الشعرای بهار - ساختمان ایران‌بک

طبقه سوم - نشر عابد تلفن: ۸۸۱۲۶۷۷-۸

آدرس پستی: تهران - صندوق پستی ۶۷۸-۱۴۴۵۵

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱
مقدمه	۵
بخش یکم - ضرورت اهمیت انجام این تحقیق	۶
سبب تألیف و انگیزه انجام این تحقیق	۶
جایگاههای دانش در جهان اسلام (پیدائی و دگرگونی آنها از مسجد تا مدرسه)	۱۰
۱- مسجد	۱۰
۲- مکتب	۱۳
۳- خانه های علم (دانشسراها)	۱۵
۴- مدارس	۱۶
نظامیه	۱۶
دارالشفاء	۱۷
دارالفنون	۱۷
دانشگاه تهران	۱۷
دانشگاه اصفهان	۱۸
دانشگاه اهواز	۱۸
دانشگاه پهلوی شیرازی	۱۸
دانشگاه تبریز	۱۸
دانشگاه مشهد	۱۹
دانشگاه ملی ایران	۱۹
بخش دوم - نقشه شهرستان سنندج	۲۰
نمایی از شهرستان سنندج	۲۱
موقعیت تاریخی و جغرافیائی شهرستان سنندج	۲۲
تأسیس مدارس جدید در کردستان	۲۴
جدول (تعداد مدرسین - طلبه - شاگرد مدرسه - بودجه و مخارج سالیانه) مخارج سالیانه مدارس در سنندج	۴۳

۴۵	مکاتب قدیمه
۴۶	مکاتب شناخته شده
۴۷	مساجدی که در کردستان مدرّس و طلبه داشته‌اند
۴۸	مدرسین و طلاب علوم دینی
۴۸	وظایف علما و مدرسین
۴۹	زندگی طلاب علوم دینی
۷۲	نقایص - مشکلات - سرخوردگیها
۸۲	درد دل و درس عبرت
۸۴	تذکاری سودمند - هیولای کنار آب (مستراح)
۸۵	وضع آب آشامیدنی
۸۶	بهداشت - درمان - تغذیه
۸۹	دلالتی بر ضعف دروس ادبی مدارس امروز
۱۰۲	بخش سوم - پیش‌قدمان در خدمت به آموزش و پرورش استان کردستان
۱۹۱	اسناد مربوط به پیش‌قدمان
۲۲۶	اسامی خانم‌هایی که در خدمت به آموزش و پرورش پیش‌قدم بوده‌اند
۲۲۸	بخش چهارم - اسامی مدارس سنندج
۲۴۷	اسناد مربوط به اسامی مدارس
۲۵۲	نقشه معارفی کردستان
۲۵۳	بخش پنجم - نقشه شهرستان سقز
۲۵۴	منظره‌ای از شهرستان سقز
۲۵۵	موقعیت سقز در سال ۱۳۳۰
۲۵۷	تاریخچه آموزش و پرورش در شهرستان سقز
۲۶۳	اسناد مربوط به آموزش و پرورش شهرستان سقز
۲۷۸	بانہ
۲۷۹	دبستان پهلوی بانہ
۲۸۱	دبستان منوچهری سردشت
۲۸۲	اسناد مربوط به مدرسه بانہ و سردشت

بخش ششم - نقشه شهرستان بیجار ۲۸۸

نمایی از شهرستان بیجار ۲۸۹

موقعیت جغرافیائی بیجار ۲۹۰

آموزش و پرورش در بیجار ۲۹۳

مساجد گروس - امامزاده ها ۲۹۴

اسناد مربوط به آموزش و پرورش بیجار ۲۹۵

قروه از فرهنگ جغرافیائی ایران ۳۰۳

مدرسه انتصاریه ۳۰۴

مدرسه سراقحط - دزج ۳۰۵

مدرسه خاقانی سریش آباد ۳۰۶

مدرسه اسدی دهگلان ۳۰۷

اسناد مربوط به آموزش و پرورش شهرستان قروه و توابع ۳۰۸

بخش هفتم - موقعیت جغرافیائی شهرستان مریوان ۳۲۲

مدرسه دولتی در مریوان ۳۲۳

دبستان مولوی دزلی ۳۲۴

دبستان رودکی رزاب ۳۲۶

اسناد مربوط به آموزش و پرورش این منطقه ۳۲۷

موقعیت جغرافیائی شهر دیواندره ۳۳۴

دبستان عشایری گلباغی دیواندره ۳۳۵

دبستان سنائی اوباتو ۳۳۶

دبستان ناصر خسرو حسین آباد ۳۳۷

اسناد مربوط به آموزش و پرورش دیواندره و اوباتو ۳۳۸

دبستان دقیقی بیساران ۳۵۰

دبستان رمشت ۳۵۰

مدرسه ادیب هجیج ۳۵۱

مدرسه خرّم هانه گرمله ۳۵۱

دبستان انوری آساوله ۳۵۱

۳۵۲	دبستان چهارکلاسه آبادی نوردنه
۳۵۲	دبستان چهارکلاسه غرنی نوسود
۳۵۳	دبستان دوتی روستا
۳۵۳	مدرسه دوتی رونق جو نرود
۳۵۴	دبستان شاهپورپاوه
۳۵۵	اسناد مربوط به این بخش فرهنگی
۳۶۵	بخش هشتم - اسامی و مشخصات آموزشگاهها
۳۷۴	مهر و امضای مدیران مدارس اکابر (بزرگسالان)
۳۷۶	میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ در شهر سنندج
۳۷۸	میزان کرایه محل مدارس اجاره‌ای در سال ۱۳۱۴
۳۷۹	میزان حقوق خدمتگزاران آموزش و پرورش در شهرهای تابعه و دهات
۳۸۲	صورت اسامی مستخدمین جزء در ۱۳۱۴
۳۸۳	صورت احتیاجات معارف کردستان در ۱۳۱۴
۳۸۴	شرح و توضیح احتیاجات درجه اول و درجه دوم
۳۸۶	قسمت مخارج بودجه معارف کردستان
۳۸۷	خلاصه بودجه معارف کردستان در ۱۳۱۴
۳۸۸	صورت هزینه‌های اساسی
۳۸۸	خدمتگزاران آموزشگاههای سالمندان
۳۹۴	ساختمان‌های اجاره‌ای در ۱۳۱۹
۳۹۵	میزان حقوق خدمتگزاران سنندج در ۱۳۱۹
۳۹۸	میزان حقوق خدمتگزاران شهرها و دهات تابعه در سال ۱۳۱۹
۴۰۱	بخش نهم - جمع آوری البسه و اشیاء قدیمی
۴۰۲	عناوین وزارتخانه
۴۰۳	اسامی رؤسای اداره معارف تا سال ۱۳۲۰
۴۰۴	اسناد و بخشنامه‌ها و صورت اشیاء خریداری شده
۴۲۲	عکس‌های ضمیمه

حمد و ستایش خاص خداوندیست که بر دقایق رفتار بندگان خود خبیر و کرده‌های نامقبولشان را توبه‌پذیر است و درود نامحدود نثار روان پاک رُسل و هادیان سُبُل خصوصاً سید ابرار محمد مختار صلوات‌الله و سلامه علیه و ائمه اطهار و اولیای کبار و انسانهای نیکو رفتار و زمامداران عادل بیدار.

آگاهان‌دانند که عدم وجود اسناد و مدارک کافی و متقن، بر چگونگی حادثات بزرگ و اتفاقات شگرف، همواره موجب حسرت و تأثر بوده، تحولات پیاپی و گذشت زمان، آیندگان را بیشتر از پیش در هاله‌ای از ابهام و بیخبری مقید و محصور خواهد ساخت. برای اینکه در مورد پیشینه آموزش و پرورش استان کردستان و اینکه کی و چگونه به تغییر مشی تعلیم و تربیت پرداخته شد و چه کسانی پیشقدم بودند و با چه سختی‌ها و ناهنجاریها دست و پنجه نرم کردند، بی‌اطلاعی و سردرگمی پیش نیاید، این کار پرزحمت و شاق را بر عهده گرفتم، شاق و پرزحمت اینکه، مدت سه سال در بایگانی و انبار پرونده‌ها و اسناد راکد و فراموش شده و امحائی، اوراق خاک آلوده بیماری‌زا را ورق زدم به امید آنکه برگ‌ی بیابم که بر راستی و درستی گفته‌ها و نوشته‌هایم مهر تایید نهد و کاوشگران و محققین آتیه در این راه را دستاویزی باشد. بحمدالله موفق آمدم، این است که به حضورتان عرضه می‌گردد، امید که پسند آید و مطمح نظر قرار گیرد.

اسناد و مدارکی که در این کتاب به چشم می‌خورد، تهیه آنها در اثر موافقت شخص مدیر کل آموزش و پرورش استان جناب آقای فاروق داوودپور و همکاری و مساعدت بخش‌هایی از این اداره کل از جمله مرکز تحقیقات، بایگانی، دبیرخانه و روابط عمومی واحد نگهداری اسناد صورت گرفته است که صمیمانه تشکر و قدردانی خود را ابراز می‌دارم و امیدوارم برای تهیه جلد دوم که اختصاص به پیشینه سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ را دارد همچنان موافقت و مساعدت خود را دریغ نفرمایند.

سید عبدالحمید حیرت سجادی

بخش یکم

ضرورت و اهمیت انجام این تحقیق:

چون واقف بودم که اکثریت قریب به اتفاق مردم استان کر دستان از چگونگی تحصیل و مراحل آن در گذشته و دگرگونی روش تعلیم و تربیت استان خود بیخبرند و افواها می شنوند که تحصیلات مردم این منطقه و سایر نقاط ایران در گذشته بیشتر در علوم قدیمه و ادبیات کهن انجام میگرفت و نمیدانستند انگیزه و موجبات این دگرگونی چه بوده و چه زمان و چرا این تغییرات صورت گرفت، ناچار به انجام این پروژه علمی تحقیقی دست یازیدم ضرورت دارد دیگر استانهای کشور در راستا و هماهنگی با این تحقیق، به بررسی کلی آموزش و پرورش حوزه فرهنگی خود پرداخته، خدمتگزاران گذشته خود را شناخته، تجربیات سودمندشان را به کار بسته، گامی در قدردانی از زحمات طاقت فرسا و تحمل سختی ها و کمبودهایشان را بر دارند و آنطوری که شایسته است ترقیات شگرف علمی فرهنگی بعد از انقلاب در زمینه های مختلف را به اطلاع عموم مردم ایران برسانند.

سبب تألیف و انگیزه انجام این تحقیق

از دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه.ق مطابق ۱۷۹۷ - ۱۸۳۴ میلادی به بعد ارتباط فرهنگی میان ایران و اروپا آغاز شد و به مرور، روبه تزايد نهاد به میان آمدن جنگهای دولت تزاری روس با ایران و آغاز تحریکات سیاسی دول خارجی در ایران، مردم این کشور را متوجه خطرهای بزرگی نسبت به فرهنگ و تمدن و استقلال خود نمود و دریافتند که باید برای مقابله با سپاهیان مسلح به ابزار و اسلحه آتشین و نظام منظم و جدید اروپایی، بعضی از فنون علمی و نظامی آنان را اقتباس کنند و بکار برند، این بود که در اواسط قرن سیزدهم هجری میرزا تقی خان امیر کبیر (متوفی به ۱۲۶۸ ه) که زیر دست قائم مقام فراهانی تربیت یافته و دنباله افکار سیاسی او را گرفته بود، ضرورت ایجاب می نمود تا بر ای تقویت بنیه فنی و علمی ایران، یکی از مهمترین کارهای اصلاحی خود را در سال ۱۲۶۸ ه - ق ۱۸۵۱ میلادی انجام دهد و آن تأسیس مدرسه دارالفنون تهران بود که با یک عده معلم اتریشی و فارغ التحصیلانی که در سال ۱۲۶۰ برای تحصیل به اروپا فرستاده شده و با دست پر بازگشته بودند، شروع به کار نمود

این مدرسه علاوه بر فنون نظامی، مهندسی، طب و داروسازی و علوم طبیعی، زبانهای فرانسه و روسی و انگلیسی را نیز می آموخت. مدرسه دارالفنون اگر چه به زودی به چند مدرسه عالی جدید منشعب شد ولی هسته مرکزی آن به صورت یک آموزشگاه فنی خوب برای آموختن فنون و علوم

ادبیات اروپایی همراه ادبیات فارسی و عربی در تهران باقی ماند و با معلمان ورزیده خارجی و داخلی اداره می‌شد.

این روش نو، بزودی بر فرهنگ و ادب دیرینه سنتی کلیه شهرستانها سایه افکند و هریک به فراخور حال و اوضاع منطقه ای، پیشرفتهایی حاصل نمود.

اینجانب بر آن است، ترقیات شگرف علمی را در سطحی وسیع و دقیق، از ابتدای شروع فرهنگ و تمدن جدید، به پیروی از روش تدریس و تحصیل دارالفنونیان در کردستان جزء به جزء دنبال کند و از سال ۱۲۷۳ شمسی مطابق ۱۳۱۲ قمری که آغاز این نهضت علمی در کردستان است و تا کنون متجاوز از یکصد و سه سال از آن میگذرد به کمک مطالب مندرج در لابلای اوراق پرونده های پرسنلی فرهنگیان پیشین خدمتگذار در این خطه از ایران زمین که مجموعاً شهرستانهای سنندج - سقز - بانه - دیواندره - مریوان - قروه - بیجار و کامیاران را در برمی گیرد و مطالعه پرونده های موضوعی، آنچه را که در انبارهای متروکه انباشته از گرد و خاک موجود باشد و نیز به همراهی و معاضدت سالخوردگان آموزش و پرورش و مکاتبه با فرهنگیان با سابقه در شهرستانها و تماس تلفنی با آنها، حقایق را پی جویی نموده، نقاط ضعف و نشانه های دلسوزی و مراقبت معلمین گذشته را یافته، کمبودها و نقایص و جمود فکری اکثریت اجتماع آن روزگاران را که سدی سدید در مقابل پیشرفت علوم و فنون جدید بود، متذکر شود و آیندگان را از مشکلات معیشتی و کمبودها و سختی راهها که غالباً پیاده یا به وسیله قاطر سنگلاخها و گردنه های صعب العبور و پر برف را در زمستان روزگاران قدیم با زن و بچه و وسایل می‌پیمودند تا به آبادی برسند که نه مردم آنجا پذیرای آنها بر ای گشایش مدرسه بودند و نه مکانی بر ای تشکیل مدرسه و جمع کردن بچه های آبادی آماده بود و نه حقوق و مواجب آنها بر ای امرار معاش و گذران زندگی، به موقع می‌رسید، با خبر سازد.

معلمین مأمور در دهات دور دست که از امکانات اولیه زندگی بی بهره بودند شب های طولانی پاییز و زمستان را در بیغوله ای سرد و تاریک که روشنی بخش بیغوله شان چراغ فتیله داری و گرما بخش آن کرسی شکسته و زوار دررفته ای بود که با تپاله یا خاک زغال فراهم می‌شد می‌گذرانیدند. مجسم کنید اگر یکی از فرزندان شان تب می‌کرد و مریض میشد و با دنداننش به درد می‌آمد چه می‌توانستند بکنند؟

مردم محل سالهای سال بود که با آن وضع و محیط زندگی خو گرفته و مسأله ای نداشتند، اما این شخص تحصیل کرده و ناملايمات ندیده و سرد و گرم روزگار نچشیده، شب را آنچنان به روز می آورد، صبح که برمی‌خاست، می‌دید که آبادی به زیر برف رفته و باید برای رهایی از چنگال مرگ تلاش کرد. همه آبادی بسیج می‌شدند و تا غروب آفتاب برف روبی می‌کردند و خود را از مهلکه نجات می‌دادند. این معلم دور افتاده و رنج کشیده تنها امیدش قطع بارندگی بهاره و آب شدن برفهای

عبورگاه و راه افتادن مأمور پرداخت حقوق ناچیز ۱۸ تومان و زیارت وی بود. آن هم اگر بی دغدغه و سالم از دست وحوش و دزدان گردنه گیر جان و کیف سالم به در می برد.

پس ای آموزگاران، دیرانی که امروزه در شهرها و شهرک ها و بخش ها به تدریس و خدمت به خلق مشغولید و از امکانات و وسایل معیشتی بالنسبه راحت، استفاده می کنید، خدمتی صادقانه داشته باشید، با دلگرمی و دلسوزی انجام وظیفه کنید، بدون مطالعه قبلی سرکلاس نروید از کلاس که خارج می شوید، به وجدان خود رجوع کنید، ببینید از کار خود راضی هستید دانش آموزان از بیانات و حضور شما در کلاس سودی برده اند؟

اگر پیشه دارد دلت راستی چنان دان که گیتی تو آراستی

فردوسی

تصور نکنید چون دبیر ریاضی و یا زیست شناسی هستید، از تذکرات اخلاقی و انسانی برکنارید، سعی کنید هر طور شده سود برسانید، در تزکیه اخلاق دانش آموزان سهمیم باشید تا شاگردانتان خاطرات خوبی از شما داشته باشند و خدای ناکرده، کوس رسوائی شما را بر سربازارها نزنند.

پس از مرگ نفرین به د بر کسی کزو نام زشتی بماند بسی

فردوسی

نیکوان رفتند و سنت ها بماند وز لئیمان ظلم و لعنت ها بماند

مولوی

معلم است که انسان را می سازد، آینده را شکوفا می کند، افتخارات می آفریند سعادت آیندگان را تأمین می کند، باعث پیشرفت و تعالی کشور می شود.

من آنچه شرط بلاغست با تو می گویم تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال

سعدی

سعی کنید خوش نام زندگی کنید، کسی از دست و زبان شما آزرده نباشد. اشتباهات دیگران را با ادب و متانت و دلسوزی تذکر دهید تا خدای ناکرده به چاله نیفتید.

اگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است.

سعدی

سهمی از گرفتاریهای دیگران خصوصاً همسایگان را بر دوش بگیرید، با مردم مهربان باشید، افزون طلبی را از سر بدر کنید، زیرا هیچ ثروتی خالی از مال شبه و حرام نیست به حق و حقوق خود قانع و راضی باشید، مال مردم را مال مرم بدانید،

تجاوز به حقوق دیگران نکنید، بدی دیگران را با نیکی پاسخ دهید. علی علیه السلام می فرماید.

(أَحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَا) معنی همین جمله قبلی است. گذشت داشته باشید، کار بد دیگران را بپوشانید تا خدا راز شما را آشکار نسازد.

(إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا) ۷۲ فرقان یعنی: (بزرگان) چون کار بیهوده و ناشایستی را ببینند، بزرگوارانه بگذرند.

چون فاش کنی راز کسی بر مردم
انگشت نمای خلق شوی چون انجم .
مؤلف

گفت پیغمبر که هر کس سر نهفت
زود گردد با مراد خویش جفت.
مولوی

صفات رذیلانه را که نفرت خدا را به دنبال دارد، دور بیندازید، هرگز به امید جبران و تلافی، کسی را دستگیری و کمک نکنید، پاداش را از خدا بخواهید و بس:

کار خود گر به خدا باز گذاری حافظ
ای بسا عیش که از بخت خدا داده کنی
ناملایمات زندگی را با سعه صدر و قلبی سرشار از امید و رأفت و مهربانی خدا و تکیه بر عقل و فهم و
درایت و صبر و حوصله خود، حل و فصل کنید تا همای سعادت بر زندگی خانوادگی شما سایه
افکند.

سعادت و شقاوت زندگی هر کسی مرهون و مدیون اعمال گذشته اوست گاه گاه می شنوید که فلانی عاقبت به خیر است، اگر جزئیات زندگی گذشته او را بررسی کنید درمی یابید که نتیجه اعمال گذشته خود را درو می کند، بلافاصله این آیه از قرآن برای شما تداعی می شود: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا) اگر معلم واقعاً درست و سالم باشد، ناسالم در اجتماع هیچگاه به وجود نمی آید، شرابخواری و عربده کشی وجود نخواهد داشت، معتادی در میانه نخواهد بود. مدینه فاضله ایجاد خواهد شد.

همچنانکه سیلان رودخانه، از جمع قطرات آب است. همانگونه تیرگی قلب و قساوت دل، از انباشته شدن گناه و ارتکاب اعمال زشت به وجود می آید و به مرور قشری ضخیم، نقطه نورانی و کوکب دری داخل در قلب و محفظه سینه را می پوشاند، در نتیجه شخص نیکی را بد و بدیها را نیک می بیند و متوجه رفتار زشت و ناپسند خود نمی شود.

در دوران تحصیل ما، رباخوار و شراب خوار و بدکار، از تعداد انگشتان دست کمتر بودند کلمه معتاد هرگز به گوشمان نخورده بود چون معلم، استاد کار، پیش نماز و بالاتر و بالاتر از آنها سالم بودند و خوب عمل می کردند. تو خود حدیث مُفَصَّل بخوان از این مجمل.

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

جایگاههای دانش در جهان اسلام پیدایی و دگرگونی آنها از مسجد تا مدرسه

۱- مسجد نخستین جایگاه دانش در اوایل عصر اسلامی بود. در آنجا، مسلمانان اصول دین و مقدمات اسلام را فرا می گرفتند.

حضرت پیامبر (ص) نخستین مسجد خود را در مدینه ساخت تا جایی برای نماز و کانونی برای حکومت باشد، همچنین آنرا به عنوان جایگاهی جهت آموختن و یاددادن اصول و ریشه های دین اسلام به مردم قرار داد.

قرآن کریم، به روشنی می گوید که از کارهای واجب پیامبر (ص) آموزش مردم است: پروردگارا میان اینان پیامبری از خودشان برانگیز تا بر آنان نشانه های ترا فرو خواند و آنان را کتاب و دانش بیاموزد و پاکشان سازد که تو بزرگ و توانایی (سوره بقره آیه ۱۲۸)

اسلام اصولاً مسلمانان را به فراگیری و ادار میکند. در قرآن گرانمایه آیه های فراوانی در این باره آمده است: (بگو خداوند من، دانش مرا افزون کن) (سوره طه آیه ۱۱۴) آیا کسانی که می دانند با آنانکه نمی دانند یکسانند؟ (سوره زمر آیه ۹)

بنابراین، از موارد اساسی و ابزارهای دعوت اسلامی، آموزش و فراگیری بود تا پرورش درستی که این دعوت خواهان آن گردیده، آشکار شود.

روشن است که پیامبر (ص) می خواست ملت نوینی بسازد که حکومتی تشکیل دهد تا با حکومت هایی که در روزگار او، برپا بودند، مقاومت و برابری کند، از این رو ناگزیر از وجود گروه و قشری دانش پژوه بود تا بار سنگین این دعوت را به دوش بکشند و با روش علمی، توانایی استدلال و نیروی پاسخ دادن داشته باشند. به هنگام ظهور اسلام، دانش پژوهانی که بتوانند بخوانند و بنویسند، در میان اعراب فراوان نبودند.

اگر کتابها را که می گویند درست باشد به هنگام بعثت پیامبر، شماره کسانی که نوشتن میتوانستند، بیش از ده تن و اندی نبودند (القلشقندی: صبح الاعشی ج ۳ ص ۱۵)

پس، از هدفهای روشن و آشکار رسول اکرم (ص) این بود که در راه فراگیری، میان مسلمانان کوشش کند. مسجد پیامبر در مدینه، نخستین جایی بود که به انتشار دانش و یاددادن اصول خواندن و نوشتن، به مسلمانان پرداخت از (مکحول) بازگوشده است که گفت: ده تن از یاران پیغمبر (ص) مرا گفتند که ما در مسجد قباء درس می خواندیم، چون پیامبر بیرون می رفت، فرمود، آنچه می خواهید بدانید، یاد بگیرید که تا ندانید خداوند شما را پاداش نمی دهد.

(الغزالی، فاتحه العلوم ص ۱۹)

در حدیث دیگری از پیامبر آمده است که به دو مجلس در مسجد خود بگذشت، آنگاه فرمود هر دو مجلس خوبست و یکی از آن دو، یاران و هماورانش را برتر است؟
اما اینان خدای را می خوانند و به او تمایل می ورزند: اگر بخواهد بدیشان بخشاید یا نبخشاید، ولی اینان فقه و دانش می آموزند و به نادان یاد می دهند پس اینان برترند زیرا من با نام دعوت کننده و آموزگار برانگیخته شدم این را گفت در میانه مجلس بنشست (الکتانی الادریسی: التراتیب الادواریه ج ۲ ص ۲۱۹ - ۲۲۰)

بنابر این مسجد نخستین مکان برای انتشار دانش در جهان اسلامی است.
مسجدها به روزگار پیامبر و خلفای راشدین، کانون های اخلاقی و آموزشی نیز بودند و یاران (صحابه) پس از پیامبر، به فرادادن و تفهیم شئون دین، به مسلمانان، می پرداختند و به پرسشهای مردم پاسخ می گفتند.

عبدالله بن عباس در جلو کعبه می نشست و مردم او را در میان می گرفتند و تفسیر قرآن می پرسیدند. (احمد امین: فجر الاسلام ج ۱ ص ۱۹۸)
همچنین مسلمانان از دور ترین شهرها پیش او می آمدند و حلال و حرام را از او می پرسیدند (الاصفهانی الاعانی ج ۱ ص ۷۶)

پیروان (تابعان) هم روش یاران را دنبال می کردند، در مساجد می نشستند، مردم را پند می دادند و به آنان اصول دین می آموختند. از نامورترین آنان (ربیعۃ الراي) است که جایگاهی در مسجد نبوی - داشت، چنانکه (مالک بن انس) (حسن بصری) و بزرگان مدینه پیش او می آمدند و از او درس می گرفتند (ابن خلکان) و فیات الاعیان ج (ص ۲۲۸)

(ربیعۃ الراي) انجمن های (درس) فراوانی داشت، همانگونه که حسن بصری دارای انجمن های بزرگی در مسجد بصره بود و در آنجا به مردم پند می داد و سخن می گفت و از سازبان ترین مردم روزگار خود به شمار می آمد (کتاب پیشین ج ص ۱۶۰)

مسجد تنها به وعظ و راهنمایی و تفسیر قرآن و آموختن و خواندن و نوشتن به باسوادان و مانند آن محدود نگردید، بلکه دانشهای فراوان نوظهوری که در اسلام، پس از کشور گشائی هایی بزرگ که روزگار خلفای راشدین و امویان پایان یافت، راهی مسجد گردیدند و در کنار دانش های دینی تعلیم می شدند. بنابراین آمیختگی میان عرب و عناصری که پس از آن کشور گشایها وارد اسلام شد به آشکار شدن دشواریهای بسیار انجامید، از آن میان اینکه زبان سالم عربی در معرض بیماری غیر عربی قرار گرفت، تا آنجا که میان عرب کسانی یافت شدند که زبان تازی نمی دانستند، باور بعضی از اینان با شک و دودلی روبه رو گردید و پاره ای جنبش های کفر آمیز نمودار شد.

بدین گونه همگی مسائل تأثیری داشت در دگرگونی آموزش ، تا آنجا که به پدید آمدن پژوهش ها و درس هائی مانند (دانش نحو) انجامید به همین ترتیب در امور دینی بحث کنندگان فراوان شدند، که خود دانش و علم کلام را به همراه آورد.

کارسترگ، انگیزه ی مستقیمی است در به وجود آمدن فرقه بزرگ اسلامی فرقه (معتزله) و به پا داشتن نخستین انجمن درس علم کلام، در مسجد بصره ، به هنگامی که (واصل بن عطا) و (عمرو بن عبید) از انجمن درس حسن بصری کناره گرفتند و با همکاری تنی چند از شاگردان خود ، انجمن درس ویژه ای به وجود آوردند. (احمد امین: فرج الاسلام ج ۱ ص ۱۹۸)

گاهی شاعران هم مسجد را برای بازگویی و خواندن شعر خود برمی گزیدند. جاحظ این گفته را تأیید می کند، زیرا او ، بازگویان مسجدی را که در بصره دیدار کرده است یادآور می شود. (الرافعی : تاریخ آداب العرب ج ۱ ص ۸۹)

روایت لغت و واژه های پیچیده و دشوار ، از شعر خوانی جدا گردید و گروهی از پژوهشگران واژه شناس ، که در آنجا به (شاگردان زبان تازی) مشهور شده بودند ، نمودار گردیدند ، اینان نخستین پایه گذار در درسهای واژه شناسی به شمار می آمدند.

بدین ترتیب قاضیان جلسات خود را در غرفه های مسجد تشکیل می دادند، همچنین حدیث دانان در آنجا انجمنهایی برای بازگویی حدیث برپا می داشتند و بدین وسیله مسجد به تمام معنا ، جایگاهی برای درس گردید. در آنجا مردم خواندن و نوشتن می آموختند و با قرآن و تفسیر آن آشنا می شدند و زبان عربی و شعر فرا می گرفتند، همانگونه ، در آنجا اندیشمندانی از پیشوایان علم کلام حضور می یافتند. مسجدها مدرسه هائی بودند که دانشمندانی بزرگ همچون (مالک بن انس) که دانش را در مسجد فراگرفت به جهان عرضه کرده است

(ابوحنیفه) در مسجدهای کوفه و مساجد بغداد پرورش یافت و (شافعی) در مسجد فسطاط بر وزن استاد: از نخستین شهرهای مسلمانان در مصر است که عمرو بن عاص (۶۳۹) آنرا بساخت محل آن بین قاهره و مصر باستان است و (احمد بن حنبل) در مساجد بغداد پرورش یافت.

در علوم واژه شناسی (لغت) و نحو (خلیل بن احمد فراهیدی) پایه گذار علم عروض و فن لغت نامه ها در زبان عربی است و بیشتر زندگیش را در بصره به وارستگی و پارسایی سپری ساخت تا اینکه در سال ۱۷۴ ه بدرود حیات گفت و نیز شاگرد او (سیویه) در گذشته به سال ۲۵۵ ه در ادبیات شکوفا شد از این رو مساجد اسلامی، نخستین جایگاه کسب دانش به شمار می آیند.

از این میان می توان برای نمونه، مسجد نبوی در مدینه، مسجد جامع بصره ، مسجد الاقصی در بیت المقدس، مسجد جامع اموی در دمشق، جامع بن طولون در قطائع و جامع الازهر را در قاهره، یاد کرد که همگی در روزگار امویان و عباسیان در سده ی چهارم هجری جایگاههای درس و آموزش بودند. این

مساجد رسالت آموزشی و فرهنگی خود را به بهترین وجهی انجام دادند و دانشمندان و استادانی بزرگ و محققینی بلند پایه پرورش دادند. این بود نخستین قصدها و آهنگها در پایه گذاری مدرسه های دانشگاهی، در جهان اسلام، زیرا در این مساجد همانگونه که پایه ریزی شده بودند، بسیاری از علوم تعبیه می شدند تدریس در مسجد (منصور) بغداد آرزوی بسیاری از دانشمندان و فقها بود.

سیوطی) روایت کرده است که در (مسجد جامع طولونی) گذشته از تفسیر و واژه شناسی علم روش ها و چگونگی های خواندن قرآن، پزشکی و نجوم هم تدریس می گردد.

(السیوطی: حسن المخاضره ج ۲ ص ۱۳۸)

به هر مسجدی کتابخانه ای بزرگ متصل بود که کتابهای زیادی، در علوم و هنرها و فنون گوناگون وجود داشت این کتابها معمولاً وقف مساجد بودند و دست به دست نمی شدند. بدین گونه از روزگار پیامبر (ص) تا سده چهارم هجری، مسجد دگرگونی و گسترش یافت و رسالت خود را در انتشار اعتقاد اسلامی و دمیدن روح رزمی در رزمندگان و آماده ساختن آنان برای دفاع از میهن اسلامی انجام داد بدین ترتیب پیروزی مهمی در فرهنگ اسلامی بدست آورد و به تدریج گسترش یافت، بنابراین اولین جایگاه انتشار دانش و فرهنگ در جهان اسلام مسجد بود، در آنجا نخستین پیشاهنگان از بزرگ دانشمندان مسلمان و حقوقدانان و فقهاء تربیت شدند و دانش آموختند.

۲- مکتب:

در کنار مسجد ها به عنوان مدارس عالی، جایگاههای دیگری برای آموزش کودکان یافت می شد و آن (کتابتیب) بود مگره مفرد آن کُتّاب بر وزن طُلاب) است در این مکتب، کودک خواندن و نوشتن مقدمات دین اسلام، اصول حساب، نحو و اشعار عربی می آموخت. در اینجا به از بر کردن قرآن شریف، به کودکان توجه می شد.

وضع آموزگاران در این آموزشگاهها، خوب نبود و علت آن کمی درجه مرتبت آنان بود این کودکان یا در خانه ای که از آن خود آموزگار بود، درس می خواندند یا در جایی که او اجاره می کرد و یا در یکی از غرفه های مسجد.

برخی از منابع یاد آور می شوند که فقهاء به بودن مکتبها در مساجد تمایل نداشتند زیرا کودکان پاکیزگی و حرمت آن را از میان می بردند و در بین خواندن و قرائت قرآن سر و صدا برمی خامست. که به نمازگزاران لطمه وارد می ساخت.

در روزگار امویان و عباسیان، پس از آنکه خلفا و فرمانروایان و سرداران به زندگی اشرافی عادت کردند و زندگی تجملاتی و پیرایه ای، چیره شد و گرایش به دور شدن و جدائی از قشر جامعه مردم پیدا کردند: کم کم می بینیم که این دسته از خلفا و سرداران، برای آموزش فرزندان خویش آموزگاران ویژه برمی گزینند، این آموزگاران را مُؤدّب می گفتند، واضح است که (مودب) بلند.

برنده نیز از آموزگاران کودکان در مکتبها می‌باشند (علی بن حسن الاحمر) (یاقوت: معجم الأدباء، ۱۳ ص ۵). مودب (امین) پسر هارون الرشید، پر خرج بود و کاخ مخصوصی داشت و او را خدمتگزارانی بود. در برابر تربیت امین هزینه و دارائی فراوانی دریافت می‌کرد.

(ابن سکیت) هم در هر ماه برای تربیت دو فرزند (محمد بن عبدالله طاهر) برابر هزار درهم دریافت می‌داشت (ابن خلکان: وفيات الاعیان ج ۲ ص ۴۶۱)

(ابوالمظفر علی بن نیاز) مودب فرزندان (مستنصر) همینکه آموزش قرآن فرزندان خلیفه (مستنصر) پایان می‌یافت، هدیه‌ها و یاداشتهایی ارزنده دریافت می‌کرد. (الحوادث الجماعه ص ۸۹ مطبعه الفرات بغداد ۱۳۵۱ هـ) این مکتبها در جهان اسلامی بسیار بودند و در انتشار اصول نخستین خواندن و نوشتن به ویژه، و آموزش پایه‌های مقدماتی حساب، نحو و جز آن تأثیر مهمی داشتند. مودیان پخش گردیدند و شهرهای بزرگ از آنان پر شد.

این مکتبها همزمان با به وجود آمدن مدرسه‌ها بودند و همراه با جنبش مدرسه‌ای پیش می‌رفتند. این همان بود که مدرسه‌ها و به شکلی ویژه، مدرسه نظامیه بغداد را برای دانشجویانی که می‌خواستند آموزش عالی خود را به پایان برسانند و به دانش‌های نوینی مانند: اصول فقه، تفسیر، حدیث و دیگر دانش‌ها دست یابند و مجال خواندن آنها در مکتب فراهم نمی‌آمد، گسترش می‌داد و آماده می‌ساخت.

انجمن‌های علم و ادب:

این انجمنها فراوان، در خانه‌های خلفا و فرمانروایان تشکیل می‌شد. در آنجا دانشمندان پیرامون لغت، شعر، فقه، فلسفه، منطق و علم کلام به گفتگو و مناظره می‌نشستند میان این دانشمندان مجادلات و مباحثات به پا می‌شد.

شاید (مأمون) بیش از همه خلفا بدینگونه نشست‌های علمی دلبستگی داشت (الآغانی) پر از مطالب گیرایی است از نشست‌های ادبی که خلفای بنی‌امیه بخصوص خلیفه (عبدالملک) و پسر او (ولید) آنها را برپا می‌کردند. خلفای بنی‌عباس به این نشست‌ها دلبستگی نشان می‌دادند، مشهورترین کسی که کاخ وی، کعبه دانشمندان و ادیبان بود و در نشست او (ابونواس) (ابوالعتاهیه) (دعبل) (مسلم بن ولید) (عباس بن احنف) (ابراهیم موصلی) (اصمعی) (کسانی) (واقدی) شرکت داشتند خلیفه (هارون الرشید) بود (نیکلسون: تاریخ ادبی عرب ص ۲۶۲ کمبریج، ۱۹۳۰)

مأمون خود ادیب و دانشمند بود. با دانشمندان دمخور بود و آنان را به مباحثه و مناظره وامی‌داشت. مأمون به مذهب معتزله، که بر جدل استدلال تکیه می‌کرد، گروید. این چنین بود کاخ (سیف الدوله حمدانی) فرمانروایی که (ثعالبی) در باره‌ی او گفته است: (قبله‌ی آرزوها و خانه‌ی مردان، انجمن

ادیبان و گروه شاعران بود). گویند بزرگان شعر و ستارگان و برجستگان روزگار، پس از خلیفه به در خانه هیچکس همچون خانه حمدانی گرد نمی آمدند. (ابن خلکان: و فیات الاعیان ج ۲ ص ۶۶۱) کاخ محمود غزنوی هم پراز دانشمندان بزرگ مانند بیرونی، شاعر بزرگ فردوسی و عتبی تاریخ نگار بود. (هیتی فیلیپ) سرگذشت عرب ص ۴۶۵، لندن ۱۹۴۹)

(ابن اثیر) بازگو می کند که چگونه (غزالی) در یک مجلس مناظره، نزد وزیر (نظام الملک) شرکت کرد و با بزرگ دانشمندان آن مجلس به گفتگو و مناظره نشست و همگی را شکست داد. در همانجا، نظام الملک او را به تدریس در مدرسه نظامیه بغداد منصوب کرد (السکی: طبقات الشافعیه ج ۴ ص ۱۰۳ المطبعه الحسینیة، القاهرة ۱۳۲۴ هـ)

۳- خانه های علم (دانشسراها)

در کنار مساجد و انجمن های دانش، دانشسراهای ویژه ای، برای تدریس و پژوهش پیدا شد که به آنها خانه های علم یا حکمت می گفتند. نامی ترین آنها دارالحکمه بغداد، دارالعلم موصل و دارالعلم قاهره است. این دانشسراها کانونهای پرورش علمی و فرهنگی بودند (بیت الحکمه) بغداد را خلیفه هارون الرشید بنیاد کرد که کتابخانه های بزرگ داشت بیشتر کتابهای این کتابخانه را کتابهای پارسی، یونانی و هندی تشکیل می داد. (سهل بن هارون) در گذشته به سال ۲۱۵ هـ که مردی شاعر و نویسنده بود، سرپرستی آن کتابخانه را به عهده داشت (یاقوت: معجم الادباج ۱۱ ص ۲۶۶)

کار جلد سازی و صحافی این کتابها با (ابن حریش) بود (ابن الندیم: الفهرست ج ۱ ص ۱۰) مأمون به این دانشسرا توجه و دل بستگی خاصی داشت. این دانشسرا در پژوهش و بررسی علمی، نقشی بزرگ داشت. در آنجا جنبش عظیمی در ترجمه کتابهای بیگانه به زبان عربی آغاز گردید که به آمیختگی و برخورد فرهنگ تازی با فرهنگهای گوناگون باستانی انجامید (ابوالقاسم جعفر بن حمدان موصلی) در گذشته به سال ۳۳۳ هـ نیز دانشسرای در موصل بنیاد نهاد و بدان کتابخانه ای که ورود برای همگان آزاد بود، ضمیمه کرد و آنرا بر دانشجویان وقف ساخت (یاقوت: معجم الالباء ج ۲ ص ۴۲۰) وزیر آل بویه، ابونصر شاهپور پسر اردشیر به سال ۳۸۳ هـ دانشسرای در بغداد ساخت که در سمت غربی بغداد نزدیک کرخ قرار داشت.

او کتابهای فراوانی را خریده بود و در آنجا نهاده تا مورد استفاده عموم قرار گیرد. (ابن الجوزی: المنتظم ج ۸ ص ۲۲، دائره المعارف النظامیه به حیدر آباد ۱۳۲۵ هـ) (الحاکم بامر الله) در قاهره خانه ای بنیاد کرد آنرا خانه علم (دانشسرا) می گفتند. در گشایش آن به سال ۳۹۵ هـ جشنی گرفت و کتابهای فراوان بدانجا برد.

مردم به آن دانشسرا می آمدند و به درس خواندن می پرداختند و از کتابها دستنویس می کردند، برای این دانشسرا کتابخانه و در بنانی تعیین شده بود و در آنجا گروهی مأموریت یافتند به مردم علوم

مختلف بیاموزند. نوشتن اجزاء مورد نیاز آنان مانند مرکب و کاغذ در دسترس گذاشته شده بود (المقریزی: الخطط ج ۲ ص ۳۳۴)

این دانشگاه چه در بغداد و چه در موصل یا قاهره به دانشکده ها و مدارس و مؤسسات عالی امروزیین همانند بود. چه بسا پژوهشها و بررسی های علمی، در آنجا، بیشتر انجام می گرفت.

۴- مدارس

در لغتنامه های عربی، به معنای جای درس خواندن آمده است.

همه گزارش هایی که به دست ما رسیده است نشان می دهد که (نیشابور) گاهواره و خاستگاه این جایگاهها به نام مدارس بود.

حاکم نیشابوری نویسنده تاریخ نیشابور می گوید: نخستین مدرسه، مدرسه ای بوده است که برای هم روزگار او، ابواسحاق اسفرائینی متوفی به سال ۴۰۸ ه در نیشابور ساخته شد زیرا می بینیم که نیشابور کائونی از کانونهای اهل تسنن به ویژه شافعی بوده است.

دکتر (حواد مصطفی) بر آنست که نخستین مدرسه ای که در بغداد ایجاد شد مدرسه (ابوحنیفه) بود که (مستوفی المملکه) ابوسعید آرا بنیاد نهاد و برابر روز ۲۷ جمادی الآخر که نظام الملک وزیر به ایجاد آن فرمان داد. سال ۴۵۷ ه آغاز گردید و ساختمان آن دو سال به درازا کشید در آن شهر گشایش یافت. (برگردان از کتاب: المدرسة المستنصرية رسالة حسين امين) معلم تاریخ اسلام دانشگاه بغداد

نظامیه

نام مدارس است که به امر خواجه نظام الملک وزیر دانشمند و با قدرت دولت سلجوقیان در قرن پنجم در ولایات مهم قلمرو سلجوقی تأسیس شد. این مدارس به صورت آموزشگاههای مرتب شبانه روزی مخصوص شافعی مذهبیان اداره می شد و وسایل آسایش طلاب فراهم بوده است معروف ترین نظامیه ها عبارتند از:

۱- نظامیه نیشابور که در اواخر نیمه اول قرن پنجم به امر خواجه نظام الملک برای امام الحرمین ابوالعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (متوفی به سال ۴۸۷ ه) بنا شد.

۲- نظامیه بغداد. بنای این مدرسه در سال ۴۵۹ ه پایان یافت در این دارالعلم ۶ هزار تن دانشجو به تحصیل اشتغال داشتند. و به روایت ابن جیبیر اندلسی که در سال ۵۸۰ از بغداد دیدن کرد: بغداد را نزدیک سی مدرسه است و بزرگترین آنها نظامیه است

۳- نظامیه بلخ که رشید و ضوابط در آنجا درس خوانده است.

۴- نظامیه بصره، به روایت مؤلف تجارب السلف از نظامیه بغداد بزرگتر بوده است.

۵- نظامیه اصفهان که نظام الملک ده هزار دینار از ضیاع و مستغلات خود را بر آن وقف کرده بود و آنرا بنام صدرالدین خجندی مدرسه صدریه هم نامیده اند گذشته از اینها نظامیه هایی در مرو و موصل و هرات نیز به همت خواجه نظام الملک تأسیس شد. (تاریخ ادبیات دکتر صفاح ۲ ص ۲۳۴ - ۲۴۱ مستنصریه نام مدرسه ای در بغداد است که المستنصر بالله عباسی آنرا ساخت. این مدرسه که به سال ۳۳۲ ساخته شد محلی برای تدریس مذاهب اربعه اسلامی بود.

(تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده ص ۵۲۷) غزالی نامه نوشته جلال الدین همایی ص ۱۴۵ و ۱۴۶) دارالشفای مدرسه دینی بزرگی است در شهر قم که سابقاً مریضخانه آستانه بود و فتحعلی شاه قاجار در موقع ساختمان مدرسه فیضیه به سال ۱۲۱۲ قمری آنرا هم احداث کرد و توسعه بخشید به طوری که دارای ۳۲ حجره تحتانی و ۲۰ حجره فوقانی است. بانی طبقه تحتانی فتحعلی شاه و بانی طبقه فوقانی حاج میرزا محمد علی توتون فروش تهرانی است که در سال ۱۲۵۹ قمری آنرا به پایان برد و شاهزاده کامران میرزا در سال ۱۳۰۴ قمری به قم رفت و به تأسیس یک بیمارستان در دارالشفای همت گمارد و یک طبیب به مدیریت آن گماشت و تعدادی طبیب و کارگر برای آنجا استخدام کرد، پس از وفات کامران میرزا فقط اسمی از آنجا ماند حجرات مدرسه انبار کسبه و عمارت مدرّس، قهوه خانه شده بود. در سال ۱۳۳۷ آیت الله فیض همه آنجا را پاک سازی و تعمیر نموده محل سکونت محصلین علوم دینی قرار داد.

دارالشفای : نام مدرسه عالی شیراز است که به دستور شاه شجاع پسر امیر مبارزالدین از سلسله آل مظفر ساخته شد و به امر این پادشاه، میر سید شریف جرجانی عالم معروف را به استادی این مدرسه گماشت، شاه شجاع در خدمت به اهل فضل و دانش بسیار کوشا بود.

دارالفنون : اولین مرکز تحصیلات جدید:

مدرسه عالی معروفی که به همت میرزا تقی خان امیر نظام فراهانی وزیر ناصرالدین شاه تأسیس شد و در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ قمری یعنی سیزده روز قبل از قتل امیر کبیر با هفت نفر معلم اتریشی و عده ای مترجم که از میان محصلین اعزامی به فرانسه در ۱۲۶۰ انتخاب شده بودند، گشایش یافت و تعداد محصلین آن به ۱۵۰ نفر رسید.

دانشگاه تهران : دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شمسی به موجب (قانون تأسیس دانشگاه) مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳ ایجاد گردید و در این تاریخ از مدارس عالی که در آن هنگام وجود داشت (مانند دارالمعلمین عالی مدرسه حقوق و علوم سیاسی، مدرسه عالی طب) دانشگاه تهران تشکیل شد و به سرعت اجزاء مختلف آن ایجاد گردید.

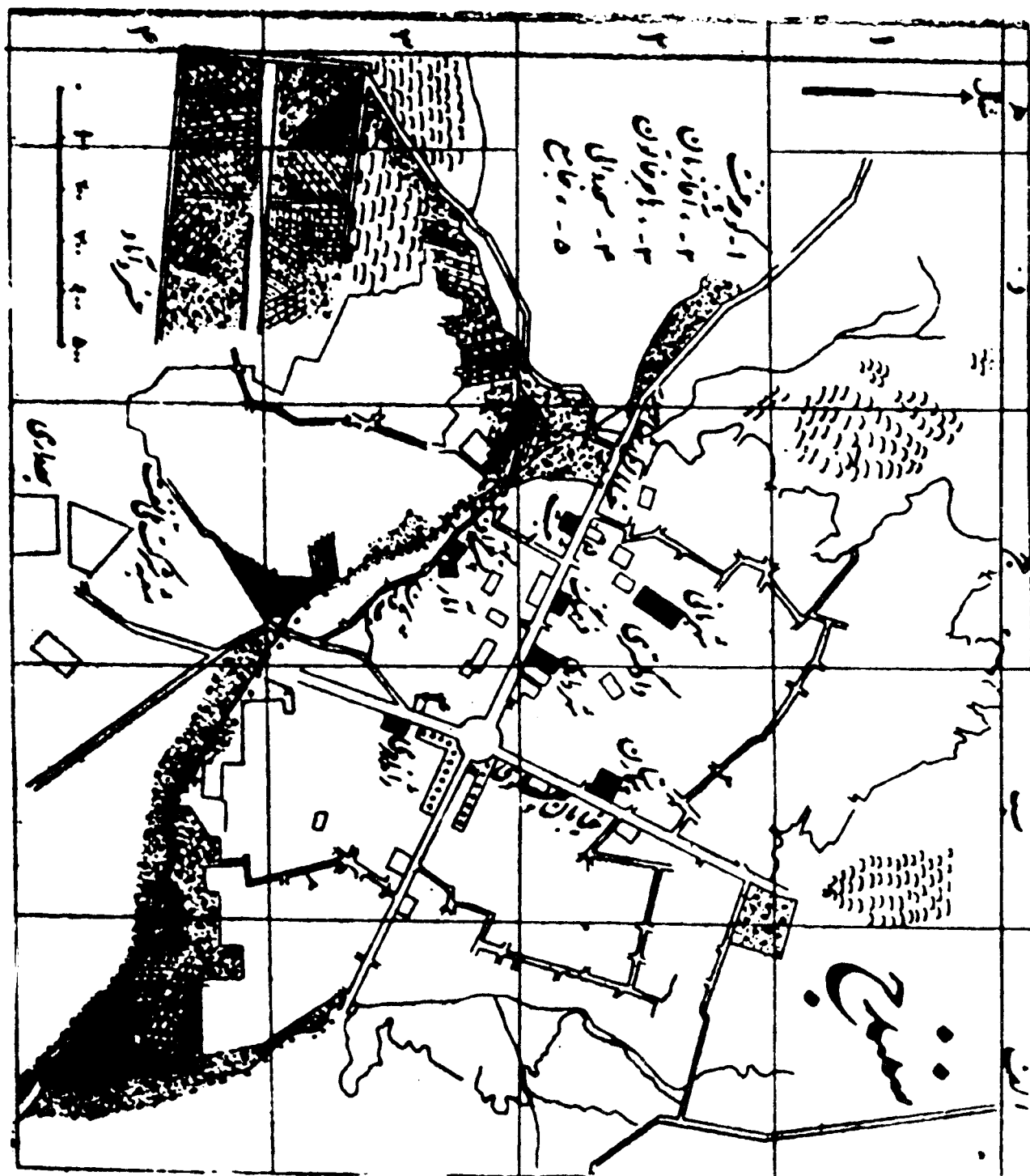
دارالمعلمین عالی و مدرسه طب شعبه هایی از مدرسه دارالفنون بودند که به دانشگاه تهران ضمیمه شدند و به سرعت دانشکده های دیگری به شرح زیر به آن افزوده گردید.

- ۱- دانشکده هنرهای زیبا در ۱۳۱۹ تأسیس شد
- ۲- دانشکده ادبیات تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد.
- ۳- از سال ۱۳۱۹ دانشکده پزشکی دارای تشکیلات نوینی شد که با مدرسه عالی طب تفاوت زیادی داشت.
- ۴- دانشکده حقوق: دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی در ۱۳۰۵ به وجود آمد.
- ۵- دانشکده دارو سازی: بنا به اراده شورای دانشکده، این دانشکده از اول مهرماه ۱۳۳۰ تأسیس و دانشجو پذیرفت و دوره تحصیلات آن ۵ سال مقرر گردید.
- ۶- دانشکده دامپزشکی: این دانشکده در سال ۱۳۱۱ به وسیله وزارت کشاورزی تأسیس گردید و در سال ۱۳۲۴ ضمیمه دانشگاه تهران شد.
- ۷- دانشکده دندان پزشکی: این دانشکده در سال ۱۳۳۵ از دانشکده پزشکی جدا و مستقل گردید.
- ۸- دانشکده علوم: این دانشکده در ابتدای تشکیل دانشگاه یکی از شش دانشکده اصلی بود. در سال ۱۳۲۸ برنامه دانشکده علوم هم به منظور تربیت معلم و هم متخصص در رشته های علوم، تغییراتی یافت.
- ۹- دانشکده علوم معقول و منقول: این دانشکده به موجب قانون تأسیس دانشگاه مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳ در محل مدرسه سپهسالار تشکیل شد. دانشکده معقول و منقول در سال ۱۳۱۸ منحل و ضمیمه دانشکده های حقوق و ادبیات گردید و در سال ۱۳۲۱ مجدداً در مدرسه عالی سپهسالار گشایش یافت و دارای ۴ رشته گردید: ۱- رشته معقول ۲- رشته منقول ۳- رشته فرهنگ اسلامی ۴- رشته ادبیات عرب
- ۱۰- دانشکده فنی: این دانشکده در خرداد سال ۱۳۱۳ تأسیس و در همان سال دایر گردید.
- ۱۱- دانشکده کشاورزی: این دانشکده در سال ۱۳۰۱ در شهر کرج به نام آموزشگاه عالی فلاحات تأسیس شد و تا سال ۱۳۲۴ زیر نظر وزارت کشاورزی بود و از این سال به دانشگاه تهران ملحق شد.
- (۲) **دانشگاه اصفهان:** این دانشگاه دارای سه دانشکده است: ۱- دانشکده پزشکی که در سال ۱۳۲۹ تأسیس شد ۲- دانشکده دارو سازی که در ۱۳۲۵ تأسیس شد
- ۳- دانشکده ادبیات روزانه و شبانه که در سال ۱۳۳۷ آماده پذیرش دانشجو شد
- (۳) **دانشگاه اهواز:** این دانشگاه دارای دو دانشکده است ۱- دانشکده کشاورزی تأسیس یافته در ۱۳۳۴
- ۲- دانشکده پزشکی که در ۱۳۳۵ تأسیس شد. دانشگاه اهواز را دانشگاه گندی شاهپور نیز می نامند.
- (۴) **دانشگاه پهلوی:** این دانشگاه در ۱۳۲۸ در شیراز تأسیس شد.
- (۵) **دانشگاه تبریز:** این دانشگاه در ۱۳۲۶ تشکیل شد.

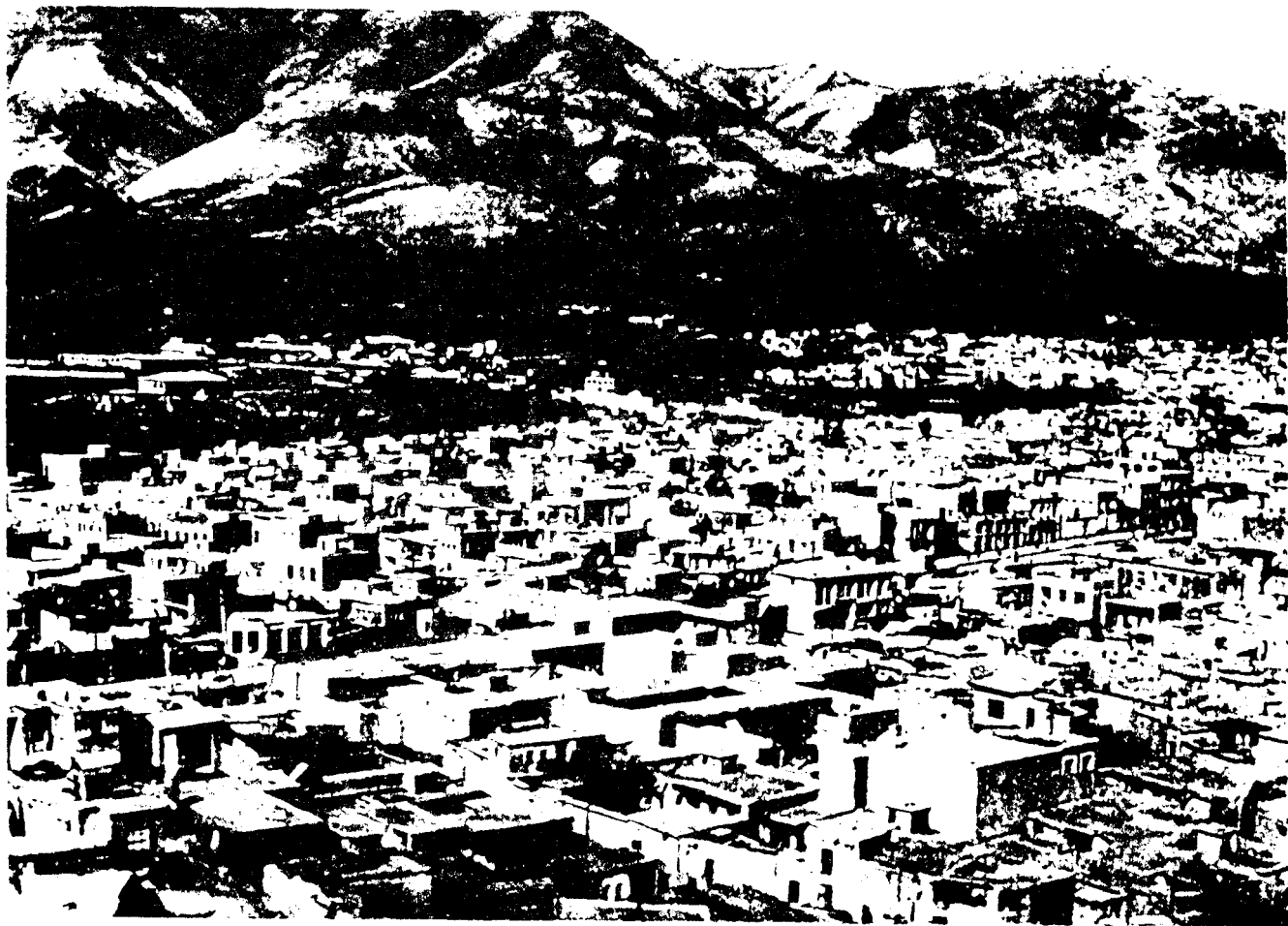
(۶) - **دانشگاه مشهد:** در سال ۱۳۱۸ در شهر مشهد آموزشگاه عالی بهداری تأسیس و در ۱۳۲۶ تبدیل به دانشکده پزشکی و در ۱۳۲۸ گشایش یافت و به تدریج دانشکده های دیگری به آن اضافه شد و به صورت دانشگاه مشهد جلوه نمود.

(۷) - **دانشگاه ملی ایران:** این دانشگاه با دو دانشکده پزشکی و معماری در سال تحصیلی ۴۱ - ۱۳۴۰ دایر گردید و به سرعت دانشکده های دیگری به آن افزوده شد.

بخش دوم



بانی قدیمی از شهر سنج



شرح موقعیت استان کردستان بخاطر تطبیق با مطالب این کتاب از فرهنگ جغرافیایی ایران نوشته در ۱۳۳۰ استفاده شده .

سندج: اطلاعات جغرافیایی شهر سندج مرکز فرمانداری کل کردستان به طور اختصار بشرح زیر است:

تاریخ بنا و بانی - شهر سندج در سال ۱۰۴۶ هجری قمری زمان سلطنت شاه صفی به وسیله سلیمان خان اردلان والی کردستان ساخته شده و نام آنرا سنه نوشته اند، و دژ مهم و معتبری که اهمیت نظامی دارد روی تپه ای در وسط شهر بنا شده و سنه دژ نامیده می شود، در ازمنه قدیم مدتی قصبه بهار مرکز کردستان جنوبی محسوب می شد و زمانی حسن آباد واقع در ۸ کیلومتری جنوب شهر سندج مرکزیت داشته اکنون آثار ابنیه قدیم در قلعه مجاور حسن آباد مشاهده می شود.

مختصات جغرافیایی - طول از گرینویچ ۴۷ درجه عرض از خط استوا - ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه شمالی - ارتفاع از سطح دریا ۱۴۹۵ متر در ۴ درجه - و ۴۴ دقیقه غربی تهران واقع شده سندج از طرف شمال محدود است به شهرستانهای سقز و مراغه، از طرف جنوب به کرمانشاه از طرف خاور به همدان و بیجار و از باختر به کشور عراق

سندج از ۸ بخش زیر تشکیل شده:

۱- بخش حومه شامل ۵ دهستان ۲۵۲ آبادی ۱۱۴ هزار نفر

۲- بخش پاوه شامل ۲ دهستان ۱۳۵ آبادی ۲۷ هزار نفر

۳- بخش دیواندره ۶ دهستان ۲۶۶ آبادی ۴۸ هزار نفر

۴- بخش رزاب ۳ دهستان ۱۳۵ آبادی ۴۴ هزار نفر

۵- بخش روانسر ۱ دهستان ۵۰ آبادی ۱۰ هزار نفر

۶- بخش قروه ۵ دهستان ۲۴۷ آبادی ۸۰ هزار نفر

۷- بخش کامیاران ۴ دهستان ۱۵۴ آبادی ۳۸ هزار نفر

۸- بخش مریوان ۴ دهستان ۱۲۲ آبادی ۱۸ هزار نفر

جمع: ۳۰ دهستان ۱۲۴۱ آبادی ۳۸۰ هزار نفر

درجه حرارت در تابستان حداکثر به اضافه ۴۰ و زمستانها منهای ۱۵ درجه می باشد .

میزان بارندگی بطور متوسط در سال ۵۰ سانتی متر است. ارتفاعات آن دو رشته کوه است که جهت امتداد آنها شمال باختر به جنوب خاور است. این دو رشته از کوه مرتفع و مهم چهل چشمه که بعد از کوه شاهو مرتفع ترین کوه در کردستان است. و از سطح دریا ۳۴۶۴ متر ارتفاع دارد - گردنه آریز بین سندج و مریوان که شوسه سندج - مریوان از آن می گذرد. شعبه دوم از کوه در جهت خاور ادامه یافته و از جنوب قروه و شمال سنقر کلیائی و اسد آباد به کوه الوند متصل می شود.

رودهای آن یکی رود قشلاق است که از ارتفاعات شمال و باختر حسین آباد سرچشمه گرفته و در ۶ کیلو متری خاور سندج جریان دارد. این رودخانه در ۳۶ کیلومتری جنوب سندج به رودخانه گاورود

ملحق می شود. دوم گاورود از ارتفاعات خاوری سنقر کلیائی سرچشمه گرفته و از بخش کامیاران گذشته به قشلاق متصل می شود و بعد از عبور از اورامان و ملحق شدن به رود رزاب و مریوان بنام رودخانه سیروان دهستانهای کشور عراق را مشروب می سازد راههای شوسه سنندج به شرح زیر است:

۱- از طرف شمال راه شوسه درجه ۳ خاکی به طول ۲۰۵ کیلومتر از حسین آباد - دیواندره گذشته به شهر سقز می رسد.

۲- از طرف جنوب راه شوسه درجه ۲ خاکی به طول ۱۵۹ کیلومتر از گردنه مروارید و دشت کامیاران گذشته به کرمانشاه می رسد.

۳- از طرف باختر راه شوسه درجه ۳ خاکی سنندج - مریوان به طول ۱۲۹ کیلومتر

سازمان: بخش حومه از ۵ دهستان بنام کلاترزان - حسن آباد - حسین آباد - ژاورود - ییلاق تشکیل شده - تعداد آبادی و جمعیت بخش حومه از ۲۵۲ آبادی تشکیل شده سکنه آن به اضافه جمعیت شهر ۱۱۴ هزار نفر و سکنه شهر ۴۰ هزار نفر است زبان مادری کردی، به فارسی آشنا و مذهب عموم سنی شافعی است و اکثر ادارات و بانک ملی در این شهر وجود دارد. جمعیت شهر سنندج در ۱۳۷۳ ۶۱۳۷۳ و ۳۶۰۰۰۰ نفر است.

تأسیس مدارس جدید در کردستان

مدرسه کلدانیان که در سال ۱۳۰۶ شمسی دبستان پهلوی نامیده شد اولین مدرسه ای است که بوسیله مؤسسه پرماکد و با جدیت کشیش ابوالواحد در سال ۱۸۹۶ میلادی مطابق ۱۳۱۴ قمری در ۱۲۷۴ شمسی در محله کلدانیان (مسیحیان) سنندج تأسیس شد و با کادری مجهز و قوی شروع به کار نمود.

مدرسه آلیانس که در سال ۱۳۱۵ به دبستان اتحاد تغییر نام یافت در سال ۱۸۹۷ مسیحی مطابق ۱۳۱۵ قمری و ۱۲۷۵ شمسی با سفارش مؤسسه آلیانس در فرانسه بوسیله مسیوتر گانو در خیابان سیروس محله کلیمی ها تأسیس و شروع به کار نمود و هر چند سال بازرسانی برای سرکشی و استحکام موقعیت مدرسه از طرف مؤسسه مزبور فرستاده می شد. هر دو مدرسه غیراسلامی و از حمایت وزارت معارف برخوردار بود، چنانچه مدرسه کلدانی ها، ماهیانه ۵۵۰ ریال و مدرسه آلیانس ۱۰۰ ریال کمک خرج دریافت می داشتند. اشراف و سرمایه داران شهر فرزندان خود را در یکی از این دو مدرسه به تحصیل واداشته بودند و چون واهمه داشتند که مبدا تبلیغات مذهبی در عقایدشان رسوخ کند، با مطالعه کافی از مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام که جوانی، تحصیل کرده و روشن و روحانی ستوده خصال بود، دعوت کردند تا سرپرستی اطفال مسلمان را در این دو مدرسه بر عهده گیرد. دعوت مورد استقبال و این مأموریت بدون توقع و چشمداشتی چهار سال به طول انجامید. ایران امروز ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶، اوزن اوین، ترجمه علی اصغر سعیدی، کتاب فروشی زوار تهران ۱۳۲۶ هـ ق چنین می نویسد: (سنندج: اسقف نشین سنه) جنوبی ترین سه دایره اسقفی کلدانی کردستان ایران است. کلدانی های اردلان (۱۵۰ خانوار) عموماً در کرسی ایالت ساکن هستند و از راه تجارت به ثروت کلانی دست یافته اند. پرماکدو در سنندج یک باب مدرسه فرانسوی با ۱۴۰ شاگرد تأسیس کرده، در این مدرسه پسران آقاهای کرد ایالت اسم نوشته اند) ص ۳۴۵ پاورقی

در سال ۱۳۱۷ قمری مطابق با ۱۸۹۹ میلادی و حدود ۱۲۷۷ شمسی مرحوم علی اکبر صادق الملک (وقایع نگار) در سنندج مدرسه ای ترتیب داد و شروع به تعلیم نمود، با کمال تأسف صادق الملک در ۱۳ شوال همان سال بدرود حیات گفت و فقدان وی موجب تعطیل مدرسه گردید.

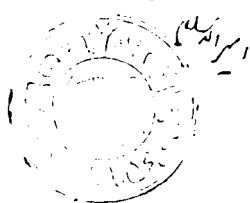
پس از آن در شهریور ماه ۱۲۷۹ شمسی مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام در شرائطی سخت و جوی بسیار نامساعد به کمک ملا احمد قطب الاسلام، مدرسه ای با هزینه شخصی تأسیس نمود و آنرا مدرسه سعادت نام نهاد. (سند شماره ۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible][illegible][illegible]

عطا الہ مدرسہ اسلامیہ
(مدرسہ بارہ اعلیہ کرمان)
۱۴۱۳

مدار مطبقی و صریح است



مرحومین عبدالکریم دبیری ملقب به میرزا جناب و سید نجم الدین پدر علاءالدین سجادی استاد دانشگاه بغداد و صاحب تألیفات عدیده و حبیب الله آموزگار ملقب به ناصرالکتاب و ملا حسن شکیبا در این مدرسه با آنان همکاری داشتند.

این مؤسسه علمی علیرغم مخالفت ها و کارشکنی های کوتاه بینان که پذیرای ترقی و پیشرفت جامعه بسوی مدنیت جدید نبودند، قریب ده سال به کار خود ادامه داد.

در سال ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۲۸۳ شمسی ۱۹۰۵ میلادی ابوالفتح میرزا سالار الدوله فرزند مظفرالدین شاه و برادر محمد علیشاه قاجار که در کردستان حکمران و صاحب نفوذ و اقتدار بود در جمادی الاولی همان سال مدرسه ای بنام (سالاریه) تأسیس نمود که بیش از هفت ماه برقرار نبود و با معزول شدن او در ماه ذیقعدة از حکومت کردستان، تعطیل شد. مدیر این مدرسه مرحوم ابوالبقا مظهر الاسلام بود.

پس از آن حاج فتح الملک اردلان در ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲۸۷ شمسی به یاری حاج شیخ یحیی معرفت ملقب به اعتضاد الاسلام مدرسه ای بنام معرفت دایر نمود که آن هم پس از یک سال پایدار نماند. و منحل شد. در این اوقات میرزا عبدالکریم دبیری نیز در منزل خود دو کلاس تشکیل داده بود و آنرا (مدرسه دانش) نام کرده بود.

در این گیرودار مرحوم رکن الاسلام علاوه بر اداره مدرسه سعادت در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۲۸۶ شمسی بحکم وزارتی، معاونت اوقاف و نمایندگی معارف کردستان را عهده دار گردید. (سند شماره ۲)

دولت علیہ ایران



دولت علیہ ایران

وزارت

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

یونت نیل ۱۲۹۷ شمسی و ۱۳۳۸ قمری

EMPIRE DE PERSE

ANNUAIRE DU MINISTERE

de l'Instruction publique,

des Fondations Pieuses

et des Beaux Arts

1918 - 1919

مطبعه « طهران »

آقای میرزا ابوالقاسم

اسم والد - مرحوم آقا سید عبدالله بهائی - محل تولد - در طهران سنه ۱۲۹۸ - سمت رسمی - امانت اوقاف و نمایندگی معارف عراق - تحصیلات - فقه و جزئی اصول - محل تحصیل - طهران و به سال در نجف اشرف - دخول خدمت - در سنه ۱۳۳۱ در کرمانشاهان و عمر ۱۳۳۷ در عراق - مرانی که از حیث خدمت پیوسته - امانت اوقاف در کرمانشاهان .

آقای میرزا علی سلطان العلماء

اسم والد - آقا میرزا اسمعیل - محل تولد - در نائین سنه ۱۳۰۰ - تحصیلات - علم نحو منطق فقه - محل تحصیل - استهبان و طهران - دخول خدمت - ۱۳۰۳ زهر ذی حجه ۱۳۳۷ - سمت رسمی - نمایندگی معارف و اوقاف خوانسار و کلانگان و کرم .

آقای میرزا علی نصیرالاسلام

اسم والد - مرحوم ملا احمد نصیرالاسلام - محل تولد - در کردستان ۱۲۸۶ - سمت رسمی - امانت اوقاف کردستان تحصیلات - عربی فارسی منطق و کلام - محل تحصیل - در سنندج - دخول خدمت - در سنه ۱۳۱۹ .

آقای سید محمد باقر رکن الاسلام

تاریخ ولد و محل آن - در سنه ۱۲۹۴ هجری در شهر سنندج کردستان - اسم والد - مرحوم آقا سید محمد سید - تحصیلات عربی و فارسی و شریعات و فقه و جفرائی و حساب - محل تحصیل - سنندج کردستان - تاریخ دخول خدمت - ۸ - تاریخ قباله عام ۱۳۲۶ - سمت رسمی - نمایندگی معارف - مرانی که از حیث خدمت پیوسته اول معاونت اوقاف و در تاریخ ۱۳۲۸ - ریاست معارف هم بر عهده نموده است .

کرمانشاهان

رئیس معارف
رئیس اوقاف

آقای حاج میرزا ابوب خان
حاج میرزا باقر

ملایر و نهاوند و تویسرکان

رئیس معارف و اوقاف -

آقای آقا سید و میر

عراق

رئیس معارف و اوقاف

آقای آقا میرزا سید ابوالقاسم بهائی

خوانسار و کلایگان و کرم

رئیس معارف و اوقاف

آقای میرزا علی سلطان العلماء

کردستان

رئیس اوقاف
رئیس معارف

آقای نصیرالاسلام
ملا محمد باقر رکن الاسلام

همدان

رئیس معارف و اوقاف -

آقای میرزا محمود خان

۴ - جنوب

قسم

رئیس معارف و اوقاف

آقای آقا سید و میر

و در سال ۱۳۲۸ قمری ۱۲۸۷ هجری حکم ریاست معارف و صنایع مستظرفه برای معزی الیه صادر و ابلاغ شد در این موقع ریاست اوقاف با ملا جواد شیخ الاسلام بود. مرحوم رکن الاسلام بلافاصله نام مدرسه سعادت را به محمدیه تغییر داد تا بحرمت این نام مقدس، عناد و کارشکنی متوقف شود و گروهی که هر نوع تجدد را به باد انتقاد می گرفتند و تشکیل مدارس و تحصیل علوم جدید را خلاف دین و شریعت قلمداد کرده و کفر محض می دانستند، بخود آیند و دست از مخالفت بردارند. اما باز عده ای ناآگاه و شاید مغرض که می دیدند این بار مدرسه، صورت رسمی تری بخود گرفته و تحت پوشش و حمایت دولت قرار گرفته است به تحریک ملاهای متعصب و قشری و نیز بوسیله گروهی از طلاب علوم دینی منتسب به آنان، هر شب دستبرد می زدند، شبی پرونده و اسناد را آتش می زدند. شبی تابلوی مدرسه را می دزدیدند، و دیگر شب هیزم هایی را که برای سوخت زمستانی مدرسه خریداری شده بود به آتش می کشیدند، رکن الاسلام همکاران خود را دلداری می داد و آنان را به مقاومت و پایداری و ا می داشت در ماه ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۲ فریدالدوله همدانی به ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کردستان منصوب و مرحوم رکن الاسلام و ملا جواد شیخ الاسلام رئیس اوقاف منتظر خدمت گردیدند. فریدالدوله بمحض ورود به سنج به دستور وزارتخانه نام مدرسه محمدیه را به مناسبت حکومت احمد شاه قاجار به احمدیه بدل نمود زیرا در آن وقت تمام شهرهای ایران مدرسه احمدیه داشتند و آقای فریدالدوله آقای عطاءالله معتمدی فرزند حاج معتمد الاسلام را که جوانی شایسته و تحصیل کرده بود به نظامت آنجا برگزید.

ملاها با طعنه و تمسخر از اشخاص می پرسیدند پسر را در کدام کلیسا ثبت نام کرده ای مگر در کلیسا زنگ نمی زنند و مردم روی صندلی نمی نشینند؟ به دستور همین ملاها تابلوی مدرسه احمدیه را پائین آورده و در گردن الاغی آویزان کرده در کوچه های شهر گردانده اند.

در ماه حوت (اسفند) همان سال فریدالدوله به تهران فرا خوانده شد و مجدداً از طرف وزارتخانه، ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به مرحوم رکن الاسلام حیرت محول شد (سند شماره ۳)

۱۳۳۳

۲۷ حوت ۱۲۹۲

مقام رفیع وزارت معارف

برحسب امر تلگرافی ۲۷۴۰ اداره معارف و اوقاف را از آقای
فریدالدوله تحویل گرفته منتظرم در باب مدرسه دستورات لازمه
فرمائید ۲۰۰ رکن الاسلام

مواد مطابق اصل است مواد مطابق اصل است

رئیس معارف محمد باقر رئیس کابینه مالیه
مهر اداره معارف کردستان مهر اداره و امضاء

۱۳۳۳
۲۷ حوت ۱۲۹۲

برابر حوت ۱۲۹۳ شمسی

...

مقام رفیع وزارت معارف

باب مدرسه فریدالدوله
اداره معارف و اوقاف
فریدالدوله
مقام رفیع وزارت معارف

نماد معارف و اوقاف
مقام رفیع وزارت معارف
فریدالدوله
مقام رفیع وزارت معارف

مقام رفیع وزارت معارف
فریدالدوله
مقام رفیع وزارت معارف

در سال ۱۲۹۵ شمسی رکن الاسلام مدرسه اتحاد را تأسیس نمود و اثاثیه ابتیاعی و قدیمی خود را که برای تشکیل مدرسه سعادت تهیه کرده بود، به اموال این مدرسه اهداء و ضمیمه نمود
(سند شماره ۴)

ردیف	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۱	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۲	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۳	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۴	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۵	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۶	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۷	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۸	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۹	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات
۱۰	توضیحات	تاریخ	محل	میزان	ملاحظات

مارج
مجان
۳ رجب
۱۲۰۱

مطابق صورت
درجہ اول

انا سر را عطا ہوں تا علم ہر سر را عطا ہوں

آنکه چنانچه بود چه مگر از امری که در وزارت عبید بن نفیل بنی امیه که با آن امیر
 لازم است هر چه زود تر صورت در و سر که هر یک گایان بهی عیسی و در مشرف و بنده
 که در بود از آن مفعول اجاب بیکم بجز نوشته ارسال دارید تا تجدید نظر در آن بهر آن
 در صورت کردنه
 مکتوب (یکم)

بروجه مردی که از اندر برات میرا ۱۳۰۱ بدو جبرگنه شته میرد

نمبر	اسم و ثمن	مبلغ حق	مبلغ نقد
۱	کابینه زاعطاه	۳۰۰	۱۳
۲	آب سرد	۱۸۰	۴۶
۳	آب حار	۱۸۰	۴۶
۴	آب سرد	۵۰	۴۰
۵	آب سرد	۱۴۰	۴۶
۶	آب سرد	۱۵۰	۴۶
۷	آب سرد	۱۰۰	۱۱
۸	آب سرد	۹۰	۴۶
۹	آب سرد	۸۰	—

[illegible]

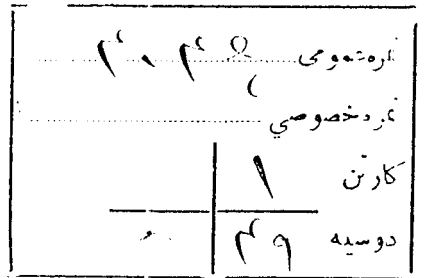
مدرسه اتحاد با آنکه در آغاز مدرسه دولتی بود اما بر اثر ضعف حکومت مرکزی و عدم بودجه، اداره آن با مشکلات مالی مواجه شد، مرحوم حیرت برای اداره این دو مدرسه از هر یک از بازاریان خیر و تعدادی از اعیان و ملاکین شهر ماهیانه مبلغی دریافت می نمود و نیز با مکاتبات عدیده که با وزارتخانه داشت موفق گردید در صدی از درآمد دخانیات کردستان را که حدود دویست تومان در ماه بود به اضافه مالیات تومانی یک عباسی و خرواری یک قران، برای تأمین امور فرهنگی منظور و زیر نظر مالیه و عدلیه هزینه نماید. در سال ۱۲۹۸ به دستور اداره مالیه (دارایی) در ۲۴ نقطه اطراف شهر سنندج که مدخل کالاهای روستایی به شهر بود مراکزی به نام نواقل، محل اخذ عوارض کالا تشکیل شد و اشخاص امین و درستکاری برای جمع آوری عوارض انتخاب گردید که شبانروز در محل حاضر بودند و شیفه عوض می کردند و به نسبت ارزش با رو کالا، عوارض و مالیات دریافت می نمودند و هر روز مبالغ جمع آوری شده را به اداره مالیه تحویل می دادند چنانچه سالها این روش ادامه داشت قبلاً حقوق معلمین از پرداخت شهریه دانش آموزان و کمک ملاکین شهر تأمین می شد از آن پس معلمین بادلگرمی بیشتری بکار مشغول شدند زیرا از زیر بار منت ثروتمندان منت گذار رهایی یافتند.

در سال ۱۲۹۸ معارف و اوقاف تفکیک شد، ریاست معارف و صنایع مستظرفه به رکن الاسلام و اداره اوقاف به مرحوم نصیر الاسلام سپرده شد. (سند شماره ۵) «سند شماره ۲»

در این زمان در سقز نیز ملا جلال الدین معروف به سرهنگ زاکرس که شخص روشن و سیاستمدار و وطن خواهی بود در سال ۱۲۹۷ ش به کمک چند تن از متنفذین و مجتهدین محلی مدرسه ای ملی تشکیل داد و توفیق چندانی حاصل نکرد، در ۲۷ عقرب (آبان) ماه ۱۲۹۸ رکن الاسلام که رئیس معارف بود نامه ای به فرماندار سقز نوشت و باوی در تعیین ملا عبدالعزیز صدرالعلما مفتی برای ریاست معارف سقز مشورت نمود، غیاث الدوله حاکم سقز در ۲۱ قوس (آذر) ماه مهر تأیید بر صلاحیت صدرالعلما نهاد و مرحوم رکن الاسلام نیز در نامه ۲۵ قوس بشماره ۲۳۱ تقاضای صدور حکم را برای وی از وزارتخانه بعمل آورد و بدین ترتیب صدرالعلما مفتی تا سال ۱۳۰۵ بدون معارض و مخالف به سرپرستی معارف و مدارس سقز و بانه مشغول بود.

طبق صورت مجلس مورخ ۲۶ بهمن ۱۲۹۹ ریاست معارف از رکن الاسلام خلع و به آقای یحیی معرفت اعتضاد الاسلام که قبلاً کارمند اداره مالیه بود محول شد (سند شماره ۶)

چون سید محمد باقر حیرت سجادی رکن الاسلام خدمت رسمیش از ۱۲۸۶ شروع و بجز چند ماهی که فریدالدوله همدانی در سال ۱۲۹۲ رئیس معارف کردستان بود و در ۲۷ حوت (اسفند) ۱۲۹۳ منتقل گردید، ریاست اداره معارف و صنایع مستظرفه کردستان در اختیار سید محمد باقر رکن الاسلام قرار داشت متجاوز از سیزده سال، به شهادت نامه های مالیه (خرانه داری) و فرمانداری بدون دریافت دیناری حقوق، صادقانه خدمت می نمود و حقوق فراش و احتیاجات اداره را از مال خود پرداخت می کرد و آنطوریکه خودش به وزارتخانه نوشته (از وقتی که اعتباری برای معارف کردستان پیدا شده معارف خواهان بطمع دریافت حقوق از کمین جستند و مقام مرا غصب کردند) این بود که از آن پس اداره معارف کردستان، میان او و یحیی معرفت دست بدست می شد. در صورتجلسه تحویل و تحول بین مرحومین سید محمد باقر حیرت و یحیی معرفت بچشم می خورد که موجودی اداره معارف بعلت عدم وجود بانک، در اختیار فرج آقا جان تاجر کلیمی بوده و هر وقت مقداری از این مبلغ را احتیاج داشته اند نماینده اداره می رفت و با دستخط و معرفی اداره میزان احتیاج را از تاجر کلیمی می گرفت و باز می بینیم که نام آقا برا مستخدم اداره در همین صورت جلسات موجود است و حقوق این مستخدم از جیب رئیس معارف پرداخت می شد. همچنانکه در گزارشهای فرماندار و رئیس مالیه می بینیم نوشته اند که حقوق مستخدم و خرج لوازم التحریر و سایر احتیاجات اداره را رکن الاسلام از جیب خود می دهد و دلیل دیگر اینکه در سال ۱۳۰۶ مرحوم حیرت زمان کفالتش در اداره معارف چندین بار تقاضای استخدام یک مستخدم برای اداره نموده هر بار بعلت نبودن بودجه جواب رد شنیده است طبق (سند شماره ۷ و ۸).



11514 4518

وزارت معارف و اوقاف
و صنایع مستظرفه
اداره
شعبه
دایره

تاریخ تحریر ماه تاریخ پاکستان

[illegible]

فردین

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

با اعتماد بر حق جویی وزارت جلیله و از آنجائیکه وظیفه مأمور وظیفه شناس بیان حق است نه اغفال ما فوق از راه تملق و شیادی عطف به مرقومه جوابیه $\frac{۱۱۶۱۳/۴۳۸۶}{۶/۸/۱۷}$ راجع به آقای میرزا عبدالغنی و جواباً تذکر می دهد.

مدیر اداره معارف و اوقاف کردستان رسماً منحصر به شخص رئیس و باید هر روزه قسمت عمده وقت را در بازدید مدارس و سوال و جواب ارباب رجوع و تصفیه امور مصروف دارد، با این حال و توسعه کنونی معارف اگر قوه ملکوتی هم درشته باشد نمی تواند شغل انشا و ثباتی و ضباطی و محاسبی را نیز عهده دار و مخصوصاً با اداره مالیه متصل طرف گفتگو واقع شود، گذشته از اینها خود شغل سرایداری و پیش خدمتی را متحمل شده و به عنوان فراش دفتر ارسال مراسلات را هم بغل گذاشته مکاتبات اداری را توزیع نماید، به طریق حتم کسی که به همچو ریاست و ترتیبی تن در دهد باید او را به دارالمجانین فرستاد و معالجه کرد، فرضاً اگر شدت احتیاج مستخدمی را به قبول و تعهد همچو ترتیبی مجبور ساخت، مصادر امور نباید که لاف او را اصغاء و پیشرفت مقاصد دولت را از وی متوقع باشند لذا اگر در عدم پیش بینی شغل محاسبی و ثباتی و غیره معارف کردستان غفلت شده باشد، باید وزارت جلیله چاره جویی کند نه اینکه اداره معارف را در مقابل مستدعیات حقه ملامت فرمایند، در هر صورت مستدعیم راجع به اعتبار شغل مرقوم و سایر اعتبارات این اداره بذل مرحمت فرمائید که عملیات آن مورد تقدیر آن وزارت جلیله و باعث جلب مزید امیدواری عامه باشد و هرگاه عجله انجام این استدعا میسر نیست اجازه فرمائید که آقای میرزا عبدالغنی با همان حقوق معلمی فعلاً کالسابق در اداره مشغول خدمت شده در امور اداری کمک نماید.

کنیل معارف و اوقاف کردستان

حیرت سجادی



وزارت معارف و اوقاف

موضوع مسودہ

وَصَلَّى عَلَى الْمَيِّتِ

یا کنویس کنندہ

ادارہ

دايره شبيهه

دوسیدہ

تاریخ تحریر ماه تاریخ یا کنوایس ماه تاریخ ثبت

ماه تاريخ خروج ۹/۴ مان ۱۳۰۶

تم در این

[illegible]

والله اعلم

نمره عمومی ۴۰۹۸ تاریخ خروج ۱۳۰۶/۹/۴

کارتن ۱

دوسیه ۴۹ مقام وزارت

تعقیب ۴۰۴۶ خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد معارف کردستان دارای اعتبارات کافیه می‌باشد لکن اصلاً بودجه‌بندی آن طوری شده است که غالب اعتبارات بیهوده به صرفه‌جویی صندوق مالیه میرسد و امورات اداری و مدارس مختل می‌ماند مثلاً کلیه مدارس قراء دارای اعتبارات کافیه ماهیانه می‌باشد، اداره معارف غیر از یک نفر رئیس دیگر بهیچوجه در بودجه اعتباری برای آن تخصیص نیافته حتی اعتبار حقوق یک نفر منشی یا یک نفر مستخدم سرپائی ندارد، در این صورت همچو اداره‌ای چگونه قادر خواهد بود که ۱۳ مدرسه را راه برد و تفتیش از آنها بعمل آورد، محاسبات و ثبت و ضبط و انشاء و ارتباط و توضیحات لازمه مالیه را جواب دهد، مستدعی است عطف ۳۸۴۷ و ۴۰۴۶ فرموده در این موقع که بودجه مملکتی در شرف تصویب است ترحماً اصلاح بودجه اساسی برای معارف کردستان در نظر گرفته کلیه اعتبارات مدارس اعم از داخل و خارج در تحت اقتدار اداره و تحت یک قلم خزانه‌داری آنرا حواله مالیه نماید نه بوجه تفکیک که لدی الاقتضا مخارج ضروری هر کدام را بتوان متحمل شد، همچنین برای اداره معارف اعتباری را منظور فرمایند که باندازه ضرورت دارای اعضا و اجزای رسمی شود. عجلاته مستدعیم چنانچه تحت آقای فاطمی پیشنهاد فرمودند محل منشی اداره را تعیین نموده و ابلاغ رسمی آنرا برای میرزا عبدالغنی آبدیری صادر فرمایند که آبروی اداره مختل نشود.

کفیل معارف

حیرت سجادی

صورتجلسه تحویل و تحول در ۲۶ دلو (بهمن) ۱۲۹۹ که مرحوم یحیی معرفت رئیس معارف کردستان شده بود مبلغ شصت تومان حقوق برای ریاست معارف کردستان (که قبلاً افتخاری بود) برقرار شد. در اثر شکایات عدیده رکن الاسلام به نخست وزیر و گزارشهای پی در پی فرمانداری و پیشکار مالیه از چگونگی اوضاع مدارس و خواستهای مردم کردستان به وزارت معارف، پس از یک ماه ریاست آقای یحیی معرفت، مجدداً در ۲۷ حوت (اسفند) ۱۲۹۹ حکم ریاست معارف با برقراری حقوق شصت تومان در ماه برای سید محمد باقر رکن الاسلام صادر شد. (سند شماره ۹)

نمبر ۷۴۱



تاریخ ۱۳۰۰
پروچ جوړلو کېدو ۱۲۹۹
ضمیمه

وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

د قې پېرسونې لېون

د قې پېرسونې لېون

د قې پېرسونې لېون د قې پېرسونې لېون

اداره
دائرة
نمبر

د قې پېرسونې لېون د قې پېرسونې لېون

د قې پېرسونې لېون د قې پېرسونې لېون

تاریخ ۱۳۰۴ هـ - شماره ۱۳۰۴
نوع ۹ - ضمیمه



وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

اداره
دایره
و

نوع ۱ - نمونه (۵)
تاریخ ۱۳۰۲ هـ - شماره ۳۰۳
نوع ۹ - ضمیمه



وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

اداره
دایره
و

دایره ی کتب و رسم
در تاریخ چهارم برج حوت ۱۳۰۲ وزارت معارف و اوقاف
به استیانت در کتب کرامت حضرت امیرالمؤمنین
صمدیه در درجه اول استحقاق بر این نظر است
ن ک



ای کتب و رسم (کتابخانه)
وزارت معارف و اوقاف
نوع ۹ - ضمیمه
دایره ی کتب و رسم
و

در دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ریاست معارف به آقای حاج یحیی معرفت و اداره اوقاف به رکن الاسلام حیرت
واگذار شد. در ۲۲ سرطان (تیرماه) ۱۳۰۳ کلاس اول متوسطه در مدرسه احمدیه دایر و شروع به ثبت نام
دانش آموز نمود. در مرداد ماه ۱۳۰۴ مجدداً ریاست معارف از معرفت منتزع و به رکن الاسلام محوّل
و در ۱۳۰۵ برای چند ماهی، دوباره حاج یحیی معرفت رئیس معارف شد (سند شماره ۱۰ و ۱۱)

و طبق اسناد ضمیمه، مرحوم حیرت از آن پس تا بهمن ماه ۱۳۰۶ که آقای صادق فاطمی به ریاست معارف کردستان منصوب شد، کفیل معارف کردستان بوده است از ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸ آقای اسفندیاری ریاست معارف را عهده دار بوده است لازم به ذکر است در زمانهای قبل بخشنامه را متحدالمال و پرونده را دوسیه و پیش نویس را ابتدا مُسَوِّده و بعد مینوت می گفتند. در این اوان تحرک شگرفی در وضع تحصیل دانش در کردستان پیش آمده بود، نظام قدیم طلبگی و نظام جدید آموزشی، رقابت عجیبی نسبت بهم داشتند، چنانچه آمار مندرج در مجلات وزارتتی آن زمان، این رقابت و پیشرفت را بخوبی نشان می دهد:

تعداد کلیه مدرّسین و مکتب داران در سندج

در سال تحصیلی ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ شمسی ۳۴ نفر

در سال تحصیلی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ شمسی ۶۵ نفر

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ شمسی ۱۰۴ نفر

احصائیه (شمار) آمار معلمین در مدارس جدید

در سال تحصیلی ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ (۲۱ نفر دولتی ۱۱ نفر ملی ۲ نفر خارجی)

در سال تحصیلی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ (۱۶ نفر دولتی ۷ نفر ملی)

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ (۲۰ نفر دولتی ۲۲ نفر ملی ۳ نفر معلمه)

شاگردان مدارس و طلبه

در سال تحصیلی ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ تعداد ۴۲۸ نفر

در سال تحصیلی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ تعداد ۵۹۰ نفر

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ تعداد ۱۱۴۲ نفر

مدارس قدیمه:

در سال تحصیلی ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ تعداد ۶۶ مدرسه قدیمه و ۲۶۱ طلبه

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ تعداد ۱۳۰ مدرسه قدیمه و ۴۲۴ طلبه

شاگرد مدارس ابتدائی

سال تحصیلی	دختر	پسر مجانی	غیر مجانی
۱۳۰۱ - ۱۳۰۲	—	۴۲۸	—
۱۳۰۲ - ۱۳۰۳	۳۲ مجانی	۲۵۳ مجانی	۷۶
۱۳۰۳ - ۱۳۰۴	۲۸۰	۳۶۸	۱۷۸

شاگرد متوسطه

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ (۱۳۳ نفر پسر مجانی - ۷ نفر غیر مجانی)

بودجه فرهنگ در سالهای تحصیلی

۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ مبلغ ۴۶۰۰ تومان

۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ مبلغ ۴۵۰۰ تومان

۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ مبلغ ۵۱۰۰ تومان

عایدات سالیانه مدارس به (قران)

سال تحصیلی	دولتی	شهریه شاگرد	موقوفات	متفرقه
۱۳۰۱ - ۱۳۰۲	۴۰۲۸۲/۳	۱۰۱۸۰	—	۳۴۹۷
۱۳۰۲ - ۱۳۰۳	۳۵۷۷۰	۴۲۹۲۰	۱۵۰۹۷	۷۳۵
۱۳۰۳ - ۱۳۰۴	۵۵۲۵۴	۲۲۲۳۴	۲۳۲۱۷	۲۶۴۲

مخارج سالیانه مدارس در سندج

در سال تحصیلی ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ مبلغ ۷۴۸۸۲ قران

در سال تحصیلی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ مبلغ ۵۴۴۸۵ قران

در سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ مبلغ ۱۲۷۴۲۴ قران

فارغ التحصیل در سالهای تحصیلی ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ تعداد ۹ نفر

فارغ التحصیل در سالهای تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ تعداد ۱۱ نفر

مکاتب قدیمه در کردستان

پیش نماز مسجد هر محل در اطاقی از مسجد بجه های محل را جمع می کرد و به با سواد کردن آنان می پرداخت. شخص معلم به ماموستا (استاد) خطاب میشد و ماموستا یکی از بجه های زرنگ و با لیاقت را به نام خلیفه معرفی میکرد که در غیاب او مکتب را اداره کند و به بجه ها درس بدهد، بجه ها او را ملا هم می گفتند. اشخاصی هم بودند که در منزل خود و یا محل دیگری به تعلیم اطفال می پرداختند. بجه هایی که به مکتب می آمدند زیر اندازی از قبیل قالیچه یا تشکچه و یا نمذ برای خود می آوردند ملا چوب بلندی داشت و از آن برای ترساندن بجه ها استفاده می کرد و نیازی نبود که از جایش برخیزد و یکی از بجه های دور دست را بزند.

چوب فلک هم داشتند و پای بجه های شرور و درس نخوان را بدان می بستند و می زدند. هنگامی که بجه ها حروف را بکلی شناختند آنها را برای خواندن کلمات سر هم می کردند و می خواندند تدریس قرآن از سوره های کوچک آغاز می شد تا به ختم قرآن می انجامید. در کنار فراگیری قرآن (رساله روله بزانه) که حاوی مطالبی اعتقادی است تدریس می شد و می بایست بجه ها آن را از بر کنند. در کردستان دو نوع روله بزانی موجود بود یکی را ملا خضر رودباری و دیگری را ملا عبدالله مفتی به شعر اورامی در خور فهم بجه ها در آورده بودند، پس از آن گلستان و بوستان و نصاب صبیان و اعتقاد نامه عبدالرحمن جامی و بعد نان و حلوائ شیخ بهائی و موش و گربه عبید زاکانی تدریس می شد. اینها مقدماتی بود که اطفال تا سن دوازده سالگی در مکتب می آموختند غالب مدرسین بدون توقع و چشمداشتی تدریس میکردند و اجر اخروی را طالب بودند برخی هم مبلغ ناچیزی به منظور ارتزاق عائله خود دریافت می کردند.

دانش آموزانی که استعداد و علاقه بیشتری از خود نشان می دادند به دروس فقه و اصول و منطق و بلاغه و هیات و تفسیر و حدیث روی می آوردند و صاحب مایه و اعتباری در این علوم می شدند بسا اشخاص بازاری بودند که از علوم متداوله بقدر کافی بهره داشتند و حتی بعضی از دروس را تدریس می کردند و اکثر به رموز و معانی مثنوی مولانا واقف بودند و اشعار شاهنامه و خمسه نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و هفت اورنگ جامی و حدیقه سنائی و قصاید پیچیده و مشکل ناصر خسرو را معنی می کردند و اغلب اشعار آنان را از حفظ داشتند. امروز نه در میان عوام و نه در میان خواص چنین اشخاصی یافت نمی شوند. برآستی قحط الرجال است و فاضل و دانشمند و ادیب صورت درّ یتیم و مرغ عنقا را یافته است.

سندج در گذشته علاوه بر دارالعلم بودن، مردمش از فهم و شعور و ادب و تربیت و شرم و حیای والایی برخوردار بودند چنانکه در مناطق مختلف کردستان هر جا کسی فارغ التحصیل می شد به او می گفتند حداقل شش ماه در سندج اقامت کن تا آداب و رسوم مردم داری را بیاموزی.

مکاتب شناخته شده در گذشته و حال در مناطق کردستان عبارتند از :

مکتب	سنندج	سال
مکتب انصاری	سنندج	در سال ۱۲۸۴ شمسی
مکتب اختری	سنندج	در سال ۱۲۸۹
مکتب ذبیحی	سنندج	در سال ۱۲۹۲
مکتب مهاجر	سنندج	در سال ۱۲۹۵
مکتب شهابی	سنندج	در سال ۱۲۹۸
مکتب مقلح	سنندج	در سال ۱۳۰۰
مکتب شمس قریشی	سنندج	در سال ۱۳۰۴
مکتب افتخاری	سنندج	در سال ۱۳۰۴
مکتب نادیمی	سنندج	در سال ۱۳۰۴
مکتب ایمانی	سنندج	در سال ۱۳۰۶
مکتب فقیه	سنندج	در سال ۱۳۰۶
مکتب زاهدی	سنندج	در سال ۱۳۰۷
مکتب لطفی	سنندج	در سال ۱۳۰۷
مکتب حقگو	سنندج	در سال ۱۳۰۷
مکتب امین الاسلامی	سنندج	در سال ۱۳۰۸
مکتب صادق الملکی	سنندج	در سال ۱۳۰۸
مکتب برزنجی	سنندج	در سال ۱۳۰۸
مکتب محرر زاده	سنندج	در سال ۱۳۰۸
مکتب بنی صبور	سنندج	در سال ۱۳۰۸
مکتب گزانی	سنندج	در سال ۱۳۱۰
مکتب مهاجر	سنندج	در سال ۱۳۱۱
مکتب سدری	سنندج	در سال ۱۳۱۲
مکتب سندی	سنندج	در سال ۱۳۱۲
مکتب مکتبدار	سنندج	در سال ۱۲۸۲
مکتب ملا محمد صادق	سقز	در سال ۱۲۹۵
مکتب سید حکیم	سقز	در سال ۱۲۹۷
مکتب ملا عبدالله	سقز	در سال ۱۳۰۵
مکتب ملا محمد	سقز	در سال ۱۲۹۲
مکتب سید حسین خانقاه	پاوه	در سال ۱۳۰۷
مکتب شیخ صالح درویشان	پاوه	در سال ۱۳۰۹
مکتب محمد کریم باینگان	پاوه	در سال ۱۳۱۰
مکتب ملا رفعت	پاوه	در سال ۱۳۰۵

مساجدی که در کردستان مدرّس و طلبه داشتند و علوم متداوله قدیمه در آنها تدریس می شد.

عبارتند از :

در سنندج

- ۱- مسجد عبدالله بیگ ۲- دارالاحسان ۳- دارالامان (مسجد والی) ۴- مسجد پری نسا خانم ۵- مسجد فاروقیه ۶- مسجد وزیر ۷- مسجد امام زاده پیر محمد ۸- مسجد ملا جلال الدین ۹- مسجد آقا حبیب الله ۱۰- مسجد شیخ امام ۱۱- مسجد دارالاسلام ۱۲- مسجد میرزا عبدالله ۱۳- مسجد سید مصطفی ۱۴- مسجد کریم داداشی ۱۵- مسجد رشید قلعه بیگی ۱۶- مسجد صارم نظام ۱۷- مسجد غیائی ۱۸- مسجد نصیر دیوان ۱۹- مسجد ملا عازف ۲۰- مسجد آقا حبیب الله توپ ۲۱- مسجد خورشید لقا خانم ۲۲- مسجد شیخ سلیم ۲۳- مسجد طوبی خانم ۲۴- مسجد میرزا فرج الله

در سقز:

- ۱- مسجد جامع ۲- مسجد حاج شیخ اسمعیل ۳- مسجد پیر غزالی ۴- مسجد دو مناره ۵- مسجد ملا ابراهیم ۶- خانقاه حاج شیخ مصطفی ۷- مسجد دیمه کاران ۸- مسجد حضرت عمر فاروق

در بانه :

- ۱- مسجد حاج ملا عبدالسلام مشهور به حاج ماموستا که اکثر مواقع هفتاد طلبه در آن مشغول تحصیل بوده و مخارج آنها را فقط یونس خان بر عهده گرفته است.
- ۲- مسجد سید ۳- مسجد جامع ۴- مسجد قاضی در محله پائین ۵- مسجد خدری

در پاوه :

- ۱- مسجد جامع ۲- مسجد حضرت عبدالله ۳- مسجد سابقین ۴- مدرسه علوم دینی ۵- مسجد قُبا ۶- مسجد امام محمد غزالی

در نودشه :

- ۱- مسجد قوله ۲- مسجد جامع ۳- مسجد روستای دز آور در روستای دز آور ۴- تکیه نجار در آبادی نجار ۵- مسجد نوریان در روستای نوریان ۶- مسجد جامع خانقاه ۷- مسجد جامع آبادی دورسیان ۸- مسجد روستای شمشیر ۹- مسجد جامع باینگان ۱۰- مسجد آبادی کلاش باخان

در جوانرود:

- ۱- مسجد دارالاحسان ۲- مسجد خلفای راشدین ۳- مسجد هالانی ۴- مدرسه علوم دینی امام خمینی ۵- مسجد روستای یاری ۶- مسجد مراد آباد ۷- مسجد روستای گل سفید

در روانسر:

- ۱- مسجد روستای دولت آباد ۲- مدرسه امام شافعی در مسجد جامع ۳- مدرسه فاروقیه

مدرسین و طلاب علوم دینی در کردستان:

در شهر سنندج پیش از انقلاب به ازاء هر ۹۰۰ نفر یک مسجد وجود داشت .

در زمانهای گذشته در اکثر این مساجد ، که همه دایر و پنج وقت در آنها نماز جماعت خوانده می شد، طلاب علوم دینی وجود داشته و در حجره هایی که برای سکنای آنها در مسجد ساخته شده بود ، زندگی می کردند و نزد امام مسجد که ملائی مجاز بوده ، درس می خوانده اند. طلاب در شهر ها از استادان دیگری که احياناً در بازار یا در مسجد دیگری وجود داشته اند برای انواع دروس استفاده می کرده اند.

در زمانهای گذشته غالب مدرسین به طور مجانی و فی سبیل الله و به منظور اجر و ثواب ، طالبان علم و دانش را درس می دادند و اجرت و حقوق را برای این کار حرام می دانستند. آنانی که شغل و درآمدی برای گذران زندگی و خرج عائله خود نداشتند، ناچار بودند که بر خلاف این سنت حسنه قدیمی رفتار کنند و حق التعلیمی دریافت کنند تا بتوانند به زندگی ادامه دهند .

وظایف علما و مدرسین:

شخصیت های علمی و نیز مدرسین و امامان مساجد، از حرمت زاید الوصفی برخوردار بودند زیرا همه متدین و متقی و آگاه به وظایف اجتماعی و دینی خود بودند. روی این اصول مکرم و محترم بودند، در گرفتاریها و ناخوشیها و شادیهای مردم سهیم بودند و غمخوار دیگران، اغلب واسطه می شدند تا گرفتاری و معضل خانواده ها را برطرف کنند با طیب خاطر و گشاده رویی اشکالات علمی و سئوالات دینی پرسش گران را برطرف کرده و پاسخگو بودند در اختلافات خانوادگی پادر میانی می کردند و با نفوذ کلامشان ، مؤثر می افتادند. از عمل نامطلوب و ناحق و سخن ناصواب بیزار بودند و رفتار درست و سخن صواب را ثواب دانسته ، تحسین می کردند

تاکنون هرچه سخن از تحصیل و تعلیم و تربیت رفت درباره جنس ذکور بود. از تحصیل و درس خوانی اثاث سخنی به میان نیامد.

اعیان و اشراف و خانواده های متمکن برای با سواد کردن و تعلیم مطالب شرعی برای دخترانشان که به سن رشد رسیده بودند، ملای با تقوایی را که به رعایت دیانت و شریعتش اعتماد داشتند به منزل دعوت می کردند و آن شخص طی یکی دو سال به تعلیم و تربیت فرزندان آنان مشغول می شد و بدین ترتیب تعدادی از دختران با سواد می شدند و بقیه که اکثریت قریب به اتفاق بود به حال بی سوادی باقی می ماندند .

زندگانی طلاب

در مساجد مذکور، درس طلبگی آموخته می‌شد و هر مسجد به تناسب گنجایش جا، طلبه می‌پذیرفت و محل زندگیشان نیز همانجا بود که از عایدات مسجد و کمک اهل جماعت و اعیان و اشراف اعاشه می‌کردند، برخی از طلبه ها شهری و برخی از روستاها و شهرهای اطراف و حتی از سرزمین عراق برای آموختن درس در این مساجد به سر می‌بردند و از اساتید مربوطه مستفیض می‌شدند هر مدرسی در یک رشته از علوم سرآمد و استاد بود لذا طلاب برای تکمیل علوم مختلفه، اقامت در مساجد را برای استفاده از اساتید عوض می‌کردند. برای کشتن و سرکوبی غرور و تکبر و نیز ادامه دوران طلبگی، در میان طلبه ها عاداتی متداول بود که کم سوادترین و کم پایه ترین طلبه ها را که سُخته می‌نامیدند، برای راتبه کردن انتخاب می‌نمودند، راتبه دو نوع بود، یکی اینکه طلبه مزبور هر روز غروب آفتاب در روستاها و شهرها به در خانه ها می‌رفت و راتبه می‌کرد و می‌گفت (راتوی فقی رحمتی خواتان لی بی) یعنی رحمت خدا بر شما باد، جیره نان روزانه طلبه را بدهید. یکی از اهالی خانه با ادب و احترام یک عدد نان را آورده بر روی نانها چیده شده او می‌گذارد و اگر احیاناً غذای گرمی داشتند ظرفی را برای او فراهم می‌کردند و این برای شبانه روز آنان کافی بود، دیگر اینکه در پائیز طلبه هایی را به روستاها و آبادیهای اطراف برای جمع کردن روغن مایحتاج سالیانه شان می‌فرستادند و غالباً با چند کوزه روغن برمی‌گشتند. در این مساجد به وسیله ملاها که پیش نماز آن مسجدها هستند، طالبان علوم مربوطه، با اصطلاح آن روز، دوازده علم را می‌آموختند. دروس مربوطه بدین قرار بود: (سند شماره ۱۲)

دره تحفیت علوم ساداتی بن طرب کرمان در پنجاه سال نفیس به هر سه سال ابتدای متوسطه علیه
صورت تحفیت شش سال در سه ابتدای تدریس

سال اول - علم صرف (نظریه) فارسی (کلمات سعد) نشأت و خط
سال دوم - علم نحو (عوامل جرای) یا (اجزای) فارسی (کلمات سعد) نشأت و خط
سال سوم - علم صرف (نظریه بلاغی) یا (سعد) علم نحو (اعراض) یا (هدایه) خط و نشأت
سال چهارم - علم نحو (کافیه) یا (صدید) علم صرف (معانی نظریه بلاغی) یا (مراح) یا خط و نشأت و شیخ تهرانی فقه
سال پنجم - علم فقه (فتح المربع) علم نحو (جامی) یا (سبیطی) علم صرف (کمال بافناج) خط و نشأت
سال ششم - علم فقه (عباد الفلحین) علم بیان (استعاره) علم وضع (وضع ملا ابوبکر) علم نظن (ابا غنچه) یا بکری

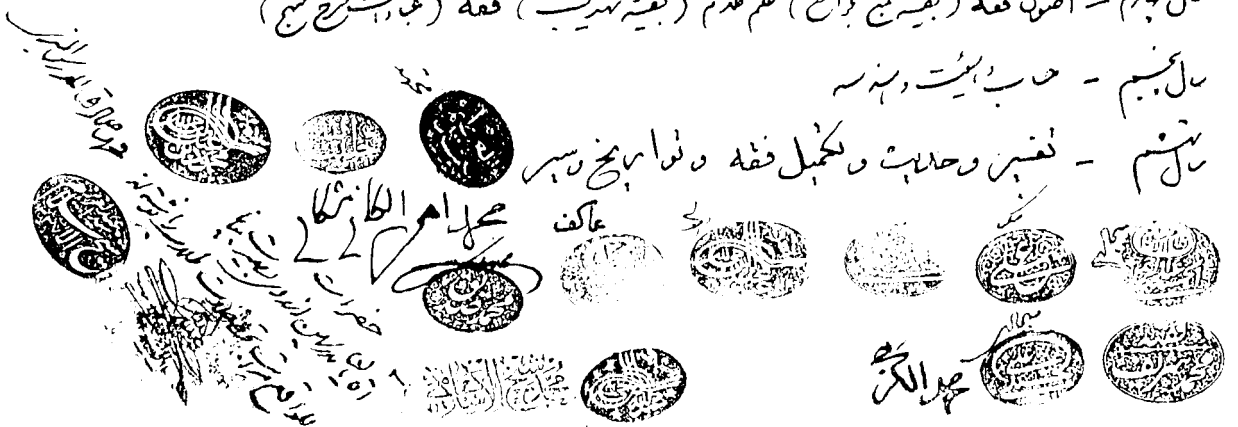
صورت تحفیت شش ساله متوسطه تدریس

سال اول - علم فقه (معاملات فح المعبین) علم نظن (فنائی) فارسی (کلیله و دمنه) یا (نامحجم) یا (انوار جلی)
سال دوم - علم اصول فقه (در فائات) علم بیان (عصام الدین استعاره) علم نظن (عبدالله بن زری)
سال سوم - علم اصول فقه (شرح وراثت) علم وضع (عصام الدین وضع) علم نظن (نصیرات شرح سنن)
سال چهارم - علم بیان (میان مختصر) علم آداب (کلبی آداب) نظن (کلبی برهان) یا (نصیرات شرح سنن)
سال پنجم - علم فقه (عبادات مفاج) علم عقاید (ملن نسفی) علم بیان (مختصر)
سال ششم - علم فقه (معاملات مفاج) علم عقاید (شرح عقاید نسفی) علم بدیع (بدیع مختصر)

صورت تحفیت شش ساله عالی تدریس

سال اول - سده کتاب اول جمع الجوامع در (اصول الفقه) علم فقه (نکات سنج) ادبیات (اطرار نرب) و غیره
سال دوم - اصول فقه (کتاب دوم جمع الجوامع) علم فقه (رج خیر سنج) ادبیات عربی (منجیب فقه)
سال سوم - اصول فقه (کتاب چهارم در پنجم جمع الجوامع) علم کلام و حکمت (ارواءه و غیره شرح تنزیل کلام)
سال چهارم - اصول فقه (بقیه جمع الجوامع) علم کلام (بقیه تنزیل) فقه (عبادت شرح سنج)
سال پنجم - حاکم بیست و نه

سال ششم - تفسیر و حدیث و کجیل فقه و ادبیات و غیره



بعد از مدرّسین و کلاً طلاب از محل درآمد موقوفات مسجد حقوق دریافت می نمودند، اعیان و شرف و ملائکین خیر با اعتقاد، نان روزانه طلاب را به عهده گرفته و با سفارش قبلی آنها، سُخته (طلبه سطح پائین) هر روز نان را از نانوائی سفارش شده تحویل می گرفت، همسایگان نیکوکار یا در منزل حیره غذای مطلوبی فراهم می ساختند و یا وسائل غذا را تهیه کرده بوسیله یکی از فرزندان خود برای خدمت به مسجد می فرستادند و از این طریق می خواستند به فرزندان خود بیاموزند که روش آبا و جدی خود را دنبال کنند، بیشتر این عمل در شبهای جمعه و سه شنبه انجام می گرفت. در تابستان عجب طلاب مساجد از طرف یکی از اشراف شهر در یکی از باغهای اطراف شهر، اطعام می شدند، جگونگی آن چنین بود که گوسفندی را با کلیه لوازم یک ناهار آبرومند به مسجدی می فرستادند، در آن روز طلاب مقیم در کنج حجره های مساجدشکمی از عزا در آورده به رقص و پایکوبی و نشاط می پرداختند و زمانی در زمینهای نرم و شیار شده به ورزش سه باز (که و شه ک) می پرداختند.

سرگرمی شب های زمستانشان که غالباً به دیدن هم می رفتند به گوروابازی یا مشاعره و سؤالات علمی و صیغه سازی در علم صرف، سپری می شد.

امروز به استثنای چند حجره در جوانرود و پاوه و روانسر و احتمالاً دولت آباد، از فعالیت مدارس علوم دینی و وجود طلبه و مدرّس در سایر نقاط یاد شده خبری نیست. دریغ و درد طی سالهای اخیر، تدریس و تحصیل علوم اسلامی در مساجد مناطق سنی مذهب رخت بر بسته و حجره ها خالی و عاری از طلبه شده است (خانقه معمور و درویشان خراب)

مدرّسین معروف در مناطق نودشه و اورامانات مرحومین ملا فتاح مطلق و ملا سعدالله مؤمن و حاج ملا احمد بوده اند، در پاوه مرحومان حاج ملا زاهد ضیائی و حاج کاکه ملای انصاری، در باینگان مرحوم ملا فتاح، در جوانرود اساتیدی چون ملا مجید موحدی دولت آباد و حاج ملا محمد امین حسینی کلاشی و شیخ محمد سعید نقشبندی و سید عبداللطیف حسینی گل سفید.

این بزرگان: سالیان دراز در مساجد محلی به تدریس علوم دینی پرداخته و موجب تنویر افکار مردم و فروزان نگاه داشتن چراغ تابان قرآن و شریعت و دین محمدی بوده و هستند.

در پائیز سال ۱۳۰۵ مدرسه دولتی نسوان (مستوره کردستانی) با همت و جدیت بانو مریم شامیر (اردلانی) و مساعدت مرحوم حیرت سجادی و همچنین مساعدت مرحوم یحیی معرفت تأسیس شد (سند شماره ۱۳)

کروستینا (مسئود اردوش) بالیچ و مردانه و

دستخانی غایب صلیک داندیچ و دانیس

مردان

کله سنه 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

مردان 4 جه شینیه. بخت سنه 4

کله سنه 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

مردان 7 دوش سنه 7

لازم به ذکر است ریاست معارف و صنایع مستظرفه تا این زمان عبارت بوده است از سرپرستی و نگهداری مدارس احمدیه و اتحاد و مستوره و تأمین بودجه و نظارت بر دخل و خرج آنها و اداره چند مدرسه در شهرستانها و دهات تابعه، و تا سال ۱۳۰۸ رئیس اداره شغل انشاء و ثبتی و ضباطی و محاسباتی را نیز بر عهده داشته و مستخدمی در اختیار نداشته که نامه های مرجوعه ادارات را برساند. سالها برای استخدام یک نفر حسابدار و یک خدمتگزار مکرر با مرکز مکاتبه می شده و هر بار بعلت عدم بودجه جواب یاس دریافت داشته اند.

در سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۶ بعلت بهبود وضع بودجه دولتی علاوه بر سه مدرسه در شهر سنندج چندین مدرس دیگر در شهرستانها و قصبات و دهات تابعه کردستان دایر و شروع به کار نمود. از جمله سقز، بانه، سریش آباد، بیساران، سردشت، دیواندره، ایرانشاه، تیلکو، هوباتو، دزلی، مریوان دهگلان، رمشت و طای و تودار و رزاب، لذا تأمین احتیاجات این مدارس از حیث ساختمان و لباس و کتاب و نوشت افزار محصلین و معلم و مستخدم و تهیه سوخت زمستانی و سایر نیازهای این مدارس و سرکشی و بازرسی هریک از آنها کار مشکلی بود، همینکه در بهمن ۱۳۰۶ آقای اسفند یاری به ریاست معارف کردستان برگزیده شد از این تاریخ منزل آقای احمد امین الاسلامی برای اداره معارف اجاره شد و اداره به آنجا منتقل گردید. رکن الاسلام از فرط خستگی از کار اداری دست کشیده به تدریس در دبیرستان شاهپور پرداخت در سال ۱۳۰۶ مدرسه کلدانیان با ترکیبی از دانش آموزان مسلمان و مسیحی به دبستان پهلوی نام گذاری شد و در این سال مدرسه احمدیه را شاهپور نام کردند. ناگفته نماند مدرسه احمدیه و اتحاد از وسایل ورزشی متداول در آن زمان برخوردار بود و نیز دارای نمازخانه و کتابخانه بوده و سرمایه کتابخانه مبلغ دویست تومان بوده و هر ساله بطور مجانی کتاب و نوشت افزار و کفش و لباس دانش آموزان بی بضاعت شهر و روستاها تهیه و تحویل می شد. (اسناد از ۱۴ تا ۱۷)

۹۴
۶۱۱/۱۲

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف کردستان دامت شوکتہ

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف کردستان دامت شوکتہ
 سریش آباد، دهگلان، قروه دستور داده شود صورت کتبی که به عنوان مجانی برای آنها
 فرستاده شده ارسال دارند چون برای تهیه صورت کتابخانه محتاج به رسیدهای فوق هستم و در
 رسیدهایی که در اداره هست فقط تعیین عدد مجلدات را نموده اند.

۱۱/۱۱/۱۲

مدیر مدرسه دولتی شاپور

امضا و مهر مدرسه

۴۵۰۷ ۲ ۹۴
۶/۱۱/۱۲ ۱ ۶/۱۱/۱۲

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف کردستان دامت شوکتہ

محترماً تمنا می نماید مقرر فرمائید به آقایان مدیران مدارس تودار، رمشت، طای،
 سریش آباد، دهگلان، قروه دستور داده شود صورت کتبی که به عنوان مجانی برای آنها
 فرستاده شده ارسال دارند چون برای تهیه صورت کتابخانه محتاج به رسیدهای فوق هستم و در
 رسیدهایی که در اداره هست فقط تعیین عدد مجلدات را نموده اند.



تاریخ ۲۰/۷/۱۳۰۸

شماره

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
اداره معارف و اوقاف ناحیه غرب

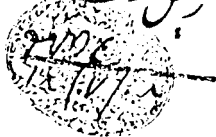
دائرة

نمره ۱۹۲۹

مجلس شورای ملی

جواب بمسئله ۲۲۲۲ (۷۹۵) قریب
۱۳۰۸/۷/۲۰

مرزده سرزاد بر فضا از ادب لازم است بطلان بیشتر نظریه عقائد
را برت بهر تا دستور اقدام و کلام



۴۶۱۱

۲
۲

یک طغرا قبض مورخ ۱۵ شعبان ۴۶ به نام آقای علی اکبر تاجر همدانی به مبلغ دو یست
تومان توسط آقای آزاد بابت سرمایه کتابخانه به اداره معارف کردستان و اصل و عاید شده که
پس از وصول وجه مزبوره از آقای علی اکبر فوق الذکر قبض پولی به آقای آزاد داده خواهد
شد.
۶/۱۱/۲۵ اسدالله اسفندیاری

وجه این قبض وصول نشده علیهذا قبض اعاده شده
به آقای آزاد داده شده. اسفندیاری

9. 2.

3. 12. 11

07

بر اثر مکاتبات پی در پی در سال ۱۳۰۸ آقای عبدالغنی آبیدری با حقوق ۳۲۰ ریال در ماه منشی
محاسبات گردید. (سند شماره ۱۹)

ل-۲۱

بازریخ ۱۰-۲-۱۳۰۸



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بازریخ ۱۰-۲-۱۳۰۸

شماره ۷۲۶/۱۲۱ ضمیمه

آقای میرزا عبدالغنی آبیدری

اداره
دایره

از تاریخ ختم امتحانات مدارس که آخر خرداد باشد محل خدمت شما

از معلمی مدرسه متوسطه شاهپور به محاسبی و منشیگری معارف

کردستان منتقل میشود. حقوق شما هم کما فی السابق ماهی سی و دو

تومان خواهد بود.

رأی برای اطلاع در دست سرفکران ریاست محترم

09

آقای بحر العلوم آل آقا محاسب معارف گران با ماهی ۴۲۰ ریال حقوق طی حکم شماره ۱۴۴۵ اداره محاسبات وزارت معارف، برای شغل محاسبات اداره معارف کرستان فرستاده می شود. در سال ۱۳۱۴ بر اثر کار دانی مرحوم حسین شکیا رئیس اداره معارف، مدارس کردستان بسم و دستردگی خاصی پیدا میکند جای اداره از منزل آقای احمد امین الاسلامی تغییر کرده به محل آبرومند خانه ملک التجار انتقال و بودجه توسعه می یابد.

تشکیلات اداره معارف در آن زمان چنین بوده: آقای حسین شکیا رئیس اداره، عباس ضیائی و عبدالحسین تابش حسابدار، فریدون ندیمی کمک حسابدار، رضا ناصر مستوفی متصدی دفتر و کارگزینی، اسمعیل شکیا منشی و ثبات و بایگان، آقایان ناصر صدیق وزیری و ابراهیم شماع کارمند حسابداری، محمد صالح فخر العلمائی خدمتگزار و سید احمد آب باریک قاصد و خدمتگزار.

(سند شماره ۲۱)

۱۲۹۹	سنج	۱۴۰۵۹	۱۲۷۴	احمد معصوم	کتاب	در باب رزق
	کتاب	۱۸۴۵	۱۲۸۱	نوریه فتنه	تاریک	عربستان
۱۲۹۷	کتاب	۳۳۳۸۵	۱۲۷۷	فصلیه	ضیاء	عبر
۱۳۱۱	سنج	۳۵۳	۱۲۹۰	ثبات	مهرش	خدا
۱۳۰۸	"	۲۷	۱۲۸۷	مشر	مهرش	مهر

به موازات آن در شهر سنندج دبیرستان شاهدخت و دبستان ۱۵ بهمن و دبستان ۱۷ دی و مختلط دانش و مختلط تربیت تأسیس و دبستان شاهدخت از دبیرستان مجزا شد و در سقز دبستان حکمت و نوبهار و مختلط دو کلاسه، در بانه دبستان مختلط دو کلاسه، غزالی نوسود، انوری آساوله، مدرسه اویهننگ و مدرسه خرم هانه گرمه و ناصر خسرو و حسین آباد، راه اندازی شدند. در زمان ریاست حسین شکیبا جنب و جوش و تحرکی در کلیه سطوح مدارس کردستان ایجاد میشود، انواع انجمنها، سازمان پیش آهنگی، فعالیتهای هنری و ورزشی رونق گرفت و با دلبستگی و کوشش خاصی ادامه یافت.

انجمنهای دبیرستان

آغاز گشایش
انجمنها

دبیرستان همیشه و مخصوصاً در سالهای اخیر که معارف روز بروز راه تکامل و پیشرفت را پیموده کوشش نموده تا دانش آموزان ورزیده و باسواد و کاردان تربیت شوند و امیدوارست که بوسیله کارهای خارج از برنامه دانش آموزان خود را بزندگی اجتماعی آشنا سازند.

دبیرستان در اسفند ۱۳۱۴ انجمنهایی از دانش آموزان مطابق ذوق و سلیقه و استعداد و تمایل خود آنها تشکیل و اداره آنها را بخود شاگردان واگذار نمود انجمنهای مزبور بسه شعبه تقسیم میشد - ۱ - انجمن ادبی ۲ - انجمن صنایع مستظرفه - انجمن نیرو (انجمن ورزش)

۱ - انجمن ادبی . انجمن ادبی بر ریاست آقای نبی هوشیار دانش آموز کلاس ۴ تشکیل و باتشویقهای لازم هر هفته شبهای دو شنبه در جلسات عمومی از طرف اعضاء مقالات ، مناظره و کنفرانسهای ایراد میشد این انجمن دارای ۵ نفر عضو بود و در ظرف سال ۲۰ فقره کنفرانس ، خطابه ، و مناظره سودمند تهیه و برای استفاده دیگران ایراد گردید.

۲ - انجمن صنایع مستظرفه . این انجمن در ۹ اسفند ماه ۱۳۱۴ تحت ریاست ناصر آزاد پور دانش آموز کلاس ۴ تشکیل گردید این انجمن دارای ۲ نفر عضو بود و هر هفته شبهای جمعه جلسات عمومی تشکیل و با ایراد کنفرانسهای سودمند راجع به اهمیت صنایع مستظرفه وسائل تشویق اعضاء فراهم میشد مهمترین آثار این انجمن از اینقرار است :

۱ - پرده تمثال شاهنشاه اعلیحضرت پهلوی (سیاه قلم حسین عاطفی)

۲ - يك پرده تمثال والا حضرت همايونی (سیاه قلم ناصر آزاد پور)

- ۳ - يك نمونه از كشاف (شكل ساك) برای كواه پشتمی پیشاهنگی (کار عبدالرحیم نیک پی)
- ۴ - يك پرده عکس جناب آقای حکمت وزیر معارف (سیاه قلم آزادپور)
- ۵ - يك قطعه گچ بری که دو کبوتر را در حین پرواز نشان میدهد (کار موسی مشیری)

۶ - يك پرده کاموا دوزی که سگی را هنگام شکار نشان میدهد .

خلاصه انجمنهای مزبور با وجود عدم وسائل و تازگی تا آنجائیکه توانست از پیشرفت خودداری ننمود و وسائل تشویق و بکار داشتن اعضاء خود را فراهم آورده است

انجمن ورزش - این انجمن بریاست و قایظیر اعظمی دانش آموزان ۳ باسرپرستی مخصوص ریاست دبیرستان تشکیل و دارای ۵۳ نفر عضو بود این انجمن بمنظور تشویق ورزش و تنظیم و تقویت قوای بدنی تشکیل گردید و علاوه بر تشکیلات ورزش سابق يك کلوب فوتبال مرکب از دو تیم عقاب و شهباز و دو تیم والیبال و دو تیم باسکتبال تشکیل و بانظم و ترتیب کامل شروع بکار و تألیفات عملی اهمیت ورزش پرداخت .



نمایش و موسیقی

بزرگترین عامل مؤثر در تهذیب اخلاق مردم نمایش است زیرا که بوسیله نمایش همانطوری که امروزه در آزمایشگاه ها قوانین و تجربیات علمی و فنی بکمال آسانی آموخته میشود میتوان در آزمایشگاه سن قبايح و عیوب اخلاقی و اجتماعی و راه تصفیه آنرا فهمانده و نشان داد و مخصوصاً برای توده جوانانیکه مردان آینده کشورند این قسمت کمال لزوم را دارد.

دیپستان هرساله نمایشهای بمعرض استفاده شاگردان خود گذاشته و در همه آنها عده زیادی هم از اهالی شرکت نموده اند مخصوصاً از سال گذشته بیشتر بااهمیت موضوع پی برده و بر عده نمایشها افزوده است انجمن ادبی امسال هیئتی بنام هیئت آراکترال دیپستان از اعضاء لایق تشکیل و با نظارت ریاست معارف و رئیس دیپستان در ظرف سال تحصیلی ۱۵ - ۱۳۱۶ چندین فقره موضوع اخلاقی جالب توجه تهیه و بنام تصفیه اخلاق نمایش داده است در قسمت موسیقی هم دیپستان بااهمیت موضوع پی برده و هیئتی بنام هیئت آراکتر در تحت نظارت آقای غنیمی دیپ و هنر آموز موسیقی تشکیل داده است این هیئت در تمام جشنها و نمایشها شرکت ورزیده است هیئت آراکتر دیپستان در سال ۱۳۱۳ تشکیل و در جشن معارف (تیر ۱۳۱۵) از طرف مقام وزارت معارف چند نفر از اعضاء آن بدریافت مدال سرافراز گردیدند خلاصه دیپستان ایندو عامل مؤثر که مایه تهذیب اخلاق اجتماعی ' ترویج حسن بین پرستی و تقویت روح شاه پرستی و بالاخره موجب گشاده روئی و شادمانی است شاگردانی دارای گفتار و کردار نیک و دانش آموزانی مبین پرست و شاه دوست و گشاده رو و کاری تربیت خواهد نمود.

شعبه سالنامه و کتابخانه

انجمن ادبی اولا برای نشر و گزارش و تنظیم و چاپ سالنامه و تاریخچه و چگونگی اوضاع معارف و دبیرستان ثانیاً بنام تشویق و نشاندادن محسنات و تحریک حس مطالعه و بررسی در شاگردان شعبه بنام شعبه سالنامه و کتابخانه تأسیس نمود.

شعبه سالنامه و کتابخانه امسال قسمت عمده منظور اصلی خود را انجام داد یعنی اولا برای نخستین بار سالنامه دبیرستان را تقدیم دوستداران معارف نمود. ثانیاً چند جلد کتاب تهیه و در کتابخانه دبیرستان بنام خود در دسترس استفاده شاگردان قرار داد.

ثالثاً تعدادی کتابخانه دبیرستان را بعهده گرفته و وسیله تشویق و ترغیب شاگردان و تولید حس مطالعه را در آنان ایجاد و در اجرای نظم و ترتیب ذره ای فروگذار نشده است.

کتابخانه دبیرستان هر هفته باستثنای شنبه‌های شنبه و چهارشنبه ۵ و نیم الی ۷ و نیم باز و در ظرف سال شاگردان بالغ بر ۹۵۰ فقره بکتابخانه رجوع و مطالعه نموده اند.



انجمن صنایع ظریفه

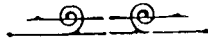
دیرستان در بدو تأسیس انجمنهای خود بمنظور تهییج ذوق صنایع مستظرفه و پیشرفت هنرهای زیبا انجمنی بنام « انجمن صنایع مستظرفه » تشکیل داد سال گذشته این انجمن هم مانند انجمنهای دیگر تا آنجائیکه توانست پیشرفت نمود امسال هم حتی القوه در تقویت روح صنایع مستظرفه که از غرایز ایرانی است جهد نموده و وسائل تشویق اعضای خود را فراهم نموده است انجمن صنایع مستظرفه امسال هفته یکبار جلسات خود را تشکیل و بانمایش و نشان دادن پرده های نقاشی با کیمه کارهای برجسته دیگران (استادان ماهر) و صنایع ظریفه و کارهای استادان زبردست شوق مخصوصی در اعضای خود تولید و سابقه هائی برای انجام منظور خود مابین اعضای خویش گذاشت و جوائری برای برندگان مسابقه های خود قائل شد

خلاصه بکومک ذوقی همدیگر چند پرده و قطعه ظریف تهیه و بمعرض تماشای همشاگردان خود گذاشت انجمن صنایع مستظرفه از امسال در نظر گرفته که مجموعه ای از کار های زیبا و آثار ظریف هر سال خود را در مجلی جمع آوری نماید .

برای نیل مقصود و انجام این آرزو بهترین وجه در نظر است که سال آینده در صورت بدست آوردن وسائل در مجسمه سازی و نجاری آثاری از خود بیادگار گذارد .



انجمن نیرو



ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کژی آید و کاستی

هر فرد زنده نیرو لازم دارد آنکسی که نیرومند تر است برتر است . برای ادامه حیات و انجام وظیفه عقل سالم لازم است و عقل سالم نیست مگر در بدن سالم بدن سالم نمی ماند مگر بواسطه ورزش

ورزش برای گردش چرخهای زندگی بمنزله روغن برای چرخهای ماشین است همانطوریکه پیچ ومهره های ماشین را برای جلوگیری از زنگ و فساد روغن میمالند برای تقویت و بکار داشتن عضلات و اعضای زندگی ورزش لازم است .

کسیکه تن بورش نمیدهد بزودی چرخهای زندگی از کار افتاده و حرارت حیاتش خاموش میگردد برعکس کسیکه بورش گرائیده و خود را نیرومند میسازد از دره های پرییچ و خم گیتی بآسانی عبور نموده و با اراده آهنین خود موانع را از پیش برداشته و از هیچگونه کمک و دستگیری بدرماندگان خود داری نمینماید .

ورزش شخص را بلند نظر ، با همت ، صحیح المزاج ، با عزم و اراده مینماید و در هر عصری مایه فیروزی و کامیابی اقوام فاتح و زندگی بوده است .

بازوان قوی مشتهای آهنین و سینه فراخ مردان ورزشگر از انجام خدمات طاقت فرسای فردی و اجتماعی گریزان و درمانده نشده و جوان ورزشکار بارخی باز بالبی خندان ، چهره بشاش ، چشمانی درخشان و روحی پاك گوی سبقت را از میدان مقصود ربوده و با پیروزی و کامیابی برتری خود را بر اقران ثابت خواهد نمود دنیای امروز دست در دامن ورزش زده و با همیش اعتراف دارد ، انجمنها ، کلوب ها و مسابقه های بزرگ برای پیشرفت در ورزش تشکیل گردیده و کشور های بزرگ از تشویق آن ذره ای خود داری نمینمایند .

وتابش ورزشی در سراسر کشور پرتوافکنده دبیرستان ما هم با اراده خستگی ناپذیری بترویج و رونق ورزش پرداخته است .

دبیرستان علاوه بر پیش آهنگی از سال ۱۳۱۴ باینطرف یعنی در آغاز گشایش انجمنهای خود انجمنی بنام کانون نیروتشکیل داده و بانظارت ریاست دبیرستان و سرپرستی دبیر ورزش تنظیم امور تربیت بدنی دبیرستانرا بهعهده یکدسته از شاگردان برجسته خود واگذار نموده و حتی القوه از فراهم نمودن وسائل تشویق وتولید حس نرومندی در دانش آموزان کوشش نموده است .

کانون ورزش امسال بتکمیل وسائل ورزش خود پرداخته وتشکیلات ورزشی خویشنی داد .

تشکیلات مزبور از اینقرار است :

۱- ۴ تیم فوتبال ۲- دو تیم والیبال ۳- دو تیم باسکتبال وبعلاوه یکعهده از دانش آموزان علاوه بر ورزشهای نظامی و عملیات پیش آهنگی بورزشهای دیگری ار قبیل وزنه پرانی ، مشت بازی ، پرش ، دو و دوچرخه سواری اشتغال میورزند و رویهمرفته سال بسال ومخصوصاً در دو سال اخیر در ورزش دبیرستان تفاوت کلی حاصل گردیده است .

کانون ورزش امیدوار است که درآئیه هنگام اقدام ساختمان جدید دبیرستان استخر مخصوصی برای شنا نیز بسازند .



مسافرت پیش آهنگان سنندج بمرکز یا نخستین کاروان پیش آهنگی ایران در تهران

در تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ یکعده شانزده نفری از پیش آهنگان دبیرستان در تحت سرپرستی ریاست معارف (رئیس پیش آهنگی کردستان) بمعیت آقای شامبیانی و غنیمی دبیران ورزش و موسیقی از راه همدان و قزوین رهسپار تهران شدند .
پیش آهنگان در ساعت ۵ بعد از ظهر پس از استقبال شایانیکه از طرف معارف و دانش آموزان همدان در دو فرسخی شهر از آنها بعمل آمد وارد و پس از يك روز توقف در همدان و مشاهده آثار تاریخی و مؤسسات معارفی آنجا بطرف قزوین حرکت نمودند .

پیش آهنگان ما روز بعد از ورود بهمدان در دبیرستان پهلوی با تیمهای فوتبال و والیبال آندبیرستان مسابقه های دوستانه داده است .

شب بعد را هم در سالن نمایش و موسیقی آندبیرستان پیم " باید پیش - آهنگ شد " را که قبلا توسط پیش آهنگان ما تهیه شده بود بمعرض نمایش گذاشته شد و اهمیت موضوع پیش آهنگی را خاطرنشان نمودند .

روز دوازدهم پیش آهنگان ساعت ۶ بعد از ظهر پس از استقبال شایانیکه از طرف پیش آهنگان قزوین در شش فرسخی شهر از آنها بعمل آمد در آغوش احساسات دانش آموزان و اعضاء معارف بقزوین وارد گردیدند . پیش آهنگان اعزامی روز سیزدهم اردیبهشت تمام مؤسسات معارفی و کارخانجات قزوین را بازدید نموده و از طرف پیش آهنگان دبیرستان پهلوی آنجا چند جلد کتاب بنام هدیه دریافت نمودند ، و نیز دانش آموزان دبیرستان ابراندخت هم دو پرده کاموا دوزی بنام یادگار بکانون پیش - آهنگی سنندج هدیه نمودند . نتیجه مسابقه های قزوین از اینقرار بود :

در فوتبال طرفین مساوی (هیچ بر هیچ) ولی در والیبال بنفع بازیکنان کردستان تمام شد .

تیمهای باسکیت بال درستان شاهیپور ۱۳۱۷

تیم ۱			تیم ۲			تیم ۳			تیم ۴		
شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی
۱	عزت	ملک محمدری	۱	رفیق	جمیل	۱	محمد علی	رضی سلفه	۱	فرج	حاجه
۲	عزت	محمدری	۲	ناصر	دکامپور	۲	محمد	دیراند	۲	عابد	فرزاد
۳	غلامحسین	محمدری	۳	حارث	سمدی	۳	بهر	شیخ اعلی	۳	عبدل	نهایی
۴	ارفع	مشرف	۴	رشید	قاسمی	۴	لاریان	فرید سنده	۴	ناصر	شرف
۵	حجت	شرفی	۵	حسن	خاک	۵	عبدل	سفری	۵	اسعد	سمندرزی

تیمهای والیبال بیرستان شاهپور ۱۳۱۷

تیم ۱			تیم ۲			تیم ۳			تیم ۴			تیم ۵		
شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی	شماره	نام	نام خانوادگی
۱	رضی سلفه		۱	فرج	حاجه	۱	لاریان	فریده	۱	نظرف	اکرمی	۱	عبدل	میرزا
۲	امیر شیخ		۲	بابا	حسینی	۲	غلامحسین	دول	۲	موسی	سفری	۲	نظرف	خاک
۳	عبدل	سفری	۳	ناصر	شرف	۳	ناصر	سلفه	۳	رشید	علی	۳	محمود	سلفه
۴	عبدل	فریدی	۴	عابد	فرزاد	۴	غلامحسین	محمدری	۴	اسعد	سمندرزی	۴	صالح	محمدری
۵	حارث	محمدری	۵	رشید	قاسمی	۵	رفیق	جمیل	۵	محمدری	شاهی	۵	محمدری	شاهی
۶	لاریان		۶	غلامحسین	سلفه	۶	حسن	خاک	۶	محمدری	شاهی	۶	محمدری	شاهی

قیمت های فوق البال در استان شاهپور ۱۳۱۷

تیم ۱				تیم ۲			
شماره	نام	نام خانوادگی	در خدمت	شماره	نام	نام خانوادگی	در خدمت
۱	بهر	فتح الهی		۱	عسکری	نیریزی	
۲	محمد علی	فری سید		۲	میرزا	گلش مجری	
۳	غزنی	محرری		۳	غلام حسین	محرری	
۴	عبدالله	ضیعی		۴	محمد	دیوان	
۵	عبدالله	سفری		۵	فرخ	صاحبزاده	
۶	رحمت	نیریزی		۶	دوست	رحمت پناه	
۷	ناصر	شیرازی		۷	رافع	شیرازی	
۸	محمد امین	بیکری		۸	سعود	رحمن پور	
۹	عابد	فرزانه		۹	ناصر	سلطان پور	
۱۰	رشید	قاسمی		۱۰	هاد	معمودی	
۱۱	عبدالله	ناصر شیرازی		۱۱	فرخ	کهاکری	



صورت اسامی مسبقه دهنندگان (والیبال) دبستان ۱۵ بهمن ۷ دیماه ۱۳۱۷

شماره	نام	نام خانوادگی	کلاس	در خدمت
۱	محمد	نما کیور	ط	
۲	محمد	رسولی	=	
۳	سیف الله	ضیعی	=	
۴	محمد	سید الشهدا	=	
۵	محمد	یار اللهی	=	
۶	علی الله	کریمی	۳	
۷	احمد	رحمانی	۶	

نظیران کتب دارم حقیق

نقایص - مشکلات - سرخور دگیها

حال باید متذکر شد قصبات و شهرستانهای دور دست و دهاتی که مدارس در آنها قرار داشت به علت نبودن وسیله آمد و رفت و صعب العبور بودن کوره راهها، بیش از سالی یک بار سرکشی و بازرسی از مدارس بوسیله بازرسان اداره ممکن نبود آنهم با الاغ یا پیاده و احیاناً اگر ریزی ماشینی باری و یا لیلاند نفت کشی بطرف سقز و بانه یا مریوان و پاوه راه می افتاد قبلاً اطلاع پیدا می کردند و بوسیله آن به این نقاط می رفتند البته در صورت داشتن جا، با این وصف می بینیم در اثر صادق بودن، مدیران و معلمین و عشق به کار و خدمت به مردم، آنان با حقوق کم و امکانات ناچیز، همگی به وظایف خود کاملاً آشنا بوده و خدمتی صادقانه داشته اند گزارشهای ماهیانه مدارس خارج از شهر، این نظم و ترتیب و رفتار صادقانه را تأیید می کند. مدیران و معلمینی که در مدارس شهر یا روستاها خدمت می نمودند همگی مدرک شش ساله ابتدائی را از مدرسه اتحاد یا احمدیه دریافت داشته بودند، در پایان هر سال به علت برنامه درسی سنگین بیش از سه الی چهار نفر نمی توانست فارغ التحصیل شود. و اگر کسی موفق به دریافت گواهی نامه شش ساله ابتدائی می شد از هر لحاظ پخته و کامل و شایسته مدیریت بود، برای نمونه چند گزارش ماهیانه مدیران قصبات و روستاها را ضمیمه اسناد نموده ام که گواه صادقی باشد بر ادعایم. به متن نامه و گزارش عبدالباقی مدیری از چگونگی برگزاری امتحان شش ساله ابتدائی مدرسه احمدیه سقز در سال ۱۳۰۱ توجه کنید چه نظمی به کار رفته و با چه شرایطی و با حضور چه اشخاصی امتحانات بعمل آمده، در سندج نیز امتحانات در باشگاه افسران در حضور فرماندار و افسران نظامی و بازرسین وزارتخانه انجام می گرفت. روستاهایی که دارای مدرسه دو کلاسه بوده به وسیله یک نفر که هم مدیر و هم معلم بوده به همراه یک مستخدم با حقوق ناچیزی مدرسه را اداره کرده است مدرسه چهار کلاسه، مدیر به کمک دو معلم آنرا اداره نموده، معلمین در شرایط سخت در شهرهای دور دست و روستاهای دور افتاده و فاقد امکانات زندگی، با حقوق ۱۲۰ الی ۲۲۰ ریال مجرد یا متأهل که بسیار طاقت فرسا و غیر قابل تحمل بوده زیسته اند و جز ایمان و صداقت و عشق به خدمت، قبول این سختی را توجیه دیگری نمی توان نمود آن هم مدارسی که فاقد میز و نیمکت و صندلی و اطاق در و پنجره دار بوده است. در گزارش مدیران و بازرسان می خوانیم که در بعضی از آبادیها - آغلها را تمیز کرده و در آنجا به تدریس مشغول بوده اند تعدادی از مدارس روستاها از یک ساختمان دو اطاقه و یا انباری که کلاً بدون در و پنجره بوده مدرسه را در سرمای سخت زمستان اداره نموده اند، برخی هم محصلین را در مسجد جمع کرده و به سبک مکتب های قدیم درس داده اند بدون اینکه سطوح درسی و کلاسها از هم مجزا باشد. بهتر است گزارش ماهیانه آبان و آذر ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۷ مدیر مدرسه پاوه و قروه و سریش آباد، مدیر دبستان ادیب هجیج در سال ۱۳۱۷ و بازرسی آقای رضا ناصر مستوفی را از مدارس روانسر و پاوه و نوسود و نودشه در سال ۱۳۱۷

و گزارش اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ مدیر دبستان رونق جوانرود را که همه این اشخاص بجز تحصیلات شش ساله ابتدائی مدرکی در دست نداشته اند ملاحظه کنیم ، چقدر خط و ربط و انشایشان از انسجام و پختگی کافی برخوردار است مدیران و معیمنی که در شرایط آنچنانی به خدمت مشغول بوده اند ، اغلب موجب بی مهری بازرسی فرماندار ، فرمانده ژاندار مری ، مأمورین انتظامات و گاهی رؤسای ادارات قرار گرفته اند.

برای نمونه نامه شماره ۱۱۴ - ۱۵/۸/۱۸ مدیر دبستان دولتی دیواندره را ملاحظه کنید که معلم و مدیر بیچاره در چه شرایط ناگواری و با برخورد ناجور و طرز تفکر چه اشخاصی روبرو شده ، چقدر تحمل و چه اندازه صبر و شکیبائی و گذشت و ایثار؟ (سند شماره ۲۲)

تاریخ ۱۵/۸/۱۸

نمره ۱۱۴

اداره معارف و اوقاف ایالتی کردستان

دائرة: دبستان فردوسی

پاسخ شماره ۷۵۷۱ بعرض می‌رساند تا حال رؤسای دوائر کردستان از سر لشکر و حکمران و رئیس شهربانی و غیره چندین دفعه قبل از تشریف فرمائی بندگان اعلیحضرت و بعد از آن در موقع عبور از دیواندره جهت بازدید به دبستان تشریف آورده‌اند و هیچ گونه ایراد ندیده‌اند، بدیهی است اگر چنانچه یک ایراد جزئی مشاهده می‌کردند خاطر مبارک ریاست محترم را مستحضر می‌نمودند به همین دلیل عرض می‌کنم: فدوی از روز ورودم به خدمت معارف در مراقبت و انتظام وضعیات داخلی دبستان کوچکترین فصولی بخرج نداده‌ام و در موقع تشریف فرمائی جناب آقای رئیس کل فلاحات تمامی نوآموزان و کارکنان در کلاس بودند و کلاهشان در میخ بود فقط چهار نفر از نوآموزان کلاس ۴ که سرشان زخم داشت کلاه در سر داشتند اگر چنانچه آقای رئیس فلاحات اظهار فرموده باشند که تمامی نوآموزان و کارکنان کلاه در سرشان بود در حقیقت بی انصافی فرموده‌اند و زحمات یک نفر مامور بدبخت را در همچو جائی که از حبس تاریک بدتر است جگر خورده انجام وظیفه می‌نمایند بهدر داده‌اند این است در خاتمه محض استحضار مبارک قسم می‌خورم به مقدسات عالم بغیر از چهار نفر مذکور فوق هیچیک از نوآموزان و کارکنان کلاهشان در سر نبوده.

مدیر دبستان دولتی دیواندره - امضاء

اخباری



تاریخ ۱۸/۸/۱۷
نمره ۱۱۴ ضمیمه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع

اداره معارف و اوقاف کردستان
دائرة: دبستان فردوسی
پاسخ شماره ۷۵۷۱ بعرض می‌رساند تا حال رؤسای دوائر کردستان از سر لشکر و حکمران و رئیس شهربانی و غیره چندین دفعه قبل از تشریف فرمائی بندگان اعلیحضرت و بعد از آن در موقع عبور از دیواندره جهت بازدید به دبستان تشریف آورده‌اند و هیچ گونه ایراد ندیده‌اند، بدیهی است اگر چنانچه یک ایراد جزئی مشاهده می‌کردند خاطر مبارک ریاست محترم را مستحضر می‌نمودند به همین دلیل عرض می‌کنم: فدوی از روز ورودم به خدمت معارف در مراقبت و انتظام وضعیات داخلی دبستان کوچکترین فصولی بخرج نداده‌ام و در موقع تشریف فرمائی جناب آقای رئیس کل فلاحات تمامی نوآموزان و کارکنان در کلاس بودند و کلاهشان در میخ بود فقط چهار نفر از نوآموزان کلاس ۴ که سرشان زخم داشت کلاه در سر داشتند اگر چنانچه آقای رئیس فلاحات اظهار فرموده باشند که تمامی نوآموزان و کارکنان کلاه در سرشان بود در حقیقت بی انصافی فرموده‌اند و زحمات یک نفر مامور بدبخت را در همچو جائی که از حبس تاریک بدتر است جگر خورده انجام وظیفه می‌نمایند بهدر داده‌اند این است در خاتمه محض استحضار مبارک قسم می‌خورم به مقدسات عالم بغیر از چهار نفر مذکور فوق هیچیک از نوآموزان و کارکنان کلاهشان در سر نبوده.

از طرفی هم برمی خوریم به فداکاری و خدمت بی دریغ سروان آشوری فرمانده گردان اعزامی در اورامان که در نامه ای به شماره ۲۵۷۷ - ۱۲ / ۱۱ / ۳۱۶ گردان هنگ منصور خطاب به ریاست معارف کردستان می نویسد: در محال اورامان لهن با جدیت پادگانها دو دبستان (روان) و (تین) تأسیس شده که اولی ۷۰ و دومی ۳۵ دانش آموز ثبت نام کرده اند و به درس خواندن مشغولند و از اولیای هریک از اطفال ماهیانه ۳ ریال جهت حقوق معلمین دریافت می شود و برای این معلمین در این محل ها که فاقد هر گونه مزایا و وسایل معیشت است کمک می طلبیم در گزارش آقای رضا ناصر مستوفی می بینیم : گروه بان دوم جلیل مسلکی کفیل دسته پاسگاه امنیه در نودشه اعلام کرده است ، نو آموزان اکابر از بیگاری معاف هستند و . در نامه شماره ۵۳ - ۲۵ / ۳ / ۲۵ مدیر دبستان ادیب هجیج به اداره فرهنگ شهرستان سنندج که گزارش بازرسی آقای مردوخ پور را منعکس نموده می نویسد : (بطور کلی دانش آموزان روی خاک نشسته و حتی صندلی که آقای مدیر گاهی بر آن تکیه دهد در دبستان وجود نداشت ، این وضعیت باعث بسی نگرانی و افسردگی است)

این قسمتها را رها می کنیم و به جنبه اخلاقی اولیای مدرسه و تربیت دانش آموزان می پردازیم. در سالهای اولیه تأسیس مدارس جمعیت شهر سنندج به ۳۰ هزار نفر نمی رسید، حدود ده خانوار بزرگ ، اعیان و ملاکین بزرگ شهر را تشکیل می داد و قریب یکصد خانوار به این ده خانوار به نوعی وابسته بودند ، از قبیل نماینده ، ضابط ، مباشر ، بزرگ نوکر ، نوکر ، خدمتکار ، قلیان دار ، سفره دار ، پیشکار ، آبدار ، تحویل دار ، صندوق دار ، کار گزار ، و غیره ، عده ای هم در این اواخر که ادارت دولتی دایر شده و حقوق و مزایایی برای کارمند و مستخدم اداره به هم رسیده بود به همراه برخی از وابستگان به اعیان و مالک که سواد داشتند و از خدمت آنها دست کشیده بودند به استخدام ادارات درآمدند ، بقیه مردم هر یک به نوعی حرفه ای داشتند . برخی با زندگی بهتر و بعضی با زندگی پائین تر ، بخور و نمیر قناعت می کردند و دم بر نمی آوردند، از جمله در این شهر ، میدان وسیعی که اکنون میدان میوه فروشان بازار سنندج را تشکیل داده متجاوز از یکصد دکان کوچک و محقر پینه چینی پاره دوز و وصله کننده کفش و گیوه وجود داشت که با زحمت ، روزی نا تمام خود را بدست می آوردند و قانع بودند ، به این اسشهادیه که اهل جماعت دو مسجد میرزا کریم در محله پیر محمد و مسجد آقا کریم در محله گله دارها و آقا رحیم که همگی اثر مهر و انگشتان مشخص شده توجه کنید می بینید کلیه اهل جماعت این دو مسجد همه فقیر و از طبقات بسیار پائین اجتماع هستند و قس علی هذا ، یعنی بقیه بر این منوال بوده اند (سند شماره ۲۳) .

دکانهای زیادی پائین تر از محل پاره دوزها و این طرف بازار، جلو حمام خان (حمام پیرظهیری) رو به شرق تا می‌رسیده بازار علافها، دکانهای محقری بود که رُل میدان بارهای امروز را بازی می‌کردند و بارهایی را که با الاغ و قاطر از ده به شهر می‌آوردند تحویل گرفته و برای روستائیان می‌فروختند و مبلغی به نام واسطه‌گری دریافت می‌کردند و در همین محل اشخاصی نیز بودند که پالان الاغ و قاطر می‌دوختند، حلبی سازها در اینجا و جاهای دیگر به چشم می‌خوردند دو سه بازار هم وجود داشت که مخصوص بزاز و عطار و سقط فروش و جواهر فروش و مسگر و سراج (که زین اسب و وسایل چرمی تهیه می‌کردند) و کفاش و دیگر شغلها مشاهده می‌شد از دم خیابان تا می‌رسید به حمام پیرظهیری جای پاساژ کنونی را تیمچه فرش فروشها تشکیل می‌داد، خیاط کردی دوز و فرنگی دوز (کت و شلوار) در هر جایی وجود داشت، چهار خیابان شهر که در عصر پهلوی ایجاد شده نیز مغازه‌های مختلفی زینت بخش آنها بود. روی هم رفته اقتصاد ضعیف بود و پول کم، همه چیز ارزان، گاهی معاملات هم پایاپای انجام می‌گرفت، برخی از مردم خانه شخصی نداشتند و اجاره نشین بودند، اجاره بهای خانه‌ها هم از ۲ تومان تا ۱۰ تومان بیشتر نمی‌شد، اکثریت مردم عائله مند بودند بطوریکه هر خانوار از چهار فرزند به بالا داشتند، اکثر توان آنرا نداشتند که بچه‌هایشان را به مدرسه بگذارند، اغلب مدرسه رفتن را تکفیر کرده و گناه می‌شمردند، ناچار بچه‌هایشان را به شاگردی در نزد، یکی از صاحبان حرف مشغول می‌کردند بچه‌هایی که به مدرسه می‌آمدند و وضع مالی مطلوبی نداشتند از لحاظ کتاب و لوازم التحریر و لباس و کفش، مورد حمایت دولت و مردم خیر و نیکوکار قرار می‌گرفتند.

برخی از معلمین و مدیران، ناآشنا به وظایف خطیر معلمی بودند و نمی‌دانستند که با زبان خوش مار از سوراخ بدر می‌آید، با محبت می‌شود بچه‌های شرور و شلوغ و درس نخوان را رام و مطلع و درس خوان نمود، چوب و شلاق می‌زدند و فلک می‌کردند بسیاری از دانش آموزان از مدرسه رمیده شدند و ترک تحصیل کردند، خود من چندین بار به ناحق و بدون تقصیر (مثلاً در زمستان ده دقیقه دیر به مدرسه رفته بودم) فلک شده‌ام من که پدرم در فرهنگ صاحب نفوذ کامل و همه معلمین و مدیران آن زمان دست پرورده وی بودند چنین روزگاری داشتم حساب بقیه پاک بود.

در نامه شماره ۵ مدیر مدرسه احمدیه خطاب به اداره معارف کردستان آمده است که پریروز ۲۱ ثور ۱۳۰۰ آقای موید العلما حکمت ناظم مدرسه، بچه هفت ساله‌ای را در کلاس حبس می‌کند، عصر که مدرسه تعطیل می‌شود بچه در حال گریه و زاری در کلاس مانده است همه رفته اند ناگهان مدیر (آقای عطاالله معتمدی) به مستخدم می‌گوید نگاهی به اطاقها بینداز تا درها را ببندیم و برویم، مستخدم به کلاس اول که می‌رود بچه حبس شده را در حال گریه می‌بیند فوراً او را بیرون آورده به آقای مدیر نشان می‌دهد مدیر او را با مستخدم به در خانه می‌فرستد و خود به اداره رفته ماجرا را گزارش می‌کند

و از نظامت آقای حمکت سلب مسئولیت خود را اعلام می کند و می نویسد از این پس خود حاضرم
تمام مسئولیت مدرسه را بپذیرم. (نامه شماره ۲۴)

۵
۲۱ نورانی قزوین ۱۳۰۵

مقام گرامی ریاست معارف که دستهای دردم جان
بر روز آه سراید العبادت که نام پرگاه سترگم را بدست می نویسد ، آنکه بانی ترویج نفس
و در اوقات دایره کدین شعور قصیر و در سر خود بود و در رشت او را فضل فرمود
حبش آه سراید العبادت از سر طینت لایزال می نویسد - تا آنکه بعد از تعطیل مدرسه و رفتن خود
مرا به فدوی فرستاد بر این است که کلاسها در نشاند - و در ضمن صدای کریم طه از محبت
سینه که در یک محبت و در یک محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
نیفرستادم دیدم که در این محبت و در این محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
یقین بر سینه روز یک است که در یک محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
توت و عذرا که در این محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
مردم از قرار قرار خود متغیر بعد از (۵) شرایط طینت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
چون از عصب و عصب طینت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
و مسئولیت سخت آن متوجه فرد نشود - شخص عصبه دار که طینت مدرسه و آقای
مرا به العبادت را بعد از این محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
که انتم - پس است طینت طینت مدرسه و عصبه که در این محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این
خواسته فرمود - و الله بدید این محبت که او را بروی تراورد - اگر در این محبت و در این



مرحوم پدرم که مرام وصل کردن داشت و از فصل کردن بیزار بود، از رفتار چنین اشخاص رنج می‌برده است. از خواندن پرونده های مدیران و معلمین آن زمان درمی یابیم که هنگام ریاستش، موارد اختلاف در بین معلمین و همچنین اولیای مدرسه با شاگردان و تحریکات سیاسی و مذهبی را با لطائف الحیل و روش خاصی حل و فصل نموده است و چقدر جانب دانش آموزان را رعایت می کرده است. نمونه ای از این اختلافات و نحوه رفع نگرانی ها و التیام بین شاگرد و معلم را در سه نامه ضمیمه شده ملاحظه کنید، دیگر اینکه اگر سیاست درست و مسالمت آمیزی نداشت فرمانداران و رؤسای مالیه و تجار و کسبه آن زمان چنان طرفداری و پشتیبانی از وی نمی کردند (اسناد شماره ۲۵، ۲۶، ۲۷)

نمره عمومی ۲۲۵۱ تاریخ ۱۳۰۶/۹/۲۹

کارتن - دوسیه ۱/۸۲

آقای اخلاقی

نظر به اختلال اسف انگیزی که اخیراً مطابق راپورت واصله در نتیجه اعتصاب شاگردان ۶ مدرسه اتحاد رخ داده مقتضی است به مدرسه مزبوره رفته و نصایح لازمه را به شاگردان به عمل آورده، ضمناً به آنها اظهار نمایند هرنوع تقاضای مشروع قانونی دارند مستقیماً "کتباً" به این اداره ارسال دارند که مستدعیات مقرون به حسابی آنها به عمل آید و ضمناً "محرکین اعتصاب را کشف و راپورت نمایند. من بعد در ساعتهای بیکاری تفتیش کامل از انتظامات مدارس به عمل آورده مفصلاً راپورت نمایند.

کفیل معارف و اوقاف کردستان - حیرت سجادی

دوسیه ۸۳	اداره	پاکنویس کننده
	دایره	شعبه
تاریخ تحریر	ماه تاریخ پاکنویس	ماه تاریخ خروج
	ماه تاریخ ثبت	ماه ۱۳۰

۱
نظر به اختلال اسف انگیزی که اخیراً مطابق راپورت واصله در نتیجه اعتصاب شاگردان ۶ مدرسه اتحاد رخ داده مقتضی است به مدرسه مزبوره رفته و نصایح لازمه را به شاگردان به عمل آورده، ضمناً به آنها اظهار نمایند هرنوع تقاضای مشروع قانونی دارند مستقیماً "کتباً" به این اداره ارسال دارند که مستدعیات مقرون به حسابی آنها به عمل آید و ضمناً "محرکین اعتصاب را کشف و راپورت نمایند. من بعد در ساعتهای بیکاری تفتیش کامل از انتظامات مدارس به عمل آورده مفصلاً راپورت نمایند.

۲
نظر به اختلال اسف انگیزی که اخیراً مطابق راپورت واصله در نتیجه اعتصاب شاگردان ۶ مدرسه اتحاد رخ داده مقتضی است به مدرسه مزبوره رفته و نصایح لازمه را به شاگردان به عمل آورده، ضمناً به آنها اظهار نمایند هرنوع تقاضای مشروع قانونی دارند مستقیماً "کتباً" به این اداره ارسال دارند که مستدعیات مقرون به حسابی آنها به عمل آید و ضمناً "محرکین اعتصاب را کشف و راپورت نمایند. من بعد در ساعتهای بیکاری تفتیش کامل از انتظامات مدارس به عمل آورده مفصلاً راپورت نمایند.

آقایان محصلین کلاس هفتم مدرسه دولتی شاهپور

در جواب مشروحه مورخه شهر فوق راجعه به آقای اخلاقی اشعار می دارد وزارت جلیله معارف دامت شوکته هرگاه به تعلیم سابق آن کلاس قناعت می نمود در اعزام آقای اخلاقی اقدام نمی فرمود البته همچو معلم محترمی را باین حقوق پس از سنجیدن اطلاعات و امتحان طرز تعلیمات اعزام داشته اند. در این صورت البته هرذی حسی تصدیق خواهد نمود که در مقابل تصمیم دولت اظهار عقیده و تنقید اداره و اعضای مدارس تا چه رسد به محصلین بی نتیجه سهل است جالب مسئولیت بزرگی خواهد بود. مسلم است که معاملات این چند روزه محصلین نسبت به این معلم محترم مخصوص کلاس ۷ مطابق اظهارات همین مشروحه قابل تحمل نبوده و اعتصاب قسمت عمده ای از کلاس ۷ به ملاحظه مواضعه با عده ای بوده، پس از رسیدگی و تعیین محرک البته نسبت به اشخاص بی تقصیر قرار مقتضی داده می شود و مشارالیه هم باید در نهایت میل به امتثال سواد پرگرم کلاس ۷ تسلیم شده و ابداً اظهار عقیده ننمایند تا از تحصیلات خود سودمند گردند.

کفیل معارف و اوقاف کردستان - حیرت سجادی

نوع مسوده	 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه اداره دایره شعبه	نمره عمومی ۴۵۰
موضوع مسوده		نمره خصوصی
ضمیمه		کارتن ۱
یا کنویس کننده		دوسیه ۱۸۳

تاریخ تحریر ماه تاریخ یا کنویس ماه تاریخ ثبت ماه تاریخ خروج ۳۰ آذر ماه ۱۳۰۶

آقایان محصلین کلاس هفتم مدرسه دولتی شاهپور
 در جواب مشروحه مورخه شهر فوق راجعه به آقای اخلاقی اشعار می دارد وزارت جلیله معارف دامت شوکته هرگاه به تعلیم سابق آن کلاس قناعت می نمود در اعزام آقای اخلاقی اقدام نمی فرمود البته همچو معلم محترمی را باین حقوق پس از سنجیدن اطلاعات و امتحان طرز تعلیمات اعزام داشته اند. در این صورت البته هرذی حسی تصدیق خواهد نمود که در مقابل تصمیم دولت اظهار عقیده و تنقید اداره و اعضای مدارس تا چه رسد به محصلین بی نتیجه سهل است جالب مسئولیت بزرگی خواهد بود. مسلم است که معاملات این چند روزه محصلین نسبت به این معلم محترم مخصوص کلاس ۷ مطابق اظهارات همین مشروحه قابل تحمل نبوده و اعتصاب قسمت عمده ای از کلاس ۷ به ملاحظه مواضعه با عده ای بوده، پس از رسیدگی و تعیین محرک البته نسبت به اشخاص بی تقصیر قرار مقتضی داده می شود و مشارالیه هم باید در نهایت میل به امتثال سواد پرگرم کلاس ۷ تسلیم شده و ابداً اظهار عقیده ننمایند تا از تحصیلات خود سودمند گردند.

مقام محترم کفالت اداره معارف دامت رفعة

۱ - بر حسب مرقومه ۴۲۵۱ به مدرسه اتحاد رفته و آنچه که مقتضی بود چه از حیث موعظه و نصیحت و چه توبیخ و سرزنش از سوء رفتار ایشان گفته و آنها را بدین نکته متذکر ساختم.

در صورتیکه مطالب حقه داشته باشند به این اداره کتباً ارسال دارند، متعلمین هم پذیرفته و دو طغرا پاکت سر بسته دادند که به توسط فدوی در تاریخ ۶/۹/۳۰ تقدیم داشتم.

۲ - آنچه را که بنده استنباط نمودم محرکین سه نفر هستند که (ایشان هم محرک خارج دارند) اسامی آنها را ذیلاً به عرض می‌رسانم: غلامعلی، شیخ بهاء الدین و صدیق که دو علت اخراج دو نفر اول آنها را ایجاب می‌نماید یکی عدم اقتضای سن (که هر کدام قریب به ۲۲ و ۲۳ سال دارا هستند) که در نظامنامه وزارت جلیله معارف کاملاً معارف تصریح شده است یکی هم اختلافی است که در نتیجه عملیات اینها در کلاس و در نتیجه از مدرسه اتخاذ شده و ثالث آنها با قید تعهد نامه مدرسه می‌تواند او را بپذیرد. البته اگر کفالت محبوب مقتضی بدانند در صدد کشف محرک این اشخاص برآمده تا یک چنین سوء اخلاقی در سایر مدارس رخ ندهد.

۳ - در قسمت ماده ۲ حسب الوظیفه از روز شنبه ۶/۱۰/۲ به تفتیش مدارس رفته و نتیجه عملیات خود را مرتباً بعرض می‌رسانم. مفتش معارف کردستان

امضاء - احمد کمانگر سالار ارشد

$\frac{4251 - 1}{6/10/3} = 82$

مقام محترم کفالت اداره معارف دامت رفعة

بموجب مرقومه ۴۲۵۱ به مدرسه اتحاد رفته و آنچه که مقتضی بود چه از حیث موعظه و نصیحت و چه توبیخ و سرزنش از سوء رفتار ایشان گفته و آنها را بدین نکته متذکر ساختم.

در صورتیکه مطالب حقه داشته باشند به این اداره کتباً ارسال دارند، متعلمین هم پذیرفته و دو طغرا پاکت سر بسته دادند که به توسط فدوی در تاریخ ۶/۹/۳۰ تقدیم داشتم.

۲ - آنچه را که بنده استنباط نمودم محرکین سه نفر هستند که (ایشان هم محرک خارج دارند) اسامی آنها را ذیلاً به عرض می‌رسانم: غلامعلی، شیخ بهاء الدین و صدیق که دو علت اخراج دو نفر اول آنها را ایجاب می‌نماید یکی عدم اقتضای سن (که هر کدام قریب به ۲۲ و ۲۳ سال دارا هستند) که در نظامنامه وزارت جلیله معارف کاملاً معارف تصریح شده است یکی هم اختلافی است که در نتیجه عملیات اینها در کلاس و در نتیجه از مدرسه اتخاذ شده و ثالث آنها با قید تعهد نامه مدرسه می‌تواند او را بپذیرد. البته اگر کفالت محبوب مقتضی بدانند در صدد کشف محرک این اشخاص برآمده تا یک چنین سوء اخلاقی در سایر مدارس رخ ندهد.

۳ - در قسمت ماده ۲ حسب الوظیفه از روز شنبه ۶/۱۰/۲ به تفتیش مدارس رفته و نتیجه عملیات خود را مرتباً بعرض می‌رسانم. مفتش معارف کردستان

امضاء - احمد کمانگر سالار ارشد

مفتش معارف کردستان

سالار ارشد

درد دل و درس عبرت:

جا دارد حقایقی از اشتباهات گذشته‌گان در امر آموزش و پرورش را افشا کرد تا هم اطلاعی بر روش تعلیم و تربیت اکثریت قریب به اتفاق مربیان پنجاه سال به آن طرف آموزش و پرورش باشد و هم درس عبرتی برای آینده اجتماع که در رأس آنان مدیران و معلمان قرار دارند. هنگامی که پدر یا ولی، بچه‌ای را به مدرسه می‌برد و تحویل مدیر یا ناظم می‌داد، از وی التزام می‌گرفتند که فرزندشان باید مطیع مقررات و انتظامات مدرسه باشد و اگر اولیای دبستان از درس و رفتار او ناراضی بودند، بدون چون و چرا، وی را از مدرسه اخراج کنند. بچه معصوم و چشم و گوش بسته‌ای که به اولیای دبستان تحویل داده می‌شد آمادگی هر گونه تربیت را دارا بود و امید آن می‌رفت، طفل ساده و بی‌آلایش، از هر لحاظ شکوفا شود، اخلاق ملکوتی قوت گیرد، نیروی خلاقه فکری و جسمیش اعتلا پذیرد و روز به روز در تزايد باشد تا در آینده فردی لایق و کارآمد، متکی به نفس و سودمند به حال اجتماع و خدمتگزار مردم گردد هزار اسف که برخی از مربیان و معلمان اولیه و گذشته‌گان دور، از خود راضی، خشن، بی‌اعتنا به عواطف روحی و اخلاقی، کم سواد و ناآشنا به روش تعلیم و تربیت جدید، به علت برخورد نامطلوب، بدون پیگیری علت غیبت یا انجام ندادن تکالیف اغلب از همان قدم اول بچه‌ها را فراری داده و از درس و مدرسه بیزار می‌نمودند.

این طرز اخلاق و رفتار فقط مخصوص معلمان آن روز شهر سمنج نبود هم سن و سال‌های من که از شهرستانهای دیگر بودند چنین خاطرات و روش‌هایی را از مربیان خود برایم بازگو کرده بودند. معلم کلاس اول ابتدائی ما پیر و ناتوان و کم طاقت بود، اغلب چرت می‌زد و به زور حرفش در می‌آمد و تاب و تحمل شرارت و شیطنت و ناآرامی طفلان را که خصوصیات ذاتی آنهاست، نداشت و نمی‌پذیرفت. یا خود بچه‌ها را تنبیه می‌کرد و یا به همراه مبصر که نماینده معلم در کلاس بود به اطاق دفتر نزد ناظم یا مدیر می‌فرستاد تا او را تنبیه کنند معمولاً معلمان به اتفاق در هر کلاس دانش آموزی را که از همه بزرگتر و قوی‌تر و شریک‌تر بود. مبصر و سردهسته کلاس قرار می‌دادند (سن و سال ملاک پذیرش دانش آموز در کلاس نبود یکی را از ده سالگی به مدرسه می‌آوردند و یکی را از هفت سالگی و یا بیشتر) مبصر در غیاب معلم می‌بایست کلاس را ساکت و منظم نگاه دارد و هم به خاطر مقامی که به او داده شده و در کلاس نماینده معلم است ناچار بود که منظم و سربه راه باشد.

بچه‌ای که احیاناً در کلاس حرف می‌زد و یا می‌خندید و یا دیر می‌آمد و یا درس و مشقش را انجام نداده بود مورد بی‌مهری معلم قرار می‌گرفت و در انتظار دانش آموزان دیگر، در کنار اطاق می‌بایست بر سر یک پا بایستد و صندلی زینت و چوب گردویی آموزگار را بر سر دست بگیرد، گاهی نیم ساعت و یا بیشتر این عمل طول می‌کشید. بیشتر دانش آموزان خط کش ۵۰ سانتی شش گوش و هشت گوش داشتند، معلم آنرا از یکی می‌گرفت و چند ضربه بر پشت دانش آموز خطاکار می‌زد و یا

اینکه مدادی لای انگشت بچه ها می گذاشت و فشار میداد که واقعاً در دآور بود. اگر دانش آموزی درس و مشقش را ننوشته یا روان و حفظ نداشت جریمه می شد و می بایست صد بار از روی درس بنویسد. اگر بچه را نزد ناظم یا مدیر برای تنبیه می فرستادند ناظم یا مدیر بی رحم شلاق سه رشته و گره خورده و یا ترکه به را بر می داشت و به جان طفل معصوم می افتاد در چنین وضعی کلاسهایی که در اول سال تحصیلی بیست نفر و سی نفر ثبت نام کرده و به کلاس می آمدند، بعد از پایان هر ماه دو سه نفر از تعداد کلاسها کم میشد بطوری که در امتحان آخر سال، کلاس بیست نفری ده نفر و کلاس سی نفری پانزده نفر سر جلسه امتحان حاضر می شدند بقیه از مدرسه گریخته و به کسب و کار روی می آوردند، البته فراری دادن محصلین تنها جنبه خشونت و بی رحمی و تنبیهات بدنی نداشت بلکه طرز تدریس و روش آموزش غالب آموزگاران، با فکر و اندیشه بچه ها هم آهنگی و سازگاری نداشت برنامه درسی سنگین و فشار آموزگار زیاد و طرز بیان و به کاربردن کلمات و عبارات برای ذهن دانش آموز، نامأنوس و فهم و پذیرش آنها در توان محصلین نبود، اغلب اتفاق می افتاد به علت اینکه درس معلمی را حاضر نکرده بودیم یا مشق و تکالیفی را که تعیین شده بود انجام نداده بودیم یا از بیان و برخورد معلمی خوشمان نمی آمد غیبت می کردیم، اسامی غائبین هر کلاس را هر صبح به دفتر می بردند و فردا صبح سر صف غائبین روز قبل را بیرون می کشیدند بعد از اینکه تمام صف ها به کلاس می رفتند ناظم یا مدیر، مستخدم را امر به آوردن چوب فلک میکرد و یکی از ارشدها و مبصرهای کلاس که غالباً در آنجا حاضر بود. به کمک مستخدم پای غیبت کننده را در حلقه طناب فرو می کرد و چوب را چند پیچ میزدند تا طناب پیچ خورده در میج یا محکم شود، آنگاه مدیر یا ناظم، به جان دانش آموز می افتاد و ده الی بیست ضربه چوب یا شلاق بر کف پای او می زد، بارها اتفاق افتاده قبل از فلک کردن. پای بچه را در آب سرد حوض فرو می کردند تا درد را شدیداً احساس کند. هیچگاه اتفاق نمی افتاد که معلم یا ناظم از دانش آموز سؤال کند که چرا غیبت کردی و چرا تأخیر داشتی و دیر آمدی و یا چرا تکالیف را انجام نداده ای، آیا از درس و رفتار معلم راضی هستی؟ سؤالی نبود که پاسخی بشود. طبق این اصول و روش، محصلین می بایست بار آیند و خود را با انضباط و دیسیپلین مدرسه عادت و تطبیق دهند و برنامه سنگین درسی را به خوبی فراگیرند، چنین اشخاصی موفق بودند و تا آخر سال و بلکه تا پایان دوران تحصیل نظم مدرسه را رعایت می کردند. و مدرک پایان تحصیلات را به دست می آوردند. اگر آمار محصلین و قبول شدگان ششم ابتدائی سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ را نگاه کنید تعدادشان به ده نفر نمی رسد همه الک می شدند و نخبگان و توان مندان و افراد مقاوم می توانستند مدرک قبولی بگیرند و این قبول شدگان براستی لایق بودند و از عهده هر شغل اداری برمی آمدند، نظامی گفته است

از خرمن صد گیاه بهتر

یک دسته گل دماغ پرور

تذکاری سودمند :

ناگفته نماند، روش تربیت امروز که برگرفته از روش اروپائی است کار تعلیم و تربیت را بر مربیان آموزش و پرورش دشوار ساخته است، مدیر و معلم و مربی حق هیچ گونه تنبیه و پرخاش و بازخواست نسبت به دانش آموزان خاطی و نافرمان و درس نخوان را نداشته و در پایان هر ترم باید آموزگار یا دبیر، شاگردان بی مایه را هر طور شده برای چشمگیر بودن راندمان قبولی کلاس، قبول شده اعلام کند زیرا اگر مطابق مقررات و انصاف و وجدان رفتار کند باید تقلب کننده را از امتحان محروم نماید و یا کسی را که درس نخوانده و چیزی بلد نیست مردود اعلام کند در نتیجه تعداد مردودین زیاد میشود و مورد مواخذه قرار میگیرد و از امتیازش میکاهد کلیه معلمین قلباً این روش را نمی پسندند و ناراضی اند زیرا اداره کلاس با این روش خالی از اشکال نخواهد بود.

امیر المؤمنین علی علیه السلام مفرماید: لَا بُدَّ لِلْفَرْسِ سَوَطٌ وَإِنْ كَانَ بَعِيدَ الشَّوْطِ

یعنی: به ناچار بالای سر هر اسب دونده و چابکی، تازیانه ای باید باشد.

اگر چه روش تعلیم و تربیت معلمین اولیه را ناپسند جلوه دادم اما با تنبیه و خشونت متناسب با وضع تربیت خانوادگی هر دانش آموز موافقم و آن را می پسندم افرادی هستند که در تمام سال اتفاق نمی افتد که در خانواده شان بلند صحبت کنند و یا حرف رکیک و زشت و عاری از ادب و نزاکت به میان آورند و بر زبان جاری کنند افرادی هم هستند که محل زندگیشان پر از شر و شور و کتک و دعوا و حرفهای نامربوط است و این رفتار و کردار و گفتار والدین و اطرافیان اثری عمیق در فرزندانشان که شاگردان مدارس هستند بر جای نهاده، این دو دسته متفاوت در کنار هم با یک روش تربیت سازگاری ندارند و هیچگاه با یک چوب، انده نمی شوند پس بهتر است حدیث نبوی (خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا) را ارج نهاده و راهی میانه را در پینس گرفت.

هیولای کنار آب (مستراح):

از مستراح (توال) مدرسه هم قدری صحبت کنیم در آن زمان که ما در مدرسه درس می خواندیم در هیچ جا توالت سرامیکی و سیمانی بهداشتی وجود نداشت که هر کسی راحت و بدون دغدغه خاطر بر آن قرار گیرد و خود را راحت سازد، در مدارس و مساجد بر عکس خانه ها که مستراح کوچک و جمع و جور بود، بزرگ و گشاد ساخته می شد زیرا نیاز مردم بیشتری را جوابگو بود. توالت ها در کنار حیاط و دور از ساختمان قرار داشت و هر کدام به طول ۷۰ سانت و عمق سه الی چهار متر، که از ته نهر آبی روان محتویات آنها را با خود می برد. دیوار این توالت ها سنگ چین بالا آمده و دهانه گشاد آنها سبب می شد اگر بچه ای پایش لغزد به آسانی پائین افتاده و تا درآور دن او کارش تمام شده بود، در

کنار توال‌ت‌ها بشکه‌ای پر از آب با آفتابه‌های حلبی سر و دست شکسته گذاشته شده بود از اتفاقی که برای خودم پیش آمده بود صحبت کنم:

شش سال داشتم که مرا به کلاس تهیه (آمادگی) به مدرسه شاهپور واقع در کوچه مشیری که ترکیبی از دبستان و دبیرستان بود بردند، روزی احتیاج به دست به آب رفتن داشتم بچه‌های کنار دستم را مطلع کردم آنها اجازه بیرون رفتن مرا از معلم پیرمان خواستند، موافقت نکرد، ادرار زور آور شده بود و نمی‌توانستم خود را نگه دارم ناچار دکه‌شورتم را گشادم و زیر میز خود را خالی کردم هم‌کلاسی‌هایم معلم را از عمل من باخبر نکردند، گویا مرا ذی‌حق می‌دانستند و یا قبلاً خود این کار را کرده بودند، اما زنگ تفریح که پائین آمدیم بچه‌های یک دو کلاس بالاتر که مرا می‌شناختند به سراغ من آمدند و مرا از داشتن مستراح در مدرسه باخبر کردند و جای آنرا به من نشان دادند. روزی دیگر داخل توال‌ت شدم از گشادی و بزرگی توال‌ت و سر و صدای مهیب آب جاری ته مستراح‌ها به وحشت افتادم، در کناری ایستادم ادرارم را فرو ریختم، به کلاس آمدم هم‌کلاسی‌هایم که همدرد من بودند و وضع مرا داشتند از رفتن من به توال‌ت سؤال کردند من نیز ماجرا را بیان کردم بعد گفتند آقای ناظم تهدید کرده است که اگر بفهمیم چه کسی اطراف مستراح را آلوده و کثیف می‌کند او را به سختی تنبیه خواهیم کرد، بار دیگر که مجبور به رفتن به آنجا شدم با هزار ترس و لرز و دست به دیوار گرفتن خود را روی توال‌ت قرار دادم هنگامی که خواستم کنار بیایم لنگه کفش پای راستم از پایم درآمد و پائین افتاد و آب آنرا با خود برد، یک پا برهنه به کلاس رفتم. مدرسه که تعطیل شد با همان وضع به منزل رفتم و تا خریدن کفش بعدی چه سر زنش‌ها که نشنیدم.

وضع آب آشامیدنی:

وضع آب آشامیدنی مدرسه نیز خالی از اشکال نبود، حیاط بعضی از مدارس دارای حوض بود که بوسیله لوله‌های سفالی از خانه دیگری لوله کشی شده و از فواره حوض مدرسه آب فوران می‌کرد. در کنار حیاط هر مدرسه چند بشکه آهن سفید یا حلبی که همه دارای شیر بود و غالباً لیوانهای حلبی یا ساخته شده از روی، به شیرها بسته شده بود. افراد مخصوصی بودند که برای مدرسه‌ها از خانه یکی از اعیانهای شهر که به مدرسه نزدیک بود و آب قنات لوله کشی شده به داخل شهر در آنجا آفتابی می‌شد، آب حمل می‌کردند این اشخاص چوب دراز و محکم دو متری بر دوش می‌نهادند که اغلب دو و یا چهار حلب بنزینی را پر آب کرده بدان چوب آویزان می‌کردند و در تکیه‌گاه چوب تشکچه‌ای را بر روی شانه خود قرار می‌دادند که فشار چوب موجب زخم شدن و آزار شانه‌شان نشود.

بدین ترتیب روزی دو بار بشکه‌های مدارس را پر آب می‌کردند. زنگ تفریح که زده می‌شد تمام بچه‌ها از کلاس‌ها جستن کرده خود را به بشکه‌های آب می‌رسانیدند، آنکه قوی‌تر بود بر روی شیر آب

قرار میگرفت و دهان بر شیر می نهاد و دیگران را تا مدتی معطل می کرد ، بسا اوقات بود که دانش آموزی در دو سه زنگ تنفس موفق به نوشیدن آب و رفتن به توالت نمی شد ، کسانی که بسیار تشنه می ماندند ناچار بر روی حوض دراز کشیده دهان بر روی آب حوض نهاده عطش و تشنگی را رفع می کردند. در دبیرستان شاهپور که دبستانی ضمیمه داشت در سالهای ۱۳۱۰ الی ۱۳۲۰ سخت قدغن شده بود تا کسی در مدرسه کردی صحبت نکند. از طرف مدرسه تکه چوبی خراطی شده که زنجیری کوتاه بدان وصل بود بدست یکی از مسئولین انضباط مدرسه سپرده بودند که آنرا در جیب کسی قرار دهد که در زنگ تفریح به کردی حرف زده است زنگ تفریح که تمام می شد با صف به کلاس می رفتند ، ناظم یا مدیر در صف جویای تکه چوب می شد، چوب زنجیر بسته را از جیب هر کس که بیرون می آوردند به جرم فارسی صحبت نکردن او را تنبیه می نمودند تا بلوی بزرگی در ایوان مدرسه نصب بود که بر آن نوشته بودند.(فارسی حرف بزنید)

بهداشت - درمان - تغذیه

از بهداشت و درمان و تغذیه نیز سخن بگوئیم : در قدیم کسی برای نمونه در منزل خود حمام نداشت ، اعیان و اشراف ، هر وقت می خواستند به حمام بروند ، قبلاً به حمام چی می سپردند و او دستور میداد آب خزینه را عوض کنند ، برای شبی یا روزی حمام را اُفَرُق و خلوت می کردند تا آنها به راحت حمام کنند ، سایر روزها حمام ، عمومی بود به علت کم بودن حمام ، همه حمامهای شهر شلوغ بود، بعد از لباس درآوردن و داخل شدن ، یکی دو شیر درکناره ها بود با ظرفهایی که در حمام گذارده بودند و یا با طاس و ظرفهایی که مخصوص حمام رفتن بود و خانواده ها با خود به حمام آورده بودند، آب بر می داشتند و قدری پاها را می شستند و از پله های خزینه بالا می رفتند و از در خزینه که تقریباً مستطیلی با پهنای ۵۰ سانت و ارتفاع ۸۰ سانت بود وارد آب جوشان خزینه که حوضی ۳ الی ۴ متر مربع و به عمق ۱/۵ متر بود ، می شدند ، قلب ها به طپش می افتاد و نفس به سختی خارج می شد ، با آنکه آب داغ و ناراحت کننده بود اما برای بچه ها نوعی بازی و تا حدی شادی آور بود، خزینه دو سه پله داشت و بچه ها بر روی پله ها قرار می گرفتند و بزرگترها داخل خزینه می شدند ، از خزینه که خارج می شدند در کناری می نشستند و کیسه می کشیدند و خود را شستشو داده بیرون می آمدند ، حمام رفتن هر ۱۵ روز یک بار انجام می گرفت در تابستان در منزل ظرفهای پر کرده از آب را مقابل آفتاب سوزان می گذاردند بعد از گرم شدن ، در حیاط و دور از انظار ، حمام می گرفتند . به علت کم بودن صابون بهتر بگویم به علت فقر عمومی و نداشتن پول و نبودن تاید و شوما و مشتقات آن و وسایل نظیف و دیر رفتن به حمام و دیر شستن و دیر عوض کردن لباسها ، لباس و بدن اشخاص بخصوص بچه ها آغشته به شپش و رشک (همان تخم شپش) بوده ، سر بسیاری از بچه ها به علت عدم نظافت کچل بود .

به علت بازی کردن در میان گرد و خاک کوچه ، ۸۰٪ بچه ها چشمشان تراخم داشت ، روزهای شنبه در مدارس نظافت می گرفتند ، مدیر یا ناظم بچه ها را به صف می کشید و سر و دست و ناخن آنها را نگاه می کردند، بچه ای که ناخنش را نیچیده بود کتک می خورد و اگر موی سرش بلند بود و یا نظافت سر و دست نداشت به همراه مستخدم به منزل فرستاده می شد، هر هفته بچه ها را به اداره صحیه (بهداری) می فرستادند ، معین پزشک (پزشکیار) پلک چشم بچه ها را بر می گردانید و چیزی شبیه نمک سنگی که آنرا سنگ جهنم می گفتند بر پلک داخلی چشم بچه ها می کشید در اصطلاح پزشکی این سنگ را نترات دار ژان می گویند ، قدری سوزش داشت و آب چشم سرازیر می شد چند حبه قرمز روغن ماهی هم به او میدادند که در منزل آنها را بخورد. این همه ی بهداشت و توجهات پزشکی از دانش آموزان مدارس بود اگر احياناً بچه ای مریض می شد او را به منزل می فرستادند تا پدر و مادر به مداوای او برخیزند و او را نزد دکترهای مجاز که تجربیات پزشکی داشتند و غالباً کلمی بودند ببرند.

این واقعیات را که ملزم به بیان آن هستم نمی توان جمله معترضه یا حاشیه نویسی و یا خرافات نامید. تا اواخر سلطنت رضا خان ، کوچه و محله های اغلب شهرستانها محل عبور فاضلاب بود و آب آشامیدنی آلوده و بیماری مالاریا و تب و لرز ، بیداد میکرد و ۶۰٪ بچه ها تابستانها از این بیماری رنج میبردند . تنها داروی مؤثر این بیماری در آن زمان خوردن قرص تلخ گنه گنه بود . در شهر سنج مردان نیک و خاصان خدا زیاد بودند که کلامشان و نفوسشان مؤثر می افتاد . پدرم معارف پرور بود . متجدد و روشن بود اما به این شخص و نفوذ دعایشان معتقد بود، هر یک از ما برادران که به این تب و لرز دچار میشدیم ، به همراه مستخدمان نزد یکی از این مردان خدا که چهار نفر آنها بیشتر مورد توجه پدرم بودند به نامهای شیخ حسین ، حاج سید احمد ولی ، و سید بابا ابراهیم احقری امام مسجد زینلی ، و محمود بیگ شاه غبی که در مقابل مسجد زینلی دکان عطاری داشت، می فرستاد . هر بار که می رفتیم ، آن شخص محترم تکه نخی را در دست میگرفت و هر بار که آیات و ادعیه و اورادی می خواند ، بر نخ فوت میکرد ، یک گره میزد تا نخ هفت گره می خورد، آنرا به میج دستان می بست ، به خانه که می آمدیم به برکت آیات و ادعیه و تأثیر کلام آن مرد مبارک ، آن تابستان تب و لرز از ما دور می شد. یا زنی که میخواست وضع حمل کند و بزاید ماماها ی خانگی از او مواظبت میکردند ، بزرگ خانه کسی را به منزل یکی از سادات برای آوردن آب دعا می فرستاد آب دعا را به زن حامله میخوراندند و در پشت سر او اذان می گفتند وضع حمل به راحتی انجام می شد و سزارین و شکم دریدنی صورت نمی گرفت بیشتر خانواده های معتقد به دین و دیانت روش معالجه شان چنین بود.

بد نیست این را هم بیان کنم که تا تصور تلقین از ذهن ها بیرون رود: حدود هفتاد سال پیش در محله قطارچیان سنج . عارفی آگاه و روشن ضمیر به نام شیخ اسمعیل زندگی میکرد که اغلب مردم کهن سال این محله نام و کراماتش را به خاطر دارند.

در عصر یکی از روزهای تابستان از کوچه منزل هوشنگ خان بابان و حاج داود خان پدر آقای شکرالله بابان به قصد مسجد شیخ محمد باقر غیائی و انجام فریضه عصر، عبور میکنند در انتهای کوچه رو به شرق در بزرگی قدیمی به چشم میخورد که آنجا ابتدا منزل آقای قطبی تاجر و بعد منزل میرزا محمود معمار مؤسس بوده دست راست این دروازه، قهوه خانه داشی و بعد پسرش آقا محمد حسن قرار داشت. هنگامی که شیخ اسمعیل جلو قهوه خانه میرسد صدای اذان از مسجد بلند میشود. در قهوه خانه چند نفر نشسته اند و به صدای آواز گرامافون که بسیار بلند بوده گوش می کنند شیخ اسمعیل به داخل قهوه خانه میرود و به قهوه چای می گوید: هنگام اذان گفتن گرامافون را خاموش کن. او توجه نمی کند. شیخ اسمعیل جلو گرامافون میرود و با انگشت به گرامافون اشاره میکند و میگوید ساکت باش. گرامافون از حرکت و خیزیدن باز می ماند. قهوه چای تلاش زیادی برای به صدا در آوردن گرامافون می کند سودی نمی بخشد این عمل یکی از کرامات آن شخص بود.

اگر مریض سینه درد داشت با حوشاندن گل گاو زبان و گل ختمی و برخی گیاه های دیگر معالجه میشد. عموماً اگر مریض ناراحتی قلبی داشت سنبله تیف و عرق نعنا و بیدمشک برای او تجویز می شد. اگر یبوست و امتلای معده داشت، منیزیوم یا سولفات دو سود به او میدادند که آب کند و بخورد، اگر اینها سودمند نمی افتاد، تنقیه و اماله کردن با آب و صابون یا روغن زیتون یا جوشانده گل ختمی را سفارش می کردند، بیشتر ناراحتی و امراض اینها بود کمتر کسی به مرض های سخت دچار می شد زیرا خوراک سالم و کار و فعالیت جسمی و تحرک، زیاد بود، اما امروزه انواع خوراکیهای رنگارنگ مصنوعی و ناسالم مصرف می نمود. تحرک و کار جسمی ضعیف و ناچیز شده و انواع امراض صعب العلاج بدنهارا در معرض مخاطره قرار داده است مثلی معروف بود که اغلب در محاورات تکرار می شد که می گفتند: ثروتمند هر شب پلو می خورد ولی گدا عید به عید. همه مردم فقیر بودند، در هفته یکبار اتفاق می افتاد گوشت بخورند که آن هم بیشتر آبگوشت یا تاس کباب می شد بیشتر خوراکیها، ماست، پنیر، خاکینه، دوغ و انواع آش ها بود هر خانه ای به نسبت توانائی مالی، در پائیز گوسفندی یا بز یا گاوی یا بیشتر در منزل سر می پریدند و گوشت آنرا قورمه می کردند یعنی گوشت را به قطعات کوچکی در می آوردند و می پختند و بعد سرخ می کردند و در کوزه کرده نمک می پاشیدند و برای آشها و سوپهای زمستانی از آنها استفاده می کردند، بیشتر خانه ها در شهر در منزل خود به وسیله نانوهای زن، نان می پختند و برای یک هفته یا حداکثر ۱۵ روز خود در سبدهای چوبی نگهداری می کردند، غذاها زین آور و غیر طبیعی و فراوان نبود لذا مردم کمتر دچار دردها و امراض گوناگون می شدند.

دلالتی بر ضعف دروس ادبی مدارس امروز:

باز گردیم به سخن گذشته مان ، که گفتیم تحصیل کرده ها که شرافت و خدمت به اجتماع را در امر تعلیم و تربیت دیدند به خدمت معارف درآمدند و همه لایق و کارآمد و با معلومات بودند برای نمونه نامه گله آمیز آقای عبادالله ننادان مدیر دفتر اداره فرهنگ کردستان خطاب به رئیس مربوطه اش را بنگرید ، بخوانید و حظ کنید و استفاده برید . نامه محکم و مفید و مختصر و خط زیبای آقای عبدالمجید شهابی را که درخواست شغل معلمی نموده و گزارشهای بازرسی آقای رضا ناصر مستوفی و گزارش ماهیانه مدیران مدارس روستاها را مشاهده کنید ، همه این اشخاص فقط دروس دبستانی آن زمان را خوانده اند و زیر دست معلمین با سواد و با ایمان تربیت شده اند، برآستی امروز نوشتن چنین نامه هایی از حیطة و قدرت سواد و قلم لیسانسیه ها و دکترهای ادبیات فارسی خارج است . (سند شماره ۲۸، ۲۹، ۳۰).

بسم الله الرحمن الرحیم
 مقام محترم ریاست اداره معارف درم شأنه

پس از ادای وظایف بنده در دایره ریاستی آنوجود برك با کمال تقیر
 خاطر برك را صریح میشود چون برای ثبات معلّم مذمّت و تکیف
 خود را در ادای خط و سواد فارسی و عربی و سیاق و رقوم سبک نام داشته نام
 حاضرم - لذا بموجب این ذریعه خود را بان مقام عالی شرفی و تعاض
 بنمایم در مدرّس برك که سر بران یا بر دیگره ریای برك شرفی
 نبه را مغلوب فرمعه قبول این خدمت تعاض بموجب فرموده کوی آنوجود
 در امورات ابدیت قاهره نخواهد شد در فائمه مراحم کامل و بذل توهم
 در نفیست آن ذات تقدس را نسبت باین نبه از حضرت احدیت خواهم

محمد
 محمدی

۱۵/۵/۱۳۵۸

حاجت منی است هم در کون

مت دردد بر لب ز شرف نوبه خمر برده رطب نذبه را تا فرو رفت فرزند بز

عوض
تصفیه
نیت

بگوید خدا را که کشت در دود چنان بار لطف خود را بستم دست خانه در لحد و در بوب مبت فرموده اند و از این رسم

بهند

زلف

صفت

بهر

ناربت حیات خود را چنگ مرگ در گنج بر سر چه خواهد بز

حاجت ز من است (تا من بکنم پیش رو ب که یکانه بدید تحرک بکوی است نیست سم را و به محترمانه اند و اندام

درد زان را ز من است و جان مرگ با کرم جسم و با هر چه زرد و زنده است را بکنند و در بستان گذارد

بوریه

خود را که بهر سه لایه کشی تو که عذاب در بهانه شجره ناله است دست و دست و بهر پش پش که را عذاب نوره را

ننه

تا در دود جسم و جان را زان و شد شکر سینه چو است در دود عذاب دست در شمع جمع است بز

عوض

تصفیه

نیت

بهند

زلف

صفت

بهر

بوریه

ننه

عوض

تصفیه

نیت

بهند

زلف

صفت

بهر

بوریه

ننه

حاجت ز من است - پن لطف خدا که مان فرو ببار است یکی که خدا کند در طاعت می بپردازد و شمع گدازد و

موت است ز من است و در دود زان را که است و لکن سقایی و شکر چون چو است که بعد شمع نموده و

بهر چه بود ز من است و نموده فقط جعفر نمایش این است و (در زان که نموده) از دود باز گیرند و در دود بکوی بکنم

عذر رسمی در دود (در زان که) بر لب و زان عذاب و در دود با نام در زان که نموده بود و با این

در باطن جان من و در دود زان که به دود را به طبع فرزند ز من تو قیر و عذر بکنم در دود زان که عذاب

محرم با در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم

مهر و در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم

مهر و در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم

مهر و در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم

مهر و در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم و دود عذاب که در زان که به دود مجرم

۱۳۱۷/۳/۵ مگر اسٹریٹ، اردو شہر، ۱۳۱۷ء ولسٹن نے روس جہاز

مکتبہ انوارِ وہ : ۷ (۱۱۵۱۷) ۱۹۱۶/۱۹۱۷
 نسخہ درجہ درجہ کلمہ دیکھی بہاؤی جدیدی وضع شدہ .
 ۱۱۵۱۷
 ۱۹۱۶/۱۹۱۷
 اصل درجہ کلمہ درجہ کلمہ دیکھی بہاؤی جدیدی وضع شدہ .

۱۷۳۵
۱۶۱۲/۱۶۹۶

۵۳
۱۷۱۷

۱۷۳۵
۱۶۱۲/۱۶۹۶

۵۳
۱۷۱۷

۷ (۳۲۱) (۱۶/۱۷) در علم کلام کتاب طبع در شهر جدید . ۷ (۳۲۷) (۱۶/۱۵) در علم کلام کتاب طبع در شهر جدید . ۷ (۳۱۰) (۱۶/۱۷) در علم کلام کتاب طبع در شهر جدید .

کریم: ۵۳۵ مجیدون کو ہرگز کھانسی نہ ملے وہ خود بزرگ محبانِ دین شمس لدیٰ علیہ السلام کے دربارِ کونجیہات میں کمر بستہ ہو کر فی

نبره ششم کلاس ۴ ابتدایی . ۵۳۲ راجع به جلد رساله از رساله شماره ۱۲ برای سفینه و بهرین کمالی . ۵۵۶ (در مرقی مغیر از رساله کمالی و بهرین کمالی)

درس دسرد و بیستمی که از درسم پانزدهم در آورده معارف حاضر گردید .

(۵۴۲) اطلاع در دولت نامه که معارف به راجع است که هرگز نمی تواند

نوشته شده است که این نسخه از داریل میخائیل مرزبورد معاف خواهند بود.

۵۹۹ هجری قمری / ۱۷۲۱ م

در مجرای علم و ادب کمال و در غایت کرم و ...

۶۰۱ هجری قمری / ۱۷۲۱ م

راجہ مسٹر شرف تاج دین بیسویہ اور کھارنڈی کن گھاٹ محلہ .
۹۰۹
اعلام و سر قلمہ وزارت راج کشف ہون بہرک راج محل علی سیرگشی

و باز کسی در خود با سعادت می بیند و فرست .

۱۱۹۹ (۱۷۲۱) محمد علی در محصل اشرفی عدم توفیق در زبان فارسی .
۱۲۹۲ (۱۷۲۲) احمد در آن در سفر رسیده در طبرستان و جبرائیل در طرف شش ماه غیر نظامی .

اسلام آباد، چارپایہ رشتہ کی خوب رسید۔
۱۳۹۱ھ
۱۹۷۲ء

مهر اسلات تقدیمی : ۱۹۶۶/۱۲/۱۶ تقدیم کردیم روزنامه بهرسان باضمیمه کوریه بارها نشر نمودیم فردریش با صل صبری . ۱۹۶۶/۱۲/۱۶ نشر شد فردریش با صل صبری

$\frac{10}{\sqrt{2}, 9}$ راجع به کابر
 $\frac{21}{\sqrt{2}, 12}$ مقدمه گرس فرزند ۳۱۷ راجع به کابر
 $\frac{23}{\sqrt{2}, 12}$ مقدمه گرس فرزند ۳۲۱ راجع به کابر
 $\frac{321}{\sqrt{2}, 17}$ مقدمه گرس فرزند ۳۲۱ راجع به کابر

شماره ۹۸۴۲ و عدم صدور شماره دیگر که نظم نمودن گزارشات را ملحق دستورالت موجب گردید .

۱۳۷۱/۱۲/۲۷ کتبی ارسال و در گذشت نامه چندی که در روز شنبه در دست جرد و ماه کا برز عظم خود نمودم

۳۰. $\frac{۱۷,۲۲۳}{۱۷,۲۲۳}$ برص مشرقه $\frac{۵۳۲}{(۶)۲۲}$ وعدم و صبر $\frac{۱}{۱۷,۲۲۳}$ جلد ثلاث از کج و حسی .

۱۳۱۷/۳/۵ گزارش دادپرست، اردشیر باد ۱۳۱۷ دشن نیے رولس جواردر

مکتبہ انوارِ وہ : ۷ ۱۱۵۱۷ (۱۳۱۲، ۱۹) نسخہ دربارِ معینہ کلکتہ کی پہلی جلد کی وضع شدہ . ۱۱۹۱۳۷ (۱۳۱۲، ۱۹) کراچی سنسکریٹ مکتبہ دارالمرتبہ ہندوستان کی وضع شدہ .

۱۱۷۳۵۰ سال کرمه تقویم دولتی و امیر عام اردو صدرین . ۵۳ درجہ در سرخا دو کڑی بہار میں ۱۶۱۱۷۰

۷ ۳۲۱ (۱۶۱۱۱۵) در علم کلام تا به طبع دستور جدید . ۷ ۳۲۷ (۱۶۱۱۱۵) در علم کلام و در این کتاب تعلیم سرور و در بعضی . ۷ ۳۱۱ (۱۶۱۱۱۵) در علم کلام و در این کتاب تعلیم سرور و در بعضی .

کرشنا. ۵۳۵
۱۷/۱۲۲
محرورون بودیم که کائنات را در خود و خود را در سر میمان دادیم شش که بدانی حاضر بودیم در دست کردن میمانت در کسین حور و فی

[illegible]

درس و سرود میوه‌ای که از دستم نجات داد در آورده معارف حاضر گردید .

نوشته شده در این روز (از دین میخانه) مرزبورد معاف خواهند بود. ۵۹۹
۱۷۲۱ راجع به این امر عرض کرد که اگر در غرضه حکم شود. ۵۹۹
۱۷۲۱

راجہ منیر احمد شریف تاجزادہ پشاور اور کراچی کے درمیان کھانا پکھا۔
۹۰۹
۱۷۲۱

و باز کسی در جزوه فارسی چنین مینویست . (لاعن در نوشت نامه که بعد از غز در اظهار قد و بی درخت نیست و فراتر از هر آن که رسد باقیه)

^v ۱۱۹۹ در سید محمد بن موسیٰ شافعی بقیم کرده رجاء نامه ان .
۱۷۲۸
^v ۱۲۹۳ الهردادان از شهر کهنه در پنج بطرزه جهانات را طرف شیخ غفر نظامی در
۱۷۴۱

اسلام آباد چھاپہ کارستان میں منظر پر ہے۔
 (۱۳۹۸ء) اعلامیہ نامہ کے نام پر شائع ۱۹ دہائی میں منظر پر ہے۔
 ۱۳۹۸ء

مهرسلالت بعدی : ۱۶۴۹۷۰ بعد از گذشت روزانه در میان باغچه کرمه یا شمشیر سوزن فروردین سال صری . ۱۶۴۹۷۰ گزشتنه فروردین ماه

۳۱۷ مریض کابریه ۱۸۹ مریض کورس فرزند ۳۱۷ مریض کابریه ۲۱ مریض کورس فرزند ۲۳ مریض کابریه ۳۲۱ مریض کابریه

شماره ۹۸۲۶ و عدم صدور شماره دیگره نظایم نمودن گزارشات را طبق دستورالعمل مجرب گردید. $\frac{۲۹}{۱۷۲/۱۲}$ تقدم گرفته شده به شماره ۱۳۰ اول

۱۳۱۲ هجری قمری ۱۹۰۱ میلادی . در روز شنبه ۱۳۱۲ هجری قمری ۱۹۰۱ میلادی . در روز شنبه ۱۳۱۲ هجری قمری ۱۹۰۱ میلادی .

۳۰ / اعلام عصره ۱۷۲۲ / عدم و عصره جلد اول در کتب خطی .

۴۲ / کتابی دستورالعملی نسبت انجام مکرر در هر ۵۵۹ نظر شد

۱۷۲۲



پرفیورج

عطف بر شماره ۱۱۸۳۵ ی بر سر بندهی رود سپاس و در خواسته در روز جمعه مورخه ۳۱۲ کت نه بخاری را

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

- [illegible]

املاى فارسى محمد حيرت سجادى دانش آموز كلاس ۷ معادل دوم راهنمايى سال ۱۳۲۱ را كه چهارده سال بيشتر نداشته است ملاحظه كنيد ، اين متن از كتاب (دُرّه نادري) است كه كتابى است بسيار سنگين و پر لغت و مشكل و معلم اين درس نيز مرحوم برهان الدين حمدى است. (سند شماره ۳۱)

املاى حيرت سجادى

چون اين نامه بستم و چهارم بخرافه وقت سال از انسخه اول تميزان دستى نواست
در دادن آمد و عروس مصائب در زادن نه دل باراي تدبير و نه طبع راجحى بگو
قواى تدبير از سلاله نقد كه بهر نعمت نه نظم احوال بر قوافى نماند و در قدح روزگار
شراب صاف نه بن طر قدرت معنى كفى نداشت و زباى قوت سخن گفتى

الان بوى كل صاحب و خيل شغلنى نو آب و خطوب

چون در او كمال اين تصوير بهت بگو در طر زانو و ميوه رهنمى با حلاوت طبع در
صحن باغ و خا طر در سنده ناله بود اكنول بهر صحنى بهر شمس و سمنه سمنه اخل
... نه شلا نه گوناگون و بيمر دلم و حست و حكمت نه روز افزون و علم از نكرالى سخن
استغنا منخواست و زباى زانو تفرات اين كمال استغنا رنكر را ~~اختار~~ اختار
اسم سخن نسخ افتد نداشت و رواع اسم كسب جمعيت اين خط نه از انقاس
قوتك طر صورت نصيحت بهر نورد و عقل لسته خا طر اخر خاوشى كند
لب آستنى به فروش حمل نه دن سرنا صنف زادن داشت ~~طراى كركه صنف~~
نامه دف عروسى راست نديده و نه نكر كركه از اين كركه از حرم و حلاوت نه

تفسير كند

۱۹/۵

۱۳۱
۱۹۴۷

اغلاط

۱. لوبه
۲. لوبه
۳. لوبه
۴. لوبه
۵. لوبه

یاد دارم معلم انشای کلاس پنجم ابتدائی ما ، آقای کوهزادی اهل همدان بود که به درس خود بسیار توجه و علاقه داشت، موضوعات مشکل طرح میکرد از قبیل لحظات مرگ (سکرات موت) - شب مهتابی - دوران جوانی (عهد شباب) برخی از دانش آموزان از نوشتن این نوع انشاها ناتوان بودند و طفره می رفتند بعضی هم خوب می نوشتند .

چند سطر از موضوع عهد شباب انشای خود را بیاد دارم و آن این است:

(هان ای دوران جوانی ، جان ! ای بهار کامرانی، آرزوهایت از دل بدر نتوان کرد ، چه ، مرغکی زیبا برآستانم آرمیده و سبزه جوانی بر رخسارم دمیده ، آه چه خوب بود که من عمرگلی می داشتم ، از این عمر بی حاصل ، چه حاصل ؟ اگر آینده هم تکرار گذشته باشد زندگی عجب بازی یکنواخت و بی مزه ای است.)

با موافقت مدیر دبستان آقای کوهزادی دستور داد که این انشا را سر صف بخوانم ، معلم محترم یک مداد کُتته (مخصوص نقاشی) و یک دفتر چهل برگ بمن جایزه داد.

باید به جرأت گفت : سطح سواد و معلومات ادبی و عربی افول کرده و پائین آمده است . در پنجاه سال پیش کلاسها در دو نوبت صبح و عصر تشکیل می شد و محصلین در هفته ۳۰ ساعت درس مفید می خواندند. برنامه دروس ابتدائی طبق (جدول دروس معلمین) عبارت بود از : ریاضیات ، (موافق پروگرام و برنامه وزارت معارف) دروس النحویه - شمس التصاریف - مدارج القرائه در ۴ جلد ، غایت الاختصار در شرع - عربی و قواعد فارسی - عقاید اخلاق - ادبیات - علم الاشیاء - سیاق و فرانسه - املای فارسی را در کلاسهای سوم و چهارم از گلستان و در کلاسهای پنجم و ششم دبستان از متن کلیله و دمنه می گفتند.

دروس دبیرستانی عبارت بودند از کتب تصویب شده وزارتی که شامل جبر - هندسه - - فیزیک - شیمی - عربی - طبیعیات - هیات - مثلثات - تاریخ - جغرافی و فرانسه و فارسی

کتابهایی نیز برای تقویت ادبیات و عربی ، توصیه شده وزارتخانه ، در ضمن کتابهای اصلی خوانده می شد برخی از آنها را که در کتابخانه خود داشتم برای نمونه عرضه میکنم . (سند شماره ۳۲)

توانا بود مسکه که دانا بود

وزارت فرهنگ

سیاست نامه

برای دبیرستانها

تألیف

خواجه نظام الملک ابوعلی حسن بن علی بن حاکم طوسی

۳۰۸ - ۳۸۵ هـ

تصحیح

آقای عباس قنبر

استاد دانشگاه

حق چاپ محفوظ

۱۳۲۰

توانا بود مسکه که دانا بود

سید بن محمد حریت بخاوری

وزارت فرهنگ

مثنوی عقد الصمدیه البیانیه

برای دبیرستانها

حق چاپ محفوظ

۱۳۲۰

وزارت فرهنگ

مثنوی اسرار التوحید

فی مقامات الشیخ ابی سعید

الاندر

آقای حاج میرزا

استاد دانشگاه

برای دبیرستانها

۱۳۲۰ هـ

توانا بود مسکه که دانا بود

وزارت فرهنگ

مثنوی کتاب کلیده و دمنه و ابن خلکان

برای دبیرستانها

با تمام

آقای قنبر

استاد دانشگاه تهران

حق چاپ محفوظ

۱۳۲۰

وزارت فرهنگ

مثنوی کلیده و دمنه

برای دبیرستانها

با تمام

آقای عبدالمعظم قریب

استاد دانشگاه

حق چاپ محفوظ
کتابخانه عمومی - هیئت مدیره هیئت مدیره

۱۳۲۰

توانا بود مسکه که دانا بود

وزارت فرهنگ

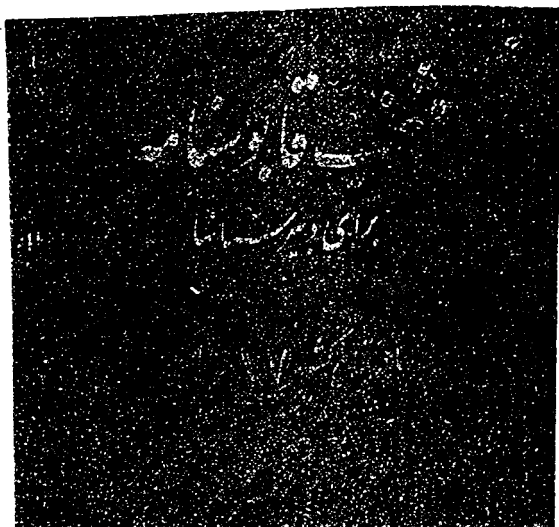
اشعار گزیده مسعود سعد سلمان

برای دبیرستانها

سید بن محمد حریت بخاوری

حق چاپ محفوظ

۱۳۱۹



قبل از انقلاب بیش از هفت دانشگاه در تمام ایران وجود نداشت ، اساتیدی که در این دانشگاهها تدریس می کردند تعدادشان محدود و بسیار جدی و سخت گیر و پر مایه بودند ، به زحمت کسی می توانست بعد از گذراندن دروس و گرفتن نمره قبولی ، پس از چند سال پایان نامه اش را به تایید استاد مربوطه برساند.

بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ، در چشم به هم زدنی ، تمام استانها و شهرستانها و شهرک ها دارای دانشگاه شدند . اساتید و کادر علمی این دانشگاهها از کجا آمدند ؟ از زمین روئیدند یا بیشتر از دبیرانی تشکیل شد که از تدریس ادبیات فارسی و عربی و سایر دروس دوره دوم دبیرستان عاجز بودند ؟ و همین دانشجویها بودند که دکترها و کارشناس های ارشد حالیه را به وجود آوردند ، (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل) باید فکر اساسی کرد ، از اول دبیرستان برنامه دروس مربوط به رشته علوم انسانی را تقویت کرد کتابها و دروس سنگین تری برای این رشته در نظر گرفت ، متون قدیم ادبیات نظم و نثر را پیش کشید ، نباید گذاشت این کتابها در کتابخانه ها فراموش و سرانجام پوسیده و بی مصرف شوند باید کسانی باشند که بتوانند این کتابها را بخوانند و معانی آنها را دریابند و به دیگران انتقال دهند . تمام افتخارات ایرانیان متون ادبی نظم و نثری است که از گذشتگان و تلاشگران بیادگار مانده و حاصل تجربیات چند ساله آنان در ادب و اخلاق و تربیت است باید آنها را احیاء نمود و در دبیرستانها و دانشگاهها تدریس کرد و بنیه علمی دانشجویان و دانش آموزان را افزایش داد.

باید اذعان نمود که در سالهای بعد از انقلاب به دروس پایه توجه زیادی شده و برآستی پیشرفت قابل ملاحظه ای بدست آمده هر سال نخبگان دروس ریاضی و فیزیک و شیمی به المپیادهای بین المللی اعزام می شوند و با کسب افتخاراتی به میهن باز می گردند ، اگر در همین راستا به ادبیات فارسی و عربی در زمینه های نظم و نثر نیز توجهی می شد ، علاوه بر تقویت بنیه علمی ، به پیشرفت دین و اخلاق در میان جوانان کشور کمک شایانی می شد.

در تحت نمرة ۱۰۰۰ در تاریخ ۱۳۰۲/۸/۲۵ به ثبت رسید

ورقہ معاملات متفرقہ
نوع سند تہہ نامہ

دفتر اسناد رسمی نمبر ۴۴۸ حوزہ ثبت کردہ

متعمل له آقا محمد صالح (صدیق) هویت غره (ستم هزار و چهل و صد و هشت) سنگ متولدینه هزار و چهل و شصت و نه شم
 سیم خانه پله که غره (یکصد و چهل و دو) نایب در سنگ خلف غره مملد احد
 متعمل له آقا رضا (ناصر متوفی) هویت غره (ستم صد و شصت و ستم) سنگ متولدینه هزار و چهل و شصت و نواد شم سیم خانه پله
 غره (چهل و صد و هفتاد و پنج) نایب در سنگ بسراقا نعمت ابر بهمت نمایندگی و کالست از طرف ادا معارف و اوقاف و کرب و حال طبق
 یادداشت مورخه ۱۳۱۴/۱/۲۵

بارداشت مورخه ۲۵/۱/۱۳۱۴

مورد تعهد تهنیت و داده نمودن مقدار یکصد و پنجاه خردار بهیزم (بوزن نبر زجهت او از سعادت و بستانها و دیگر
 مبلغ (ستصد هزار و هفتصد و پنجاه ریال) بهیوی از قرار خردار است و پنجر یال با قسط زیر افزه و دریافت دارد قسط اول
 یکصد و هجده ریال قهر از شروع تسلیم نمودن مورد تعهد قسط دوم ایضا یکصد و هجده ریال پس از تسلیم نمودن
 حواله از بهیزم فوق و بقیه از تسلیم نمودن کلیه مورد تعهد بشرط زیر اول پنجاه خردار از بهیزم هر قوم باید خشک و صده خردار بقیه حوزم
 باشد حوزم بقدر کرد و نصف مورد تعهد از جو سبزه رد و البقیه از جو سبزه و بهر دکلله و غیره باشد ستم قبول برداشت نمودن بهیزم
 منوط به ارائه سید است از طرف اهل معارف و دیگران و بستانها چهارم از پنج است و پنجم ابان زیر الحاد و دوم دیماه عا با بر کلیه مورد
 تعهد ایردخت نماید در صورت تکلف از قرار است فوق علاوه بر اینکه باید متعهد از غیر خارج است و داده برای در هر خردار و مبلغ
 پنجر یال از اصل قیمت مورد تعهد باید کسر نماید پنجم ششتم بهیزم بعضی متعهد بهید باشد

۱۳۱۳ شمس

die st. b. l.

بتاریخ چہرستہ و پنجم

محل اعضاء

اخطار - هراک از معامین مکاف است در صورت تغییر محل اقامت این دفتر را کتاباطلم نموده و آدرس جدید خود را بطور سریع معین نماید هرگاه باین تکلیف عمل نشد و یا پس از شروع فعالیت اجرایی تغییر محل اقامت بدیناره اجراء نت اطلاع داده نشد تمام اوراق و اخطارات اجرایی محلی که در این سند ثبت شده ابلاغ میشود محل اعضاء

ماده ۱۱۷ - هر کس بموجب سند رسمی نسبت بهین یا منفعت عالی (اعم از مقول یا غیر مقول) حتی بشخص یا اشخاصی داده و یا نسبت بهین یا منفعت بموجب سند رسمی دیگری معامله یا تهنیدی معارض با حق مزور نماید جاعل در ارتداد رسمی محسوب و بحدس با افعال شاقه از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد

YA -J

1.1

1515/2

ان شاء اللہ تعالیٰ ان ہم یہ قیام

۱۵۰ خردار نیزم از لوح چوب خند زرد آمو، گردد، به و گلابی برای زینت زنستان اداره و مرا این شمع به مبلغ ۷۵۰ ریال

بخش سوم

پیش قدمان در خدمت به آموزش و پرورش



میرزا علی اکبر ملقب به صادق الملک وقایع نگار و متخلص به افسر فرزند میرزا عبدالله متشی باشی است که شخصی لایق و کاردان و ادیبی نکته دان بوده اشعارش محکم و خطش ظریف و نثری شیوا داشته، تاریخی بنام حذیقه ناصریه برای کردستان نوشت. این مرد با کفایت و روشن نگر در سال ۱۳۱۷ قمری مطابق ۱۲۷۷ شمسی مدرسه ای به سبک جدید در سنندج دایر نمود اما در ۱۳ شوال همان سال اجل گریانگیرش شد و مدرسه اش را نیز منحل نمود. تاریخ مردوخ ص ۲۳۰



مرحوم مغفور سید محمد باقر حیرت سجادی (متوفی ۱۲۵۴ هجری قمری) از اجله علما و سلاله فضلا و از سادات حسینی است و نسب اجدادش به اولاد و احقر امام جعفر و حضرت زین العابدین سجاده (ع) می رسد که در صدر اسلام به ایران مهاجرت کرده و در قریه کنجی او را مان سکنی گزیده اند.

پدرش مرحوم سید محمد سعید معروف به (آقا بابا سید) از فصلائی نام و عرفا و ادبای مشهور سنندج و از لحاظ ورع و تقوی مورد احترام خاص و عام بوده است. او از معدود کسانی بوده، که کتب عرفانی را تدریس می کرد و در تفسیر آیات قرآنی، احادیث نبوی و شرح و تفسیر مثنوی مولانا و بیدل هندی صاحب نظر بود و خطوط نسخ و نستعلیق را با تمام مهارت و جود بهترین فارسی دان شهر بود، تدریس عربی فرزندان بزرگان شهر سنندج بعهده وی بود. مادرش دختر مرحوم حاج شیخ محمد سمرانی ادیب و عارف و شاعر بنام، منخلص به (سافی) که کتابهای (بارقات السرور) و (معدن النور) او در عراق به چاپ رسیده است.

سید محمد باقر حیرت سجادی یگانه فرزند دکه و ده که در آن خانواده روحانی در دهم ماه صفر المظفر سال ۱۲۹۴ هجری قمری برابر با سال ۱۲۵۴ هجری شمسی در شهر سنندج دیده به جهان گشود. در طفولیت قرآن و دروس مقدماتی و بعد از آن و تکمیل درسی و عربی را توأم با علوم معقول و

منقول و هنر خط نویسی در خدمت پدر آموخت و از فضایل و کمالات ادبی مرحوم میرزا اسمعیل ادیب مشهور به صدرالکتاب بهره کافی گرفت و علوم متداول زمان را از اساتید فن فرا گرفت و بر لغات غریبه عربی احاطه یافت.

زبان و ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت اما به دانستن آن تظاهر نمی نمود، خطوط فرانسه ای که از وی بر حاشیه کتابهایش مانده در کمال زیبایی است. آن مرحوم از اوان کودکی طبعش به شعر گوئی مایل بود و پس از وقوف بر ادبیات فارسی و عربی تخلص (حیرت) را برگزید که در این باره گوید:

شدم نوید چون از هر تربص^(۱) مرا ناچار حیرت شد تخلص

کار عمده حیرت خدمات فرهنگی اوست که سالها بدون مضایقه و چشمداشت نقد جوانی و سرمایه مالی خود را در راه تأسیس مدارس جدید و پایه گذاری اداره معارف و صنایع مستظرفه و همچنین سازمان دادن به موقوفات و تشکیل اداره اوقاف کردستان صرف نمود.

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری مطابق با ۱۸۹۸ مسیحی مرحوم علی اکبر صادق الملک در سنندج مدرسه ای بنا نهاد و شروع به تعلیم اطفال نمود، با کمال تأسف صادق الملک در ۱۳ شوال همان سال بدرود حیات گفت و فقدان او موجب تعطیل مدرسه گردید پیش از این تاریخ دو مدرسه وجود داشت یکی مدرسه کلدانی ها که بعدها پهلوی نام گذاری شد و دیگر مدرسه اتحاد وابسته به مؤسسه الیانس که به ترتیب مختص جامعه مسیحیان و کلیمیان سنندج بود اشراف و سرمایه داران شهر فرزندان خود را در یکی از این دو مدرسه به تحصیل واداشته بودند و چون واهمه داشتند که مبادا تبلیغات مذهبی در عقایدشان رسوخ کند با مطالعه کافی از مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام دعوت کردند تا سرپرستی اطفال مسلمان را در این دو مدرسه بر عهده گیرد، این مأموریت چهار سال به طول انجامید. ایران امروز ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶ اوژن اوبن، ترجمه علی اصغر سعیدی - کتاب فروشی زوار - تهران ۱۳۶۲ چنین می نویسد:

سنندج: اسقف نشین سنه، جنوبی ترین سه دایره اسقفی کلدانی، کردستان ایران است کلدانی های اردلان (۱۵۰ خانوار) عموماً در کرسی ایالت ساکن هستند و از راه تجارت به ثروت کلانی دست یافته اند

پرماکدو در سنندج یک باب مدرسه فرانسوی با ۱۴۰ شاگرد تأسیس کرده، در آن مدرسه، پسران (آقاهای کرد ایالت اسم نوشته اند) (ص ۳۴۵ پاورقی)

پس از آن در شهریور ماه ۱۲۷۹ شمسی مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام در شرائطی سخت و جوی بسیار نامساعد به کمک ملا احمد قطب الاسلام، مدرسه ای با هزینه شخصی تأسیس نمود و آنرا مدرسه سعادت نام نهاد.

مرحومین میرزا عبدالکریم دبیری ملقب به میرزا جناب و سید نجم الدین پدر علاء الدین سجادی استاد دانشگاه بغداد و صاحب تألیفات عدیده و حبیب الله آموزگار ملقب به ناصر الکتاب و ملاحسن شکبیا در این مدرسه با آنان همکاری داشتند.

این مؤسسه علمی علیرغم مخالفت ها و کارشکنی های کوتاه بینان که پذیرای ترقی و پیشرفت جامعه بسوی مدنیت جدید نبودند، قریب ده سال به کار خود ادامه داد.

در سال ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۲۸۳ شمسی و ۱۹۰۵ میلادی ابوالفتح میرزا سالار الدوله فرزند مظفر الدین شاه و برادر محمد علیشاه قاجار که در کردستان حکمران و صاحب نفوذ و اقتدار بود در جمادی الاولی همان سال مدرسه ای بنام (سالاریه) تأسیس نمود که بیش از هفت ماه برقرار نبود و با معزول شدن او در ماه ذیقعه از حکومت کردستان، تعطیل شد. مدیر آن مدرسه مرحوم ابوالبقا مظهر الاسلام بود.

پس از آن حاج فتح الملک اردلان در ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲۸۷ شمسی به یاری حاج شیخ یحیی معرفت ملقب به اعتضاد الاسلام مدرسه ای بنام معرفت دایر نمود که آن هم پس از یک سال پایدار نماند و منحل شد. در این اوقات میرزا عبدالکریم دبیری نیز در منزل خود دو کلاس تشکیل داده بود و آنرا (مدرسه دانش) نام کرده بود. در این گیرودار مرحوم رکن الاسلام علاوه بر اداره مدرسه سعادت در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۲۸۶ شمسی به حکم وزارت، معاونت اوقاف و نمایندگی معارف کردستان را عهده دار گردید.

و در سال ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۲۸۷ حکم ریاست معارف و صنایع مستظرفه برای معزی الیه صادر و ابلاغ شد در این موقع ریاست اوقاف با ملا جواد شیخ الاسلام بود. مرحوم رکن الاسلام بلافاصله نام مدرسه سعادت را به محمدیه تغییر داد تا بحرمات این نام مقدس، عناد و کارشکنی متوقف شود و گروهی که هر نوع تجدد را به باد انتقاد می گرفتند و تشکیل مدارس و تحصیل علوم جدید را خلاف دین و شریعت قلمداد کرده و کفر محض می دانستند، بخود آیند و دست از مخالفت بردارند اما باز عده ای ناآگاه و شاید مغرض که دیدند این بار مدرسه، صورت رسمی تری بخود گرفته و تحت پوشش و حمایت دولت قرار گرفته است به تحریک ملاهای متعصب و قشری و نیز بوسیله گروهی از طلاب علوم دینی منتسب به آنان، هر شب دستبرد می زدند، شبی پرونده و اسناد را آتش می زدند، شبی تابلوی مدرسه را می دزدیدند، و دیگر شب هیزم هایی را که برای سوخت زمستانی مدرسه خریداری شده بود به آتش می کشیدند، رکن الاسلام همکاران خود را دلداری می داد و آنان را به مقاومت و پایداری وایمی داشت در ماه ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۲ فرید الدوله همدانی به ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کردستان منصوب و مرحوم رکن الاسلام و ملا جواد شیخ الاسلام رئیس اوقاف منتظر خدمت گردیدند. فریدالدوله بمحض ورود به سندج به دستور وزارتخانه نام مدرسه

محمدیه را به مناسبت حکومت احمدشاه قاجار به احمدیه بدل نمود زیرا در آن وقت تمام شهرهای ایران مدرسه احمدیه داشتند و آقای فریدالدوله آقای عطاالله معتمدی فرزند حاج معتمد الاسلام را که جوانی شایسته و تحصیل کرده بود به نظامت آنجا برگزید.

ملاها با طعنه و تمسخر از اشخاص می پرسیدند پسر تو را در کدام کلیسا ثبت نام کرده ای مگر در کلیسا زنگ نمی زنند و مرده روی صندلی نمی نشینند؟ به دستور همین ملاها تابلوی مدرسه احمدیه را پائین آورده و در گردن الاغی آویزان کرده در کوچه های شهر گردانده اند.

در ماه حوت (اسفند) همان سال فریدالدوله به تهران فرا خوانده شد و مجدداً از طرف وزارتخانه، ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به مرحوم رکن الاسلام حیرت محول شد.

در سال ۱۲۹۵ شمسی رکن الاسلام مدرسه اتحاد را تأسیس نمود و اثاثیه ابتیاعی و قدیمی خود را که برای تشکیل سعادت تهیه کرده بود، به اموال این مدرسه اهداء و ضمیمه نمود.

مدرسه اتحاد با آنکه در آغاز بصورت مدرسه دولتی بود اما بعلت ضعف حکومت مرکزی و عدم بودجه، اداره آن با مشکلات مالی مواجه شد، مرحوم حیرت برای اداره این دو مدرسه از هر یک از بازاریان خیر و تعدادی از اعیان و ملاکین شهر ماهیانه مبلغی دریافت می نمود و نیز با مکاتبات عدیده که با وزارتخانه داشت موفق گردید در صدی از درآمد دخانیات کردستان را که حدود دویست تومان در ماه بود به اضافه عوارض مالیاتی تومانی یک عباسی و خرواری یک قران، برای تأمین امور فرهنگی منظور و زیر نظر مالیه و عدلیه هزینه نماید. در سال ۱۲۹۸ به دستور اداره مالیه (دارایی) در ۲۴ نقطه اطراف شهر سندج که مدخل کالای روستایی به شهر بود مراکزی به نام نواقل (محل اخذ عوارض کالا) تشکیل شد و اشخاص امین و درستکاری برای جمع آوری عوارض انتخاب گردید که شبانه روز در محل حاضر بودند و شیفت عوض می کردند و به نسبت ارزش بار و کالا، عوارض و مالیات دریافت می نمودند و هر روز مبالغ جمع آوری شده را به اداره مالیه تحویل می دادند چنانچه سالها این روش ادامه داشت. قبلاً حقوق معلمین از پرداخت شهریه دانش آموزان و کمک ملاکین شهر تأمین می شد از آن پس معلمین با دلگرمی بیشتری بکار مشغول شدند زیرا از زیر بار منت ثروتمندان منت گذار رهایی یافتند. در سال ۱۲۹۸ اداره معارف و اوقاف تفکیک شد، ریاست معارف و صنایع مستظرفه به رکن الاسلام و اداره اوقاف به مرحوم نصیرالاسلام سپرده شد.

در این زمان در سقز نیز ملا جلال الدین معروف به سرهنگ زاگرس که شخص روشن و سیاستمدار و وطن خواهی بود در سال ۱۲۹۷ ش. به کمک چند تن از متنفذین و مجتهدین محلی مدرسه ای ملی تشکیل داد و توفیق چندانی حاصل نکرد، در ۲۷ عقرب (آبان ماه) ۱۲۹۸ رکن الاسلام که رئیس معارف بود نامه ای به فرمانداری سقز نوشت و با وی در تعیین ملا عبدالعزیز صدر العلمامفتی برای ریاست معارف سقز مشورت نمود. غیاث الدوله حاکم سقز در ۲۱ قوس (آذر) ماه مهر تایید بر

صلاحیت صدر العلما نهاده و مرحوم رکن الاسلام نیز در نامه ۲۵ قوس ۲۳۱ تقاضای صدور حکم را برای وی از وزارتخانه بعمل آورد و بدین ترتیب صدرالعلما مفتی تا سال ۱۳۰۵ بدون معارض و مخالف، به سرپرستی معارف و مدارس سقز و بانه مشغول بود. طبق صورت مجلس مورخ ۲۶ بهمن ۱۲۹۹ ریاست معارف از رکن الاسلام خلع و به آقای یحیی معرفت اعتضاد الاسلام که قبلاً کارمند اداره مالیه بود محول شد.

چون سید محمد باقر حیرت سجادی رکن الاسلام خدمت رسمیش از ۱۲۸۶ شروع و بجز چند ماهی که فرید الدوله همدانی در سال ۱۲۹۲ رئیس معارف کردستان بود و در ۲۷ حوت (اسفند) ۱۲۹۳ منتقل گردید، ریاست اداره معارف و صنایع مستظرفه کردستان در اختیار سید محمد باقر رکن الاسلام قرار داشت متجاوز از سیزده سال، به شهادت نامه های مالیه (خزانه داری) و فرمانداری بدون دریافت دیناری حقوق، صادقانه خدمت می نمود و حقوق فراش و احتیاجات اداره را از مال خود پرداخت می کرد و آنطوریکه خودش به وزارتخانه نوشته (از وقتی که اعتباری برای معارف کردستان پیدا شده معارف خواهان به طمع دریافت حقوق از کمین جستند و مقام مرا غصب کردند) این بود که از آن پس اداره معارف کردستان، میان او و یحیی معرفت دست بدست می شد. در صورتجلسه و تحویل و تحول بین مرحومین سید محمد باقر حیرت و یحیی معرفت بچشم می خورد که موجودی اداره معارف بعلت عدم وجود بانک، در اختیار فرج آقا جان تاجر کلیمی قرارداشت. باز می بینیم که نام آقا برامستخدام اداره در همین صورت جلسات موجود است و حقوق این مستخدم از جیب رئیس معارف پرداخت می شد، همچنانکه در گزارشهای فرماندار و رئیس مالیه می بینیم نوشته اند که حقوق مستخدم و خرج لوازم التحریر و سایر احتیاجات اداره را رکن الاسلام از جیب خود می دهد و دلیل دیگر اینکه در سال ۱۳۰۶ مرحوم حیرت در زمان کفالتش در اداره معارف چندین بار تقاضای استخدام یک مستخدم برای اداره نموده هر بار بعلت نبودن بودجه جواب رد شنیده است.

طبق صورتجلسه تحویل و تحول دلو (بهمن) ۱۲۹۹ که مرحوم یحیی معرفت رئیس معارف کردستان شده بود مبلغ شصت تومان حقوق برای ریاست معارف کردستان (که قبلاً افتخاری بود) برقرار شد. در اثر شکایات عدیده رکن الاسلام به نخست وزیر و گزارشهای پی در پی فرمانداری و پیشکار مالیه، از چگونگی اوضاع مدارس و خواسته های مردم کردستان به وزارت معارف، پس از یک ماه ریاست آقای یحیی معرفت، مجدداً در ۲۷ حوت (اسفند) ۱۲۹۹ حکم ریاست معارف با برقراری حقوق شصت تومان در ماه برای سید محمد باقر رکن الاسلام صادر شد.

در دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ریاست معارف به آقای حاج شیخ یحیی معرفت و اداره اوقاف به سید محمد باقر حیرت (رکن الاسلام) واگذار شد در ۲۲ سرطان (تیر ماه) ۱۳۰۳ کلاس اول متوسطه در مدرسه احمدیه دایر و شروع به ثبت نام دانش آموز نمود. در مرداد ماه ۱۳۰۴ مجدداً ریاست معارف از

یحیی معرفت منتزع و به رکن الاسلام حیرت سپرده شد و در ۱۳۰۵/۱/۱ برای چند ماهی دوباره حاج یحیی معرفت رئیس معارف شد.

در سالهای بین ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ علاوه بر دو مدرسه احمدیه و اتحاد شهر سنندج، چندین مدرسه دیگر در شهرستانها و قصبات و روستاهای تابعه کردستان دایر گردید، از جمله: سقز و بانه، مدرسه انتصاریه به نام سردار انتصار فرماندار وقت که بعد خاقانی قروه نام گرفت، عنصری سریش آباد، دقیقی بیساران، سنائی ایرانشاه و تیلکو، منوچهری سردشت، پهلوی مریوان، دبستان هوباتو، مولوی دزلی، اسدی دهگلان، مدرسه رمشت، مدرسه طای، مدرسه تودار.

در پائیز ۱۳۰۵ مدرسه دولتی نسوان (دخترانه) به نام (مستوره کردستانی) به همت بانو مریم اردلانی و مساعدت مرحوم حیرت دائر شد و تا سال ۱۳۰۸ که آقای عبدالغنی آیدری از طرف وزارت معارف با حقوق ماهیانه ۳۲۰ ریال به سمت منشی محاسبات برگزیده شد کلیه کارهای اداره این چند مدرسه و مراجعات سایر ادارات به عهده شخص رئیس معارف بوده و مرحوم حیرت چندین بار برای استخدام یک نفر منشی و حسابدار و یک نفر مستخدم برای انجام کارهای اداره، از وزارت خانه درخواست کرده است، هر بار جواب رد دریافت داشته است.

در بهمن ماه ۱۳۰۶ آقای صادق فاطمی به ریاست معارف انتخاب شد و از پائیز ۱۳۰۷ تا پایان سال ۱۳۰۸ آقای اسفندیاری ریاست معارف کردستان را داشته است.

در سال ۱۳۰۶ مدرسه کلدنیان (مسیحیان) با ترکیبی از دانش آموزان مسلمان و مسیحی به دبستان پهلوی نام گذاری شد و مدرسه احمدیه را نیز دبستان شاهپور نام نهادند.

در سال ۱۳۰۶ مرحوم حیرت به علت خستگی مفرط از انجام کارهای اداری کناره گرفت و رسماً معلم ادبیات و عربی دبیرستان شاهپور گردید. در سال ۱۳۱۱ تعدادی از سرشناسان سنندج به شهرستانهای دیگری فرستاده شدند. مرحوم حیرت به همدان منتقل و در دبیرستان پهلوی انجا به تدریس پرداخت (سند شماره ۱۰) در این هنگام همسرش بدرود حیات گفت وجود چهار کودک بی سرپرست، تلخی دوری از وطن و اقوام را بر وی دو چندان نمود. ناچار موضوع را با مرحوم علی اصغر حکمت که از دوستان وی بود در میان نهاد. نتیجه این شد که در سال ۱۳۱۳ به سنندج انتقال یافت (سند شماره ۱۱) و در دبیرستان شاهپور به تدریس پرداخت تا در ۱۳/ ۴/ ۱۳۲۸ بازنشسته گردید. مجموعه اسناد ضمیمه بیانگر ادعاهای این بیوگرافی است.

لازم به ذکر است در زمانهای قبل، بخشنامه را متحدآمال و پرونده را، دوسیه و پیشنویس را ابتدا، مُسَوِّدَه و بعد مینوت می گفتند.



نجف قلی خان ملقب به حاج فتح الملک پسر حاج محمد علی خان سردار مکرم از اشراف و اعیان زادگان خاندان اردلان است. مردی مدبر و کاردان و ناطقی نکته دان و سخن سنج بوده است از حس وطن دوستی و معارف خواهی خاصی برخوردار بوده است. وی در سال ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲۸۶ شمسی به یاری حاج شیخ یحیی اعتضاد الاسلام که بعدها شناسنامه معرفت گرفت مدرسه ای بنام معرفت دایر نمود هر چند مجاهدت و کوشش بسیاری دربر پای مدرسه از خود نشان داد اما یک سال بیشتر دوام نیافت و منحل شد.

فرید الدوله همدانی در ماه ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۲ از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به ریاست معارف و اوقاف کردستان منصوب و سید محمد باقر حیرت سجادی رکن الاسلام و ملا جواد شیخ الاسلام رئیس اوقاف منتظر خدمت شدند.

فرید الدوله اولین کارش در سندج این بود که نام مدرسه محمدیه را به مناسبت حکومت احمد شاه قاجار ، به احمدیه تبدیل نمود و آقای عطاالله معتمدی را به معاونت خود در این مدرسه برگزید. در ماه حوت (اسفند) همان سال مرحوم فرید الدوله به تهران فرا خوانده شد و مجدداً حکم ریاست معارف بانضمام اوقاف کردستان برای مرحوم رکن الاسلام ارسال شد.

فرید الدوله در زمان ریاستش در کردستان سالنامه فرید را منتشر نمود و در معرفی رؤسای معارف کردستان نام حیرت سجادی را بر نام خود مقدم داشته بود. این سالنامه را در کتابخانه مرحوم پدرم دیده بودم اما سالهاست در تهران و همدان و سندج بدنبال آن می گردم و نیافته ام، سرانجام پس از تحقیقات زیادی در همدان بوسیله جناب دکتر معز که شخصیتی بسیار محترم و مقبول عام و خاص است با دکتر گلگون فرزند مرحوم فرید الدوله آشنا شدم دکتر گلگون بارها وعده کردند که عکس و

بیوگرافی پدرشان و آن سالنامه را ارائه دادند. پس از ده بار تماس تلفنی و رفتن بحضورش از توفیق یاس حاصل نمودم اینست که با قطعیت و بدون ارائه آن سند می نویسم که مرحوم رکن الاسلام قبل از فرید الدوله ریاست معارف کردستان را داشته و نامش در نزد وزارتخانه کاملاً آشنا بوده که بدو نوشته اند: اداره معارف و اوقاف را از فرید الدوله تحویل بگیرید.



حاج شیخ یحیی معرفت ملقب به اعتضاد الاسلام فرزند شیخ عبدالحمید از سلسله مشایخ مردوخی است که به سال ۱۲۹۰ هـ ق در شهر سنندج تولد یافت و در سن ۶۰ سالگی وفات نمود، مشارالیه مردی دانشمند، روشنفکر، دارای هوش و ذکاوتی زیاد و استعدادی فراوان و قلمی شیوا و خطی زیبا بوده. علاوه بر اطلاعات ادبی و دینی در رشته های ریاضی و فضا و اسطرلاب مهارتی کافی داشت. مرحوم معرفت برای آزادی خواهی و نشر معارف جدید و روزنامه محلی کوشش بسیار نموده و مقالاتی نوشته است، حاج فتح الملک اردلان در تأسیس و تربیتی مدرسه معرفت از وجود حاج شیخ یحیی اعتضاد الدوله استفاده کرد و او بود که توانست مدت یک سال علیرغم مخالفین مدرسه را برپا دارد. معرفت که کارمند عدلیه سنندج بود در اواخر سال ۱۲۹۹ به ریاست معارف کردستان منصوب شد و مدتی هم کفالت معارف غرب را بر عهده داشته است. معرفت برای دانش آموزان مدارس شرعیاتی نوشت بنام هدایت الاطفال که مدت ها در دبستانهای کردستان تدریس می شد. دیوان مستوره شاعر کرد را در ۱۳۰۴ بچاپ رسانید. آخر الامر در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۳۵۰ قمری در همدان وفات یافت و جنازه اش به سنندج انتقال یافت و در قبرستان ابله که در شمال شهر سنندج واقع است به خاک سپرده شد.



مرحوم ملا حسن شکیا فرزند حاج ملا عبدالکریم مدرس متولد ۱۲۶۱ در سال ۱۲۹۸ شمسی در مدرسه احمدیه به تدریس اشتغال جست و در سال ۱۳۰۴ به مدرسه اتحاد انتقال یافت و مدتی مدیر آن مدرسه بود ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ برای سامان دهی مدرسه سقز بدانجا گسیل شد و دو سال بعد به سنندج بازگشت و در سال ۱۳۱۱ معلم مدرسه متوسطه شاهپور گردید، در این سال بدستور وزارتخانه تعداد زیادی از فرهنگیان را به شهرستانهای دیگر انتقال دادند و چون ملا حسن علاوه بر معلمی کتاب فروشی هم می کرد و از شهرستانهای دور دست کتاب تهیه نموده و در اختیار نیازمندان آن قرار می داد از انتقالش به شهرستان دیگری صرف نظر شد. در سال ۱۳۱۷ ملا حسن بنا به تقاضای خودش منتظر خدمت شد و به کار کتاب فروشی که خدمت بزرگی به جامعه دانش دوستان بود، پرداخت، کتاب فروشیش ابتدا در یکی از حجره های مسجد والی بود و بعد به مغازه ای در سرتیوله انتقال یافت و نیز قطعه باغی در سرنوده بالای سرباز خانه داشت و تابستانها بعد از فراغت از کار بدانجا می رفت و روزهای تعطیل دوستان قدیمی و اقوام و خویشان را به دور خود جمع و از آنان پذیرائی می کرد، یگانه فرزندش محمد شکیا بود که سالها با آبرو و افتخار پست ریاست دارایی چند شهر از جمله همدان را اداره می کرد^۱



میرزا عبدالکریم دبیری ملقب به جناب، فرزند ملا فتح الله کاتب و مدرس، در ماه دلو ۱۲۶۰ شمسی مطابق پنجشنبه ۲۷ ربیع الاول الثانی ۱۲۹۹ هجری قمری در شهر سنندج دنیا آمد. میرزا عبدالکریم در خانواده علم و دانش تربیت شد و راه اجدادی خود را که کتابت و تدریس بود، دنبال کرد. ابتدا در مدرسه معرفت چند ماهی به تدریس پرداخت پس از الغای این مدرسه، در مدرسه سعادت که مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام آنرا بنیان نهاده بود. مشغول تدریس شد و شبها در منزل خود به تدریس و تعلیم اشخاص می پرداخت و آنرا اکابر شبانه دانش نام کرده بود، چند صباحی هم در مدرسه سالاریه که مؤسس آن سالار الدوله فرزند مظفر الدین شاه بود، تدریس نمود پس از آن از ماه عقرب ۱۲۹۸ تا آذر ماه ۱۳۰۴ در مدرسه احمدیه بخدمت مشغول شد. در سال ۱۳۰۶ به مدرسه تودار منتقل شد و به علت اینکه مردم آنجا تا آن وقت رشد فکری نیافته بودند ویرا نپذیرفتند، ناچار بازگشت و مدتی بدون محل ماند و منتظر خدمت گردید. مرحوم سید محمد باقر که در آن وقت ریاست اداره را داشت وی را به نیابت و نظامت مدرسه دولتی اتحاد برگزید. وی در سال ۱۳۰۷ مدیر و معلم مدرسه دهگلان شد. در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ آموزگار دبستان هدایت بود. یگانه فرزند ذکورش ناصر خان دبیری است که سالها در اداره دارائی و شعبات آن قند و شکر و غله، در کردستان و شیراز و شهرستانهای دیگر در کمال صداقت و درستی خدمت نمود و ادیب و محقق کامل عیار و مسلط به زبانهای فرانسه و انگلیسی است و اکنون در ارومیه اوقات خود را به گلکاری و مطالعه می گذراند.



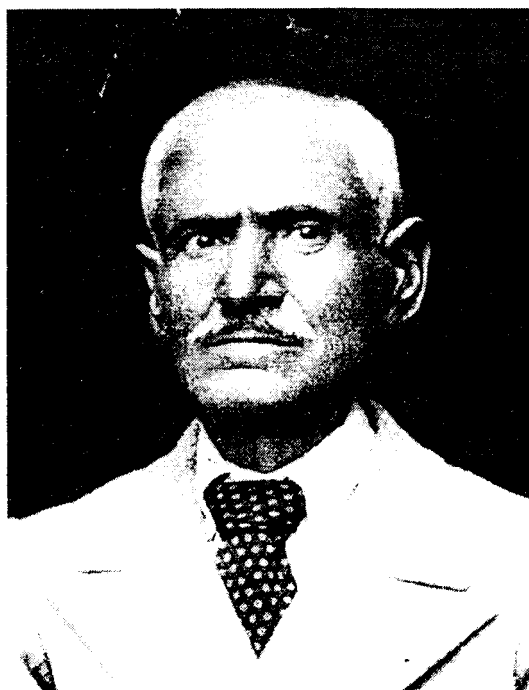
ملا جلال الدین امیر عزیزی فرزند امین الشرع با عزمی جزم و همتی قاطع به کمک جمعی از متنفذین و محترمین سقز علیرغم مخالفت‌های برخی از علمای محلی، مدرسه ای ملی دایر نمود و بسیار کوشش نمود آن را پا بر جا نگه دارد با همه مقاومتی که در مقابل مکتب داران سنتی از خود نشان داد، سرانجام مورد تکفیر قرار گرفت و از سقز خارج شد و در خدمت ارتش درآمد، بعدها به نام سرهنگ زاگرس شناخته شد خدمت این شخص فهیم و خیرخواه زیانزد مردم سقز است و از وی با تکریم یاد می‌شود.



سید محمد علی دکی چندی (۱۳۰۶)

سید محمد سجادی فرزند سعدالدین متولد سال ۱۲۵۵ شمسی از ابتدای تشکیل مدرسه خصوصی سعادت که رکن الاسلام حدود ۱۵ سال قبل از تأسیس مدارس دولتی در سندج آن را بنیاد نهاده بود به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشته و از ابتدای تأسیس مدرسه اتحاد سال ۱۲۹۵ تا سال ۱۳۰۲ به

استخدام رسمی در آمد و بعدها همچنان بطور مرتب در آن مدرسه همکاری داشت. از سال ۱۳۱۱ به صحنه کرمانشاه منتقل شد، پس از برگشت به سنندج نیز در مدارس هدایت و بدر به شغل شریف معلمی مشغول بود.



غفران پناه میرزا سید نجم الدین فرزند عصام الدین از سادات کلجی اورامان و پدر علاء الدین سجادی که نویسنده و محقق و مورخ و صاحب تألیفات ارزنده است و سالهای متمادی در خاک عراق زیسته و استاد زبان کردی دانشگاه بغداد بود.

سید نجم الدین متولد ۱۲۵۸ شمسی است و از سال ۱۲۹۵ که مدرسه اتحاد تأسیس شد به همراه سایر معلمین آنجا به تعلیم درس عربی پرداخته و ماهیانه مبلغ ۱۵۰ ریال حقوق دریافت داشته است. در سال ۱۳۱۱ به همدان انتقال یافت و به تدریس در مدرسه آبادی کبودراهنگ با دریافت ماهیانه ۲۳۰ ریال حقوق گمارده شد. بعلت مریضی و داشتن عائله زیاد و عدم کفایت حقوق، محل خدمت را ترک نموده به سنندج بازگشت و در مهرماه ۱۳۱۲ مدیر و معلم دبستان رمشت گردید. در سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ مدیر و آموزگار دبستان دزج بوده است.



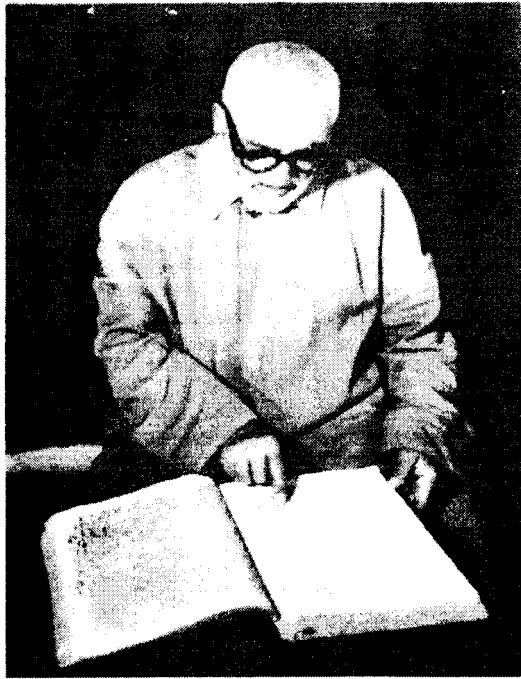
مرحوم آقا میر هاشم معتمد هاشمی فرزند علینقی معتمد الاشراف متولد ۱۲۷۵ شمسی در سال ۱۲۹۹ معلم کلاس دو، مدرسه اتحاد با حقوق ماهیانه یکصد ریال و در سال ۱۳۰۴ به استخدام رسمی درآمد و به خدمت ادامه داد تا بازنشسته گردید.



مرحوم سید مصطفی مصطفوی فرزند سید عبدالقادر متولد ۱۲۶۵ فرارش مدرسه دولتی اتحاد از سال ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۰۸ در مدرسه مذکور و از این تاریخ تا سال ۱۳۱۱ مستخدم دبستان دولتی دهگلان و سال بعد در دبستان اعتمادیه صلوات آباد و از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ مستخدم مدرسه انوری رمشت بود.



فخر الدین نعمانی فرزند عبدالعزیز (امیر عزیزی) متولد ۱۲۸۱ در سقز، از مردان نیک و با فضیلت، از ابتدای تأسیس مدرسه در سقز، با ملا جلال الدین (سرهنگ زاگرس) همکاری داشته و از سال ۱۳۰۱ که مرحوم عبدالباقی بدیع مدیری احمدیه را در آنجا تأسیس می کند تا سال ۱۳۱۲ در زادگاهش به خدمت تدریس ادامه داده از این سال بر حسب دستور وزارت به همدان منتقل و در دبستان سعدی به تدریس مشغول گردید، در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۱ با تقاضای خود و موافقت وزارتخانه و فرهنگ همدان به سقز منتقل و به ادامه تدریس و خدمت پرداخت.



سیرزا عبدالباقی مدیری فرزند حاج محمد در سال ۱۲۶۳ شمسی در شهر سنندج پا به جهان هستی نهاد، پس از طی دوران تحصیلات علوم متداوله، برای تحصیل از راه ترکیه عازم کشورهای عربی گردید. شام و سوریه و مصر و الجزایر را گشت و مدتی در آن ممالک به گردش و تحصیل گذراند و برای فراگیری زبان ترکی استانبولی به استانبول برگشت و پس از مدتی اقامت و اخذ دانشنامه به عراق رفت و پس از آن به معاونت سیاسی شهر سلیمانیه برگزیده شد. مرحوم مدیری به دعوت مرحوم سید محمد باقر حیرت از عراق به سنندج برگشت تا به کمک یکدیگر بتوانند خدمتی به فرهنگ و ادب ایران خصوصاً زادگاه خود بنمایند. مدیری در سال ۱۲۹۵ رسماً ناظم مدرسه دولتی اتحاد گردید و به دستور شریف الدوله حکمران ماهیانه چهل تومان مقرری برایش در نظر گرفتند. مدیری تا سال ۱۳۰۱ در این مدرسه خدمت نمود، از اول میزان (مهرماه) ۱۳۰۱ تا شهریور ماه ۱۳۰۶ بنا به تقاضای خود به سقز منتقل و در آنجا به خدمت فرهنگ و ادب درآمد و مدرسه احمدیه را با کادری قوی بینان نهاد. از اول مهرماه ۱۳۰۶ به سنندج برگشت و تا سال ۱۳۱۱ در مدرسه اتحاد و دبیرستان شاهپور (احمدیه سابق) تدریس نمود. از سال ۱۳۱۱ به همدان منتقل و تا شهریور سال ۱۳۲۲ در دبیرستان هدایت (اتحاد سابق) به تدریس پرداخت تا بازنشسته گردید. مدیری در سال ۱۳۴۳ شمسی درگذشت و ۸۵ سال زندگانی نمود. آن مرحوم علاوه بر سواد فارسی زبانهای ترکی و عربی و فرانسه را خوب می دانست و نقاش و مجسمه ساز و شاعر و مورخ بود و در شعر بدیع تخلص نمود از آثار شعری او یکی تاریخ شهریاران است که به چاپ رسیده، کتاب مفصل دیگری به نظم در تاریخ از او باقی است که هنوز چاپ نشده و شرح و تفصیل آن را از روزنامه اطلاعات سه شنبه دوازده اردیبهشت ۱۳۴۰ ضمیمه شده مطالعه فرمائید

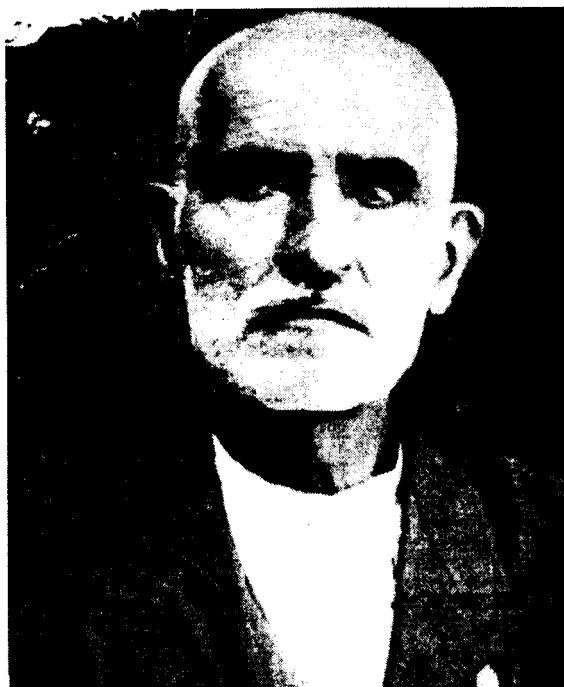


ملا عبدالعزیز مفتی ملقب به صدرالعلما فرزند حاج شکرالله که به سال ۱۳۱۲ شمسی در سقز وفات یافت یکی از چهرهای درخشان علم و معرفت و فضیلت سقز و در تقوی و صداقت زیانزد خاص و عام بوده است، علاوه بر مقام قضا و امور شرعیه در سال ۱۲۹۸ از طرف وزارت معارف به ریاست معارف و اوقاف سقز منصوب و در مدرسه احمدیه آنجا نیز به تدریس پرداخته است.



مرحوم مغفور ملا عبدالغفور امام جمعه فرزند حاج معروف در ابتدای تشکیل مدرسه در سقز با مرحوم ملا جلال الدین همکاری و شرکت داشته و از سال ۱۳۰۱ به بعد در مدرسه احمدیه مرحوم عبدالباقی مدیری را یاری نموده و در سال ۱۳۰۷ نیز معلم قرآن و شرعیات مدرسه دولتی شاهپور سقز بوده است.

بانو مریم شا میر مشهور به خانم اردلانی فرزند میکائیل خان و منتسب به خانواده اردلان در مدرسه آمریکاییها در تهران تحصیل نمود و در سال ۱۹۱۵ میلادی مطابق ۱۲۹۲ شمسی که تازه با غلامعلی خان پسر حاج فتح الملک اردلان ازدواج کرده به اتفاق همسرش به سنندج آمد تا از راه آذربایجان به ترکیه که محل مأموریت شوهرش که نایب اول سفارت کبرای ایران در ترکیه بود بروند، جنگ اول جهانی شعله ور شد و مانع از رفتن آنان به ترکیه شد، بانو اردلانی بیکار نشست و در منزل خود مدرسه کوچکی را براه انداخت و شروع به تدریس و آموختن خیاطی به زنان و دختران نمود و سالها به این کار ادامه داد سرانجام در ۱۳۰۵ توانست این مدرسه را رسمی و دولتی کند و با تابلوی نام مستوره کردستانی زینت بخشد، خانم اردلانی در ۱۳۰۷ به تهران رفت و سرپرستی مدرسه را به اختر خانم صادق وزیری سپرد. کسانی که باوی در برپائی این مدرسه دست داشتند. و او را همراهی می کردند عبارت بودند از: ۱- نیمتاج رؤوفی ۲- منصوره رؤوفی ۳- ملاسعدالدین شهابی ۴- انیسه معرفت ۵- عذرا رضوانی



مرحوم سعدالدین شهابی ملقب به سعدالشریعه فرزند ملاشهاب الدین متولد سال ۱۲۴۸ شمسی صادره از سنندج، تحصیلاتش را نزد پدر پایان برد. در سال ۱۲۸۵ چند ماهی در مدرسه معرفت تدریس نمود. در سالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ در مدرسه غیر دولتی احمدیه به تدریس فارسی و عربی و سیاق و مشق خط پرداخت، این مرحوم علاوه بر تدریس در مدارس پسرانه در سالهای ۳۰۵ و ۳۰۶ که مدرسه دخترانه مستوره با تلاش و زحمت شادروان مریم اردلانی تأسیس شده بود، تدریس شرعیات می نمود مرحوم شهابی بعدها نیز در دبستانهای هدایت و پانزده بهمن به تعلیم مشق خط و فارسی کلاسهای اول و دوم

ابتدائی ادامه داد تا در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲۱ وفات نمود. مرحوم شهابی از روی نسخه ملا شهاب الدین پدرش برای مردم سنندج مرکب می ساخت و عموم مردم شهر از دانشش آموز و غیر دانش آموز از منزل وی مرکب می خریدند.



حبیب الله آموزگار، ناصر الملک فرزند ملا نور

مرحوم میرزا حبیب الله (جناب) متولد ۱۲۹۲ قمری مطابق ۱۲۵۲ شمسی ملقب به ناصر الکتاب و شهرت آموزگار فرزند ملا نور الله با نام خانوادگی نوراللهی ساکن محله میان قلعه سنندج با سابقه دیرینه در خدمت تعلیم و تربیت و آنطوری که خود اظهار داشته: مدت ۱۲ سال در اداره کارگذاری کارمند بوده و در سال ۱۳۲۷ که مدرسه معرفت تأسیس شد به مدت یکسال که مدرسه پابرجا بود تدریس نمود، پس از آن به مدرسه سعادت نزد مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام رفت و تا سال ۱۲۹۹ که مدرسه سعادت به محمدیه و سپس به احمدیه تغییر نام یافت در همان مدرسه باقی بود در جوزی (خرداد ماه) ۱۲۹۹ به مدرسه اتحاد انتقال یافت و تا مردادماه ۱۳۱۱ در آنجا به امر تدریس مشغول بود. علاوه بر استعداد ذاتی و کسب معارف متداول زمان، از خط و انشای بسیار والایی بهره مند بود.



شادروان شیخ لطف الله حکمت ملقب به موید العلما فرزند شیخ عبدالله مردوخی متولد سال ۱۳۰۳ قمری مطابق ۱۲۶۳ شمسی در خدمت اساتید زمان به تحصیل علوم پرداخت و از سال ۱۳۳۵ یعنی ۱۲۹۵ شمسی در مدرسه احمدیه به تدریس پرداخت و از اول برج دلو (بهمن) ۱۲۹۸ تا میزان (شهریور) ۱۳۰۵ علاوه بر تدریس شغل نظامت مدرسه احمدیه را نیز عهده دار بوده است و از این تاریخ تا آخر سال تحصیلی ۱۳۰۷ به مدیری مدرسه انتصاریه قروه منصوب و در آنجا مشغول خدمت شد. در سال ۱۳۰۸ به شهرستان سقز منتقل و با حفظ سمت مدیریت مدرسه شاهپور به تدریس بخشی از دروس پرداخت. مدت خدمت وی در سقز سه سال به طول انجامید سرانجام در سال ۱۳۱۱ به کرمانشاه منتقل و در ۱۳۱۵ به سنندج مأموریت یافت تا در سن ۵۴ سالگی بدرود حیات گفت



حسین خان اردلان فرزند صارم السلطان متولد ۱۳۱۱ قمری مطابق ۱۲۷۱ شمسی پس از دوره تحصیلاتش که در مدرسه معرفت و دارالفنون تهران انجام شده، چند سالی در ادارات امنیه و مالیه و عدلیه و مالیات غیر مستقیم خدمت نمود. در سال ۱۳۰۰ در احمدیه شروع به تدریس نمود و چون شخص مجرب و کارآمدی بود در سال ۱۳۰۳ برای افتتاح و مدیریت مدرسه بانه انتخاب و روانه شد از سال ۱۳۰۵ تا شهریور ۱۳۰۷ مدیر و آموزگار انتصاریه قروه گردید. در سال ۱۳۰۹ به سنندج عودت داده شد و در دبیرستان شاهپور رسماً معلم ورزش گردید.



شیخ رؤف ضیائی فرزند حاج شیخ مصطفی متولد آذرماه سال ۱۳۱۱ هـ - ق در سقز تحصیلاتش در زادگاهش انجام پذیرفته در ۹ عقرب سال ۱۳۳۷ قمری مطابق ۱۲۹۸ شمسی کارگذار و در سال ۱۳۴۲

مطابق ۱۳۰۲ شمسی نیز ریاست اوقاف محل را بر عهده داشته و در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ نماینده معارف و اوقاف در سقز بوده است.



عطاءالله معتمدی فرزند معتمدالاسلام متولد سال ۱۳۰۴ قمری مطابق ۱۲۶۵ شمسی، تحصیلاتش در نزد دانشمندان عصر خود انجام پذیرفته، تاریخ ورود به خدمت معارف او سال ۱۲۹۲ زمان ریاست معارف فریدالدوله همدانی است این شخص که مردی لایق و با کفایت بوده تا سال ۱۳۰۶ در مدرسه احمدیه شغل نظامت را بر عهده داشته، از سال ۱۳۰۶ آموزگار دبستان پهلوی بانه شد و دو سال بعد با ابلاغ مدیر و آموزگار آن دبستان چندین سال در بانه خدمت نمود.



برحوم ملا محمد محی فرزند ملامحی الدین معروف به سیویه ثانی مدرس مسجد پری نساخانم در سنندج بوده است. ملا محمد در سال ۱۲۵۸ شمسی متولد شد و پس از تعلیم علوم زمان، مدتی در مدرسه معرفت به تدریس پرداخت بعد از ملغی شدن آنجا، در مدرسه احمدیه و اتحاد مشغول تدریس شد از تاریخ ۱۳۰۶/۶/۱۵ به مدت یکسال مدیر و معلم دبستان دولتی رمشت گردید و از ۳۰۸/۶/۱۷ در دبستان اتحاد بخدمت مشغول شد. و سال بعد تا ۱۳۱۱/۶/۲۰ مدیر و معلم دبستان ممتازیه در سنندج گردید، بعد از آن به کرمانشاه منتقل شد و معلم مدرسه مهدوی آنجا شد و از سال ۱۳۱۴ تا پایان سال ۱۳۲۰ معلم دبستان پهلوی کرمانشاه بود. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ مدیر و آموزگار دبستان دو کلاسه قصر شیرین گردید.

بعد به کردستان انتقال یافت و از سال ۱۳۲۲ بعد مدیر و آموزگار دبستان الفت در آبادی نودشه بود دو سه سال بعد به سنندج برگشت و در دبستان بدریه تدریس شرعیات و علوم دینی مشغول گشت.



محمد جعفر رکنی فرزند محمد سعید متولد ۱۲۶۷ از سالهای ۱۳۰۵ تا پایان ۱۳۰۷ بدستور سید محمد باقر حیرت، مستخدم جزء اداره معارف بوده و حقوقش را مرحوم حیرت شخصاً پرداخت می نمود و بی مناسبت نیست که شناسنامه رکنی گرفته است. از اوایل ۱۳۰۸ به استخدام اداره معارف درآمد و تا تیرماه ۱۳۰۹ در مدرسه ممتازیه به کار مشغول بود و از این تاریخ تا ۱۳۲۳/۵/۱۰ مستخدم دبیرستان شاهپورپور در اثر بیماری در اوایل سال ۱۳۲۴ وفات نمود. مردی بود فهمیده و دنیا دیده و با سیاست و با اقتدار و (قولی است که جملگی برآند) دانش آموزان از او بیشتر از رئیس دبیرستان حساب می بردند و اطاعت می کردند.



ملا محمد صادق عارفی فرزند صوفی محمد علی در سال ۱۲۶۰ در شهر سقز متولد گردید در دوران جوانی چند سالی در خدمت فرهنگ زادگاهش در آمد و در مدارس آنجا به تدریس علوم دینی پرداخت.

عبدالحمید خان، جوانی آراسته به دانش و فضل و متخلق به اخلاق حسنه، گویا اهل قم بوده، در ۲۸ حوت (اسفند) ۱۲۹۸ از طرف وزارت معارف مأمور تدریس احمدیه سنندج می شود و چند سالی در سنندج مقیم بوده و به قم باز میگردد.



عارف پیک فرزند نور محمد در سال ۱۲۸۵ در شهر سنندج متولد شد. بعلت علاقه زیاد بخدمت معارف و فرهنگ در آموزش و پرورش آن زمان تقاضای قبول خدمت نمود در سال ۱۳۰۶ به عنوان

مستخدم جزء پستقر روانه شد و در دبستان شاهپور آنجا بخدمت اشتغال جست از سال ۱۳۱۴ به بانه انتقال یافت و در آنجا بخدمت ادامه داد.



میرزا محمد جواهری ملقب به سعید دیوان در سال ۱۲۹۹ قمری در شهر سنندج بدینا آمد تحصیلاتش را در علوم قدیمه و ادبیات فارسی به پایان برد و در خدمت معارف داخل شد. در سال ۱۳۰۳ به مدیریت مدرسه انتصاریه قروه انتخاب و در سال ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ مدیر مدرسه سرابطق بود در مهرماه ۱۳۰۶ به تقاضای خود به مدرسه خاقانی سریش آباد رفت و مدتی بعد به اداره ثبت احوال انتقال یافت و در سال ۱۳۴۴ دنیای بی بقارا وداع نمود. مرحوم جواهری ادیبی وارسته و شاعری بلند مرتبه بود. اشعار روی کاشی کاری های دالان ورودی مسجد جمعه سنندج از یادگارهای اوست.



شیخ عارف عرشی فرزند حاج شیخ عبدالحمید کانی مشکانی و برادر برهان الدین حمدی در سال ۱۲۷۶ شمسی در سندج متولد شد. مرحوم شیخ عارف پس از پایان تحصیلات از اول تیرماه ۱۲۹۸ تا تیرماه ۱۳۰۵ معلم کلاس دوم در مدرسه احمدیه با حقوق ۱۲۰ ریال تا ۱۵۰ ریال خدمت کرد و از سال ۱۳۰۵ به مدرسه متوسطه شاهپور انتقال یافت و دریافتی حقوقش تا ۲۱۰ ریال ارتقاء یافت در سال ۱۳۰۶ مدیر آبادی طای گردید و در سال ۱۳۰۹ مدیر مدرسه قروه شد و بعلت بیماری تقاضای انتقال نمود و در همان سال مدیر و معلم مدرسه اوباتو گردید.



میرزا عبدالغفار ارجمندی فرزند میرزا عبدالعظیم متولد ۱۳۱۸ مطابق ۱۲۸۰ شمسی از سرطان ۱۳۰۰ تا آخرقوس ۱۳۰۱ در مدرسه احمدیه ماهی ۶۰ ریال و در سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ ماهیانه ۹۰ ریال و در

سال تحصیلی ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ ماهیانه ۱۲۰ ریال حقوق دریافت داشته است. مرحوم ارجمندی در سال ۱۳۱۳ مدیر مدرسه ممتازیه و در سال ۱۳۱۵ مدیر و معلم دبستان بدر و بعدها در دبستانهای هدایت و پانزده بهمن مدیر بود در اواخر خدمتش چند سالی رئیس بازرسی مدارس بود. شخصی بود منضبط، مقرراتی، متین، منصف و دین دار و مسلط در کار.

مرحوم ابوالفضل آزاد همدانی فرزند شیخ علیمحمد در تیرماه ۱۳۰۴ به سنندج وارد شد و تا شهریور ماه ۱۳۰۵ در مدرسه بانه تدریس نمود و از اول فروردین ۱۳۰۶ مدیر مدرسه متوسطه شاهپور سنندج و یک ماهی هم کفیل معارف کردستان گردید.



شیخ علاءالدین مهاجر فرزند عبدالرحمن و متولد ۱۲۷۵ است. در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ معلم مدرسه غیر دولتی احمدیه و مدرسه دولتی اتحاد بود و در سالهای ۳۰۹ و ۳۱۱ تمام وقت را در مدرسه اتحاد تدریس می نمود و از آن پس تا سال ۱۳۲۰ به همدان منتقل شد در دبستانهای آنجا مشغول تدریس بود. از ۱۳۲۰ به سنندج انتقال یافت و مدیر دبستان تربیت شد مدتی بعد در کلاسهای اول و دوم دبیرستان شاهپور بتدریس عربی و شرعیات پرداخت تا بازنشسته شد.

یحیی سپهر آرا فرزند هادی خان متولد ۱۲۷۹ همدان از مهرماه ۱۳۰۵ تا پایان سال در بانه از اول فروردین ۳۰۶ تا اسفند ماه در دهگلان و سال ۱۳۰۷ در دیواندره و سال ۱۳۰۸ در همانجا خدمت نمود از سال ۱۳۰۹ تا آخر ۱۳۱۲ در مدرسه مریوان و از شهریور ۳۱۳ تا شهریور مدیر مدرسه رزاب و از شهریور ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۲۱ مدیر مدرسه سردشت بوده از شهریور ۱۳۲۱ تا شهریور ۱۳۲۲ مدیر و آموزگار در مدرسه عنصری دزج و از آن پس تا سال ۱۳۲۶ در سریش آباد و حافظ قروه تدریس و مدیریت داشته است در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ نماینده فرهنگ قروه بوده است .



صلاح الدین معتمدی فرزند شیخ محمد معتمد الاسلام از اول فروردین ماه ۱۳۰۶ تا شهریور ۱۳۰۸ معلم مدرسه آبادی طای پور بعد از آن به اداره دارایی منتقل شد.



مرحوم خلیل صبری فرزند اسدالله متولد ۱۲۸۷ شمسی تحصیلات خود را در مدارس احمدیه و اتحاد سنندج به پایان برد. در سال ۱۳۰۶ زمان ریاست صادق فاطمی در اداره معارف کردستان استخدام شد و در دبستان پهلوی شروع به تدریس نمود. در سال ۱۳۰۷ با سمت مدیری و معلمی مدرسه اوباتو با حقوق ۲۰۰ ریال به آن محل اعزام شد، در سال ۱۳۱۰ مدیر مدرسه سرابقحط شد و در سال ۱۳۱۲ به فروه انتقال یافت. در فروردین سال ۱۳۱۳ مدیر و معلم اتحاد سنندج گردید و در دیمه همان سال به اوقاف انتقال یافت، در سال ۱۳۱۶ رئیس اوقاف خراسان شد و به مشهد رفت، پس از آنکه بازنشسته گردید در تهران دفتر وکالت باز کرد و وکیل دعاوی و حافظ حقوق مردم گردید. ضمن کارهای اداری کتاب با ارزشی را به نام (طبقات آیات) تألیف و چاپ نمود.



عبدالمجید خان صادق وزیر فرزند علی اکبر خان در سال ۱۲۸۲ متولد شد و در سال ۱۳۴۳ وفات یافت آن مرحوم در مدرسه احمدیه سنندج تحصیل نمود و پس از فراغت از تحصیل از دوم ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۱ در دبستان دولتی اتحاد به تدریس درس ریاضی پرداخت، میزان حقوقش در سالهای اول ۸۰ ریال الی ۱۱۰ ریال بود خدمت به معارف را تا سال ۱۳۱۰ ادامه داد و از سال ۱۳۱۱ به شهربانی منتقل شد و در سال ۱۳۲۶ از این شغل استعفا داد و به کار زراعت و ملک داری پرداخت.



حبیب الله آداری مشهور به مسیو آداری فرزند خواجه پیلان مسیحی در سال ۱۲۷۴ در شهر سنندج متولد شد. در سال ۱۳۰۴ در مدارس آن زمان شروع به تدریس درس فرانسه نمود و تا موقع بازنشستگی در شهر سنندج خدمت نموده است.



نبی ساعی فرزند مجید در سال ۱۲۹۲ تولد یافت و در سال ۱۳۰۶ برای فراشی در معارف سقز کنترات شد و تا سال ۱۳۱۴ در این شغل خدمت نمود بر اثر ابراز لیاقت و کوشش فراوان به تحصیل مشغول شد و در آن زمان بدر یافت گواهی نامه شش ساله ابتدایی نایل آمد و به مقام معلمی ارتقاء یافت و از آن پس به بانه منتقل شد و به معلمی و معاونت مدرسه پهلوی آنجا رسید.



مرحوم صادق معتمدی فرزند شیخ عبدالصمد مهرماه ۱۳۰۷ به مدیری و تدریس در مدرسه جوانرود انتخاب و اعزام شد و تا سال ۱۳۰۹ در آن سامان خدمت نمود. در تاریخ ۱۳۱۰/۱/۲۳ به بانه انتقال یافت و از سال ۱۳۱۲ تا پایان سال ۱۳۱۵ در بیساران خدمت کرد و بعد از آن به اداره فلاحه (کشاورزی)

رفت



میرزا اسمعیل شکیا فرزند ملا علی در اسفند ماه ۱۳۰۷ برای تدریس در مدرسه چهار کلاسه دیواندره استخدام شد و بجای ملا اسحق بدانجا فرستاده شد اما عملاً از همین تاریخ تا سال ۱۳۱۲ مدیر و آموزگار مدرسه اوباتو بوده است. از آن پس به دبستان شاهپور سنج متقل و علاوه بر تدریس روزانه از اول مهرماه ۱۳۱۵ در کلاس اکابر همان مدرسه به تدریس مشغول شد.



مرحوم عبدالغنی آبدیری فرزند خان محمد متولد ۱۳۱۸ قمری مطابق ۱۲۷۸ شمسی پس از کسب دانش و معلومات متداوله در سال ۱۲۹۸ معلم مدرسه دولتی اتحاد گردید و ماهیانه ۹۰ ریال حقوق دریافت می نمود، در سال ۱۳۰۱ محاسب اداره مالیه و در سال ۱۳۰۴ محاسب اداره ارزاق (غله)

گردید و سال بعد به اداره مالیه برگشت. از آذرماه ۱۳۰۵ تا تیر ماه ۱۳۰۶ در مدرسه انتصاریه قروه معلم بود و از سال ۱۳۰۸ رسماً منشی اداره محاسبات معارف کردستان گردید. سال ۱۳۱۱ به همدان منتقل شد تا ۱۳۲۴/۵/۱۷ در اداره فرهنگ آنجا خدمت نمود از آن پس به تهران انتقال یافت و در پست مدیریت دایره بودجه کل کارگزینی خدمت نمود.

در سال ۳۴ رئیس حسابداری اداره سرپرستی مدارس ایران در عراق گردید. ماحصل زندگانش سه فرزند برومند اویند به نامهای ۱- عزیزالله کنسرسیوم نفت و نماینده ایران در الجزایر ۲- دکتر پرویز آبدری متخصص ارتودنسی ۳- خسرو آبدری رئیس کارپردازی هواپیمائی ملی ایران.



مرحوم سید حسن شیخ الاسلامی فرزند عبدالصمد در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ مدیر و معلم مدرسه انتصاریه قروه از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ مدیر و معلم مدرسه خور خوره و از سال ۱۳۲۰ در مدرسه شاهپور مریوان خدمت نموده و در سال ۱۳۲۰ به سنجاق انتقال یافت و در دبستان دانش به تدریس پرداخت.



میرزا محمد امین ریاضی فرزند میرزا عبدالحمید متولد ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ هـ - ق ، شجره خانوادگیش بنا به اظهار خواهر محترم‌ش سرکار همد قلمی که خود نیز از خدمتگزاران قدیمی آموزش و پرورش شهر سنندج است بدین شرح است : جد بزرگ این خانواده میرزا محمد سلیم و فرزندش میرزا محمد رحیم هر دو متولد شام که به ایران آمده در سنندج سکنی گزیده اند ، میرزا محمد رحیم دو پسر داشته یکی به نام میرزا محمد معروف به ریش بلند و دیگری نامش به خاطر نرسید که پدر میرزا محمد حسین سر رشته دار است و او نیز دو پسر به نامهای میرزا آقا و مسعود آقا داشته که آقایان هادی و مهدی و منصور و همایون را استکار فرزند ان میرزا آقا هستند . میرزا محمد ریش بلند چهار پسر به نامهای میرزا محمود و میرزا فضل الله (میرزایی) و میرزا عبدالحمید و داشته که از میرزا محمود دو پسر به نامهای میرزا عبدالحمید و میرزا عبدالوهاب ملقب به درویش مانده که میرزا محمد امین ریاضی فرزند همین میرزا عبدالحمید است که در سال ۱۳۰۶ معلم مدرسه شاپور سنندج بوده و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ نظامت دبستان دولتی اتحاد را بر عهده داشته و از این تاریخ برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار شد این خانواده که اجدادشان معلم سر خانه خانواده معتمد در سنندج بوده اند همگی از خط و ربط و سواد کافی برخوردار بوده اند . میرزا عبدالحمید در سال ۱۳۱۹ شمسی در سنندج بدرود حیات گفت و از او چهار فرزند بنامهای میرزا محمد حسن شیوایی و میرزا مجید قلمی و میرزا محمد امین ریاضی و همد قلمی بر جای ماند. میرزا عبدالوهاب درویش برادر عبدالحمید به تهران رفت و در خیابان عین الدوله مکتب خانه ای در تعلیم قرآن و خوش نویسی دایر کرد و فرزندانش به نامهای عزیز الله خان شایسته سنندجی و یوسف خان و طیبه قلمی به ادامه حیات مشغولند



سید حسین سجادی فرزند سید علی در دبستان اتحاد سنندج تحصیلاتش را خاتمه داد و در سال ۱۳۰۶ برای شغل معلمی کنترات شد و به مدرسه خورخوره سقز رفت ، در فروردین ۱۳۰۷ به مدرسه دولتی پهلوی بانه انتقال یافت و در سال ۱۳۰۸ به سقز برگشت از آن پس از کنترات اداره معارف خارج شد و به تحصیل در سیکل اول دبیرستان ادامه داد .



عبدالرحیم خیالی فرزند مرتضی خان متولد ۱۲۵۸ وفاتش در ۱۳۲۴ اتفاق افتاد از سال ۱۳۰۶ تا پایان سال ۱۳۰۸ معلم مدرسه اتحاد سنندج و در سال ۱۳۰۹ در مدرسه انتصاریه قصبه قروه تدریس نمود و در سال ۱۳۱۰ به مدرسه دولتی آبادی سراقحط منتقل و از ۱۳۱۱ به قصر شیرین انتقال یافت.



مرحوم شیخ توفیق سدری فرزند حاج حسین در ۱۲۸۱ تولد یافت و در ۱۳۵۲ دارفانی را وداع گفت
مرحوم سدری در ۱۳۰۶ مدیر و آموزگار دبستان دولتی دهگلان گردید و تا سال ۱۳۱۰ در این خدمت
کوشا بود



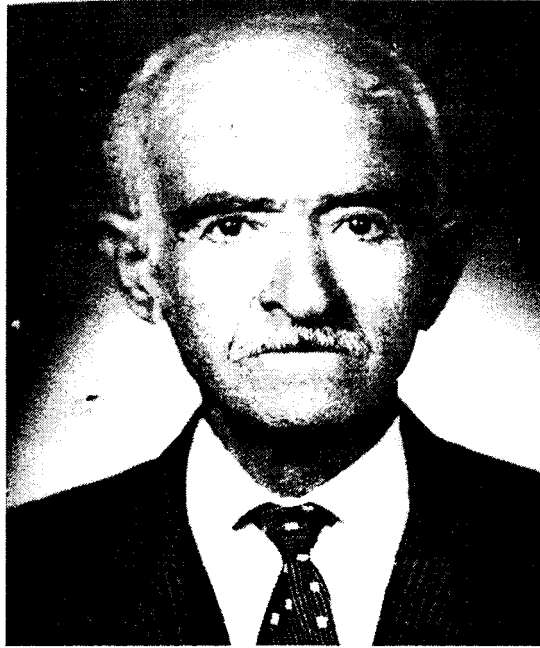
مرحوم علیخان مقبل فرزند محمد حسن در سال ۱۳۰۶ معلم مدرسه پهلوی بانه بوده و در سال ۱۳۱۱
به همدان منتقل میشود و به علت عادت و کسی حقیق و عدم اداره زندگی مجبور به استعفا از خدمت
دولت گردید



محب الله معتمد وزیری فرزند محمد علی خان متولد ۱۲۹۶، در سال ۱۳۰۸ معلم مدرسه عشایری دیواندره و در ۱۳۰۹ منشی اداره اوقاف شد در سال ۱۳۱۵ برای معلمی مدرسه جوانرود کنترات و با ماهی ۲۰۰ ریال حقوق تا سال ۱۳۱۷ در دبستان رونق جوانرود به تدریس اشتغال داشت.



مرحوم ملا اسحق در سال ۱۲۹۴ ه ق - در قریه هجیج اورامان متولد شد تحصیلاتش را در مساجد سندج در خدمت مدرسین والاشان زمان خود به پایان برد و در آبادی دیواندره به تدریس و پیشنهادی پرداخت در سال ۱۳۰۷ بنا به تقاضای خود چند سالی در مدرسه دولتی آنجا به تدریس علوم دینی پرداخت، وفاتش در سال ۱۳۲۳ شمسی اتفاق افتاد



سید محمود سجادی فرزند سید محمد صادق در اسفند ماه ۱۳۰۷ مدیر و معلم مدرسه آبادی طاگردید و در ۱۳۰۹ به مدرسه بیساران انتقال یافت ، در ۱۳۱۰ مدیر و معلم مدرسه جوانرود شد بعد از آن به اداره اقتصاد (قند و شکر) انتقال یافت .



حسن تارک فرزند حاج علیخان در سال ۱۳۰۵ برای تدریس در مدرسه انتصاریه قروه کنترات شد و تا سال ۱۳۰۸ در آنجا خدمت نمود ، بعد به علت مشمولیت کناره گرفت و در سال ۱۳۱۱ مجدداً به صف خدمتگزاران فرهنگ پیوست و به دیواندره اعزام شد ، در سال ۱۳۱۳ در مشیت خدمت مینمود سپس از خدمت فرهنگ خارج شد.

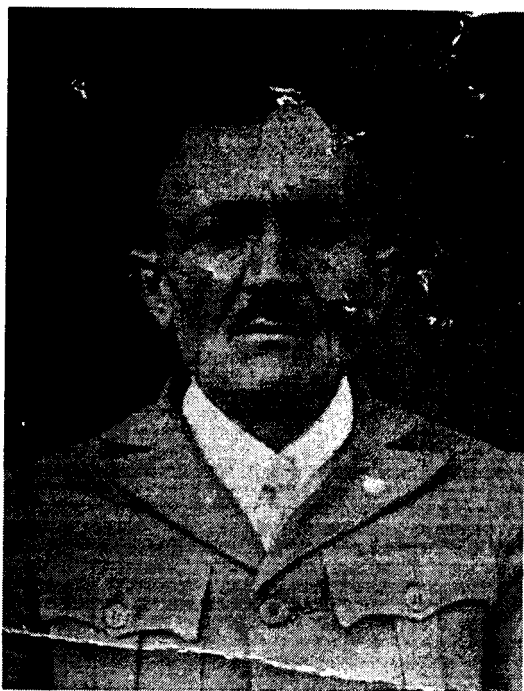
ابراهیم پرنده فرزند اسمعیل ۱۲۸۹ صادره از سنندج از اول فروردین ماه ۱۳۰۸ معلم مدرسه پهلوی بانه شد. و در سال ۱۳۰۹ به مدرسه شاهپور سقز انتقال یافت و تا سال ۱۳۱۰ در معارف آنجا خدمت نمود.



آقای شکرالله فخرالدینی در سال ۱۳۰۸ به خدمتگزار جزء استخدام شد و به دبستان شاهدخت سنندج برای انجام خدمت فرستاده شد.



سید مهدی بهبهانی فرزند سید علی متولد ۱۲۷۱ صادره از بهبهان در سال ۱۳۱۱ زمان تصدی ریاست آقای کمال الدین بحر العلوم، از کرمانشاه به سنندج انتقال یافت و با حفظ ساعات تدریس سمت نظامت مدرسه شاهپور را بر عهده گرفت و تا سال ۱۳۱۸ در کردستان تدریس کرده و ریاست دبیرستان را داشته است و بوسیله مرحوم عبدالرحمن فرامرزی سر دبیر روزنامه کیهان به مرکز انتقال یافت در آخرین سال خدمتش در سنندج ۵۲۰ ریال حقوق می گرفت.



احمد فخر شیخ الاسلامی فرزند محمد متولد ۱۲۶۳ در سال ۱۳۱۱ به جامعه فرهنگیان کردستان پیوست و سالهای خدمتش را در مدرسه بیساران به تعلیم و تربیت دانش آموزان آنسامان سپری کرد.

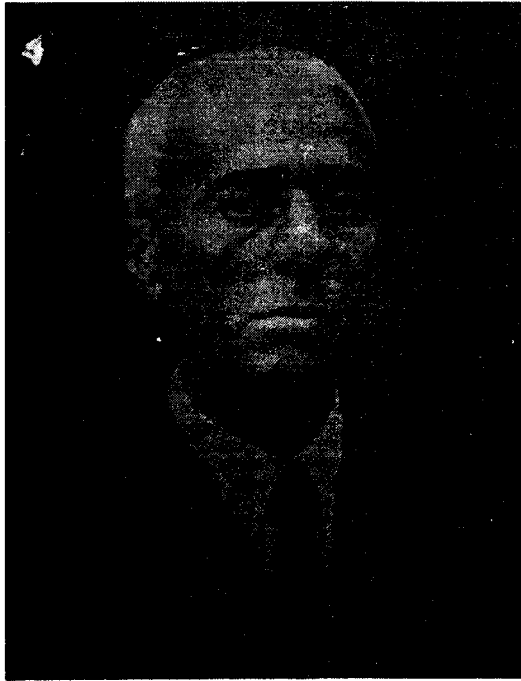


حاج حسین شفیعیان فرزند شریف متولد ۱۲۷۹ از شهر قم در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ مدیر دبستان چهار کلاسه رشت بود و در سال ۱۳۱۳ به مدیریت مدرسه اوباتو منصوب و از اول سال ۱۳۱۴ به شهرستان قروه منتقل و مدیر مدرسه خاقانی سریش آباد گردید و در سال ۱۳۱۵ مدیر و آموزگار مدرسه غزالی نوسود شد .

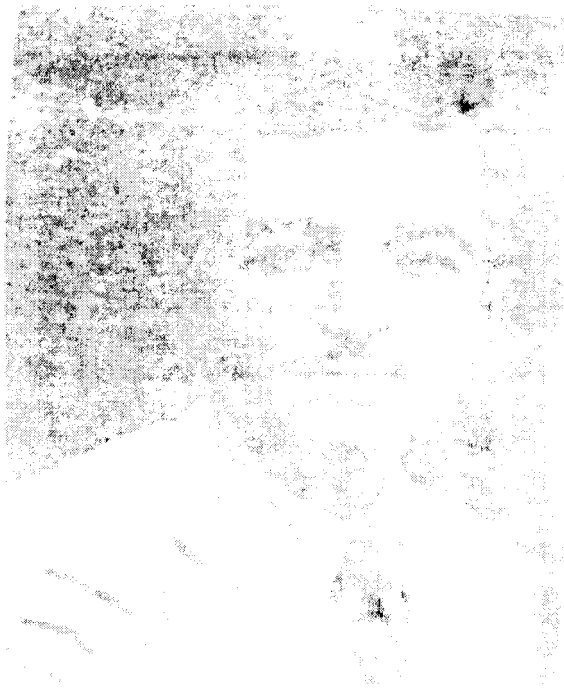


رضا ناصر

رضا ناصر مستوفی فرزند نعمت الله متولد ۱۲۹۰ صادره از سندج وفاتش در ۱۳۵۳ اتفاق افتاد و در سال ۱۳۱۲ برای ثباتی و ضابطی در اداره معارف سندج استخدام شد و در سال ۱۳۱۶ متصدی دفتر و کارگزینی و در سال ۱۳۲۱ رئیس حسابداری گردید .



یحیی ریاضی فرزند محمد تقی متولد سال ۱۲۷۰ در خسروآباد گروس از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۱۶ آموزشگار مدرسه سردشت بوده و از شهریور ۱۳۱۷ تا شهریور ۱۳۱۸ در همانجا خدمت کرده و از شهریور ۱۳۱۸ تا شهریور ۱۳۲۳ مدیر و آموزگار مدرسه انوری آساوله بوده ، از آن پس به فرهنگ گروس منتقل شد و در مدارس آنجا بخدمت اشتغال جست .



محمد عارف مدرس منبری فرزند ملا محمد صادق متولد ۱۳۰۴ سنندج در سال ۱۳۱۹ در حسابداری اداره فرهنگ شروع به خدمت نمود و تا سال ۱۳۲۲ سوابقش مشخص است .



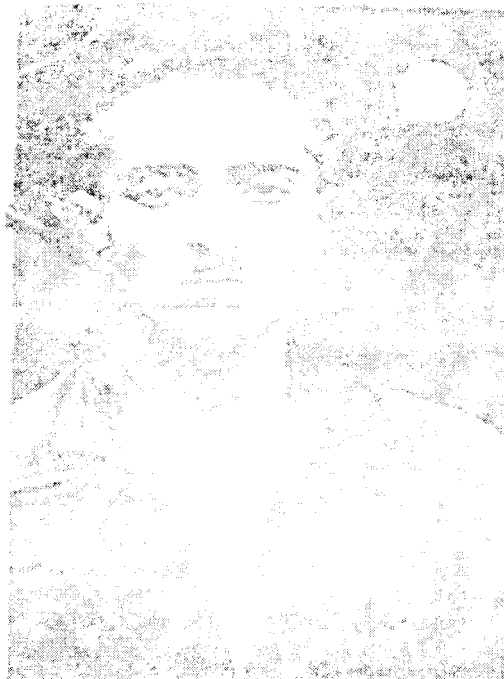
هدایت منجمی زاده فرزند حسین در سال ۱۲۸۲ از مادر متولد شد پس از خاتمه تحصیلات به سندج آمد در سال تحصیلی ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ در دبستان حکمت خورخوره به تدریس گمارده شد، در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ معلم مدرسه اویاتو گردید از آن پس سوابقی از وی مشهود نشد.



محمد سعید عدنانی در سال ۱۲۸۰ در سقز متولد شد او فرزند محمد امین و از سرشناسان و محترمین سقز بود پس از آن تحصیلاتش را به پایان رسانیده علاقمند شد که در خدمت معارف درآید لذا در سال ۱۳۱۶ برای تدریس به مدرسه سعدی پاوه معرفی شد و چند سال در آنجا خدمت نمود و سپس به زادگاهش برگشت.



عبدالعلی صدر الاشرافی فرزند حسین متولد ۱۲۹۴ در تبریز در سال ۱۳۱۷ در ردیف حقوقی
آموزگاری هافه گرمه کنترات و تا سال ۱۳۲۳ دبیر دبیرستان هدایت سندج بود.



حاج علی فرهی فرزند سلیمان متولد ۱۲۹۶ صادره از گروس در سال ۱۳۱۴ آموزگار بانه بوده است.



بهاء الدین بهلول فرزند قطب الدین در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ در مدرسه دزلی اورامان خدمت نمود در سال ۱۳۰۹ به جوانرود فرستاده شد و در سال ۱۳۱۰ معلم دولتی شد بعد به کرمانشاه منتقل گردید.



عباس خاکسار فرزند ملا عبدالفتاح در اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ معلم مدرسه بانه و از شهریور ۱۳۱۰ معلم مدرسه دهگلان بود در ۱۳۱۲ به اوباتو منتقل و به علت بیماری به سنج مراجعت نمود در مدرسه ممتازیه و بعد بدریه به تدریس ادامه داد و تا ۱۳۱۵ بکار تدریس مشغول بود.



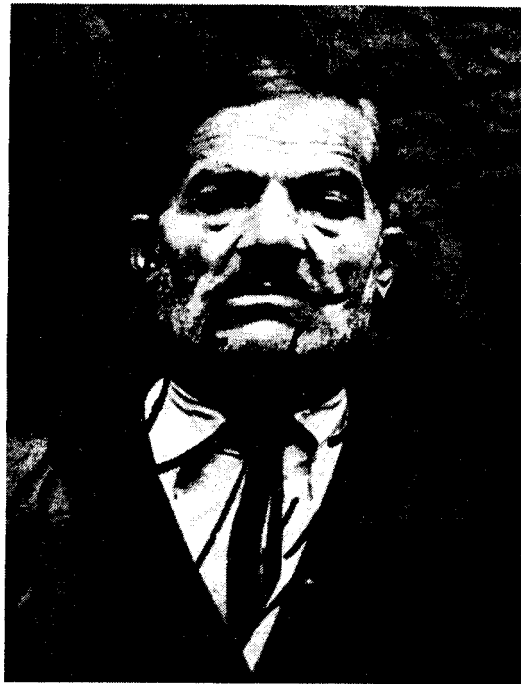
میرزا علی قطبی فرزند عبدالله در سال ۱۲۸۴ در شهر سنندج به دنیا آمد در سال ۱۳۱۳ علاقمند به خدمت در فرهنگ شد و تقاضای همکاری نمود، پس به دبستان اوباتو فرستاده شد و در سال ۱۳۱۶ مدیر و آموزگار دبستان دزلی اورامان گردید و ماهیانه ۳۰۰ ریال حقوق می گرفت.



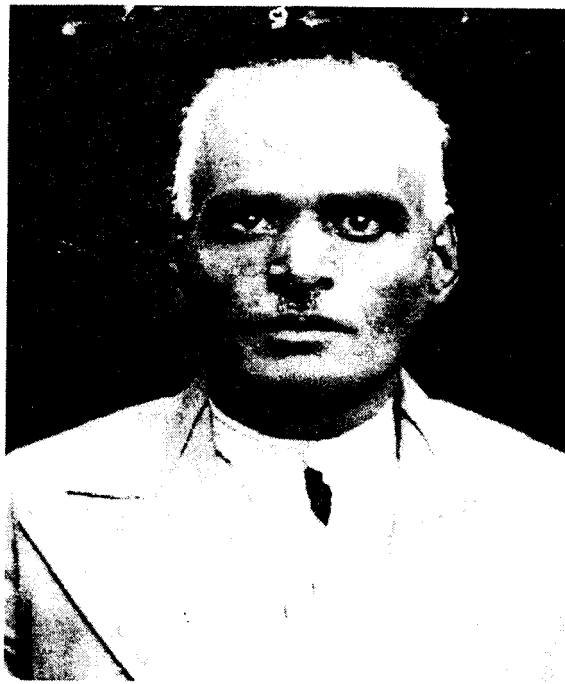
علی شهیدی فرزند محمد حسین در سال ۱۲۹۲ در شهر ساری به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۶ به سنندج انتقال یافت و در دبیرستان شاهپور سنندج به تدریس درس ریاضیات پرداخت.



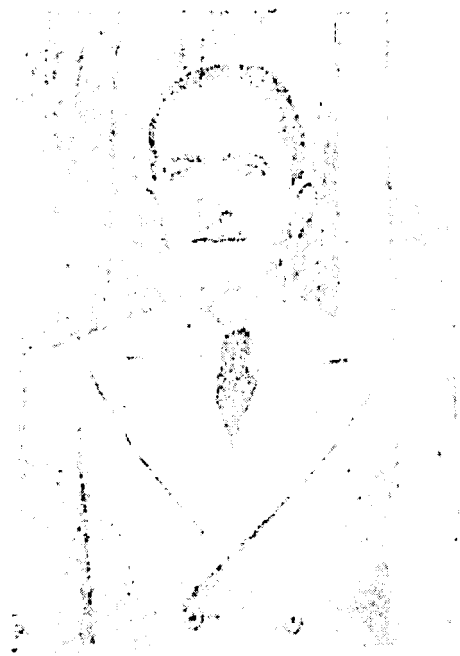
حبيب الله مهدی زاده فرزند عبدالله و متولد ۱۲۹۷ از شهرستان خوی و میزان تحصیلاتش فارغ التحصیل دانشسرای مقدماتی از ارومیه ، در سال ۱۳۱۵ مدیر دبیرستان شاهپور سقز شد پیش از آن چند ماهی در دبستان پهلوی سنندج خدمت نمود ، در ۱۳۱۶/۷/۳ با ماهی ۴۰۰ ریال حقوق برای مدیریت دبستان نو بنیاد خانگاه پاوه فرستاده شد و تا ۱۳۱۹/۷/۱۷ در آنجا باقی بود از آن پس محل خدمتش سقز انتخاب شد و تا سال ۱۳۳۰ در سقز و سنندج به خدمت مشغول بود .



محمد مهاجر پور فرزند ملا احمد متولد سال ۱۲۶۳ تحصیلاتش در دبستان اتحاد سنندج بود ، از اول آذر ماه ۱۳۱۶ مدیر و آموزگار دبستان مرخز از ۱۳۱۷/۶/۱۶ در دبستان پهلوی بانه خدمت نمود . از ۱۳۲۰ /۶/۱۶ تا ۱۳۲۳/۹/۲۱ در دبستان پهلوی مریوان مشغول خدمت بود از آن پس تا سال ۱۳۲۹ در دبستانهای سنندج به تدریس اشتغال داشت .



حسن جلیلی فرزند حاج محمد متولد سال ۱۲۷۳ در شهر همدان این شخص همچون دیگران دارای تحصیلات علوم قدیمه بوده در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در آبادی دزج شغل آموزگاری داشته و از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ به مدت دو سال مدیر و آموزگار این مدرسه بوده است



محمود انور از خدمتگزاران لایق و صدیقی بوده است که طی هفت سال اقامت در منطقه شرخیز و در میان مردم آشوب طلب عشایری رزاب و دزلی اورامان توانسته بود با جهل و بی سوادی مبارزه کند، در سال ۱۳۰۷ مدرسه رزاب را دایر نمود و با درایت خاصی تا پایان سال ۱۳۱۴ یکه و تنها مدیر و آموزگار این مدرسه بود از خط و انشاء و سواد خوبی برخوردار و مردم منطقه و ارتش مستقر در آنجا از سیاست و کفایت و حسن سلوک او بهره مندمی شدند و غالب اغتشاشات و پریشانی ها و اختلافات

میان عشایر را با حسن تدبیر خود برطرف نموده است ، در نامه هائی که ستاد ارتش و تیپ یا لشکر کردستان برای سفارش و رفاه حال او به آموزش و پرورش کردستان نوشته است معلوم می گردد که تا چه حد مورد حمایت ارتش بوده است این حمایت به درجه ای بوده است که محمود انور در مکاتبه با اداره فرهنگ گستاخانه و بی ملاحظه ، قلم را بر صفحه کاغذ گردانده است و اداره مجبور می شود او را به جای دیگری انتقال دهد.



آقای حسین شکبیا رئیس معارف و اوقاف کردستان

ملاحسین شکبیا از چهره های درخشان آموزش و پرورش کردستان است که سالها در کرمانشاه در خدمت معارف بوده ، در سال ۱۳۱۴ به ریاست معارف کردستان منصوب می شود ، در زمان او وضع بودجه دولت روبه بهبود و بهتر شده و توجه به فرهنگ و سواد راه بهتری پیموده است لذا مرحوم شکبیا با درایت و روشن بینی خاص خود به گسترش و بسط فرهنگ پرداخت مدرسی را در شهر هاروستاهای تابعه و خود شهر سنندج راه اندازی نمود و در مدارس انجمنهای هنری و ادبی تشکیل داد و دانش آموزان را به مسافرت های تحقیقاتی علمی و پیش آهنگی جهت تنویر افکار و تقویت روحیه دانش آموزان ، می برد و کلوپ های ورزشی تشکیل می داد. مرحوم شکبیا در سال ۱۳۲۵ به ریاست فرهنگ همدان گمارده شد و در فروردین ۱۳۲۶ تقاضای انتقال به محل دیگری نمود



عبدالحمید معرفت فرزند یحیی (اعتضادالاسلام) در سال ۱۳۰۶ در اداره مالیه بروجرد بخدمت مشغول بود در سال ۱۳۰۷ به سنندج آمد و در مدرسه اکابر شبانه به تدریس پرداخت و از آن پس در مدارس روزانه به تدریس حساب و هندسه و رسم و فیزیک کلاس ۶ مدرسه اتحاد مشغول شد. شخصی است با استعداد و علاقمند به کارهای هنری در زمان تصدی ریاست انجمن شهر سنندج دلسوزی و فعالیت زیادی برای رفاه مردم و آبادانی شهر نمود اکنون بیش از نود سال عمر دارد و در آمریکا به سر می برد.





شیخ برهان الدین حمدی فرزند عبدالحمید متولد سال ۱۲۸۶ پس از پایان تحصیلات در محضر فضلی
زمان خود، در سال ۱۳۱۵ در ردیف حقوقی آموزگار دبستان پهلوی بانه استخدام و در دبستان پهلوی
سنندج به تدریس ادبیات و ریاضی پرداخت، سال ۱۳۱۷ در دبستانهای هدایت و شاهپور خدمت نمود.
در سال ۱۳۱۹ به تدریس در دبیرستان شاهدخت مشغول شد و در سال ۱۳۲۱ علاوه بر تدریس ادبیات
فارسی و عربی سه سال اول دبیرستان شاهدخت تدریس فارسی و عربی کلاسهای اول و دوم دبیرستان
شاهپور را نیز عهده دار شد و بعدها ریاست دبیرستان و کفالت اداره آموزش و پرورش کردستان بدو
واگذار شد



عبدالله شادان فرزند علی اکبر متولد سال ۱۲۹۵ در سنندج از سال ۱۳۱۴ برای تدریس در دبستان هدایت استخدام و تا سال ۱۳۱۷ در سنندج خدمت نمود از مهرماه سال ۱۳۱۷ به نوسود منتقل و مدیریت مدرسه و تدریس در آن محل را عهده دار گردید، در سال ۱۳۲۷ نماینده فرهنگ کامیاران در سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ معلم در دبستان بدر سنندج از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ نماینده فرهنگ قروه بعد به سنندج منتقل شد و در سازمان پیش آهنگی فعالیت داشت.



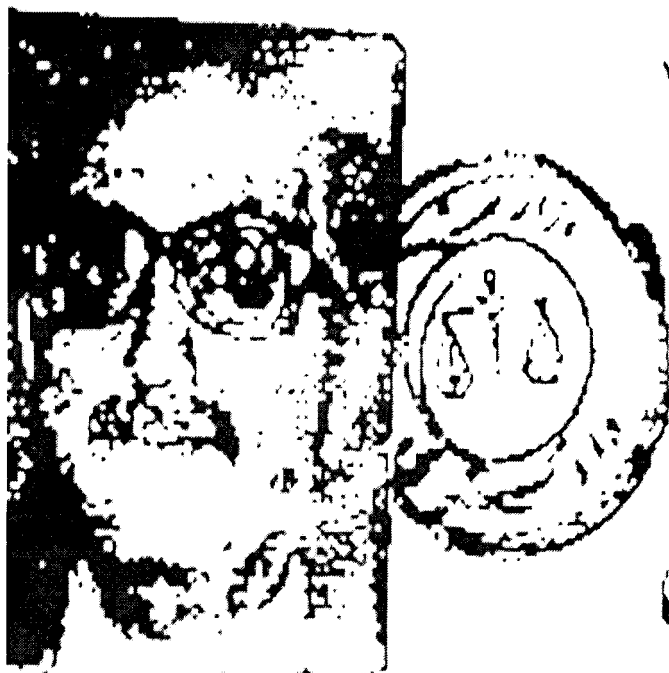
صالح خردمند فرزند میرزا ابراهیم اهل سنندج، متولد سال ۱۲۸۳ هنگامی که تحصیلات ابتدائیش را به اتمام رسانید بخدمت آموزش و پرورش داخل شد سوابق خدمتی او در سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ است که در دبستان دولتی پاوه مشغول خدمت بوده است.



عباس عزتیار فرزند مهدی در سال ۱۲۹۹ در بروجرد متولد شد و در سال ۱۳۰۵ به همراه والدین خود به سنندج آمد، مراحل ابتدائی او در دبستان اتحاد سابق (هدایت) و دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور بپایان رسانید در سال تحصیلی ۳۱۸-۳۱۹ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و با حقوق ۲۴۰ ریال شروع به کار نمود پنج سال اول را در دبستان به تدریس ریاضی گذراند و مابقی مراحل خدمت را در دبیرستانها و معاونت دانشسرا، رئیس آموزش و پرورش قروه، رئیس کارگزینی و پس از ۳۷ سال خدمت بازنشسته گردید در دوران خدمت به دریافت مدال درجه ۳ فرهنگ و نشان درجه سپاس مفتخر گردید و ضمن خدمت موفق به چاپ کتاب ۴۰۰ مسأله حساب گردید.



صاحم الدین صادق وزیر فرزند محمود متولد ۱۲۹۹، از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ در دبستان پایگلان سمت مدیری و تدریس داشته است. در سال ۱۳۲۱ بازرس امتحانات در مدارس قروه بود در این سال حقوق دریافتی او ۴۰۰ ریال بود، از آن پس برای ادامه تحصیل به تهران رفت، رشته حقوق فارغ التحصیل شد و به وزارت دادگستری (عدلیه) آن زمان انتقال یافت.



هاشم غریب نژاد فرزند محمد صادق متولد ۱۲۹۷ در سنج پس از طی تحصیلات در سال ۱۳۱۴ در فرهنگ کردستان در دزلی شروع به خدمت نمود بعد تا سال ۱۳۱۷ در مدرسه آبادی رمشت به تدریس مشغول بود از آن پس به عدلیه رفت و مراحل مختلفی را در دادگستری طی نمود.



حاج محمد توفیق حریری فرزند اسمعیل در سال ۱۲۹۶ در سنندج پا به دنیا نهاد تحصیلاتش را در مدرسه اتحاد سنندج به پایان برد و از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۱۶ در دزلی اورامان مشغول تدریس بود.

مهدی غنیمی فرزند کربلانی حمزه متولد ۱۲۸۳ صادره از تهران از سال ۱۳۱۳ برای تعلیم سرود و موسیقی دبستانهای سنندج کترات شد با ماهی ۶۰۰ ریال حقوق چند سال در سنندج خدمت کرد



خلیل شامبیاتی فرزند محمد رضا متولد ۱۲۸۶ از تهران از سال ۱۳۰۸ برای تعلیم ورزش کترات و تا سال ۱۳۱۸ در سنندج خدمت نمود از محسنات او یکی این بود در میدان وسیع خارج از شهر، هنگامی

که فرمان ورزش و صف جمع میداد، صدایش در آن فضای باز باندازه بلند گوئی قوی، رسا و کارساز بود و از انضباط خوبی برخوردار بود.



شیخ بهاء الدین غیاثی فرزند عبدالاحد در سال ۱۲۸۸ متولد شد در سال ۱۳۱۱ در فرهنگ سنج استخدام و به شهرستان سقز روانه شد. و با ماهی ۲۵۰ ریال حقوق مشغول خدمت شد در سال ۱۳۱۵ به سنج انتقال یافت و برای انجام خدمت به دبستان جدید التأسيس ۱۵ بهمن معرفی شد از سال ۱۳۲۰ بعد در دفتر (دبیرخانه) اداره بکار پرداخت.

غلامعلی خان اسکندری فرزند عباس خان در ۱۲۹۰ متولد شد پس از خاتمه تحصیلات به کنترات معارف کردستان در آمد و همان سال (۱۳۰۷) به مدرسه خورخوره اعزام شد و در آنجا هم مدیر بود هم معلم، در سال ۱۳۱۴ مدیر دبستان دولتی دیواندره شد و در همان سال به مریوان فرستاده شد. در سال ۱۳۱۵ از خدمت استعفا داد.



مسعود فاضل دربندی فرزند ملا محمد سعید متولد ۱۲۸۴ صادره از سنندج در سال ۱۳۰۶ جهت معلمی مدرسه آلیانس (اتحاد کلیمی ها) در سنندج معرفی شد، از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ در سرابقحط و از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ در مدرسه رونق جوانرود از سال ۳۱۶ تا ۳۲۳ در حافظ قروه از آن پس تا ۱۳۳۰/۸/۲۰ مجدداً در دبستان سرابقحط بکار تدریس مشغول بود .



علی روحانی علی اللهی فرزند زین العابدین متولد ۱۲۷۵ از سال ۱۳۱۱ برای مدیری و آموزگاری در مدرسه جوانرود کنترات گردید ابتدا به اورامان رفت و از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵ در جوانرود خدمت نمود از آن پس به مدارس شهر سنندج انتقال یافت .



درفی ماند و فریادی و یادی
«سعیدی»

برفت آن گلبن خرم بیادی

مرحوم عبدالحمید مهی عرفانی معروف به بدیع الزمانی فرزند عبدالمجید مجدالممالک (فرهی تخلص) و او پسر میرزا شکرالله و او پسر میرزا عبدالله متخلص به عرفان بوده است .

مرحوم عبدالحمید بدیع الزمانی صبح روز چهارشنبه پنجم ذی القعدة ۱۳۲۲ قمری مطابق بیست و یکم جدی ۱۲۸۳ شمسی در شهرستان سنندج ولادت یافت اول به مدرسه مرحوم ملا عبدالکریم جناب (دیری) بعد به مدرسه حاج محمدباقر ((مدرسه سعادت)) و مدرسه اتحاد و بعد به مدرسه احمدیه رفت و مدتی هم در مدرسه آلیانس تحصیل نمود سپس نزد مدرسین مختلف به تحصیل علوم عربی پرداخت در سال ۱۳۰۸ در مدرسه ممتازیه به تدریس پرداخت ، سال بعد رئیس آن مدرسه شد و با تقاضای خود به کرمانشاه انتقال یافت .

بخشی از تذکره آن فاضل ارجمند از زبان استاد احمد منوچهری دامغانی :

مرحوم بدیع الزمانی بی شک از نوادر ایام ما و به تعبیر قدما از حسنات دهر و برکات عصر بود و در اعلائی شرف و دین داری و تقوی و نجابت و سلامت نفس و سماحت ذات و ظرافت طبع و لطافت ذوق و علو روح و سعه صدر و صفا و سادگی و فروتنی و بردباری بود و با اخلاص کامل به مبانی و معتقدات مذهبی دل بسته و پای بند و به ادب و اخلاق اسلامی متأدب و متخلص ، از رفتار و گفتارش خشوع ایمان و خضوع به مذهب و عشق به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم مشهود بود

مرحوم بدیع الزمانی در کلیه علوم اسلامی از فقه و تفسیر و حدیث و رجال و اصول فقه و کلام و منطق و عرفان وارد و متفنن و در حدیث و خصوصاً ((غریب الحدیث)) متبحر بود . و در ادب عرب و محققان آن عموماً از صرف و نحو و معانی و بیان و عروض استاد مسلم و در لغت و نقد الشعر و معرفت

الاثار (از شعر و حدیث) بی هیچ مبالغه وحید عصر و فرید زمان و از ائمه بلامنازع و بی همتای آن بود و اینکه عرض می کنم از ائمه بلامنازع و وحید عصر بود تصور نشود که مقصودم فقط در ایران است که او در سراسر عالم وسیع اسلام کم نظیر و شاید بی بدیل بود . این بنده قریب سی سال مستمراً ریزه خوار خوان علم و فضل آن بزرگوار بودم و وقتی که به سعادت درک محضر پیر برکت ایشان نائل آمدم ، به اصلاح یکدوره سطح و ادبیات عرب را (آن هم در مشهد مقدس که در میان حوزه های علمیه به اهتمام به ادبیات مشهور است) خوانده و مغنی ابن هشام و مطول تفتازانی را در خدمت استادی مانند مرحوم شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری (ادیب کوچک متوفی در ۲۰ ذی الحجه ۱۳۹۶ قمری یعنی یازده ماه پیش) تلمذ کرده بودم و از خرمن بزرگانی چون مرحوم میرور علامه قزوینی قدس سره و مرحومان فاضل تونی و بهمنیار و تدین و فروزانفر رحمهم الله تعالی به قدر استعداد خود خوشه چینی کرده بودم اما همینکه بحضور استاد بدیع الزمانی رحمه الله علیه رسیدم دیدم که گویا شاعر وصف الحال مرا سروده که :

آفاق را گردیده ام	مهربتان ورزیده ام
بسیار خوبان دیده ام	اما تو چیز دیگری

اینک ماده تاریخ در گذشت استاد عبدالحمید بدیع الزمانی از زبان استاد جلال الدین همایی :

چون بدیع این زمان عبدالحمید اوستاد	آنکه در فن ادب بُد صاحب و ابن العمید
در زبان و شعر تازی پایه دارو مایه ور	با ذکای طبع و حفظ سالم و قول سدید
زین جهان فانی اندر جنت باقی شتافت	با ضمیر پاک و قلب روشن و روی سپید
سال فوت او ((سنا)) بر هجری شمسی نوشت	خیمه بر ملک بقا زد زین جهان عبدالحمید

۱۳۵۶



عطا، الله عظیمی وزیر فرزند میرزا آقاخان متولد ۱۲۹۱ در سال ۱۳۱۰ معلم مدرسه ممتازیه و پس از آن تا سال ۱۳۱۵ در دبستان بدر سنج به تدریس اشتغال داشت بعد به اداره دارایی منتقل شد.



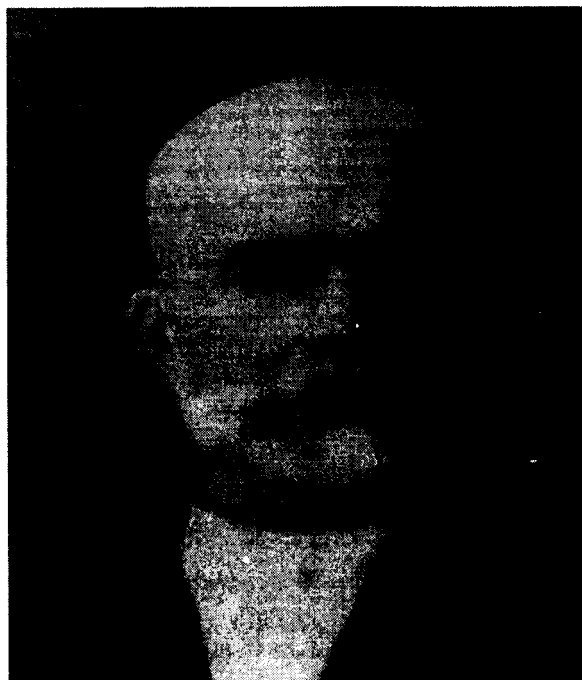
سید موسی سجادی فرزند عبدالرحمن متولد ۱۲۷۴ شمسی در سال ۱۳۰۵ مدیر مدرسه طای و در سال ۱۳۰۷ مدیر مدرسه بیساران، در سال ۱۳۰۹ مدیر و معلم دبستان دولتی جوانرود، در سال ۱۳۱۲ به دبستان انوری رمشت منتقل و زیر نظر نجم الدین سجادی مدیر آنجا به تدریس پرداخت از سال ۱۳۱۵ تا اوایل سال ۱۳۱۹ در دبستان الفت نودشه خدمت نمود بعد با سمت مدیری و آموزگاری دوباره به دبستان انوری رمشت رفت در سال ۱۳۲۲ به دبستان کانی سواران انتقال یافت و در سال ۱۳۲۸ به آموزگاری دبستان هدایت سنج گمارده شد و عملاً مشغول کار شد تا بازنشسته گردید.



مرحوم محمود بیگ فرزند علی بیگ شهرت شاه غیبی در سال ۱۳۰۸ معلم جوانرود بوده است.



عبدالرحمن مولوی فرزند عبدالسلام در مدرسه بانه فارغ التحصیل شد و تصدیق نامه خود را در سال ۱۳۱۰ دریافت داشت بر اثر ابراز لیاقت و احتیاج مبرمی که در محل به وجود او احساس می شد در سال ۱۳۰۷ در کلاسهای اول و دوم به تدریس مشغول بود تا بعد برای خدمت در معارف به کنترات دولت درآمد.



احمد شیخ الاسلامی فرزند قاضی کریم متولد ۱۲۶۰ اهل سقز، از سال ۱۳۱۴ تا پایان ۱۳۱۹ آموزگار دبستان دخترانه پرورش در سقز بوده است.



محمد رشید امامی فرزند امام قلی اهل سقز و متولد ۱۲۶۴ از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴ در دبستان شاهپور سقز تدریس نموده و در سال تحصیلی ۳۱۵ - ۳۱۶ مدیر مدرسه نوبهار و از سال ۳۱۷ تا ۱۳۲۰ مدیر و آموزگار دبستان نظامی سرشیو بوده است.



باقر راستین فرزند حبیب الله در سال ۱۲۷۴ در سنندج تولد یافت پس از کسب تحصیلات در سال ۱۳۱۳ در آموزش و پرورش سنندج بطور کنترات پذیرفته شد و به دبستان رازی صلوات آباد اعزام گردید و تا سال ۱۳۱۵ در خدمت فرهنگ بود.

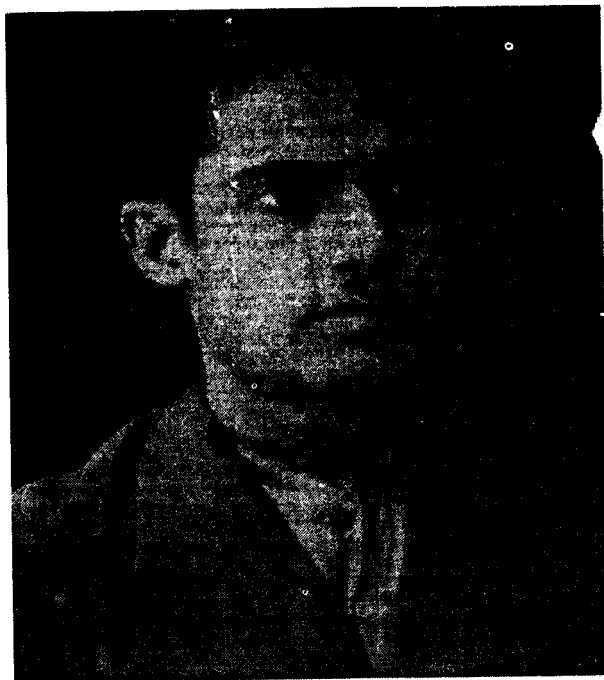


سید محسن شیخ الاسلامی فرزند عبدالصمد متولد ۱۲۷۸ در سنندج از شهریور سال ۱۳۰۷ تا آخر ۱۳۰۸ در خور خوره سقز خدمت نمود، از اول سال ۱۳۰۹ به مریوان منتقل و تا شهریور سال ۱۳۱۱ در مدرسه نج به تدریس مشغول بود بعد به گروس منتقل شد و از ۱۳۱۱/۶/۱۶ تا پایان سال ۱۳۱۲ در دبستان

حکمت حسن آباد یا سوکند با ماهی ۲۰۰ ریال حقوق خدمت نمود از شهریور ۳۱۶ به دبستان صلوات آباد حومه سنندج منتقل و از سال ۱۳۱۹ بپس کارمند اداره معارف در سنندج بوده است .



حاج ملا خالد مفتی فرزند ملا عبدالله مفتی به سال ۱۲۸۰ در سنندج تولد یافت سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ در نود نه به تدریس شرعیات و علوم دینی اشتغال داشته و سالهای بعد اثری از خدمت وی در این آبادی و جاهای دیگر مشاهده نگردید .



کریم علاقمندان فرزند مسیح اهل سنندج و متولد ۱۲۹۱ در سال ۱۳۱۴ معلم مدرسه اوباتو بوده است .



• محمد شریف اوقافی فرزند احمد متولد سال ۱۲۸۱ شمسی از سال ۱۳۰۶ با حقوق ماهیانه ۴۰ ریال به عنوان مستخدم جزء کنترات و در سال ۱۳۱۴ حقوقش به ۹۰ ریال ارتقاء یافت و به استخدام دولت درآمد بیشتر مراجل خدمتش را در دبستان ۱۵ بهمن شهرستان سنندج سپری نمود .



نظام الدین مردوخ پور فرزند شیخ صالح متولد سال ۱۲۸۵ شمسی در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ در مدرسه کلدانیها (مسیحیان) معلم حق التدریسی بود ، در سال ۱۳۰۷ برای تدریس در مدارس تابعه کردستان

کنترات شده و تا سال ۱۳۱۰ در مدرسه اوباتو بخدمت مشغول بود از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ در مدارس بانه و نوسود خدمت نمود از آن پس به سنندج آمد و در مدارس شهر به کار اشتغال یافت. این شخص از خط و ربط و انشاء و سواد کافی و مدیریتی در خور تحسین برخوردار بود.



میر ابهیم امجد فرزند میر ابوطالب ملقب به امجد الاشراف در سال ۱۳۱۹ بخدمت فرهنگ در آمد و با پیشنهاد خود به مدرسه شاهین در آبادی شاهینی فرستاده شد.



حاج حسن کردستانی فرزند حاج فیض الله متولد ۱۲۶۲ از سنندج در آبانماه ۱۳۱۹ مدیر دبستان نوسود امروله و از ۱۳۲۰/۶/۱۶ به دبستان پهلوی سنندج منتقل شد و در سال ۱۳۲۴ به دبستان بزرگمهر پایگان انتقال یافت.



آقای بطحائی دبیر طبیعیات

حسین بطحائی فرزند اصغر متولد سال ۱۲۹۳ همدان برای تدریس درس طبیعی به سنندج آمد و در دبیرستان شاهپور به کار مشغول شد و دو سال بعد منتقل گردید و مجدداً در سال ۱۳۴۱ با حکم مدیر کل اداره فرهنگ کردستان برگشتند و تا پایان سال ۱۳۴۵ با قاطعیت و تدبیر خاصی بکار خود ادامه دادند و از آن پس به زادگاهشان همدان بازگشتند.

فتح الله یمنی ابری فرزند هاشم متولد ۱۲۸۶ از تهران در سال ۱۳۱۳ به سنندج منتقل شد و ورزش مدارس را تا سال ۱۳۱۶ بر عهده داشت از آن پس منتقل گردید در عکسهای دسته جمعی شناسانده شده است.



غلامعلی گویا فرزند عبدالحسین اهل کرمانشاه و در ۱۲۸۲ تولد یافت، در سال ۱۳۱۴ از کرمانشاه به
سنندج منتقل و در دبیرستان شاپور و بعدها شاهدخت به تدریس ریاضیات پرداخت در مهرماه ۱۳۲۴
رئیس فرهنگ گروس شد و تا ۲۵/۸/۸ در این خدمت باقی بود.

عبدالحسین نعیمی برغانی فرزند شیخ محمد در سال ۱۲۷۸ در برغان کرج متولد شد پس از آن در سال
۱۳۱۳ به سنندج منتقل و مدیر دبستان هدایت شد و سال بعد در دبیرستان شاپور بخدمت تدریس
گمارده شد دو سه سال بعد به ریاست دبستان هدایت منصوب گردید. چهره این شخص در عکسهای
دسته جمعی مشخص و شناخته خواهد شد.



محمد امین بطحائی فرزند عبدالقادر متولد ۱۲۹۲ شمسی، پس از اخذ مدرک شش ساله ابتدائی از مدرسه مبارکه اتحاد در سال ۱۳۱۵ در دبستان پهلوی سنندج کتترات شد و در همان سال در کلاسهای اکابر همان مدرسه نیز به تدریس پرداخت، در سال ۱۳۱۶ در دبستان غزالی نوسود به کار مشغول شد و در ۱۳۱۷ به دزلی رفت و در مدرسه آنجا خدمت نمود، در مهرماه ۱۳۱۷ به دبستان خاقانی سریش آباد منتقل و در سال تحصیلی ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ معلم مدرسه رازی صلوات آباد شد و از شهریور ۱۳۲۰ به سنندج انتقال یافت و در دبستان بدر به تدریس مشغول شد.



ایوب کابلی قزلباش فرزند محمد یوسف متولد ۱۲۹۱ از کرمانشاه در سال ۱۳۱۵ آموزگار دبستان سعدی پاوه و از ۱۳۱۷ به بعد منتقل و معلم ورزش دبستانهای سنندج گردید.



ملا عبد الرحیم مدرسی فرزند هدایت الله متولد ۱۲۸۸ در سقز، تحصیلاتش در علوم قدیمه در حجره مساجد سقز طی شده، در ۳۱۵/۹/۱۰ در دبستان جدید التاسیس نوبهار سقز شروع به کار نمود. از ۱۳۱۵/۱۰/۱۰ به مدرسه پهلوی بانه با دریافت ۲۰۰ ریال حقوق منتقل و در ۱۳۱۸/۶/۱۶ آموزگار دبستان خیام روانسر شد. و در ۱۳۲۴/۱۲/۲۹ مدیر و آموزگار حسامیه دیر مولی گردید و از سال ۱۳۲۵ بعد در دبستانهای هدایت و بدر سنندج خدمت نمود.



ملا بهاء الدین غمی (شادمان) فرزند علینقی در سال ۱۲۷۸ در شهر سنندج تولد یافت، در سال ۱۳۱۷ بخدمت، فرهنگ در آمد در ۱۳۱۷/۶/۲۳ مدیر و آموزگار در دبستان فردوسی دیواندره بود، در ۱۳۱۹ مدیر دبستان عنصری دزج گردید، در ۱۳۲۱ مدیر دبستان ترقی سنندج و از ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۳۰ مدیر

دبستان آذر میدخت شد، از آن پس در دبیرستان ضمیمه دانشسرا به تدریس درس عربی پرداخت در ۳۳/۷/۱۳ تا مهرماه ۱۳۳۴ نماینده فرهنگ کامیاران بود پس از آن به سنندج بازگشت و تدریس عربی را در دبیرستان هدایت بر عهده داشت تا در ۳۳۸/۳/۲۳ بازنشسته گردید.

نجم الدین ورزنده در شهر سنندج تحصیلاتش را به اتمام رسانید و در سال ۱۳۰۷ برای تدریس به مدرسه سراقحط روانه شد پس از دو سال یعنی از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۲ در مدرسه رمشت مشغول خدمت شد.

شکرالله فرخ پور فرزند محمد امین در سال ۱۲۸۶ در سنندج متولد شد تحصیلاتش را تمام کرد و در فرهنگ مشغول کار شد در سال ۱۳۰۶ معلم مدرسه دهگلان و از سال ۱۳۰۷ تا سال ۱۳۰۸ مدیر و معلم مدرسه مریوان از شهریور ۳۰۸ تا شهریور ۳۱۰ در انتصابیه قروه از آن پس تا ۳۱۰ در دیواندره بعد مدیر مدرسه اوباتو گردید و در سال ۱۳۱۵ متصدی معارف بانه شد و سال بعد به عراق (اراک) انتقال یافت.



آقای یادگاری دبیر فرانسه در دوره اول

اسدالله یادگاری فرزند یادگار، کلیمی مذهب در سال ۱۲۸۴ در سنندج تولد یافت، در سال ۱۳۱۳ برای تدریس زبان فرانسه به کتترات فرهنگ در آمد و در سیکل اول دبیرستان یعنی کلاسهای ۷ و ۸ و ۹ به تدریس پرداخت و سالها برای این کار مداومت نمود.



علی‌قی پرورش فرزند امیر حسن متولد ۱۲۶۱ از محله سنگلج تهران، این مرحوم تا آخر سال تحصیلی ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ در دبستان کرمانشاه خدمت نمود از آن پس به سنندج انتقال یافت پس از مدتی مدیر مدرسه اتحاد و معلم خط در دبستانهای شاهپور و شاهدخت گردید، در سال ۱۳۱۵ معلم خط در دبستان هدایت و از ۱۳۱۷ بعد مدیر و آموزگار در دبستان غزالی نوسود و تا سال ۱۳۲۱ در آن دیار بعد به سنندج منتقل و در دبستانهای شاهدخت و هدایت مشغول خدمت شد.



یکی از مردان نیک و دلسوز دولت و ملت آقای ملا حیدر محی فرزند ملا احمد مدرس است که در ۱۲۹۲ در محله قلعه چهارلان سنندج دیده بجهان گشود دروس مقدماتی را در مکتب آموخت و بعدها از محضر پدر و فضلالی زمان کسب دانش نمود و اجازه نامه رسمی دریافت داشت. در سال ۱۳۱۰

وارد خدمات فرهنگی شد و یکسال در مدرسه دیواندره خدمت نمود از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۶ در دبستانهای اتحاد، هدایت و پانزده بهمن تدریس دروس ادبیات نمود، از سال ۱۳۱۷ آموزگار و مدیر دبستان سعدی پاوه گردید، در سال ۱۳۱۸ در دبستان فرخی مریوان و سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ مدیر مدرسه اویهنک شد، از سال ۱۳۲۱ به سنندج برگشت و تا سال ۱۳۲۵ مدیر دبستان پهلوی بود از آن پس به دفتر اداره فرهنگ سنندج منتقل گردید



شیخ محمد رحیم اسعدی فرزند شیخ فتح الله در سال ۱۲۹۸ یا ۱۲۷۸ شمسی در خانواده ای روحانی در شهر سقز پا به جهان هستی نهاد و به تحصیل پرداخت در سال ۱۳۱۱ وارد خدمت معارف شد و در دبستان شاهپور سقز به تدریس پرداخت و سال بعد به دبستان پهلوی بانه انتقال یافت و در آنجا به خدمت مشغول شد.



محمد رشید پاکنهاد فرزند مجید در سال ۱۲۹۷ در شهر سقز بدنیا آمد پس از پایان تحصیلاتش به خدمت تعلیم و تربیت در اداره معارف پرداخت و در سال ۱۳۱۱ شروع به کار نمود، مراحل خدمتش در مدرسه شاهپور سقز سپری شد.



عبدالسلام معتمدی فرزند شیخ محمد چندین سال در مدرسه احمدیه تدریس نمود و در سال ۱۳۱۱ مدیر و معلم دبستان دولتی دهگلان گردید بعد به دارایی انتقال یافت و در اداره قند و شکر کردستان خدمت نمود.



قادر خان نجفی فرزند نجفقلی بیگ متولد ۱۲۷۶ صادره از شعبه سیار ساجل در کردستان در سال ۱۳۱۳
 بخدمت معارف در آمد و تا سال ۱۳۱۷ در پایه به تدریس شرعیات و علوم دینی مشغول بود از این سال
 محل خدمتش آموزگاری دزلی اورامان انتخاب شد و به آن دیار رفت .



ابراهیم شاهسواری فرزند محمدامین در سنندج از مادر متولد شد پس از انجام تحصیل در سال ۱۳۱۵
 در فرهنگ استخدام شده و به روانسر گسیل شد و تا سال ۱۳۲۰ در آنجا خدمت نمود .

حسن سعیدنیا فرزند سید محمد بسال ۱۲۸۳ در گروس متولد شد تحصیلاتش را به پایان برد و بخدمت گزاری در فرهنگ مشغول شد از سال ۱۳۱۱ تا سال ۱۳۱۳ در دبستان رازی صلوات آباد و در سال ۱۳۱۳ در نوسود و از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۱۸ در دبستان سعدی پاوه مشغول تدریس بود.



مهدی مرشدی زاده فرزند شیخ محمد متولد ۱۲۸۰ صادره از تهران در سال ۱۳۱۲ آموزگار دبستان دزلی و از سال ۱۳۱۴ به دبستان نوسود منتقل گردید پس از دو سال مدیریت و تدریس تقاضای انتقال کرد و از حوزه فرهنگی کردستان خارج شد.



مهدی صدیقی (نصیرزاده) فرزند محمدعلی متولد ۱۲۹۷ صادره از همدان در سال ۱۳۱۵ در مدرسه پهلوی بانه تدریس نموده و از سال ۱۳۱۷ بعد در دبستان ۱۵ بهمن مشغول کار بوده است. قبل از آمدن به فرهنگ کارمند اوقاف سنندج بوده.



صدیق شهبازی فرزند شیخ عبدالله متولد سال ۱۲۷۷ سنندج تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه اتحاد به پایان برد و در مهرماه ۱۳۱۶ در فرهنگ کتترات شد و به کار اداری پرداخت و تا پایان سال ۱۳۲۲ در مشاغل حسابداری و ریاست کارگزینی به خدمت ادامه داد در سال ۱۳۳۳ مدیر کتابخانه دبیرستان شاهپور گردید.



سیدعلی سجادی فرزند سیدعبدالرحمن متولد ۱۲۸۱ پس از طی دوران تحصیل در دیماه ۱۳۱۶ به خدمت فرهنگ در آمد و تا پایان سال ۱۳۲۰ در دبستان هدایت سنج خدمت نمود از آن پس تا ۱۳۲۲ در دبستان ۱۵ بهمن و بعد از آن در دبستانهای پهلوی و بدر و دبیرستان هدایت به تدریس اشتغال داشت.



رضا کاویانپور فرزند محمدحسین در سال ۱۲۷۵ در کرمانشاه متولد شد پس از پایان تحصیلات و چند سال خدمت آموزشی در کرمانشاه در سال ۱۳۱۴ به سنج منتقل شد و بمدت یکسال در دبستان هدایت خدمت نمود، در سال ۱۳۱۵ مدیر دبستان ۱۵ بهمن گردید و سال بعد آموزگار همان دبستان شد و در سال ۱۳۱۷ تقاضای انتقال نمود و از آموزش و پرورش کردستان خارج گردید.



علی فرجاد تهرانی فرزند حسن در سال ۱۳۱۸ نماینده فرهنگ شهرستان سقز و پور از شهریور ماه ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۲ در دبیرستانهای شهر سنندج به تدریس اشتغال داشت و از آن پس به تهران انتقال یافت.

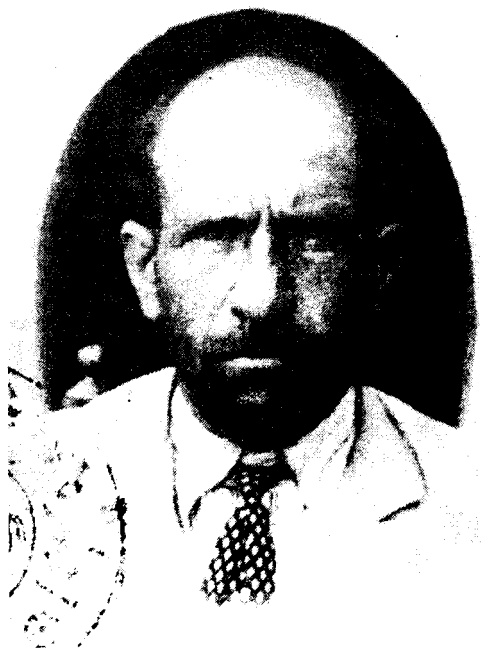


عبدالعزیز مشرفی ملقب به یمین لشکر فرزند محمد رفیع متولد ۱۲۶۱ با ماهی ۲۰۰ ریال حقوق در سال ۱۳۰۷ مدیر و معلم آبادی سراب قحط بوده و در پایان سال ۱۳۰۸ از خدمت فرهنگ مستعفی و به اداره آمار و ثبت احوال رفته است.



میرزا احمد لطفی فرزند شیخ لطف الله سندجی تحصیلات خود را در مدرسه اتحاد که دولتی بود به پایان رد و از اداره معارف تقاضای کار نمود حکم وی را برای شغل معلمی در اوباتو ابلاغ کردند در شهریور ماه ۱۳۰۶ به تیلکو رفت تا سال ۱۳۱۰ در آنجا به باسواد نمودن اهالی پرداخت پس از آن از خدمت معارف استعفا کرد و به اداره مالیه (دارایی) رفت .

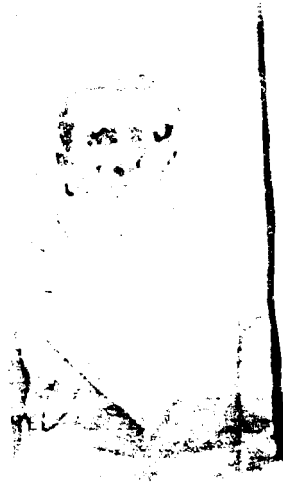
عبدالکریم حق شناس فرزند محی الدین متولد ۱۲۷۶ صادره از نوسود، در سال ۱۳۱۴ برای تدریس شرعیات در دبستان غزالی نوسود استخدام شد و تا سال ۱۳۲۰ در همانجا خدمت نمود از ۱۳۲۰/۱۰/۱۵ به دبستان هجیج منتقل و به علت ناامنی و آشفتگی ناشی از اثرات جنگ دوم جهانی به سندج فراخوانده شد و در سال ۱۳۲۱ مدیر دبستان شاهینی و در سال ۱۳۲۲ مدیر دبستان آساوله گردید .



حسن زاهدی فرزند علیمحمد در سال ۱۲۶۸ در همدان متولد شد و در سال ۱۳۱۵ به کردستان انتقال یافت و با حقوق ماهیانه ۳۰۰ ریال به مدیری و آموزگاری دبستان هانه گرمه انتخاب و به محل مأموریت روانه گردید.



میرموسی مشیری از سادات محترم اهل تشیع سنندج و خاندانی جلیل القدر، در سال ۱۳۱۸ به خدمت فرهنگ داخل شد و سالیانی متمادی به تدریس در دبیرستانها پرداخت سرانجام به تهران انتقال یافت و در آنجا به ادامه خدمت مشغول شد.



یونس قاسمی

یونس قاسمی فرزند عبدالصمد در سال ۱۲۹۸ متولد شد پس از اخذ گواهی نامه شش ساله ابتدائی از مدرسه اتحاد مایل به خدمت در معارف شد و در سال ۱۳۱۶ کتترات و به دبستان مولوی دزلی برای تدریس فرستاده شد .



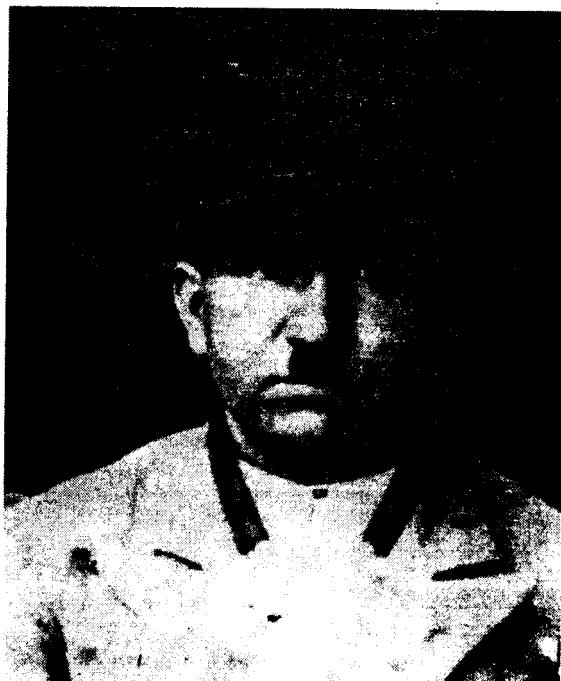
محمد سقزچی فرزند کریم در دیماه ۱۳۱۷ در سنندج در کلاس ششم دبستان پهلوی به تدریس اشتغال داشت در ۱۳۱۸ به سقز منتقل و معلم کلاس پنجم دبستان شاهپور آنجا گردید، در شهریور ۱۳۱۹ به دبستان اوباتو رفت و از ۱۳۱۹/۱۱/۱۶ به سقز برگشت و در دبستان نظامی نوبهار بخدمت ادامه داد .



آقای احمد کلافچی در سال ۱۳۱۷ با مدرک لیسانس طبیعی به سندج آمد و در دبیرستان شاهرور به تدریس اشتغال جست .



آقای عبد الغنی مروستی لیسانسیه ریاضی در سال ۱۳۱۸ از مرکز به سندج انتقال یافت و در دبیرستان شاهرور به تدریس مشغول گردید .

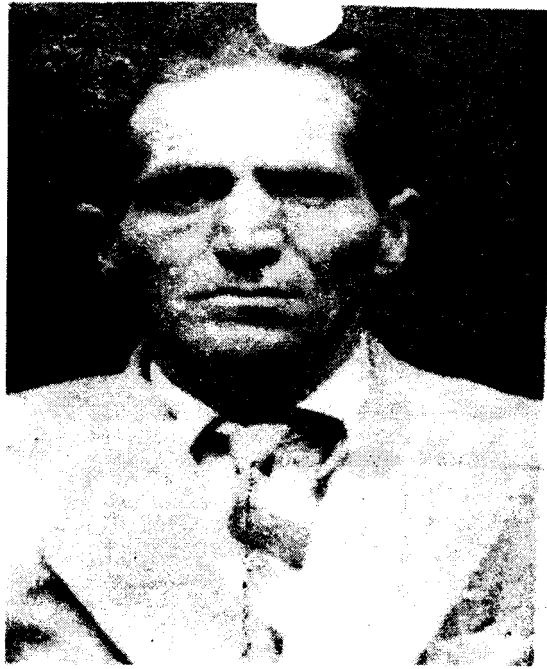


جعفر تیموری یا تیموریان فرزند مصطفی متولد ۱۲۸۰ این شخص در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ در دبستان شاهپور سندج به امر تعلیم و تربیت اشتغال داشته است .



آقای رضافت دبیر ریاضیات

رضا رافت فرزند عبدالحسین در سال ۱۲۸۲ در تهران تولد یافت در سال ۱۳۱۴ برای تدریس ریاضیات به سندج فرستاده شد و در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداخت .



عبدالحمید منجمی فرزند حاج اسمعیل (قاضی اسمعیل) متولد ۱۲۷۱ در سنج پس از آنکه تحصیلات خود را تمام نمود به خدمت فرهنگ داخل شد از سال ۱۳۱۳ تا پایان ۱۳۱۴ در رزاب و از ۱۳۱۵ تا شهریور ۱۳۱۷ در اراک خدمت نمود از شهریور ۱۳۱۷ به سنج منتقل شد و تا سال ۱۳۲۲ در دبستان آساوله تدریس کرد از آن پس در دبستان شاهینی بکار مشغول بود.



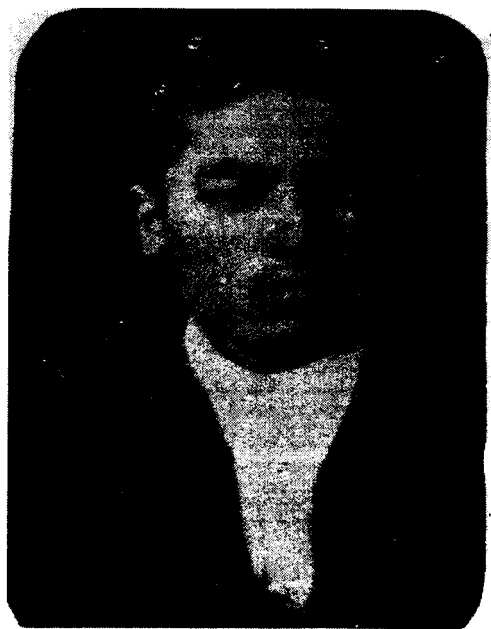
سید احمد شوندی فرزند سیدحسین متولد ۱۲۸۲ صادره از همدان از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۹ آموزگار در دبستان قروه و در ۳۱۹/۸/۲۶ مدیر مدرسه خاقانی سریش آباد گردید.



سید محمود امینی فرزند حاج سید علی اکبر متولد ۱۲۶۷ همدان در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ مدیر و معلم مدرسه سریش آباد پوراز این سال به مدرسه قروه انتقال یافت .



اسمعیل خیامی فرزند حاج مختار در سال ۱۳۹۹ در شهر خوی متولد شد در سال ۱۳۱۸ برای تدریس درس طبیعی به سنندج آمد و تا سال ۱۳۲۵ در سنندج خدمت نمود .



محمد گوش‌یر فرزند اجلال متولد سال ۱۳۰۱ ازبخش قروه در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ در مدرسه
خاقانی سریش آباد به تدریس پرداخت .

اشخاص محترم زیر از خدمتگزاران فرهنگ سقز - بانه - دیواندره ، سردشت و رزاب بوده اند :



محمود نجفی فرزند احمد متولد ۱۳۰۱
سقز در سال ۱۳۱۹ معلم مدرسه بانه



سمینطو قدوسی فرزند اسحق
متولد ۱۳۰۱ در سال ۱۳۱۸
آموزگار دبستان سردشت



غفیر شافعی در ۱۳۱۵ منشی
اداره فرهنگ و اوقاف



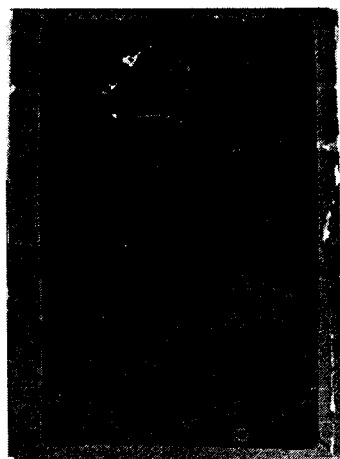
حسین صدقیانی ۱۲۸۸/ ۶۵۶
سقز ۱۳۱۳ معلم مدرسه بانه



رضا علی دیوانیان فرزند محمدشفیع متولد
۱۲۸۳ در ۱۳۱۵ خدمتگزار «ربانه» در سقز



ابراہیم خضریور فرزند خضر متولد ۱۲۷۵
سقز و بانه در ۱۳۱۹ مدیر مدرسه سردشت



عبدالحمید کرباسی فرزند مجید ۱۸۸۱
در ۱۳۱۵ خدمتگزار جزء
دبستان نوبهار ۱۲۸۱



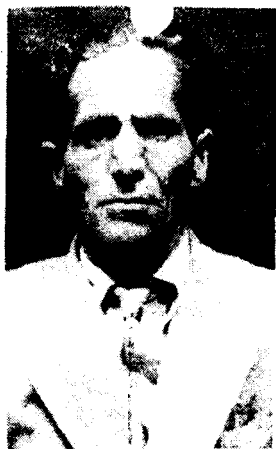
محمد شیخ الاسلامی متولد ۱۲۸۲ سقز در
۱۳۱۹ خدمتگزار دبستان نظامی نوبهار سقز



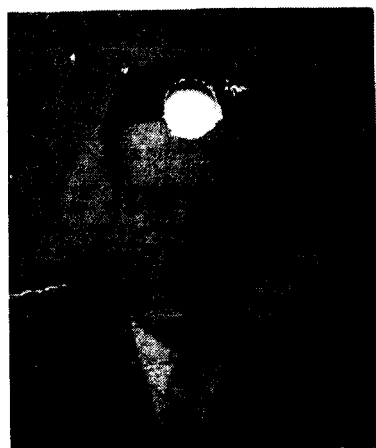
محمود بریاجی فرزند ابوبکر متولد
۱۲۷۱ سقز و بانه ۱۳۱۹ مستخدم جزء
در سردشت



حبیب الله اویسی اشلقی فرزند
فضل الله متولد ۱۲۹۷ تبریز در ۱۳۱۵
آموزگار در سقز

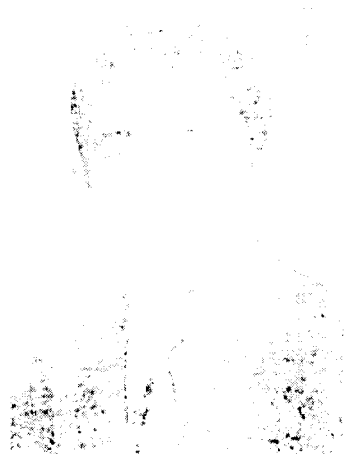


عبدالحمید منجمی فرزند حاج اسمعیل
در ۱۳۱۳ معلم مدرسه رزاب



محمد اسلامی فرزند خضر ۹۴ - سنندج
در ۵ ۱۳ خدمتگزار جزء دبستان نوبهار
۱۲۸۱

اشخاص محترم زیر از فرهنگیان قدیمی بیجار بوده اند :



عنایت الله آرامی متولد ۱۳۰۳ بیجار
آموزگار در بیجار



سیدعقیل زمانی فرزند سیدطالب
متولد ۱۲۷۷ گروس و فراش در بیجار



یدالله وطن نیا فرزند احد متولد
۱۲۹۸ آموزگار در بیجار



سلیمان چهل امیرانی فرزند عبدالعظیم
در ۱۳۱۷ مستخدم جزء با حقوق ۷۰ ریال



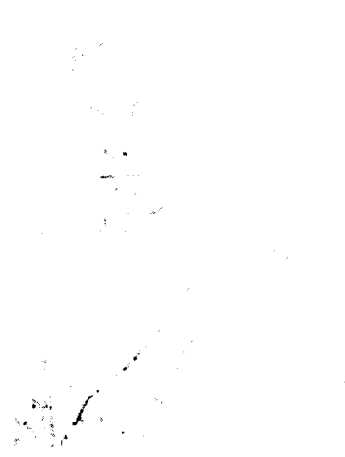
عین الله قهرمانی ۲۵۵۸ گروس ۱۳۱۹
۱۲۷۶ خدمتگزار دبستان الله اکبر



خلیل شکر گزار و فرزند عبدالوهاب
متولد ۱۲۹۹ از سال ۲۱۹ آموزگار



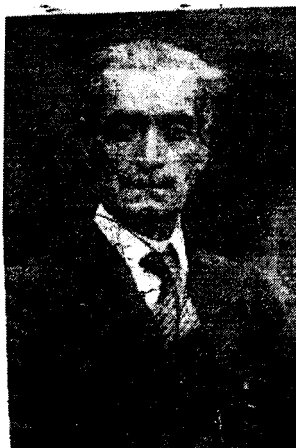
محب الله دهقان پور متولد ۱۲۷۹ بیجار از سال
۳۱۹ خدمتگزار دبستانها



یحیی نوربخش فرزند علی ۱۲۹۸/۶۷۳ بیجار
در ۳۱۷ مدیر و آموزگار مدرسه بیرناج



مسیب شالیاری فرزند احمد علی متولد
۱۲۸۶ گروس سال ۱۳۱۹ مستخدم
دبستان نویناد عرشاه گروس



عبدالله کبودوندیان اهل بیجار

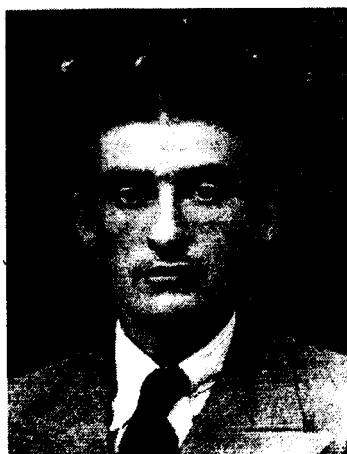


صحابت الله جهانگیری فرزند عنایت الله
متولد ۱۲۸۸ بیجار در ۱۳۱۰ مستخدم بعد
در اثر کوشش معلم شد.



طاهر معینی فرزند نبی متولد ۱۲۷۴ بیجار
در سال ۱۳۱۵ خدمتگزار مدارس بیجار

اشخاص محترم زیر نیز از فرهنگیان قدیمی شهرستان سندج بوده‌اند:



ناصر طوماسی مسیحی معلم دبستانها



یوسف صلیبی درزند سلمان متولد ۱۲۹۲ در سال ۱۳۰۷

معلم دبستان پهلوی سال ۱۳۳۱ به اداره غله منتقل شد



محمدامین خوشنیت فرزند یعقوب

متولد ۱۲۹۵ مستخدم در سندج



محمود پاکزادیان معلم و اهل سندج



محمدجعفر ایزدی فرزند ابوالمحمد ۱۲۷۰/۱۴۹۹ مستخدم مدارس سندج

اشخاص محترم زیر نیز از فرهنگیان قدیمی شهرستان سنندج بوده‌اند :



عبدالله یوسفی کلیمی، داروساز در
سال ۱۳۱۲ دبیرشیمی دبیرستان شاهیور



ناصر صدیق وزیری بن موسی (امین همایون)
منشی و معلم از سال ۱۳۱۰ به بعد



محمدشاملو اهل همدان در ۱۳۱۷
دبیر دبیرستان شاهیور



علی اکبر ستاریخش فرزندبخش
متولد ۱۲۶۵/ ۱۲۲۲ سنندج در
سال ۱۳۱۵ مستخدم دبستان



شیخ محمد غیائی فرزند حاج شیخ محمدباقر
متولد ۱۲۷۸ معلم در سال ۱۳۱۷

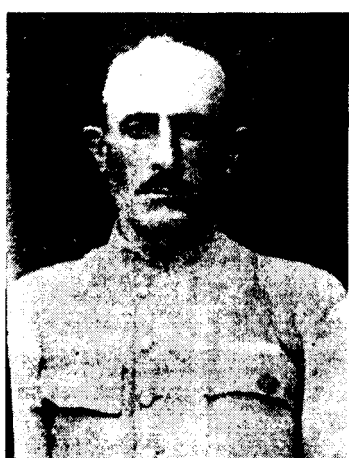
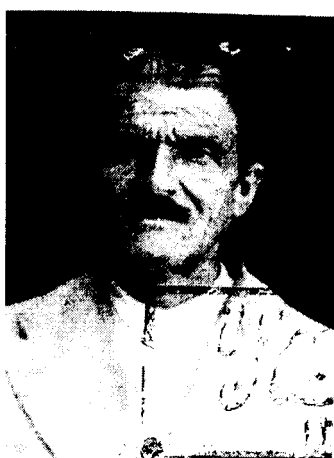
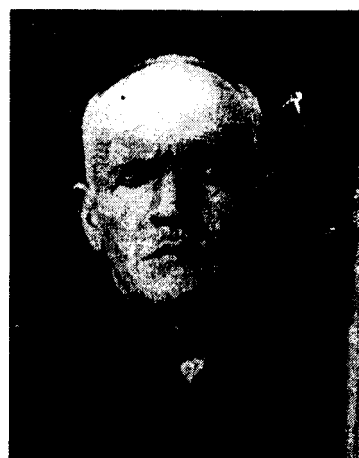


امیر ترابی

مرحوم عبد حسین آباد و ۱۳۲۰ در سنندج



محمد امین لطیف فرزند فیض الله متولد ۱۲۷۰
 محمد صدیق اسیر فرزند حسین متولد ۱۲۹۶
 عبد الحمید رنجیر فرزند عبدالمجید
 خدمتگزار دبستان شاهدخت در سال ۱۳۱۷ در ۱۳۱۹ دبیر دبیرستان شاهپور سندج متولد ۱۲۷۵ خدمتگزار جزء در ۱۳۱۷



محمد امین محرم اسرار فرزند عبدالرحیم
 موسی حاتم پور فرزند ابراهیم متولد
 علی محمد عرب فرزند خدامروت
 در ۱۳۱۳ مستخدم دبستان هدایت در ۱۲۷۶ در سال ۱۳۱۹ خدمتگزار
 متولد ۱۲۶۰ سندج در ۱۳۱۳ مستخدم
 دبستان صلوات آباد کودکستان دانش

اشخاص محترم زیر از فرهنگیان قدیمی قروه - سریش آباد - دزج و دهگلان بوده‌اند :



عبدالله مجدی فرزند مجید متولد
۱۲۶۳ دهگلان در ۱۳۱۹ خدمتگزار
دبستان دهگلان



عزت‌الله قبری فرزند اسمعیل متولد ۱۲۹۹
اهل سریش آباد در سال ۱۳۱۸ آموزگار
مدرسه خاقانی سریش آباد



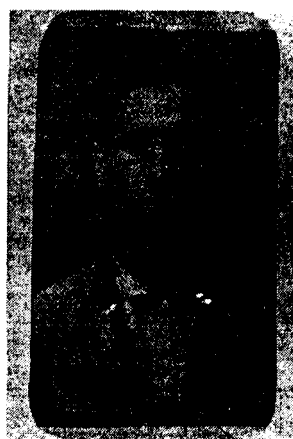
مفید رضوی فرزند سیدحسن
متولد ۱۲۹۷ سریش آباد ۱۳۱۵
آموزگار دبستان حافظ قروه



محمود گوش‌بر فرزند اجلال
آموزگار در قروه - دزج

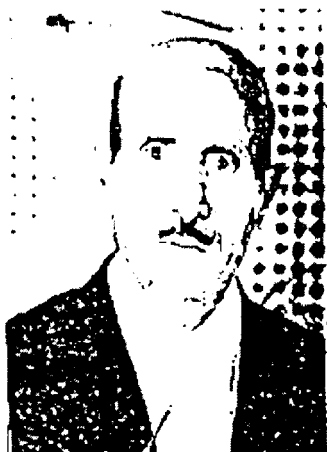


عنایت‌الله گوش‌بر فرزند کریم
متولد ۱۲۷۳ دزج در ۱۳۱۹ خدمتگزار
دبستان دلیان

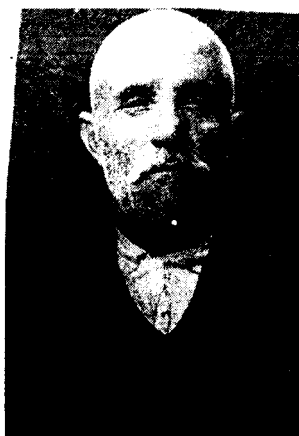


مسلم مهدی عراقی فرزند شیخ محمد
متولد ۱۳۰۰ اسفند آباد قروه در ۱۳۱۷
خدمتگزار حافظ قروه

اشخاص محترم زیر از فرهنگیان قدیمی بیجار بوده‌اند :



محمدعلی باقری اهل بیجار



هادی واعظی فرزند محسن ۱۲۶۵/۴۵



محمد اوسط منطوزی فرزند حاجی

بیجار ۱۳۱۷ آموزگار دبستان ۱۵ بهمن بیجار



مرحوم توسلی



حسن اورندی



13

از انجمله روح پیرایه ام از حضرت سید محمد باقر علیه السلام

و حجاب فضیلت کمال است سید و مریدان کمال به معجزه و قدرت علم فاضل و راهی ترغیب و ایمان آتیه صوری است بصیرت و بصیرت در هر چه

و ظهور طغیان از طرف زمین السمرقند که با معده و الا در حوز

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة وحكمة في كل شيء

منع فرزند مقرری خود را بموجب کتاب صادره از دفتر سبک که از عهدی گذشته صرف از لایحه خود نوزده و چهارم قرصا حین سبک است

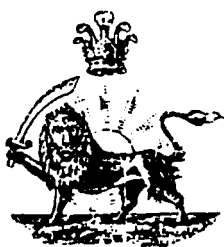
مقرر لکھ جیاب شیعیان عند بن اسم دلایت کرین جاب سہمہ ہجرہ خطب ابن ابی حاتم دلایت و ہجرہ

منظر دمری سزای الم قدر خجالت کتاب فہم و تشریف و اعظم و برگزیده و در آن کلام شرح رقم مطبوع و رشت و ضبط نموده و در پیشانی

از آنجا که ترویج علمای اعلام را که خُدام شریعت حضرت سیدالانام
علیه صلوات الله الملك العلام هستند پیوسته در نظر داریم و جناب
فضایل مآب کمالات اکتساب سلاله الاطیاب الانجاب سید محمد باقر که
در درجات علم و فضل دارای مرتبهٔ علیا و نائل غایة القُصوی است و به
صلاح و سداد موصوف و به فلاح و رشاد معروف و بروز عنایت و ظهور
عاطفتی را از طرف قرین الشرف سرکار اسعد والا درخور است، لهذا به
تصویب جلالت مآب اجل نصیرالملک مشارالیه را به لقب نبیل
رکن الاسلام ملقب و از ابتدای معاملهٔ هذه السنة مسعوده ثیلان ثیل
سعادت تحویل و مابعدھا مبلغ سی تومان به صیغهٔ مقرری سرکاری
درباره جناب مشارالیه مرحمت و برقرار و به صدور این رقم قضائیم
مطاع مبارک امر و مقرر می‌فرمائیم که همه ساله مبلغ مزبور مقرری
خود را به موجب برات صادره از دفترخانه مبارکه اخذ و دریافت داشته
صرف گذران خود نموده و به اقتضای حسن سریرت به تقدیم دعاگویی
دولت ابد مدت قاهره پردازد.

مقرر آنکه جنابان شریعت مآبان علمای اعلام ولایت کردستان جناب
سید محمد باقر را به خطاب رکن الاسلام مخاطب دارند و توقیرات و
احترامات او را در خور این مقام منظور و مرعی سازند المقرر جنابان
کتاب فحّام و مستوفیان عظام و سرشته‌داران کرام شرح رقم مطاع را
ست و ضبط نموده در عهده شناسند.

قُلْ لِّیْ عَلَیْهِ السَّلَامُ



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقرر می‌دارد

از این تاریخ که بیست و هفتم برج حوت پ. م. ۱۳۲۹ است آقای

میرزا محمد باقر کرمانی به سمت ریاست معارف گردان منصوب و مسئولیت این محل

بعده را به محمول شود و در این مدت تا هی مطابق حقوق مقرره مستقر نمی‌گردد

آقای رئیس کل معارف و تعلیمات ما موراجرای این حکم است

وزیر معارف و اوقاف


تاریخ ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۹
نمبر ۱۸۰۶



وزارت داخلہ

حکومت کرستان و کروس

ذیل بموجب نمبر ۱۷۱۱ مؤرخہ ۲۷ ستمبر ۱۳۳۹ صادرہ از وزارت صلیبہ معارف و اوقاف

و ضیاع متصرفہ بیت معارف کرستان بجناب مستطاب ادیب ایب آہی سید سید

سید محمد قمر کن الاسلام کہ واری قدمت خدمت است و اگذا اثر لہذا رضی

تحریرات مغزی لہذا مرتبہ میسر و جہا شروع بغیر بغلیف تقریر نمونہ

تاریخ ۱۵ سبتمبر ۱۳۳۹ ہجری ۱۷۱۱ قمری ۱۸۰۶ شمسی ۱۳۳۹

خزانه داری کل

۴۶۱

قوس ۱۳۹۹
۲۴ قوس ۱۳۹۹
۵۱۳۲

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شویکته

نظر به وثوق و اطمینانی که اولیای وزارت جلیله در تلگراف مورخه ۲۹ جوزا نسبت به این بنده اظهار و نظریات بنده را در امور معارف کردستان خواسته بودند به تاریخ ۲۰ سرطان گذشته به ۴۰۶ راپورت جامع الاطراف راجع به امور معارف کردستان تقدیم آن مقام منبع نموده و اکنون هم با عرض تشکر از حسن ظنی که ابراز فرموده اند در تعقیب راپورت ۲۰۴۰۶ سرطان موقع را مغتنم شمرده افاقاً سواد مراسله آقای رکن الاسلام رئیس معارف کردستان را تقدیم و لزوماً به عرض میرساند آقای رکن الاسلام از ابتدای تأسیس اداره معارف کردستان تا به حال که متجاوز از ده سال میشود بدون دریافت دیبانی حقوقی در پیشرفت معارف این صفحه خدمت نموده و الحق با وجود فراهم نبودن اسباب و وسایل تشویق ابتذاعات مشارالیه در امور معارف کاملاً رضایت بخش و قابل تقدیر بوده است و اغلب مصارف جاری اداره معارف را شخصاً متحمل شده و اظهاری ننموده برای تشویق مشارالیه به ناداشن زحمات چندین ساله مقتضی است مقرر فرمایند در بودجه معارف کردستان جهت مشارالیه نیز حقوقی منظور و تصویب فرمایند که اگر معیشت او را اداره ننماید اقلاً تکافوء خسارات صرف تحریر یک از خود متحمل میشود، بنماید شاید بدین وسیله اسباب تشویق و راحتی مشارالیه فراهم شده بتواند با کمال قوت قلب از اقدامات خود تعقیب نماید امیدوار است در این خصوص تصمیم مساعدی اتخاذ و به مشارالیه ابلاغ فرمایند.

امضاء بشکری مالیه



Treasury Generale de Perse

خزانه داری کل ایران

Ina ۴۶۱

Annee

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شویکته

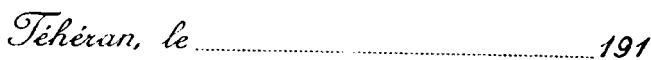
۴۶۱

۱۹۱۹

۱۳۹۹
۵۱۳۲

نظر به وثوق و اطمینانی که اولیای وزارت جلیله در تلگراف مورخه ۲۹ جوزا نسبت به این بنده اظهار و نظریات بنده را در امور معارف کردستان خواسته بودند به تاریخ ۲۰ سرطان گذشته به ۴۰۶ راپورت جامع الاطراف راجع به امور معارف کردستان تقدیم آن مقام منبع نموده و اکنون هم با عرض تشکر از حسن ظنی که ابراز فرموده اند در تعقیب راپورت ۲۰۴۰۶ سرطان موقع را مغتنم شمرده افاقاً سواد مراسله آقای رکن الاسلام رئیس معارف کردستان را تقدیم و لزوماً به عرض میرساند آقای رکن الاسلام از ابتدای تأسیس اداره معارف کردستان تا به حال که متجاوز از ده سال میشود بدون دریافت دیبانی حقوقی در پیشرفت معارف این صفحه خدمت نموده و الحق با وجود فراهم نبودن اسباب و وسایل تشویق ابتذاعات مشارالیه در امور معارف کاملاً رضایت بخش و قابل تقدیر بوده است و اغلب مصارف جاری اداره معارف را شخصاً متحمل شده و اظهاری ننموده برای تشویق مشارالیه به ناداشن زحمات چندین ساله مقتضی است مقرر فرمایند در بودجه معارف کردستان جهت مشارالیه نیز حقوقی منظور و تصویب فرمایند که اگر معیشت او را اداره ننماید اقلاً تکافوء خسارات صرف تحریر یک از خود متحمل میشود، بنماید شاید بدین وسیله اسباب تشویق و راحتی مشارالیه فراهم شده بتواند با کمال قوت قلب از اقدامات خود تعقیب نماید امیدوار است در این خصوص تصمیم مساعدی اتخاذ و به مشارالیه ابلاغ فرمایند.

امضاء بشکری مالیه



Trorerie Générale de Perse

خزانه داری کل ایران

Ind: №

Annex

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

- [illegible]

- ۳ - از اسکندریه در این مدرسه شکر دینی و قسطنطنیه هم بایر حجت و صرف نظر شو و بی اطفالی به رضاعت که مجاز است تحصیل کنند و
نقله طهر است و اگر نباشد یک مدرسه برهنه بدین است اغلب راهش بی حور و دلز زلف مدرسه باز می باشد بعد از
کوتاهی از از این مدارس با وی ایثاتی با عادات و اخلاق غریبی که در این مدرسه است یک نوع تفریط و شو که از تفریط



Téhéran le

Trésorerie Générale de Perse

خزانه داری کل ایران

Ind. №

Annexe

[illegible][illegible][illegible]

این نامه نیز در دسترس منجم هم رسیده است و منجم در جواب آن به منجم رسیده است
 منجم در جواب آن به منجم رسیده است و منجم در جواب آن به منجم رسیده است
 و منجم در جواب آن به منجم رسیده است و منجم در جواب آن به منجم رسیده است

شماره پنجم در روز

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقات و صنایع مستظرفه دامت شوکته

در جواب تلگراف بدون نمره ۲۹ جوزا راجع به مناقشات جاریه معارف و مدارس کردستان که اطلاعات و نظریات این بنده را خواسته بودند پس از عرض تشکر از ابراز حسن ظنی که نسبت به این بنده بی‌مقدار فرموده‌اند اطلاعات و نظریات خود را ذیلاً تقدیم آن مقام منبع می‌نماید.

«علل تولیت اختلاف»

اداره معارف کردستان بواسطه نداشتن بودجه مرتب دولتی خیلی مختل بوده و از منبع شهریه‌ای که اطفال میدادند با مختصر اعانات خارجی به زحمت و مشقت فوق‌العاده اداره می‌شده و حقیقتاً باید تصدیق نمود که رئیس معارف بدون اینکه دیناری استفاده نماید تحمل همه قسم زحمات و مشقات را در این مدت نموده و با نداشتن معلمین عالم بهر وسیله بوده با همان معلمین محلی بواسطه نداشتن عایدات قناعت کرده مدارس احمدیه و اتحاد را اداره نموده است مدرسه احمدیه گرچه نسبتاً قدیمی‌تر از مدرسه اتحاد است ولی چون رقابت و هم‌چشمی مابین معلمین این دو مدرسه که محل پرداخت حقوقشان شهریه اطفال بوده از اول تولید شده رفته رفته مدرسه اتحاد بیشتر جالب توجه اولیای اطفال شده رئیس معارف هم به همین مناسبت نسبت باین مدرسه بیشتر بذل توجه نموده است تا سینه ماضیه که بر حسب امر اولیای دولت ماهی دوست و پنجاه تومان از محل عایدات دخانیات برای معارف کردستان تخصیص داده شد و عوارض تومانی یک عباسی و خرواری یک قران مالیاتی را هم برای تأسیس مدرسه مجانی تخصیص دادند و کار معارف اینجا نسبتاً رونقی پیدا کرد.

نظر باینکه از طرف وزارت جلیله معارف امر شده بود این دو مدرسه را مدرسه متوسطه غیرمجانمی کنند و یک مدرسه چهارکلاس ابتدائی مجانی هم تأسیس شود. اولیاء مدرسه اتحاد بواسطه اینکه معلمینش بیشتر زحمت کشیده و شاگردانش نسبتاً از مدرسه احمدیه بهتر تحصیل کرده بودند تقاضا داشتند مدرسه احمدیه منحل شود و شاگردان آنجا به اتحادیه نقل شوند اولیاء مدرسه احمدیه هم به ملاحظه قدمت آن مدرسه عکس این قضیه را انتظار داشتند رفته رفته این مناقشات از معلمین تجاوز کرده به اولیاء اطفال هم سرایت کرده هر مدرسه جمعی هواخواه پیدا کرده بود و به توسط حکومت جلیله درخواست ابقای هر دو مدرسه شده و پس از مدتی مذاکره و کشمکش اولیاء اطفال مدرسه احمدیه و غیره با رئیس معارف که مقصودش اطاعت اوامر وزارت متبوع خود بوده از طرف وزارت جلیله معارف ابقای هر دو مدرسه تصویب شده است مشروط بر اینکه هر دو مدرسه متوسطه غیرمجانمی باشند و یک مدرسه چهار کلاس ابتدائی مجانی تأسیس شود و مدارس متوسطه به هیچوجه شاگرد مجانی نپذیرند. رئیس معارف شروع باین اقدام نموده مدرسه اتحاد را مدرسه متوسطه غیرمجانمی ۱ و احمدیه ۲ معین کرده و یک نفر مدیر هم برای مدرسه احمدیه انتخاب می‌نماید چون معترضین هیچ ایراد دیگری نداشتند اعتراض می‌کنند که چرا مدرسه احمدیه ۲ شده و اتحاد ۱ در صورتیکه این اعتراض ناشی از اغراض قدیمه و ابداً قابل توجه نیست. برای تعیین مدیر هم البته در مقابل مسئولیتی که رئیس معارف دارد و نمی‌تواند هرکسی را معلمین مدرسه می‌خوانند انتخاب کند بلکه باید ملاحظه مسئولیت خود و صلاح مدرسه را منظور نماید.

یکی از مسائل دیگر که اسباب این اختلافات شده انتخاب آقای سالار ارشد است به مفتش معارف کردستان، مشارالیه خود را مفتش مستقل و دارای اختیارات مکاتبه با وزارت معارف میداند در صورتیکه بر طبق تلگرافاتی که به رئیس معارف شده مشارالیه مفتش محلی است و باید در تحت تعلیمات رئیس معارف کار بکند و راپورتی اگر دارد توسط مشارالیه تقدیم مقام وزارت نماید. این اختلاف نظر هم مزید بر اختلافات فوق شده و مشارالیه بالطبع با مدرسه احمدیه موافقت می‌نماید.

نظریات این بنده:

۱- هرگاه شکایتی راجع به نمره تابلو مدارس شود باید برای اسکات محرّکین و رفع حملات آتیه به رئیس معارف جراب بدهند این اعتراضات بی مورد و نمره یک و دو دلیل متقدم داشتن مدرسه اتحاد بر احمدیه نیست، البته هر قسم رئیس معارف اقدام کرده باید اجرا شود.

۲- تکالیف قطعی آتای سالار ارشد را معین و در تحت مراسله رسمی سوادش به اداره معارف فرستاده شود تا رئیس معارف و مشارالیه به وظائف خود آگاه شده، هیچیک تجاوز از حدود اختیارات خود نمایند.

۳- چون هنوز در کردستان برای مدرسه متوسطه شاگردیکه تحصیلات ابتدائی را تمام کرده باشد نیست و کلیّه در هر یک از این دو مدرسه پنج شش نفر برای تحصیلات متوسطه بیشتر نیست عجلّه تا یکی دو سال دیگر اجازه داده شود هر یک از این مدارس یک کلاس متوسطه داشته باشد تا موقعی که عده شاگردان متوسطه به اندازه بشود که بتوان یک مدرسه متوسطه جدیدی غیر از این در مدرسه تأسیس و این دو مدرسه ابتدائی نمود که هیچیک اعتراض به متوسطه شدن دیگری نکنند.

۴- از اینکه در این دو مدرسه شاگرد مجانی قبول نشود هم باید عجلّه صرف نظر شود چون اطفال بی بضاعت که مجاناً تحصیل می کنند در تمام نقاط شهر هستند و اگر بنا باشد به یک مدرسه بروند بدیهی است اغلب راهشان دور و از رفتن مدرسه باز می مانند بعلاوه خارج کردنشان هم از این مدارس به اولیاء ایشان با عادات و اخلاق غریبی که در اهل این ولایت هست یک نوع توهین میشود که از تدریس و تربیت اطفال خود بواسطه جهالت صرف نظر خواهند کرد. (هنوز اخلاق اعیان این شهر این است که موقع حرکت و عبور در کوچه هر قدر بتوانند جمعیت پشت سرشان جمع می کنند به قسمی که راه عبور بر عابرین مسدود میشود و اگر عده کافی برای مشایعت حاضر نشود از غزیمت خودشان صرف نظر می کنند!!!)

۵- مقرر فرمایند کمیسیونی به اسم کمیسیون معارف مرکب از رئیس و منشی معارف و مدیران مدارس، رئیس مالیه، رئیس گمرک و سه نفر از اهل محل یا اجزاء سایر ادارات که صلاحیت عضویت کمیسیون معارف را داشته باشند هفته یک روز یا لاقلاً ماهی دو مرتبه منعقد شود و از رفع موانع و پیش رفت امور مدارس هر اقدامی مقتضی است بنمایند و راپورت آن را بعرض وزارت معارف برسانند که در آتیه هیچ گونه اختلافی تولید و اسباب زحمت اولیاء آن وزارت جلیله نشود.

(اینکه رئیس مالیه و گمرک را برای عضویت پیشنهاد نموده به ملاحظه این است که اداره مالیه چون بودجه معارف را می پردازد و در مخارج باید نظارت داشته باشد همین قدر که رئیس مالیه عضو کمیسیون بود طبعاً نظارت خواهد نمود و تولید اشکال در تأدیه وجه نمی کند. رئیس گمرک چون عدلی یکصد دینار بعنوان معارف از مال التجاره های وارده گرفته مابین مدارس تقسیم می نماید عضویتش در کمیسیون مقرون به صلاح و صرفه معارف خواهد بود) این نکته را نیز لازم است توضیح بدهد که سنوات ماضیه عایدات تومانی یک عباسی و خرواری یک قران اضافه مالیات را پیشکاران سابق مالیه از محل وصول کرده به معارف نرسانده بودند هذّه آلسنه این بنده شروع به وصول عوارض سنوات ماضیه که لاوصول مانده است نموده، مبلغی جمع آوری و به معارف پرداخته بقیه را هم انشاء الله متدرّجاً وصول خواهد کرد.

پیشکار مالیه کردستان و گروس - امضاء

بشرف حضور اشرف بندگان عالی می‌رساند با تقدیم دفاتر عبودیت مجزبه صادقانه محض مزید استحضار خاطر مبارک بطور اختصار ذیلاً بعرض تذکره احوال خود زحمت میدهد.

با امیدواری به مراجع دولت جاوید آیت، در تاریخ ۱۳۲۸ هجری به حکم مرکزی معاونت اداره اوقاف کردستان و شغل انشاء و ثباتی و ضباطی را الی ۳۸ هجری متحمل شدم، همچنین از سی و یک هجری الی اواخر سی و نه بحکم وزارتی زحمات ریاست معارف و سائر مشاغل مربوطه به اداره معارف بی‌محل را قبول نمودم.

بنا به اهمیت معارف و تجزیه دو شعبه اخیراً شغل بنده منحصر به معارف شد. مدت مأموریت معارف در تشکیل مدرسه احمدیه که معاصر با دوره جهالت و تکفیر مدرسه بود تلخیصاً چشیدم، مخصوصاً در تأسیس مدرسه اتحاد و تهیه اثاثه و ملزومات آن رنجهاکشیدم. در مدت استیلا و ورود قشون اجانب به سنندج و زمان قحطی و غلا، به شهادت معتبرین اهل بلد برای نگهداری این دو مدرسه، علاقه ملکی موروثی فروختم و به امیدکشت مواعید دولت و درو آن بی‌توقع یکدینار بلکه با قبول حقوق فراش و مخارج پست و تلگراف و دفاتر اداری و غیره ده سالی این خدمت مهم را انجام دادم. در این اواخر که معارف سرو سامانی بخود گرفت و از طرف دولت دارای بودجه گردید و برای بنده ماهی شصت تومان حقوق برقرار شد دیگر معارف خواهی قومی به جوش و دیک حسد آنها به‌خروش آمد و پس از چهار ماهی به قوه شفیعیه که بعد از دیدنش صورت نبندد، وجود پارسایان را شکیبی.

مقام بنده را اختلاس نمودند چنانکه در یکی از قصائد عربیه گفته‌ام:

خدمت المعارف حتی فنی	شبابی و جُهدی و مافی یدی
و خربت داری لتعمیرها	اذا الخلق فی امرها قرن عی
کلفت بها برهه قاصیه	کفیلان دهرراً طویلاً بمی
و لم أر فی جنبها صرفه	سوی لعن قومی و انواع غی
و کان الوزیر یخاطبی	لحسنِ فعالی بحی و بی
و لم یقرط بتسع سنین	الی و جهها المیل من ذی الهوی
لأنّ خزانتها لم تُفزر	من الدولة بحقوق و فی

فلما استَحَقَّت لعطف الوزير
اليها انثنى الميل من معشرٍ
فخاصمني منهم واحداً
وشبه امرى على المركز
ببخس دراهم معدود
فاحرز شغلي بحكم الوزير
ولم يرع سابقتي وطوى
واودع قلبي جمرالنضا
جزانى بما لا يليق به
شكوت اليه صروف الزمان
ففاء ولكن باطناب وعد

و زَيَّنَّهَا الدولة بِالْحُلَى
يَفْرُونَ مِنْهَا و لو فى كُرَى
كَأَنى حَسِينٌ و شغلى رى
وكاء قواى من الكيد كى
شرى يوسف من اصحاب غى
واجرى دم الندم من مقلتى
كتاب العدالة و الحق طى
و آذى و تبني باقسام كى
و ينهاك عن ذكره ذوالنهي
واقسمته ان يمن ببنى
و واعد لكن با عقاب لى

القصه به بهانه اینکه در غیبت بنده ترتیب اوقاف بهم خورده و باید منظم شود، در عوض ریاست اداره مختل و بی حقوق اوقاف را واگذار و بنده^۱ به قبول آن مکلف فرمودند. در ظرف این قلیل مدت گذشته از تمشیت اداره و احیای پاره‌ای موقوفات محقره به شهادت دوسیه در احیای جعفر آباد و قریه پیرمقداد و قراء ثلثیه مرحوم حاج میر محمود، از حَمَل پارسالی الی دَلُو صد هزار تومان به دولت خدمت و از مبالغ هنگفت گذشت نمودم و هیچ تصور نمی‌کردم که هم مسلکان مرکزی معاملات بنده را بر حماقت حمل می‌فرمایند. در این اواخر که هیئت محترم دولت نیم عشر اوقاف را به مالیه اختصاص دادند یقین کردم که اداره اوقاف دارای بودجه کافی خواهد شد، ناگاه از وزارت جلیله حکمی رسید که دفاتر اوقاف به رئیس معارف تحویل شود. در انعقاد مجلس تصویب بودجه و تکلیف اعضاء و اجزاء معین خواهد شد، متأسفانه هنوز از این منبع فیض و معلم تهذیب اخلاق و حفظ حقوق بنی نوع، تعیین تکلیفی نشده، در این مورد به مناسبت مقام و حال قطعه‌ای از قصیده غزایی را که سابقاً استرحاماً برای حضرت اسعد والا گفته‌ام تذکیراً و استعطافاً مجدداً به عرض ملازمان عالی میرسانم:

مهین آموزگار ایکه باشد
منم آن مفلس شیواکه هستم
عروس معنیم در جمله لفظ
همه معنی است اندر نقش صورت
بگوش اهل معنی بود از این پیش

ترا شاگرد هر آموزگاری
به میدان ادب چابک سواری
گاهی رقصان گهی در چنگ تازی
کجا یابی در این چاه‌نگاری
حدیث من چو در شاهواری

چونظم را شنیدی گوش یاری
ولی ناکامی اکنون باز نگذاشت
زدنیار و زدرهم دیگران را
ولی نبود مرا ز آنها نصیبی
مرا در کسوت هستی نیایی
زبس بیزارم از جان رشکم آید
چوبی روحم به معنی شخص بی روح
در این طوفان غم خود را نبینم
که نبود کعبه حاجات الا
چه داند قدر سادات آنکه جدش
ترا این پایه ازو هم برتر
حقت بر بندگان زان سروری داد
مهل با رنج و درد و انتظارم
سهل تا زمره امیدواران
از این درگاه اگر محروم گردم

مرا خواندی به دانش گوش یاری
مرا از شاعری شعر و شعاری
دل شاد است و استرضای یاری
جز از درهم هم از دینار ناری
بغیر از یأس و حسرت پود و تاری
چو بینم مرده ای اندر مزاری
بصورت گرچه هستم هوشیاری
پس از حق غیر تو زنهار داری
چو تو شهزاده والا تباری
زعبدیت بیپا کرده ازاری
بود از جانب حق اختباری
که سرور گردد از تو خاکساری
که با وی فارغ از هر انتظاری
زیأس من نگیرند اعتباری
بفرما از که جویم انتصاری

باری در این موقع که کرسی وزارت معارف به وجود مقدس حضرت اشرف متسشارالدوله دامت شوکته مزین شده و از قراری که مسموع افتاده وجود مبارک ایشان از حیث بزرگی و کمال از مشاهیر ایام بشمار میرود و حتم دارم که رشته سابقه و اتحاد و معاشرت و وداد در بین حضرت اقدس والا و ایشان در نهایت استحکام بوده و هست، قضیه (انما يعرف ذلالتفضل من الناس ذووه) بنده را بر آن واداشته که توسط وجدان و حقیقوی آن حضرت به ذیل حقگزاری آن وزیر عدیم النظر تشبث کنم، لذا مستدعیم بهر طور که مقتضی و مؤثر میدانید شرح خدمات و مظلومیت و استحقاق بنده را به مقام رفیع ایشان تقدیم و تقاضا فرمائید چون قسمت عمده خدمت و مأموریت این مجهول القدر مربوط به شعبه معارف بوده و بی جهت مقام شغلی معارفی از او سلب شده و ادامه طریقه مظلومیت وی ترخم دولت بعید است و استحقاق مشارالیه در هر دو شعبه از دیگران بیشتر، مجدداً ریاست معارف را به او رجوع فرمایند و سزاوار ندانند که پس از استیصال در خدمتگزاری پانزده ساله مجانی، از قدردانی دولت و اخذ نتایج خیریه رنج پرورده های خویش محروم و اینگونه مجهول التکلیف بماند. در صورتی که برای گواه بجا بودن تقاضا و تصویب آن حضرت بخواهند به پرسنل رجوع فرمایند سهل است، مخصوصاً به امثال حکم اخیر ۲۸۱۷ وزارت مختصری از مدارک سوابق خدمات پانزده ساله را به انضمام تعرفه مرسوله توسط آقای حاج ملک الکلام دام اقباله در چهاردهم دلو به نمره یک به مقام منبع وزارت جلیله متبوعه تقدیم داشته ام به آنها رجوع و داوری فرمایند.

دعاگوی صمیمی مهر محمد باقر

مهر رکن الاسلام



وزارت داخله

حکومت کردستان

مورخه ۵
تاریخ ۱۳۰۲
شماره ۵۰۰

قرابت

نمبره ۱۰۰۰

پس از آنکه بنده در خصوص تهیه اردو بقدر حاجت از برای گردان سپاه برپای نه ایستاده
از آن پس در محضر شریفه آن بزرگوار حضرت عالی برین بنده سپاه محترم عطا فرمایید که از آنجا که
بعیدتر گردان و شصت و دو نفر در کتاری است و در راه گذار است بنده
پس در ادایا در آن وقت به خدمت بنده در غلبه یاریت داشته اند و این
و در ادایا در خدمت یاریت نیز قرار گرفته است و است یار از خدمت است
حال اگر حضرت عالی شایسته را در بنده در خدمت این است بنده هیچ
وضع برقع در بر بنده در کتاری و خدمت و عین از ادایا کتاری و خدمت
خدمات هر ساله که در کتاری و خدمت این سپاه محترم ایستاده که از آنجا
شایسته در خدمت فرمایند

بقایم راجع بنده است این نوبت را تحت نامه ۲۲۱۴ برقرار بنده
در خدمت تقاضای بنده که فاعل محترم تقاضای بنده در خدمت این
که بنده بنده است

وزارت داخله

مورخه ۹ برج میزان ۱۳۰۳

حکومت کردستان

نمره ۹۷۴

مقام محترم وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

به طوری که مکرر عرض شده جناب مستطاب آقای رکن الاسلام، گذشته از مزایای علمی و اخلاقی و حسن خط و انشا که از همگان گوی سبقت برده، شخصی است محترم و سالها عمر خود را صرف خدمت دولت و وزارت معارف و اوقاف نموده، به موجب احکام دولتی و تصدیق اهالی چندین سال اداره معارف را بی بودجه دایر کرده گاهی مدیریت و زمانی ریاست معارف و اوقاف کردستان را عهده دار بوده و اخیراً هم که سمت ریاست اوقاف را داشته اند به مناسبت تقلیل بودجه از طرف دولت اوقاف ضمیمه اداره معارف شده و به این جهت اکنون بی کار و اینک عازم طهران است، مقتضی است سوابق خدمات درخشان و مدارج علمی ایشان را منظور و شغلی فراخور حال واگذار فرمایند که پس از این همه خدمات بیش از این بی کار و مایوس نباشد.

اعضای هیئت - معمر حکومت کردستان



وزارت داخله

حکومت کردستان

نمره ۹۷۳

مورخه ۹ برج یزید ۱۳۰۳

ضمیمه

۴۵۵

مهر ۱۳۰۳

تأمین وزارت عدلیه و اوقاف و صنایع مستظرفه

بطوریکه مکرر عرض شده جناب آقای رکن الاسلام گذشته از مزایای علمی و اخلاقی و حسن خط و انشا که از همگان گوی سبقت برده، شخصی است محترم و سالها عمر خود را صرف خدمت دولت و وزارت معارف و اوقاف نموده، به موجب احکام دولتی و تصدیق اهالی چندین سال اداره معارف را عهده دار بوده و اخیراً هم که سمت ریاست اوقاف را داشته اند به مناسبت تقلیل بودجه از طرف دولت اوقاف ضمیمه اداره معارف شده و به این جهت اکنون بی کار و اینک عازم طهران است، مقتضی است سوابق خدمات درخشان و مدارج علمی ایشان را منظور و شغلی فراخور حال واگذار فرمایند که پس از این همه خدمات بیش از این بی کار و مایوس نباشد.



نم

۴۵۵

مهر ۱۳۰۳

تأمین وزارت عدلیه و اوقاف و صنایع مستظرفه

در مدت قلیل مأموریت کردستان چند مرتبه راجع به وضعیات معارف و اوقاف که اولین پله وصول ملت به مقامات عالیّه و آخرین پایه حصول مأمول معارف خواهان وطن است شروحاتی مستقیماً بطور خصوصی به وزارت جلیله نوشته و مخصوصاً متذکر شده‌ام که این تغییرات پی در پی بکلی اساس این مقصد عالی را مختل و اسباب مأیوسی قاطبه اهالی را عموماً و معارف پژوهان را خصوصاً فراهم می‌نماید. حاجی شیخ (اعتضاد الاسلام) نظر باینکه عموم اهالی از متقدمین و متجددین با او طرفیت دارند و هر دسته به بهانه‌ای او را اهداف اعتراض قرار داده بالعکس نسبت به سید محمد باقر (رکن الاسلام) که قبلاً متصدی این خدمت بوده و مجدداً شش هفت ماه است به ریاست منصوب شده نظر مساعد و موافقی دارند و در مدت این شش هفت ماه بخوبی از عهده برآمده و سر و صورتی به امور داده است و عموم اهالی تصدیق عملیات او را دارند. حال شنیده می‌شود بدون هیچ علتی او را منفصل و حاج شیخ یحیی را به ریاست منصوب فرموده‌اند، در صورتی که این اشتهاار اصلی داشته باشد ناگزیرم اثرات مترتبه از این انتخاب را بآن مقام محترم متذکر شده عرض کنم که این تغییر با سیاست عمومی منافی و بالاخره منجر به اختلال امر معارف خواهد گردید. هرگاه آن وزارت جلیله نظر به رعایت مشارالیه ناگزیر است بواسطه سابقه خدمت او را به رجوع شغلی مشغول دارند در وزارت جلیله مالیه سابقه دارند ممکن است در آن وزارت جلیله پستی بایشان رجوع شود که بدون مدعی و مخالف محلی و اداری خدمتی را عهده‌دار گشته و یک مؤسسه عام‌المنفعه را دچار اختلال نفرمایند، راپوتی هم در تاریخ ۲۷ بهمن از اداره معارف رسیده که برای استحضار آن وزارت جلیله سواد کرده تقدیم داشت حال به نظریه آن وزارت جلیله مربوط است، مجدداً متذکر میشود که ۷۵۶۴/۲۴۶۷ زیادت از ابراز احساسات معارف پرورانه آن وزارت جلیله متشکر و بر مراتب امیدواری کافه اهالی افزوده امیدوارم که این نظریه امیدبخش را ادامه داده و به حصول نتیجه بیشتر اهالی را امیدوار فرمائید. مخصوصاً چون وعده داده‌اند که پیشنهاد امتیاز مدرسه‌ای را به نام خانم اردلانی به شورای عالی معارف بفرمایند و او را به این نوید امیدوار ساخته، انتظار کامل دارم که بزودی باین مقصد خیر رسمیت داده زحمات و مشقات سالیان دراز مشارالیه در راه تحصیلات و کسب معارف بهدر نرفته لامحاله عده‌ای از دوشیزگان وطن از پرتو علم و تحصیلات مشارالیه بهره‌مند و کامیاب شوند.

امضاء سلیمان محسن

مهر حکومت کردستان



د یاست وزرا

نمبر ۴۴۴ م

پتاریخ ۱۳۰۴ بر

ضمیمه

د وزارت معارف د دواړو

خوښت ب پاي سيمه جوړې وړکړن د اسلام د دواړو طرف اړوندت عليه

د دواړو طرف د دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف

د دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف

د دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف

د دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف

د دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف دواړو طرف



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره رنر

دایره

تَبَّتْ يُكَيْدُ الْمُكَيْدِ (صَدْرُ) سَمِیْهِ رَتَقُ دُرْدَنِ

در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۱۱ هجری قمری در شهر تهران

صدق سمیت سمر دینیت در رتبه ہدائی مضرب شد.



بشار یخ: ۲۱/۶ ماه ۱۳۱۴

نمبر ۱۱۱۹ ضمیمہ

249.2



ح. عارف و اوقاف و صنایع مستظرف

اداره دستم

..... دایره

آرتمند مهر، جو حریت، سماں و زمین کی ہدایت

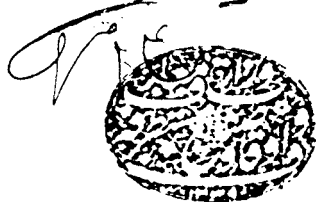
در مسجد و تبرکات
مردم به شنج منتظر، هر روز
در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۱۳

حقون محبت دبر درستی نیاید خندج منصوب شد - فوج نفر محمد

۱۰۲

در این صورت در یافت می شود که دست

کنز در درت مع رف در رف



فردوسی قرن بیستم

پس از ۸۲ سال کار مداوم کتابی در چهار هزار صفحه تهیه کرده است
اکنون ۸۲ سال دارد و بامید چاپ کتابش زنده است

فردوسی قرن بیستم

دیروز کسانی که بوزارت فرهنگ مراجعه میکردند پیر مرد کهنسالی را در باغ وزارت خانه مشاهده مینمودند که بیش از هشتاد سال از سنش میگذشت. دست و پایش میلرزید، چشمانش بزمخت میدید و بوسيله سمعك هم باسخنی گفتگو هارامیشید. اما با تمام قدرت خود با دو دست بند محكمی را كه بدور يك كتاب سنگین بپیچیده شده بود چسبیده بود.

چهار هزار صفحه

این کتاب شاید سی كيلو وزن داشت و مشتمل بر چهار هزار صفحه بزرگ نیم ورقی بود. تمام این چهار هزار صفحه بزرگ در يك جلد چرمی سخت صحافی شده بود. قطر كتاب بیش از ۳۰ سانتیمتر بود. بهمین جهت چفت و بست آهنی محكمی دو طرف جلد را بیکدیگر متصل میساخت.

پیر مرد بسختی گام برمیداشت و با دو دست این كتاب را همچون موجود عزیزی با خود میکشید.

همه کسانی که بوزارت فرهنگ مراجعه میکردند باکمال اعجاب و شگفتی لحظه ای بر جای ایستاده و باین پیر مرد و كتاب عجیب او نظر میدوختند. همه میخواستند بدانند این كتاب چیست، در آن چه نوشته شده و نویسنده آن کیست؟ من که نمیتوانستم به آسانی از این مطلب بگذرم به پیر مرد نزدیک شدم و از او پرسیدم

— ممكن است بفراوانید این كتاب عجیب چیست؟

پیر مرد نشنید ناچار سؤال خود را با صدای بلند تکرار کردم گفت خودت نگاه کن.

كتاب را باز کردم تمام چهار هزار صفحه با قلم مشکی نوشته شده بود



مبارزه قهرمانان دوو م بنفع دختران دونا

بنا بدعوت سازمان بانوان باشگاه تاج از تیم دوومیدانی دبیرستان انوشیروان دادگر مسابقه دوستانه ای بین تیمهای دو ومیدانی دوشیزگان تاج با انوشیروان دادگر انجام گردید. نتایج مسابقات این دو تیم بدین شرح بدست آمد.

در دو ۸۰ متر

در فینست دو ۸۰ متر دوشیزگان خرازی و قربان از باشگاه تاج و افشار از انوشیروان دادگر بترتیب مقام اول تا سوم را بدست آوردند.

پرتاب دیسك

در مسابقه پرتاب دیسك دوشیزگان شیخ و نسیرین بخیار از باشگاه تاج و محصل از انوشیروان دادگر بترتیب اول تا سوم شدند.

در مسابقه پرتاب وزنه دوشیزگان شیخ وسدا از باشگاه تاج و دوشیز

در مسابقات ادار

تیم اداره تسلیحات

مسابقات را

مسابقات فوتبال ادارات ستاد بزرگ ارتشتاران از تیمه دوم اسفند ماه در زمین چمن دانشکده افسری آغاز گردید در این مسابقه تیمهای اداره تسلیحات ارتش، اداره موتوری (اروئانس) دژبانی قرار گاه کل، اداره بهداری ارتش اداره حمل و نقل



و بطوریکه خودش میگفت بخط خود پیر مرد بود .

فهرست کتاب

در صفحه اول کتاب نوشته شده بود : شرح زندگی و احوال کافه و هبران و دانشمندان باستان، پیغمبران مبعوث بر انسان و اقوام و دولتهای قدیمه و جدیده جهان، حکام و امراء طوایف انسان، سلاطین، کاشفین، مورخین، نام و نشان بت های بت پرستان قدیمه، حکمای هر زمان، عرفاء و اولیاء اله، متشیخ ارشاد، ادباء، علمای اقوام مختلف، نویسندگان سخن گویان مشهوره، حقیقت گویان و رهنمایان ادیان و رهنمای بزرگ اسلام، خلفای راشدین و امرای مسلمین و اصحاب رسول اله، فلاسفه و علمای اسلام و سایر ممل، مؤلفین و شعراء هر زبان و نمونه اشعار و نام تالیفات آنان و بطور خلاصه تمام مشاهیر پنج قطعه جهان و چگونگی ادیان و معتقدات ملل قدیمه موجوده و اساطیر و افسانه ها که در اطراف هر يك مشروحا بحث گردیده است، نوشته شده است .

دیر باز نشسته

— از پیر مرد پرسیدم این کتاب را چرا بوزارت فرهنگ آورده اید ؟ جواب داد : من تمام عمرم به تالیف گذشته است و تاکنون که ۸۲ سال از عمرم میگذرد يك سفر از تالیفاتم بچاپ نرسیده است از ۱۵ سال پیش تالیف این کتاب را شروع کردم . چند ماهی است بیابان رسیده و آنرا برای چاپ قبل بوزارت فرهنگ ارائه دادم . وزارت فرهنگ پس از بررسی کتاب را که بمنزله آسکیلویدی

باستانی است خوب و مفید تشخیص داد حالا آنرا آورده ام به وزارت فرهنگ بدهم که چاپ کنند .

از نام و شغل او پرسیدم جواب داد :

نام من عبدالباقی مدیری سندجی دبیر ریاضیات، تاریخ جغرافیا و نقاشی هستم که فعلا باز نشسته شده ام

۲۲ سال زحمت

تاسن سی سالگی در بیروت و فاهره تحصیل میکردم و سپس با بران آمده و بسمت دبیرستانها بخدمت در وزارت فرهنگ مشغول گردیدم و مدت سی سال نیز در دبیرستانها در رشته ریاضیات . تاریخ، جغرافیا و نقاشی بتدریس پرداختم در سن ۶۰ سالگی باز نشسته شدم و در وطن خود سندج خود سندج بر اثر علاقه بفرهنگ مشغول تالیف کتاب گردیدم و اکنون در سن ۸۲ سالگی که آفتاب عمر من در شرف افول است مایلم نتجهرنج و زحمات ۲۲ سانه ام را که این کتاب و هفت جلد کتاب دیگر است برای استفاده عموم منتشر سازم تاکنون این کتابها را در معازای در سندج قرار داده بودم تا علاقمندان بعلم و ادب و فرهنگ آنرا مطالعه کنند اما چون عمر من بیابان رسیده است و مایل بودم در زمان حیات خود این کتب چاپ شده و در دسترس همگان قرار گیرد در صدد بر آمدن بتهران آمده و در این راه از وزارت معارف استمداد نمایم . این مرد دانشمند و دیر باز نشسته زحمتکش فرهنگی در حالیکه بیش از پیش ارتعاش در صدایش شنیده میشد افزود برای

آمدن به تهران چون پول نداشتم ناچار دایرة المعارف عربی خود را بمبلغ سیصد تومان فروخته و به تهران آمدم تا شاید موفق شوم به آرزوی خود که چاپ این کتابها است حدمه عمل ببوشانم از ایشان سؤال شد از چه راه امرار معاش می کند و آیا تاکنون تاهل اختیار کرده است یا خیر ؟

پیر مرد پس از شنیدن این سؤال در حالیکه عینک خود را جابجا میکرد و از شدت شرم چهره اش سرخ شد و با چشمائی اشک آلود گفت من در مدت عمر خود سه بار ازدواج کرده ام زن اول و دوم من در اثر حوادث از بین رفتند و اکنون از زن سوم خود و زنهای مرحوم پنج اولاد دارم که چهار نفر آنها دختر و یک نفر از آنها پسر میباشد تاکنون سه نفر از دخترانم ازدواج نموده و مستقل مشغول زندگی میباشد پسر « گرانها مدیری » نام دارد که در اداره فرهنگ سندج مشغول کار میباشد و تنها درآمد من ۶۹۸۵ ریال حقوق باز نشستگی است که از فرهنگ دریافت میدارم و در نهایت عسرت و تنگدستی به زندگی خود و عائله ام ادامه میدهم تا خدا چه خواهد !

آقای عبدالباقی مدیری سندجی اضافه کرد غیر از کتابهایی که ملاحظه میکنید رسالات زیاد دیگری هم نوشته ام که مهم ترین آنها زندگانی پیغمبر اکرم محمد بن عبدالله صلی اله علیه و آله و سلم است .

اشعار

در بیان ۷ جلد کتاب دیگر اشعاری باین مضمون که معرف آنها میباشد

سروده است که چون حالب به نظر میرسید ابیات مزبور عینا باطلع خوانندگان میرسند .

این بدایع هفت دفتر میشود هر یکی بیس ز دیگر میشود دفتر اول سخن چون کیمیاست از خدا و انبیاء و اوزار است دفتر دوم سخن از باستان

حکمرانان و سلاطین جهان دفتر سوم سخن پند حلف

شبهه و قنار شاهان سلطنت دفتر چهارم سخن لحن زبان

گفته های خوشنمای مردمان دفتر پنجم سخن اندر زمین

مردم و حیوان و آثار متین دفتر ششم سخن از آسمان

وضع کوکبها و جو و کپکشان دفتر هفتم سخن جغرافیاست

شرح حال آب و اقیانوسهاست از بدیع این هفت دفتر یادگار

ماید اندر دست اهل روزگار بدین معنی که ۷ جلد کتاب ایشان

در ابواب پیشوایان ادیان، سلاطین جهان، رفقا و کردار شاهان گذشته، سخنان بزرگان، آثار قدیمی و تاریخی، هیئت و سوارگان، و جغرافیا نوشته

شده است .

ما باین مرد که ۲۲ سال از عمر خود را بدون وقفه بسوختن کتاب

اختصاص داده و اکنون در سن ۸۲ سالگی امیدي به چاپ آثار خود

ندارد فردوسی قرن بیستم لعبادیم خصوصاً آنکه از طرف وزارت فرهنگ

کتاب او معید و خوب تشخیص داده شده تا عقیده شما چه باشد ؟

فردوس قربانی

تقدیر
مقام محترم ریاست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
تهران

با نهایت احترام سر عرض می‌دارد - بدینوسیله

حالت هست در آن اداره محترم احترام دادم و تقدیر

میکردم که بابت خدمت ابدانه و کفایت و تعهد

مندی شما اگر از تمام هم و جگر خود

بخدمت شما عمل کند در این رسم بیدار

فرموده است به عرض نمایم - تقدیر

مقام محترم

بشود که از ما موری خبر کرد و گفتان به
و بعد رضایت این اداره را اعلام کرد و با استقامت
و در این موانع اصرار که در وقت است و همه
از او خبر است. احترام

مقام محترم ریاست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

بدینست مقام محترم می‌دارد - این بند محکم می‌کند و تقدیر

شخص از جری و مجاز به تشریح عمل متول و متول می‌شود و تمام

اداره محترم تقدیر می‌فرماید تمام از آن مقام محترم تقدیر می‌دارد

در وقت به تشریح می‌شود و صدور حکم آنرا از وزارت به تشریح

در وقت با تمام و غایب مربوط می‌باشد و اقدام می‌شود -

مقام محترم

اسامی خانمهایی که در خدمت آموزش و پرورش پیشقدم بوده اند.
سال ورود به خدمت

- ۱- طوبی ندیمی ۱۳۰۵ در مدرسه پهلوی
- ۲- مریم اردلانی ۱۳۰۵ در مدرسه مستوره
- ۳- نیمتاج رؤوفی ۱۳۰۶ در مدرسه مستوره
- ۴- انیسه معرفت ۱۳۰۶ در مدرسه مستوره
- ۵- منصوره رؤوفی ۱۳۰۶ در مدرسه مستوره
- ۶- عذرا رضوانی ۱۳۰۶ در مدرسه مستوره
- ۷- قمر الخواتین امجد ۱۳۱۲ در مدرسه مستوره
- ۸- فاطمه میرابیان ۱۳۱۲ مختلط بانه
- ۹- فخرالسادات ترابی ۱۳۱۲ در مدرسه مستوره
- ۱۰- مستوره ترابی ۱۳۱۲ در مدرسه مستوره
- ۱۱- بهجت شامیاتی ۱۳۱۳ در مدرسه مستوره
- ۱۲- بهیه خلیق ۱۳۱۳ در مدرسه مستوره
- ۱۳- زرین تاج وزیری زین آبادی ۱۳۱۳
- ۱۴- همدم قلمی فرزند عبدالحمید ۱۳۱۴
- ۱۵- افتخار السادات صنیعی فرزند علی اکبر ۱۳۱۴
- ۱۶- انیسه فتح اللهی ۱۳۱۴
- ۱۷- طوبی نوذری فرزند اسمعیل ۱۳۱۵
- ۱۸- مرضیه طباطبائی ۱۳۱۵
- ۱۹- خانم کوچک مطلق وفادوست ۱۳۱۴
- ۲۰- سکینه امیر حسامی فرزند حسام همایون ۱۳۱۴
- ۲۱- مریم علی محمدی فرزند محمود ۱۳۱۵
- ۲۲- عزیزه صادق وزیری ۱۳۱۵
- ۲۳- وحیده معتمدی فرزند ابوالبقا ۱۳۱۵
- ۲۴- هاجر بیگم ترابی فرزند محمد صادق ۱۳۱۵
- ۲۵- فاطمه نائینی فرزند مهدی ۱۳۱۵
- ۲۶- طراوت بابان فرزند محمد ۱۳۱۵

- ۲۷ - عزیزه کمالی فرزند عبدالحمید ۱۳۱۵
- ۲۸ - سعادت کردستانی ۱۳۱۶
- ۲۹ - ملوک امینی فرزند عباس ۱۳۱۶ آموزش و پرورش سقز
- ۳۰ - طاهره معرفت فرزند یحیی ۱۳۱۶
- ۳۱ - عزیزه شهابی ۱۳۱۶
- ۳۲ - عصمت ثمره فرزند احمد ۱۳۱۶
- ۳۳ - فاطمه شجاعی فرزند هاشم ۱۳۱۶
- ۳۴ - بهجت صدر فرزند احمد ۱۳۱۶
- ۳۵ - ماه منیر فرزند حسین ۱۳۱۶
- ۳۶ - وجیهه الملوک اردلان فرزند یوسف ۱۳۱۶
- ۳۷ - عزت الملوک نیک آتین فرزند ربیع ۱۳۱۶
- ۳۸ - زهرا غفاری فرزند حسن ۱۳۱۶
- ۳۹ - خدیجه نوتیست فرزند علی ۱۳۱۶
- ۴۰ - صغری بیات فرزند موسی ۱۳۱۶
- ۴۱ - فاطمه مجاهدی فرزند علی اکبر ۱۳۱۶
- ۴۲ - طوبی اخوان فرزند داوود ۱۳۱۶
- ۴۳ - فخر الزمان علانی ۱۳۱۶
- ۴۴ - ملوک بدیحه اوشاری فرزند میرزا حسین ۱۳۱۷
- ۴۵ - سیمین تاج ندیمی فرزند بیوک ۱۳۱۷
- ۴۶ - خدیجه قیامتی ۱۳۱۷
- ۴۷ - عزیزه حسینی فرزند حسن ۱۳۱۷
- ۴۸ - حاجیه شاه اویسی فرزند عنایت الله ۱۳۱۷
- ۴۹ - بتول نادری فرزند محمد حسن ۱۳۱۷
- ۵۰ - بتول معین وزیری فرزند احمد ۱۳۱۷
- ۵۱ - باهره صدق فرزند محمد ۱۳۱۷
- ۵۲ - زینت سلطان پور بهبهانی ۱۳۱۸
- ۵۳ - سعیده جواهری ۱۳۱۸
- ۵۴ - سعادت حکمت فرزند لطف الله ۱۳۱۹
- ۵۵ - فرشته معین وزیری ۱۳۱۵

بخش چهارم

اسامی مدارس سنندج از آغاز تأسیس تا سال ۱۳۲۰

۱- مدرسه پرماکدو: اسقف نشین سنه، جنوبی ترین سه دایره اسقفی کلدانی، کردستان ایران است کلدانی های ادلان (۱۵۰) خانوار عموماً در کرسی ایالت ساکن هستند و از راه تجارت به ثروت کلانی دست یافته اند. پرماکدو در سنندج یک باب مدرسه فرانسوی با ۱۴۰ شاگرد تأسیس کرده، در این مدرسه پسران آقاهای کرد ایالت اسم نوشته اند.

ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶، اوژن اوبن، ترجمه علی اصغر سعیدی - کتاب فروشی زوار - تهران ۱۳۶۲ (ه-ق) (ص ۳۴۵ پاورقی) این مدرسه نخستین دبستانی است که به خواست پرماکدو و به کوشش اسقف ابوالواحد در سال ۱۳۱۳ قمری مطابق ۱۲۷۳ شمسی و ۱۸۹۳ میلادی در سنندج تشکیل و تأسیس شد ساختمان این مدرسه که دو طبقه با حیاطی بزرگ در محله کلدانیها (مسیحی ها) و نزدیک کلیسا قرار داشت آموزگاران خوب و لایقی داشت که علاوه بر دروس فارسی حساب و تاریخ و جغرافی و دستور زبان فارسی، زبان فرانسه و کلدانی هم تدریس می شد. این مدرسه در سال ۱۳۰۶ شمسی ۱۳۴۷ قمری به دبستان پهلوی نام گذاری شد و از طرف دولت ماهیانه مبلغ پانصد و پنجاه ریال کمک هزینه دریافت میداشت و در این تاریخ دارای شش کلاس ابتدائی و تحت نظر اداره معارف اداره می شد

صورت کارکنان دبستان پهلوی (پروماکدو) از آغاز تأسیس تا سال ۱۳۲۰

۱ - پطرس قینانی	۱۸ - محمد حسن کردستانی
۲ - روح الله طوماسی	۱۹ - مسیو آداری
۳ - کشیش ابوالواحد	۲۰ - زرین تاج وزیری زین آبادی
۴ - مسیواسد الله یادگاری	۲۱ - حیدر محی
۵ - عزت الله هرمزی	۲۲ - سید محمود سجادی
۶ - میرزاده خانم علانی	۲۳ - ابراهیم شماع
۷ - مهدی غنیمی	۲۴ - ایوب کابلی
۸ - برهان الدین حمدی	۲۵ - فتح الله یمینی
۹ - محمد امین بطحانی	۲۶ - ویکتوریا بنی اردلان
۱۰ - عبدالرحیم مدرسی	۲۷ - بهیه خلیق
۱۱ - عباس خان هرمزی	۲۸ - منیره مسعودی
۱۲ - سید آقامیر فرخ	۲۹ - فاطمه نائینی
۱۳ - جلال الدین شهابی	۳۰ - نظام الدین مردوخ پور ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۶
۱۴ - علی خان ماکانوند	۳۱ - جلیل وند
۱۵ - پولوس صلیبی	۳۲ - شادروان همدانی
۱۶ - شریف کاوسی	۳۳ - حبیب الله مهدی زاده
۱۷ - لازار خاجیک خا-متگزار	۳۴ - خلیل شامبیاتی
	۳۵ - طوبی ندیمی

۲ - مدرسه اتحاد حدود سال ۱۸۹۵ میلادی مطابق ۱۳۱۵ قمری و ۱۲۷۵ شمسی به نام مدرسه آلیانس توسط مسیو تره گانو از طرف آلیانس تأسیس گردید. مسیو پانی ژل و همسرش مادام پانی ژل رئیس و ناظم این مدرسه از فرانسه اعزام شده بودند. در این مدرسه علاوه بر دروس معموله، فرانسه و عبری هم تدریس می شد. این دبستان در خیابان سیروس کنونی در محله کلیمی ها قرار داشت که یکی دو بار برای تکمیل و مرمت ساختمان از طرف مؤسسه الیانس مبالغی حواله شد.

این آموزشگاه در سال ۱۳۱۵ به دبستان اتحاد تغییر نام داده شد و ماهی یکصد ریال از طرف دولت برای امور مربوطه به آن، کمک خرج برقرار شد.

تعدادی از کارکنان مدرسه الیانس (اتحاد کلیمی ها) از ابتدا تا ۱۳۱۵:

- ۱- حاجی اسحق ابنی فرزند روین دارای درجه عالی در شریعت کلیمی
- ۲- میرزا مسعود فاضل دربندی
- ۳- مسیو پانی ژل رئیس مدرسه
- ۴- فتح الله خان احمدی فرزند میرزا ابو تراب
- ۵- مادام پانی ژل معاون مدرسه
- ۶- اسدالله یادگاری فرزند یادگار
- ۷- ایوب ابنر فرزند حاجی اسحق
- ۸- گلیریانی فرزند یوسف
- ۹- لوی کاهن فرزند ابراهیم
- ۱۰- یحیی اذرا حیان فرزند عزیز
- ۱۱- حسن فتح الله پور فرزند فتح الله فراش دبستان

۳- در سال ۱۲۷۷ شمسی و ۱۳۱۷ قمری مطابق ۱۸۹۸ مسیحی مرحوم علی اکبر صادق الملک (وقایع نگار) در سنج مدرسه ای تأسیس کرد و شروع به تعلیم اطفال نمود. با کمال تأسف صادق الملک در شوال همان سال وفات نمود و مدرسه تعطیل و برچیده شد.

۴- مدرسه سعادت: این مدرسه را در شهریور ماه ۱۲۷۹ مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام به همراهی مرحوم ملا احمد قطب الاسلام با هزینه شخصی تأسیس نمود با قدرت هر چه تمامتر و به کمک معلمین لایق و دلسوز کارهای مدرسه انجام می گرفت. مرحوم سید محمد باقر بر اثر کار شکی های مخالفین با فرهنگ جدید نام مدرسه را به محمدیه بدل نمود تا به حرمت این نام مبارک معاندین دست از مخالفت بردارند و از خرابکاری دست بکشند.

۵- مدرسه سالاریه: در سال ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۲۸۲ شمسی به دستور ابوالفتح میرزا سالار الدوله فرزند مظفرالدین شاه که در آن هنگام حکمران کردستان بود به مدیریت ابوالبقاء مظفر الاسلام تأسیس شد که بیش از هفت ماه برقرار نبود و با معزول شدن او از حکومت کردستان مدرسه تعطیل شد بخشی از مخارج این مدرسه را خود سالارالدوله کمک میکرد و بقیه را اعانه متمولین محلی و شهریه

دانش آموزان تأمین می نمود. سالنامه معارف کردستان که در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ منتشر شده سال تأسیس این مدرسه را ۱۲۸۷ شمسی مطابق ۱۳۲۷ قمری نوشته است باید گفت در آن سال سالار الدوله در کردستان نبوده است.

۶- مدرسه معرفت: این مدرسه را حاج فتح الملک (نجفعلی خان اردلان) پسر محمد علیخان سردار مکرّم در سال ۱۲۸۳ شمسی مطابق ۱۳۲۴ قمری به کمک شیخ یحیی ملقب به اعتضاد الاسلام که بعدها شناسنامه معرفت گرفت، تأسیس نمود و تعدادی از معلمینی که سالهای بعد در دو مدرسه احمدیه و اتحاد تدریس می کردند با آنها همکاری داشتند چنانکه یکسال بعد منحل شد.

۷- مدرسه احمدیه: در سال ۱۲۹۲ مطابق ۱۳۳۲ قمری زمان حکومت ابوالحسین (سردار محی) ریاست معارف و اوقاف از مرحوم رکن الاسلام منتزع و به مرحوم فرید الدوله همدانی واگذار شد و او به حرمت آخرین پادشاه قاجار نام مدرسه محمدیه را به احمدیه تغییر داد، مدرسه محمدیه و بعد از تغییر نام به احمدیه در منزل میرزا عنایت الله در سرپوله کنار مسجد زینلی^۱ قرار داشت، در سال ۱۲۹۶ مرحوم میرزا لطف الله حکمت (مؤید العلماء) این محل را برای سکناى خانواده خود خریداری نمود و مدرسه احمدیه به پشت بانک مسکن واقع در خیابان شاهپور (امام خمینی) جنب منزل آقای دیانت معروف به خانه میرزا مصطفی منتقل گردید.

از طرفی با نظارت فرماندار وقت و پیشکار مالیه، از محل حساب اخذ نواقل که ماهیانه ۶۰۰ ریال به خدمات فرهنگی اختصاص داده شده بود. اداره معارف توانست در سال ۱۳۰۰ شمسی ساختمانی را به همراه قطعه زمین مفصلی داخل کوچه ملک برابر منزل ملک التجار که بخشی از آن امروز محل امور صنفی است خریداری کند و مدرسه را بدانجا انتقال دهد و به مرور در قطعه زمین متصل به مدرسه ساختمان دیگری ایجاد شد که به عنوان کلاس و اطاق دفتر و اطاق رئیس از آن استفاده می شد و حیاط وسیع آن قسمتی محل صف بستن دانش آموزان بود که تور والیال جهت بازی بچه ها، در آن نصب بود و قطعه زمین دیگری که برای ورزش از آن استفاده می شد و در سال ۱۳۳۴ در همین محل سالتی جهت سخنرانی و نمایش احداث شد.

در سال ۱۳۰۳ مدرسه احمدیه دارای یک کلاس اول دبیرستان شد و به دبیرستان شاهپور تغییر نام یافت در همین سال اداره معارف پائین سرپوله، پشت خانه حاج شیخ عبدالله شهبازی، کنار منزل محمود انور واقع در کوچه مشیری، قطعه زمینی خریداری و شروع به ساختمان نمود و در سال ۱۳۰۵ دبیرستان با داشتن دو کلاس دبیرستان و شش کلاس دبستان بدانجا انتقال یافت. در سال ۱۳۰۷ کلاس دوم و سال بعد کلاس سوم دبیرستان افتتاح شد. در سال ۱۳۰۸ طبقه فوقانی آن با چند اطاق در حیاط دوم ساخته و تکمیل شد.

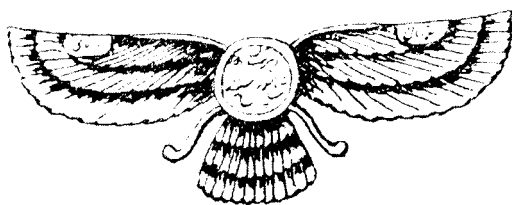
این مدرسه تا سال ۱۳۱۴ همین سه کلاس دبیرستان را داشت در سال ۱۳۱۴ کلاس چهارم و در سال ۱۳۱۵ کلاس پنجم آن نیز دایر شد، در این سال بخش ابتدائی از آن جدا شد و با نام دبستان پانزده بهمن به مدیریت آقای رضا کاویان پور در ساختمانی دو طبقه و مفصل، کنار منزل آقای اشرف نظام

^۱ زینل: نام طایفه ای از اکراد است که چند خانوار از این طایفه در سنج سکنی داشته اند

کمانگر و در همسایگی منزل احتشام دیوان جای مدرسه اتحاد شروع به کار نمود در این وقت مدرسه دارای یک تیم بسکتبال و یک تیم والیبال قوی بود در آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۶ کلاس ششم دبیرستان دایر شد. در دوره دوم دبیرستان دروس هر سه رشته طبیعی، ادبی و ریاضی تدریس می شد و فارغ التحصیل این دبیرستان را دیلمه علمی می گفتند، این مدرسه در این تاریخ ۱۵۰۰ جلد کتاب در کتابخانه داشت.

در سال ۱۳۱۳ مرحوم حسین شکیبا به ریاست معارف کردستان برگزیده شد و تا پایان سال ۱۳۱۷ مجدانه و دلسوزانه به خدمت مشغول بود و با تصویب و نظر وزارت معارف و با الهام از نشان مستخدمین معارف کشور، نشانی که عبارت از فروهری نیم تنه که بر روی بالهای آن (دانائی - توانائی) نوشته شده بود و علامتی رسمی برای دبیرستان شناخته می شد و بر روی پرچم دبیرستان ملبله دوزی شده بود و دانش آموزان دبیرستان آنرا از نقره میناکاری شده تهیه و بر سمت چپ سینه خود نصب می کردند و این علامت دانش آموز بودن، برحمت آنان در میان مردم می افزود.

علامت دبیرستان شاهپور سنندج



اعضای معارف هم نشانی باندازه یک سکه کوچک زمینه آبی، که روی آن معارف. زمانی فرهنگ نوشته شده بود به یقه لباسشان نصب می کردند و با این علامت از سایر مردم ممتاز و مورد تکریم بودند.

۸- مدرسه اتحاد در سال ۱۲۹۵ شمسی مطابق ۱۳۳۵ قمری به همت و جدیت مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام در منزل احتشام دیوان واقع در کوچه شیخ الاسلام تأسیس گردید و اثاثیه ابتیاعی و قدیمی خود را طبق صورت موجود در ذیل احصائیه مدرسه مبارکه اتحاد که برای تشکیل مدرسه سعادت تهیه کرده بود به اموال این مدرسه اهداء و ضمیمه نمود.

طبق اسناد ضمیمه برای این مدرسه وسائل ورزشی خریداری و در داخل مدرسه نمازخانه ایجاد نموده است، چهار سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۹ یک عمارت آبرومند را که متعلق به برادران میرزا علی آقا و محمد حسن بود سالیانه به مبلغ ۷۲ تومان اجاره کرد.

و به کمک آقایان نامبرده در همان احصائیه، سالها مدرسه را اداره نمود. این مدرسه رسماً دولتی بود اما به علت ضعف حکومت مرکزی و نبودن بودجه، اداره آن با مشکلات زیادی روبرو شد که با کمک و پرداخت در صدی از فروش دخانیات و گرفتن عوارض از کالاهای روستائی که همه این درآمدها زیر نظر فرماندار و اداره مالیه هزینه می شد مدرسه از فروپاشی و انحلال رهایی یافت. مدرسه

اتحاد نیز جای ثابتی نداشت، مدتی بعد به خانه نبی خان اردلان و در سال ۱۳۰۶ مدرسه احمدیه (شاهپور) به ساختمان نوساز در کوچه مشیری انتقال یافت و مدرسه اتحاد جای آنرا گرفت و به علت وسعت جا و ثبت نام دانش آموزان بیشتری، موقعیتی مناسب یافت و در سال ۱۳۱۲ به نام هدایت (مهدی قلی خان هدایت مخبر السلطنه نخست وزیر وقت) نام گذاری شد در این سالها دبیرستان هم ضمیمه داشت. در سال ۱۳۱۷ که ساختمان میدان اقبال تکمیل و تحویل شد دبیرستان شاهپور از کوچه مشیری بدانجا انتقال یافت و کلاسهای ابتدائی دبیرستان هدایت جای آنرا اشغال نمود و دبیرستان ضمیمه آن در جای خود باقی ماند و هر سال تکمیل تر شد.

در سال ۱۳۱۷ دبستان هدایت ۱۱۷۰ جلد کتاب در کتابخانه داشت و دارای ۲ تیم والیبال و ۲ تیم بسکتبال بود.

۹- مدرسه نسوان - مستوره کردستانی - بانو مریم شامیر فرزند میرزا میکائیل خان منتسب به خانواده اردلان در سال ۱۹۱۵ میلادی که تازه به همسری غلامعلی خان پسر حاج فتح الملک اردلان در آمده بود. به اتفاق همسرش به سنندج آمد تا از راه آذربایجان به ترکیه محل مأموریت شوهرش که نایب اول سفارت کبرای ایران در ترکیه بود بروند اما آتش جنگ جهانی همه جا را گرفته بود و مانع از رفتن آنان شد، بانو مریم شامیر که بعدها به خانم اردلانی شهرت یافت در منزل خود به امر تعلیم و تربیت زنان و دوشیزگان سنندجی پرداخت و مدرسه کوچکی را برپا نمود و زنان و دختران را خواندن و نوشتن می آموخت و کسانی را که ذوق گلدوزی و خیاطی داشتند تعلیم می داد. در سال ۱۳۰۳ مظفر خان سردار انتصار حاکم معارف پرور و شرافتمند به او پیشنهاد می کند که حاضر است در بودجه مدارس پسرانه مبلغی برای گسترش مدرسه خصوصی او در اختیار ایشان بگذارد، خانم اردلانی از پذیرفتن این پیشنهاد، خود داری نموده و از وی می خواهد که اقداماتی برای دولتی شدن مدرسه دخترانه بنماید، در نتیجه تلاش سردار انتصار در سال ۱۳۰۵ وزارت معارف با تبدیل مدرسه خصوصی به دولتی و به ریاست خود بانو مریم اردلانی موافقت می نماید و حکم صادر می شود. به خانم اردلانی پیشنهاد می شود تا مدرسه را به مریمیه نام گذاری کنند. اما او نپذیرفته می گوید نام مستوره شاعر معروف سنندجی را انتخاب کرده ام. زیرا مستوره بانویی شاعر و ادیب و مورخ بوده و بحق از افتخارات ایران بخصوص کردستان است.

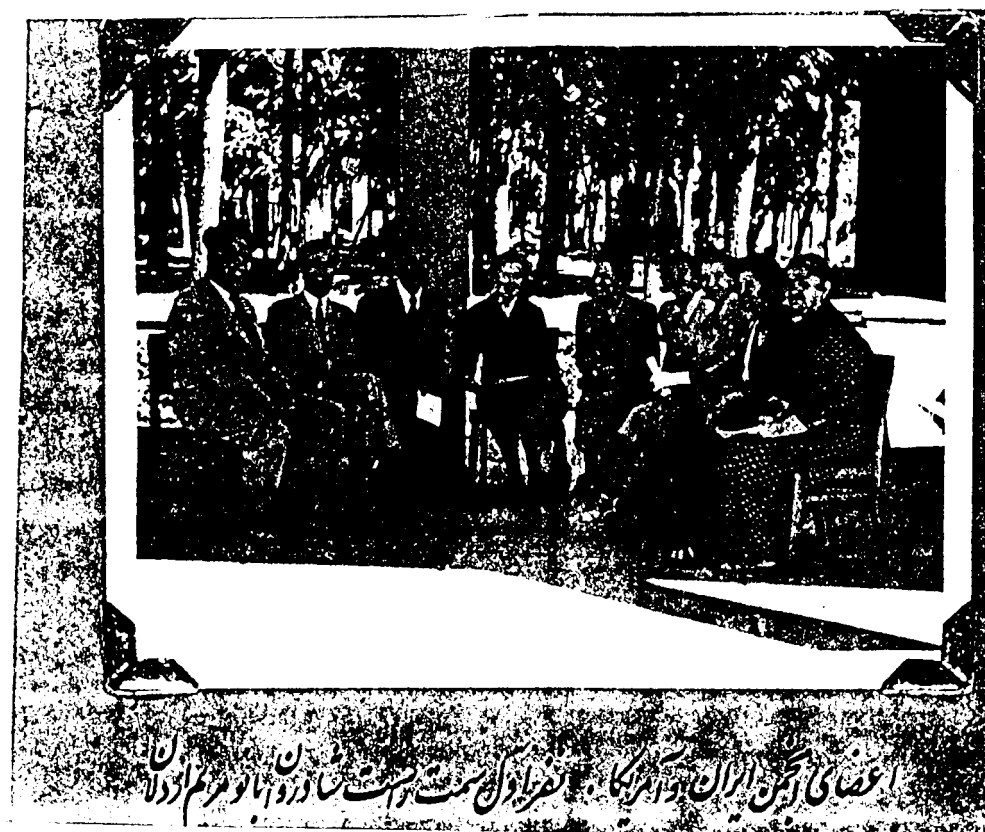
به دستور بانو مریم اردلانی بر روی تابلوی مدرسه نوشتند (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ) این بانوی متهور و شجاع زمانی این شعار را بر درب مدرسه نصب کرد که پسران را به مدرسه رفتن منع می کردند و به بانیان و خدمتگزاران مدرسه نسبت کفر و الحاد می دادند. خانم مریم اردلانی تا پایان سال ۱۳۰۷ سرپرستی مدرسه مستوره را بعهده داشت از آن پس بخاطر تحصیلات فرزندانش و ضرورت

زندگی ناچار به رفتن به تهران شد و اختر صادق وزیری فرزند محمود را به جانشینی خود به وزارتخانه پیشنهاد نمود و حکم صادر شد.

این مدرسه تا سال تحصیلی ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ یک دبستان کامل شش کلاسه و به نام مستوره کردستانی بود و همچنان اختر صادق وزیری مدیر آنجا. در این تاریخ کلاس اول متوسطه به آن افزوده شد و نام مدرسه به دبیرستان شاهدخت مبدل گشت و سکینه امیر حسامی فرزند حسام همایون صادره از تهران به مدیریت آنجا برگزیده شد در سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ کلاس دوم افتتاح و در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ دارای کلاس نهم یعنی سوم دبیرستان شد و خانم اشرافیه ثابت فرزند قدیر صادره از تاشکند را ابلاغ مدیریت و سرپرستی دادند و از آن پس هر سال یک کلاس بر حسب ضرورت به آن افزوده می گشت در این سال کتابخانه مدرسه دارای ۲۴۰ جلد کتاب بوده است و دانش آموزان در ساعت مخصوص به مطالعه می پرداختند.

۱۰ - در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ دبستان شش کلاسه از آن جدا و با نام دبستان شاهدخت به مدیریت دوشیزه اختر صادق وزیری در ساختمان نوسازی جنب فرمانداری و نزدیک حمام طلیعه خانم شروع به کار نمود و اداره دبیرستان به بانو عزت الملوک نیک آئین فرزند ربیع صادره از تهران سپرده شد محل برپایی مدرسه مستوره ابتدا در کوچه شجاع لشکر جای منزل آقای مسلم روحانی مقابل منزل شجاع لشکر که مدتی اداره غله و بعد زندان شهربانی در آن زمان بود بعد پشت مسجد جامع با ریاست اختر صادق وزیری قرارداد است

دبیرستان شاهدخت به محل کارخانه برق پشت دخانیات و به مدت دو سال به منزل آقای حاج علی بزرگی پاتین مسجد پیر عمر و بعد به ساختمان جدید الاحداث واقع در انتهای خیابان ۱۷ شهریور و ابتدای قبرستان شیخان تغییر مکان داد و در اینجا تابلوی دبیرستان به نام مستوره بود. در طی سالهای بعد از انقلاب اسلامی ساختمان این دبیرستان دگرگون شد و نام آن نیز تغییر یافت. اسامی کارکنان مدرسه دولتی نسوان (مستوره اردلان) بر طبق دفتر حضور و غیاب سال ۱۳۰۶ شمسی چنین است.



صورت کارکنان مدرسه نسوان - مستوره از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴

مدیر مدرسه	۱- مریم اردلانی
آموزگار شرعیات	۲- ملا سعدالدین شهابی
آموزگار	۳- انیسه معرفت
آموزگار	۴- نیمتاج رؤوفی
آموزگار	۵- منصوره رؤوفی
آموزگار	۶- عذرا رضوانی
آموزگار	۷- فخر الزمان میرزاده علانی
آموزگار	۸- مسوره ترابی
آموزگار حیاطی	۹- ناهید انظمه
آموزگار	۱۰- محمد قلیخان هداوند
آموزگار خط	۱۱- سند غلیقی پرورش
آموزگار شرعیات	۱۲- مادیت کر دد حجت
آموزگار	۱۳- نایفه فریدی
آموزگار سرود	۱۴- مهادی غنیمی
آموزگار	۱۵- کبری مشیروریری

صورت کارکنان دبستان شاهدخت با دو کلاس دبیرستان در سال تحصیلی

۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

مدیر و دبیر	۱- سکینه امیر حسامی
دبیر	۲- عزیز الملوک هداوند
آموزگار	۳- مستوره ترابی
آموزگار	۴- اختر صادق وزیری
آموزگار	۵- بهجت شامیانی
آموزگار	۶- فخر السادات ترابی
آموزگار	۷- انیسه فتح الهی
آموزگار	۸- فاطمه مجاهدی عراقی
هنر آموز خیاطی	۹- املیا دراهوانیسان
مستخدم	۱۰- شکرالله فخر الدینی
مستخدمة	۱۱- خانم تاج معمری

صورت کارکنان دبیرستان شاهدخت در سال تحصیلی ۳۱۵ - ۳۱۶

مدیر و دبیر	۱- خانم اشرافیه ثابت
دبیر	۲- عزیز الملوک هداوند
دبیر	۳- زهرا غفاری
دبیر فرانسه	۴- اسدالله یادگاری
هنر آموز خیاطی	۵- انیسه معرفت
آموزگار	۶- مستوره ترابی
آموزگار	۷- عزت شیرخانی
آموزگار	۸- فخر السادات ترابی
آموزگار	۹- کبری نسیب
آموزگار	۱۰- هاجر بیگم ترابی
آموزگار	۱۱- طراوت بابان
مستخدم	۱۲- شکرالله فخر الدینی
مستخدمة	۱۳- تاج خانم معمری

کارکنان دبیرستان شاهدخت در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

مدیر و دبیر	۱- بانو عزت الملوک نیک آئین
دبیر	۲- زهرا غفاری
دبیر ریاضی	۳- غلامعلی گویا
دبیر فرانسه	۴- اسدالله یادگاری
دبیر ادبیات	۵- خانم کوچک مطلق وفادوست

کارکنان دبیرستان شاهدخت در سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

مدیر دبیر	۱- بانو عزت الملوک هداوند نیک آئین
دبیر بهداری و بچه داری	۲- زهرا غفاری
ادبیات	۳- خانم کوچک مطلق وفادوست
دبیر خیاطی	۴- ریت سلطان پور بهبهانی
دبیر ریاضی	۵- آقای غلامعلی گویا
دبیر فرانسه	۶- اسدالله یادگاری
دبیر طبیعی	۷- اسمعیل خبامی
دبیر تاریخ و جغرافی	۸- محمد شاملو
مستخدم	۹- محمد امین لطیف

(سند شماره ۴ و ۵)

صورت کارکنان دبستان شاهدخت در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷

۱- بانو اختر صادق وزیری	مدیر و آموزگار
۲- مستوره ترابی	آموزگار
۳- فخر السادات ترابی	آموزگار
۴- هاجر بیگم ترابی	آموزگار
۵- فاطمه مجاهدی	آموزگار
۶- زهرا شجاعی	آموزگار
۷- طراوت بابان	آموزگار

صورت کارکنان دبستان شاهدخت در سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

۱- اختر صادق وزیری	مدیر و آموزگار
۲- مستوره ترابی	آموزگار
۳- سعیده جواهری	آموزگار
۴- فخرالخوااتین امجد	آموزگار
۵- فخرالسادات ترابی	آموزگار
۶- هاجر بیگم ترابی	آموزگار
۷- زهرا شجاعی	آموزگار
۸- عزیزه حسینی	آموزگار
۹- شکرالله فخرالدینی	مستخدم
۱۰- تاج خانم معمری	مستخدم

۱۱- دبستان بدر

دبستان بدر: در سال ۱۳۰۵ در محله جنت قطارچیان منزل ملا جواد شیخ الاسلام نزدیک مسجد طوبی خام مدرسه ای به نام مدرسه جنت به مدیریت شیخ علاءالدین مهاجر زمان حکومت نصرالله خان اعلاء الملک خلعتبری تأسیس و شروع به ثبت نام دانش آموزان نمود. نام مدرسه به اسدیه و بعد به مسازییه، به نام اشرف ممتاز رئیس فرهنگ ناحیه غرب که کرمانشاه و همدان و ملایر و نهاوند و کردستان را در بر می گرفت، نام گذاری شد. رئیس مدرسه ممتازیه در سال ۱۳۰۸ به مدیریت حسن بلای تأسیس شد و در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ مرحوم عبدالحمید بدیع الزمانی مهی و سال ۳۱۱ - ۳۱۲ ملا

محمد محی و سال بعد تحت نام دبستان بدر رئیس آن مجدداً محمد حسن بلالی بود و بعد از آن به بدتی طولانی به اداره مرحوم عبدالغفار ارجمندی در آمد بعد از محله جنت به پشت مسجد جمعه جنب منزل سعید خان صادق وزیری جای خانه آقایان رحیمی و رضائی نژاد و بعد از آن به منزل مرحوم علی بزرگی پائین مسجد امام زاده پیر عمر و در آخر به خیابان استانداری محل کنونی دبیرستان پیش دانشگاهی انتقال یافت.

صورت کارکنان دبستان ممتازیه و بدر از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴

مدیر و معلم	۱- علاءالدین مهاجر
آموزگار	۲- حاج سید احمد شیخ الاسلامی
آموزگار	۳- ملا محمد محی
آموزگار	۴- عباس خاکسار
مدیر و آموزگار	۵- محمد حسن بلالی
آموزگار	۶- سید محمد سجادی (آقا)
آموزگار	۷- اختر صادق وزیری
آموزگار	۸- عزیزه وزیری
مدیر و آموزگار	۹- عبدالحمید بدیع الزمانی مهی
آموزگار سرود	۱۰- مهدی غنیمی
آموزگار	۱۱- عطاءالله عظیمی
آموزگار	۱۲- ناصر مشیر وزیری
آموزگار	۱۳- غلامعلی کمانگر
مدیر و آموزگار	۱۴- محمد حسن بلالی
مستخدم	۱۵- محمد جعفر رکنی

صورت کارکنان دبستان بدر از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰

مدیر و معلم	۱- عبدالغفار ارجمندی
آموزگار	۲- محمد امین بطحانی
آموزگار	۳- محمد تابش
آموزگار	۴- سید علی سجادی
آموزگار	۵- ملا محمد محی
آموزگار	۶- عزیزه شهابی
آموزگار	۷- حاجیه شاه ویسی
آموزگار	۸- سید محمود شوندی
آموزگار	۹- عبدالکریم حق شناس
مستخدم	۱۰- محمد ضیا مرادی

۱۲- دبستان ۱۵ بهمن

این دبستان شش کلاسه در شهریور ماه ۱۳۱۵ از دبیرستان شاهپور (احمدیه سابق) مجزا و به مدیریت آقای رضا کاویان پور به ساختمانی دو طبقه جنب منزل اشرف نظام کمانگر شروع به کار نمود و به افتخار یادگار نصب نخستین سنگ بنای دانشگاه تهران به ۱۵ بهمن نام گذاری شد این مدرسه در این تاریخ دارای ۲ تیم والیبال بوده است.

کارکنان این دبستان در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶

مدیر و آموزگار	۱- آقای رضا کاویان پور
آموزگار	۲- خانم همدم قلمی
آموزگار	۳- آقای حیدر محی
آموزگار	۴- سعدالدین شهابی
آموزگار	۵- بهاءالدین غیاثی
مستخدم	۶- شریف اوقافی

کارکنان در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷

مدیر و معلم	۱- آقای مهدی صدیقی نصیرزاده
آموزگار	۲- آقای رضا کاویان پور
آموزگار	۳- سعدالدین شهابی
آموزگار	۴- حیدر محی
آموزگار	۵- زرین تاج وزیری زین آبادی
مستخدم	۶- شریف اوقافی

کارکنان این مدرسه از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

مدیر و آموزگار	۱- آقای مهدی صدیقی نصیرزاده
آموزگار	۲- آقای فریدون ندیمی
آموزگار	۳- باهره صدیق
آموزگار	۴- سعدالدین شهابی
آموزگار	۵- کبری نئیست
آموزگار	۶- بتول معین وزیری
مستخدم	۷- شریف اوقافی

۱۳- دبستان مختلط ۱۷ دی:

این دبستان ابتدا در سال ۱۳۱۲ در محله شفقت شاه منزل آقای ملا صدیق مجتهدی به مدیریت مرحوم شیخ علاءالدین مهاجر تشکیل شد و دو سال بعد یعنی در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ کودکان سه کلاس هجده نفر شد به مدیریت خانم کوچک مطلق وفادوست فرزند شیخ آقا متولد ۱۲۸۰ در سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ با اینکه این مدرسه را بنام مهاجر می شناختند اما در این سال به افتخار نهضت بانوان ایران به دبستان مختلط ۱۷ دی نام گذاری شد و مدیر آن خانم عصمت ثمره اهل تهران شد، در این تاریخ این مدرسه ۵ کلاس دایر داشت. این مدرسه دو سال بعد تغییر مکان داد و به کوچه وکیل منزل هوشنگ خان بابان انتقال یافت و پس از آن در منزل له له لطف الله پدر آقای فرج الله نیک زاد و بعد از آن به خانه عزیز حمال انتقال یافت که خرابه های این خانه اکنون در حاشیه شمالی بلوار کردستان تقریباً مقابل کوچه مسجدقوله، به چشم می خورد.

کارکنان دبستان مختلط ۱۷ دی در دو سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴

۱- شیخ علاءالدین مهاجر	مدیر و معلم
۲- خانم کوچک مطلق وفادوست	آموزگار
۳- زرین تاج وزیری زین آبادی	آموزگار
۴- فرشته شریفیان	آموزگار
۵- احمد چمنی	مستخدم
۶- ماه تابان شریفیان	مستخدمة

کارکنان دبستان مختلط ۱۷ دی در دو سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶

۱- خانم کوچک مطلق وفادوست	مدیر و آموزگار
۲- اختر صادق وزیری	آموزگار
۳- زرین تاج وزیری زین آبادی	آموزگار
۴- عزیزه کمالی	آموزگار
۵- احمد چمنی	مستخدم
۶- ماه تابان شریفیان	مستخدم

کارکنان دبستان مختلط ۱۷ دی از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

مدیر و آموزگار	۱- بانو عصمت ثمره
آموزگار	۲- عزیزه کمالی
آموزگار	۳- همدم قلمی
آموزگار	۴- وحیده معتمدی
آموزگار	۵- مریم علیمحمدی
مستخدم	۶- احمد چمنی
مستخدم	۷- ماه تابان شریفیان

۱۴- دبستان دانش

این دبستان در سال تحصیلی ۱۳۱۲ تأسیس و تا سال ۱۳۱۴ بمدت دو سال در ساختمانی نزدیک حمام شیشه واقع در خیابان ناصر خسرو ۱ و با دو کلاس درس مختلط پسر و دختر به کار ادامه داد و سال بعد ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ نیز همانجا به مدیریت بانو حشمت پارسا تهرانی تشکیل شده و یک کلاس کودکان به آن اضافه شده بود.

اوائل سال ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ این دبستان به منزل کارگذار پدر هوشنگ خان بابان واقع در کوچه وکیل انتقال یافت و پس از دو سال به منزل آزموده اردلان واقع در کوچه غیائی منتقل شد و دبستان مختلط ۱۷ دی جای این مدرسه را در منزل کارگذار اشغال نمود. دبستان دانش در سال ۱۳۱۷ دبستانی چهار کلاسه بود و هر سال یک کلاس بآن افزوده می گشت چنانچه در سال ۱۳۲۰ یک دبستان کامل و منظم دخترانه شد.

کارکنان این مدرسه در سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴

مدیر و آموزگار	۱- سید علینقی پرورش
آموزگار	۲- بانو عدرا رضوانی
آموزگار	۳- بانو حشمت پارسا
آموزگار	۴- بانو همدم قلمی
مستخدم	۵- علیمحمد عرب

کارکنان این مدرسه در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶

۱- شهربانو گرانپایه	مدیر و آموزگار
۲- عذرا رضوانی	آموزگار
۳- آسیه موسوی سعیدی	آموزگار
۴- مهدی غنیمی	آموزگار سرود و موسیقی
۵- فاطمه نائینی	آموزگار
۶- احمد رشیدی وزیری	مستخدم

کارکنان دبستان دانش از سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۲۰

۱- بانو مریم علیمحمدی	مدیر و آموزگار
۲- بانو طاهره معرفت	آموزگار
۳- بانو افتخار السادات صنیعی	آموزگار
۴- بانو اختر ایران پور	آموزگار
۵- بانو فرشته شریفیان	آموزگار
۶- آقای حسن شیخ الاسلامی	آموزگار
۷- عزیزه صادق وزیری	آموزگار
۸- ویکتوریا سرو بنی اردلان	آموزگار
۹- قدسیه زور بخش	آموزگار
۱۰- حاجیه شاه ویسی	آموزگار
۱۱- غلامحسین مؤیدی آذرپور	آموزگار
۱۲- احمد رشیدی وزیری	مستخدم

۱۵- دبستان تربیت

دبستانی چهار کلاسه ابتدائی در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ در محله چهار باغ منزل مرحوم فرشچی به نام دبستان مختلط تربیت به مدیریت خانم زرین وزیری زین آبادی دایر شد و سال بعد دبستان تغییر مکان یافت و به سر تپوله منزل مرحوم شیخ لطف الله حکمت، رفت در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ دوره ابتدائی آن تکمیل و دانش آموزان زیادی در این مدرسه فارغ التحصیل شدند سالها بعد این مدرسه به پائین تر از مسجد هاجر خاتون انتقال یافت و نام آذر میدخت بر آن نهاده شد.

صورت کارکنان این دبستان از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

مدیر و آموزگار	۱- بانو زرین تاج وزیری زین آبادی
آموزگار	۲- عزیزه شهابی
آموزگار	۳- بهجت السادات صدر
آموزگار	۴- طاهره معرفت
آموزگار	۵- سعادت حکمت
آموزگار	۶- عزیزه حسینی
آموزگار سرود	۷- مهدی غنیمی
مستخدم	۸- علی اکبر امان اللهی

۱۶- دبستان مختلط ترقی

این دبستان در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ به همیاری و مساعدت شهرداری در محله مسیحی ها جنب مسجد امام مردوخ در سطح چهار کلاس دایر شد و کارکنان اولیه آنجا به شرح زیراند.

مدیر و آموزگار	۱- بانو مرضیه طباطبائی
آموزگار	۲- مستوره ترابی
آموزگار	۳- همدم اولیاء تجار
آموزگار	۴- فاطمه شجاعی
آموزگار	۵- بهیه خلیق
آموزگار	۶- سعیده جواهری
مستخدم	۷- صالح قوچ بابامیری

دبستان دولتی اعتمادیه (رازی) صلوات آباد

مدرسه ای است قدیمی و از سال ۱۳۱۱ از روی اسناد و اوراقی که بدست آمده مدیر و معلمین و مستخدم آن شناخته شده بدین قرار:

۱- آقای یدالله برات پور فرزند علی اکبر	مدیر و آموزگار	دبستان چهار کلاسه از سال تحصیلی ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴
۲- آقای حسین سعید نیا فرزند سید محمد اهل گروس	آموزگار	از سال تحصیلی ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳
۳- مرحوم ملا احمد منبری فرزند عبدالمجید	مدیر و آموزگار	از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰
۴- آقای حبیب الله امین کانی مشکانی	آموزگار	از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰
۵- آقای باقر راستین	آموزگار	از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰
۶- بانو سعادت حکمت	آموزگار	از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰
۷- محمد امین بضحانی	آموزگار	از ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰
۸- سید مصطفی مصطفوی	مستخدم	از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۳
۹- محمود مرادویسی	مستخدم	از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰

دبستان طای

در آبادی طای بخش ژاورود، دو کیلو متری هندیمن مدرسه ای دو کلاسه در سال ۱۳۰۶ تأسیس شد و سید متحمود سجادی فرزند سید محمد صادق برای مدیری و معلمی آنجا انتخاب و گسیل شد و سال بعد میرزا ابوالقاسم سعیدی برای معلمی آنجا کترات و بدان محل فرستاده شد.

۹/۳/۲۵

تصدیق کردم

در موقعی که امر به انتقال مدرسه شاهپور از محل منزل میرزا مصطفی به مکان فعلی فرمودند چون اعتباری برای این کار در نظر نگرفته بودند بنده سند خرج آنرا تهیه کرده ولی بخرج گذاشته نشد تا موقعی که کتابخانه را از بنده تحویل می گرفتند بجای پول با بنده محسوب داشتند، چون امضای رئیس معارف را نداشت اینک برای تکمیل آنرا ارجاع داشته اند که حضرتعالی امضاء فرمائید. توسط رافع ارسال خدمت داشتیم که امضاء فرموده عودت دهید.

قربانت امضاء

۹۳۲۵

تصدیق کردم

در وقتیکه امر به انتقال مدرسه شاهپور از منزل میرزا مصطفی
 به مکان فعلی فرمودند چون اعتباری برای این کار در نظر
 نگرفته بودند بنده سند خرج آنرا تهیه کرده ولی بخرج
 گذاشته نشد تا موقعی که کتابخانه را از بنده تحویل می
 گرفتند بجای پول با بنده محسوب داشتند، چون امضای
 رئیس معارف را نداشت اینک برای تکمیل آنرا ارجاع
 داشته اند که حضرتعالی امضاء فرمائید. توسط رافع
 ارسال خدمت داشتیم که امضاء فرموده عودت دهید.

لیست مؤلفین سید مرتضیٰ آملی کوی در بیج صدری ۱۳۹۹

۵

ردیف	اسم	شماره	حقوق		ملاحظات
			قوان	نیز	
۱	آقا سید محمد	۱۵۰	-	-	
۲	آقا سید محمد الدین	۱۵۰	-	-	
۳	آقا سید محمد علی	۱۲۰	-	-	
۴	آقا سید محمد علی	۴۰۰	-	-	
۵	آقا سید محمد علی	۷۰	-	-	
۶	آقا سید محمد علی	۱۵۰	-	-	
۷	آقا سید محمد علی	۱۰۰	-	-	
۸	سید محمد	۸۰	-	-	
۹	سید محمد	۸۰	-	-	

۱۳۳

لیست مؤلفین سید مرتضیٰ آملی کوی در بیج صدری ۱۳۹۹

ردیف	اسم	شماره	حقوق	نیز	ملاحظات
۱	سید محمد	۲۵۰	-	-	
۲	سید محمد	۱۸۰	-	-	
۳	سید محمد	۱۵۰	-	-	
۴	سید محمد	۱۲۰	-	-	
۵	سید محمد	۱۰۰	-	-	
۶	سید محمد	۴۰	-	-	
۷	سید محمد	۸۰	-	-	

لیست مؤلفین سید مرتضیٰ آملی کوی در بیج صدری ۱۳۹۹

کتابت	توان	زیر	بار	اد	کن	نشر	بسم	نمبر
کتابت	۳۰۰	۲			۳۶	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۱
کتابت	۱۵۰	۶			۴۱	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۲
کتابت	۱۵۰	۷			۳۴	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۳
کتابت	۱۲۰	۲			۴۵	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۴
کتابت	۹۰	۴			۲۳	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۵
کتابت	۱۵۰	۳			۴۴	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۶
کتابت	۱۲۰	۲			۴۵	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۷
کتابت	۸۰	۷			۳۰	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۸

۱۳۲

کتابت	توان	زیر	بار	اد	کن	نشر	بسم	نمبر
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۳
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۴
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۵
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۶
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۷
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۸
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۹
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۰
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۱
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۲
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۳
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۴
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۵
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۶
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۷
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۸
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱۹
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۰
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۱
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۲
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۳
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۴
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۵
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۶
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۷
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۸
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲۹
کتابت	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۳۰

کتابت	توان	زیر	بار	اد	کن	نشر	بسم	نمبر
کتابت	۳۰۰	۲			۳۶	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۱
کتابت	۱۵۰	۶			۴۱	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۲
کتابت	۱۵۰	۷			۳۴	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۳
کتابت	۱۲۰	۲			۴۵	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۴
کتابت	۹۰	۴			۲۳	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۵
کتابت	۱۵۰	۳			۴۴	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۶
کتابت	۱۲۰	۲			۴۵	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۷
کتابت	۸۰	۷			۳۰	در تمام بسم براتی روکول	بسم	۸

۱۰۳۳

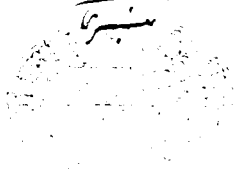
مشخصات
آنکه با جاسه صحیح اسبیه و ادکار محمد سعید منصور در اراک شناسنامه
سکن قریه صلوات آباء تا مرحوم باب طاق سکون فوق در برابر دفتر و کله سکن پناستختی
جهت انبار واقع در زیر طاق کله سر از جمله شش دانگ عمارت تقمیر و مؤلفان نظام منافع
کلیات در قریه سر قوسه برابر محمد دبستان در مسکن کمال کامل مشهور عمارت از اول
فروردین ۱۳۱۷ الی آخر اسفند به از قرار مال الدجاسه سینه سبغ ۸۰۴ ریال
که وجه آن را در آخر هر ماه به ریال از ادایه سفر و اوقاف مستخرج دریافت دارد
و این مبلغ به سبب بیدار دبستان را از طرف ادایه سبغ قبول اجاسه آن را نمود و معصوم
فسخ اجاسه در مسکن کمال با ادایه سفر و کار سبب دبستان خواهد بود و نیز منافع تعمیرات
لدزیه انجا کلیه بهر سو جبر فوق الذکر است -

مراتب سر قوسه فوق تصدیق نیاید

بیدار دبستان را از صلوات آباء

سبب

محمد سعید منصور



in 1814



موقعیت سقز در سال ۱۳۳۰ از کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران

سقز: شهرستان سقز یکی از شهرستانهای یازده گانه استان پنجم کشور است. این شهر از طرف شمال به شهرستانهای مهاباد و مراغه از استان ۴ آذربایجان از طرف باختر به بخش دیواندره از شهرستان سنندج از طرف جنوب به کشور عراق (ارتفاعات شمالی پیش رفتگی دره شلیر) از طرف باختر به دهستان سر دشت از شهرستان مهاباد منطقه بخش کوهستانی، دارای هوای سرد و رودخانه جغتو یا زرینه رود که به دریاچه ارومیه میریزد، از ارتفاعات این بخش سرچشمه میگیرد. بخش مرکزی سقز از سه دهستان فیض الله بیگی - میره ده و سرشیو تشکیل شده، تعداد روستاها و جمعیت دهستانهای بخش به قرار زیر است:

دهستان گل تپه فیض الله بیگی ۸۸ آبادی - ۱۹۰۰۰ نفر
دهستان سرشیو - ۴۸ آبادی - ۱۲۰۰۰ نفر
دهستان میره ده یا گورک - ۴۶ آبادی - ۱۱۰۰۰ نفر
جمع - ۱۸۲ آبادی ۴۲۰۰۰ نفر
شهر سقز - ۱ آبادی - ۱۲۰۰۰

این شهر بین ۴۶ درجه طول شرقی و ۱۷ دقیقه و ۳۶ درجه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. ارتفاع شهر سقز از سطح دریا ۱۴۹۴ متر است.

بازار سقز که حدود ۶۰۰ باب دکان و مغازه دارد در طول کوچه ای به عرض کمتر از ۴ متر و پر پیچ و خم و تقریباً در وسط شهر و موازی با رودخانه کنار شهر واقع شده. تنها خیابان مشجر شهر در کنار رودخانه محل رفت و آمد مردم است. چند بنای نوساز در شمال خاوری شهر جلب توجه می کند

پل بتنی روی رودخانه سقز از بناهای سال ۱۳۱۷ است. جمعیت شهر سقز طبق صورت اداره آمار به شرح زیر است: ذکور ۵۱۰۲ نفر - اناث ۴۷۹۷ جمع ۹۸۹۹ نفر ولی به ارقام فوق باید عده کارمندان ادارات و پیشه ورانی که شناسنامه آنها در جای دیگری صادر شده اضافه نمود که سکنه شهر در حدود ۱۲۰۰۰ نفر خواهد بود.

زبان مادری ساکنین کردی و عموماً به فارسی آشنا هستند. مذهبشان اسلام، سنی شافعی و ۱۰۰ خانوار شیعه اثنی عشری در آن وجود دارد.

روشنائی شهر بوسیله مولد برق کوچک و فرسوده‌ای تأمین می‌شود. سقز از هفت محله بنام میان قلعه - چناران - خیابان - سرفوران - سریجه - ناوچم - کاظم خان تشکیل شده آثار قلعه خرابه بسیار قدیمی شهر در محله میان قلعه ملاحظه می‌شود.

در این شهر یک دبیرستان ۳ کلاسه - ۳ دبستان پسرانه - یک دبستان دخترانه - ۹ باب مسجد - ۳ خانقاه - ۳ دفتر اسناد رسمی و ۴ دفتر ازدواج و طلاق وجود دارد.

آب آشامیدنی شهر از منابع زیر زمین تأمین می‌شود و اکثر در خانه ها چاه آب وجود دارد که به مصرف غیر مشروب می‌رسد سایر آبها در سقز بدین شرح اند:

۱- رودخانه سقز ۲- چشمه های مزرعه رجب ۳- چشمه سقز کهنه ۴- چشمه کانی باغ ۵- چشمه مسجد کوچک ۶- قنات خان ۷- قنات شیخ ۸- زه آب رودخانه ملقرنی ، آب مسجد چشمه کوچک از سایر آبها سبک تر و گوارا تر است.

از طرف سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی درمانگاهی در این شهر دایر شده و بیمارستان ۲۰ تختخوابی در دست ساخت است ، ادارات به شرح زیر است:

فرمانداری - شهر داری - دارائی - فرهنگ - بهداری - دادگاه بخش - آمار - ثبت اسناد - گمرک - دخانیات - غله - پست و تلگراف و تلفن - راه - شعبه بانک ملی در این شهر دایر و بوسیله تلگراف با شهرهای مجاور ارتباط دارد .

جمعیت شهرستان سقز در سال ۱۳۷۳ به ۱۹۵۰۰۰ نفر رسیده است.

تاریخچه آموزش و پرورش در شهرستان سقز

پس از جنگ بین الملل اول که منطقه بر التهاب و نا امن کردستان ، آرامشی نسبی بخود گرفت ، معارف خواهان و روشن فکران دلسوز در هر یک از شهرستانها به منظور تنویر افکار مردم و رشد و شکوفایی عقلانی آنها ، به فکر تشکیل مدارس جدید به سبک دارالفنون افتادند . در سقز نیز ملا جلال الدین امیر عزیزی معروف به سرهنگ زاگرس فرزند امین الشرع دامن همت به کمر بست و به کمک جمعی از متفدین محلی علیرغم مخالفت های علمای قشری و متعصب ، مدرسه ای ملی دایر نمود و چون افکار جامعه در سطحی بسیار پائین قرار داشت ملا جلال الدین با همه مقاومتی که در برابر مکتب داران سنتی از خود نشان داد ، به زانو در آمد و انحلال مدرسه اش عملی شد و تکفیرش موجب فراری شدن او از سقز و وار دارتش شدنش گردید تاریخ تاسیس این مدرسه یقیناً بعد از سال ۱۲۹۶ شمسی بوده زیرا در نامه ای که مرحوم سید محمد باقر رکن الاسلام (والد ماجدم) رئیس معارف وقت ، در تاریخ آبانماه ۱۲۹۸ به حکومت سقز و بانه مینویسد و از او در مورد انتخاب صدرالعلماء ملا عبد العزیز مفتی بر ای ریاست معارف آنجا نظر خواهی و طلب مساعدت می کند ، تا آن وقت مدرسه دایر اما اترتیب درستی نداشته) و مورد رضایت نبوده است.

از قرار معلوم در اواخر ۱۲۹۸ مرحوم صدر العلماء مفتی سقزی بنا به پیشنهاد ریاست معارف کردستان از طرف وزارت معارف و اوقاف به نمایندگی معارف و اوقاف شهر سقز منصوب می شود. این نمایندگی تا سال ۱۳۰۱ که میرزا عبدالباقی بدیع مدیری از سنندج به سقز می رود و در آنجا مدرسه ای ملی چهار کلاسه بنام احمدیه دایر می کند ، حکمی بی محتوا و بی پایه و اساس بوده و مدرسه ای وجود نداشته که اداره معارف یعنی صدر العلماء مفتی سر پرستی آنرا داشته باشد.

در سال ۱۳۰۲ که سید محمد باقر رکن الاسلام رئیس اوقاف کردستان بوده چنین نامه ای به جناب شیخ رئوف ضیائی مینویسد:

مدرسه میرزا عبدالباقی بدیع مدیری ، چهار کلاسه و مواد درسی آن ادبیات فارسی ، نصاب ، شرعیات ، ریاضیات (سیاق و هندسه) تاریخ و جغرافیا و معلمین برجسته ای چون ملا عبدالغفور (امام جمعه) و ملا محمد صادق عارفی و شیخ محمد شریف بدیع و ملا عبد الوهاب امام زاده و صدر العلماء ملا عبد العزیز مفتی و ملا فخر الدین نعمانی فرزند ملا عبدالعزیز (امیر عزیزی) که قبلاً هم با ملا جلال الدین همکاری داشتند در این مدرسه تدریس میکردند و بنا به گفته مرحوم آقای شیخ نافع مظهر ، از هر دانش آموز ماهیانه ۶ ریال برای مخارج مدرسه و حقوق معلمین دریافت می شد، (برای آن زمان مبلغ زیادی بوده دیر می شود باور کرد) این مدرسه پس از دو سال دبستان کامل شش کلاسه ای شد و جناب صدر العلماء مفتی همچنان رئیس اداره معارف و بر این مدرسه نظارت کامل داشت.

از اول مهر ماه سال ۱۳۰۵ تا ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ ریاست اداره بطور افتخاری بهتر بگوئیم مدیریت مدرسه احمدیه با آقای شیخ رؤف ضیائی بوده .

در این تاریخ بودجه کل آموزش و پرورش سقز ۸۲۷ ریال بوده است از ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ مرحوم ملا حسن شکبیا به مدیریت مدرسه احمدیه (مدرسه شاهپور) و با اختیارات کامل با ماهی ۳۲۰ ریال حقوق به سقز اعزام می‌شود، آن مرحوم بخشی از ساختمان دخیات امروز را که در آن وقت اداره دارائی بوده به تصرف فرهنگ درآورده پس از تعمیرات کافی مدرسه شاهپور را که همان مدرسه احمدیه بود از محل استیجاری به آنجا منتقل نمود و در اندک مدتی به درس و مدرسه رونق بخشید، بر اثر خدمات و ابراز لیاقت، میزان حقوقش در سال ۱۳۰۷ به چهل تومان رسید و در تاریخ ۱۳۰۸/۶/۲ به سنندج بازگشت.

در سال ۱۳۰۸ شیخ لطف‌الله حکمت یکی از معلمین با سابقه سنندج به سقز می‌رود و به سرپرستی و سامان‌دهی دبستان شاهپور می‌پردازد و دبستان حکمت را راه‌اندازی می‌کند، سرانجام در سال ۱۳۱۱ به کرمانشاه انتقال می‌یابد .

در این هنگام همچنان شیخ رؤف ضیائی نمایندگی معارف و اوقاف را دارد

پس از او در سال ۱۳۱۱ آقای شادروان همدانی به نمایندگی معارف سقز انتخاب شد. در سال ۱۳۱۴ آقای رضا روشن مسئول معارف و اوقاف سقز گردید. در اثر لیاقت و کاردانی حسین شکبیا رئیس فرهنگ کردستان و توجهات او به فرهنگ نوین در کردستان و هماهنگی آقای روشن با اوضاع جاری در اندک مدتی ساختمان جدیدی برای دبیرستان بنا شد و سال اول را ثبت نام کردند و دبستان دخترانه پرورش را دایر و دبستان پسرانه حکمت را که شیخ لطف‌الله حکمت در منطقه خورخوره تاسیس کرده بود و تا این زمان فعالیت داشت به سقز انتقال داد . در اثر حسن سلوک و همیاری آقای رضا روشن با مردم سقز، مدت خدمتش در این شهر بطول انجامید.

تا سال ۱۳۱۹ اداره فرهنگ سقز جای مشخصی نداشته است در آن سال آقای فرجاد تهرانی نماینده فرهنگ سقز از اداره فرهنگ سنندج کسب تکلیف می‌کند که اگر موافقت نمائید از محل اعتبار ماده ۱۴ آتی از محل اجاره رقبات واگذاری هزینه مزبور، استقراضی به عمل آید در عمارت قدیمی دبیرستان طاق دیگری که مجزا از محوطه مدرسه باشد برای استقرار اداره فرهنگ احداث شود .

اشخاص مذکور در ذیل از ابتدای تاسیس مدارس تا سال ۱۳۲۰ در شهرستان سقز خدمت کرده اند.

از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶	ملا جلال الدین نعمانی (سرهنک زاگرس)
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶	ملا عبد العزیز صدرالعلمامفتی
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶	ملا فخرالدین نعمانی
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷	ملا عبد الغفور امام جمعه
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷	ملا محمد صادق عارفی
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸	شیخ محمد شریف بدیع
از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸	ملا عبد الوهاب امام زاده
از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶	عبدالباقی بدیع مدیری مدیر و معلم مدرسه احمدیه
۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱	محمود شریفی معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱	لطف الله حکمت مدیر و معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۷	میرزا علیخان معتمدی معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۸	رضا تقوی معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۸ و ۱۳۰۹	ابراهیم پرنده معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۶ و ۱۳۰۷	سید احمد ثریا معلم مدرسه شاهپور
۱۳۰۲ رئیس اوقاف و از ۱۳۰۵/۹/۵ تا ۱۳۰۶/۷/۲۶ و از مهرماه ۱۳۰۸ تا مهرماه ۱۳۱۱ رئیس معارف	
از ۲۲ مهر ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸/۶/۲۲	محمد حسن شکبیا مدیر مدرسه شاهپور
۱۳۰۷	میرزا شکرالله فرخ پور معلم مدرسه از
۱۳۱۰	محمی الدین طاهایی معلم مدرسه از
۱۳۱۰	بهاالدین بهلول معلم مدرسه از
۱۳۱۲	سید میر منیرالدین فخرائی معلم مدرسه در

کارکنان دبستان شاهپور در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵

رئیس اداره و مدیر مدرسه ۶ کلاسه شاهپور	رضا روشن
آموزگار	بهاالدین غیائی
آموزگار	رشید امامی
"	ابوالقاسم مداحی
"	محمد رشید پاکنهاد

محمد رحیم اسعدی
 نصرالله صالحی
 نسی صاعی
 مستخدم

کارکنان دبستان شاهپور در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶

رضا روشن رئیس اداره و مدیر دبیرستان شاهپور
 رشید امامی آموزگار
 محمد رشید پاکنهاد
 فاطمه خرم
 محمد رحیم اسعدی
 داود داودی
 احمد فتاحی مستخدم

کارکنان دبستان و دبیرستان شاهپور در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷

رضا روشن نماینده فرهنگ و رئیس دبیرستان شاهپور
 بهالدین غیاثی آموزگار
 پولوس صلیبی
 رشید پاکنهاد دبیر و آموزگار
 حسین صدیقیانی دبیر و آموزگار
 محمد علانی
 جمال شکوهی
 یعقوب یمنی

رضا روشن نماینده فرهنگ و رئیس دبیرستان شاهپور در سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰
 ایوب کابلی معلم
 بهاء الدین غیاثی معلم
 رشید پاکنهاد
 محمد علانی
 حسین صدیقیانی
 جمال شکوهی

يعقوب يميني
 نصر الله صالح
 عارف بيك مستخدم

کارکنان دبستان دولتی حکمت (خور خورده سابق) در سال تحصیلی ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ چهار کلاس

هدایت الله منجمی زاده	مدیر و آموزگار
اسمعیل شکیا	آموزگار
محمد شریفی	آموزگار
صالح کریم پور	مستخدم
فخر الملوک قوامی	مدیر و آموزگار دبستان حکمت در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶
گوهر تاج زمهریری	آموزگار
محمد شریفی	آموزگار
عزیزه محمدیان	مستخدم
فاطمه مسعودی	مدیر و آموزگار دبستان حکمت در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
صالح احمدی	آموزگار
گوهر تاج زمهریری	آموزگار
عزیزه محمدیان	مستخدم
طوبی حسینی	مدیر و آموزگار دبستان جدید التأسيس مختلط در سال تحصیلی ۳۱۵ -
ملوک نودری	۱۳۱۶ و ۱۳۱۷
صالح احمدی	آموزگار
رضا علی دیوانیان	آموزگار
حسن جلیلی	مستخدم
سعادت حکمت	مدیر و آموزگار دبستان حکمت در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸
صالح احمدی	آموزگار
محمد صالح اقبال	"
محمد شریفی	"
هدایت الله منجمی زاده	مدیر و آموزگار دبستان حکمت در سال تحصیلی ۳۱۸ تا ۱۳۲۰
سعادت حکمت	آموزگار
صالح کنعانیان	مستخدم

کارکنان دبستان دخترانه پرورش در سالهای تحصیلی ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹

ملوک نوذری مدیر و آموزگار

ملوک امینی واحمد شیخ الاسلامی فرزند قاضی کریم متولد ۱۲۶۰ آموزگار این دبستان

رضا علی دیوانیان خدمتگزار

کارکنان دبستان نوبهار کس نزان جدیدالتأسیس در سال تحصیلی و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷

محمد رضا فرشید مدیر و آموزگار

عبدالحمید کرباسی مستخدم

محمد رشید امامی مدیر و آموزگار

کارکنان دبستان ۲ کلاسه نظامی سرشیو در سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

محمد رشید امامی مدیر و آموزگار

عبدالحمید کرباسی مستخدم

دبستان دو کلاسه جامی مرخز در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸

حسین اخباری مدیر و آموزگار

حسین صادقی مستخدم

محمد علانی مدیر و آموزگار از ۲۱/۸/۱۰ تا سال ۱۳۲۶

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

مدتی قبل توسط ورقه‌ای که جوفاً سوادش به نظر مبارک می‌رسد در انتظام ترتیب معارف سقز و بانه از جناب آقای غیاث الدوله حکمران آن صفحه استمداد نمودم اینکه سواد ورقه جوابیه‌ای که از ایشان رسیده نیز لفافاً تقدیم نمود. از قرار تحقیقات خارجی خود بنده هم آقای صدر العلماء، مفتی و اولین فاضل آن خطه است لذا در صورت تصویب مستدعیم حکم ریاست معارف سقز و بانه را با اسم ایشان صادر و ارسال فرمائید که زودتر به تعلیمات شروع شود. رئیس معارف محمد باقر - مهر اداره اداره معارف: جواب کاغذهایی که نمره آنرا فرستاده است مراجعه کنید اگر مطلبی داشته و جواب داده نشده است بدهید عربیع الثانی ۳۸ اداره محترمه پرسنل: اداره کل معارف در این موضوع موافقت دارد با کسب اجازه از مقام منبع وزارت ترتیب این کار داده شود و جواب این مراسله هم صادر گردد. اعلم الدوله

۲۵ قوس - ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸

(२२)

تمام فی ذلک علی ذلک و اذیت است که
 در آن قبر است و در آن که چون راویان نظر بر آن کردند
 از خطبات آن حضرت است که در آن خطبه است که در آن
 که از ایشان است و نیز آنکه در آن خطبه است که در آن
 است و در آن خطبه است که در آن خطبه است که در آن
 خطبه است که در آن خطبه است که در آن خطبه است که در آن



دور، دور

جواب لہذا کیا کوئی ہو
 دیکھتے ہیں کہ کیا ہو
 دیکھتے ہیں کہ کیا ہو

الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

براساسه شریفیه در جهت ۲۱۸ زیارت و از مطالب مندرجه استحضار کامل حاصل گردید بنا به حسن ظنی که نسبت به اینجانب داشته نظر بان این بنده را در تعیین یکنفر برای ریاست معارف سقز و بانه خواسته بودند از این حسن ظن ممنون شدم و شاهد الله تصدیق می کنم در این مدت که این بنده در نقاط مزبور حکومت داشته و اغلب از محترمین آنجا را دیده و امتحان کرده نظیر جناب مستطاب شریعتمدار آقای صدر العلما سلمه الله در این صفحات کسی نیست که جامع علوم و دارای صداقت و امانت و کفایت باشد. اسلم است آن اداره محترم هم به سابقه درخشان مغری الیه مراجعه نموده و بوسیله مغری الیه توسعه کامل به اداره معارف آن صفحات خواهند داد اینجانب هم حسب وظیفه همیشه در پیشرفت معارف و توسعه آن حاضر بوده و خواهم بود و امیدوارم با اینجانب اولیای امور معارف سقز و بانه هم توسعه کامل حاصل نماید - ایام سعادت مستدام باد

غیاث الدوله - محل مهر آقای غیاث الدوله

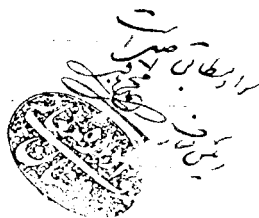
سواد مطابق اصل است - رئیس معارف مهر محمد باقر و مهر اداره

شعبه

۲۱ قوس ۹۸

مقام محترم ریاست معارف کردستان دام بقاءه
براساسه شریفیه در جهت ۲۱۸ زیارت و از مطالب مندرجه استحضار کامل حاصل گردید بنا به حسن ظنی که نسبت به اینجانب داشته نظر بان این بنده را در تعیین یکنفر برای ریاست معارف سقز و بانه خواسته بودند از این حسن ظن ممنون شدم و شاهد الله تصدیق می کنم در این مدت که این بنده در نقاط مزبور حکومت داشته و اغلب از محترمین آنجا را دیده و امتحان کرده نظیر جناب مستطاب شریعتمدار آقای صدر العلما سلمه الله در این صفحات کسی نیست که جامع علوم و دارای صداقت و امانت و کفایت باشد. اسلم است آن اداره محترم هم به سابقه درخشان مغری الیه مراجعه نموده و بوسیله مغری الیه توسعه کامل به اداره معارف آن صفحات خواهند داد اینجانب هم حسب وظیفه همیشه در پیشرفت معارف و توسعه آن حاضر بوده و خواهم بود و امیدوارم با اینجانب اولیای امور معارف سقز و بانه هم توسعه کامل حاصل نماید - ایام سعادت مستدام باد

غیاث الدوله
محل مهر آقای غیاث الدوله



از قرار راپورت های متوالیه امر معارف سقز مشوش و سر هدر شده آنجا که متعلق به آقای ملاجلال الدین است ترتیب درستی نیست. چون بنده مقام غیبدانی را ندارم و کسی را معصوم و جز حضرت تعالی را غمخوار معارف نمیدانم لذا از حضرت تعالی تمنا می کنم که در تنظیم معارف آنجا توجه مخصوص فرموده و بنده را هم از مساعدت جمیل و راهمائیهای خود فرین تشکر فرمائید، مخصوصاً مکتوب جوف رابه آقای مفتش معارف آنجا مرحمت و مقرر فرمائید مواد مرقومه را جواب نوشته به امضای حکومتی آنرا به اداره معارف سقز ارسال دارد.

رئیس معارف - محمد باقر

سواد مطابق اصل است، رئیس معارف مهر اداره و محمد باقر

۵۰۵

۲۶ عقرب ۱۲۹۸

۲۱۸

مقام محترم حکومت سقز و بانه و تیلکو و خورخورد دام اجلاله
از قرار راپورت های متوالیه امر معارف سقز مشوش و سر هدر شده آنجا که متعلق به آقای ملاجلال الدین است ترتیب درستی نیست. چون بنده مقام غیبدانی را ندارم و کسی را معصوم و جز حضرت تعالی را غمخوار معارف نمیدانم لذا از حضرت تعالی تمنا می کنم که در تنظیم معارف آنجا توجه مخصوص فرموده و بنده را هم از مساعدت جمیل و راهمائیهای خود فرین تشکر فرمائید، مخصوصاً مکتوب جوف رابه آقای مفتش معارف آنجا مرحمت و مقرر فرمائید مواد مرقومه را جواب نوشته به امضای حکومتی آنرا به اداره معارف سقز ارسال دارد.



قَبْلِ لَيْلٍ عَلَيَّ كَلِمَاتٍ مِنْ رَّبِّي



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقرر می‌دارد

انوارین تاریخ که اول فروردین ماه جاری قمری ۱۳۳۹ است آقای

صدرالعلماء را بسمت ریاست هیأت اوقاف و صنایع مستظرفه و مسئولیت این عمل

بعده از این محمول شود و در آرای این هیأت مابقی — مقرر می‌گردد

آقای رئیس کل معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه این حکم است

وزیر معارف و اوقاف



شماره ۱۲۳۹ شهر صفر ۱۳۳۹

وزارت اوقاف
(اداره اوقاف کردستان)

دائرة مشاورت

شماره ۲۹

سر
مستشار
دائرة
مشاورت

جناب آقای ریاست دربار معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و محترم شمس الدین لایق

کرام
سر
مستشار
دائرة
مشاورت

و جناب آقای عبدالحق زنجانی صدر هیئت مدیره مدرسه علمیه در طرف دیوار احداث ابدیت برپا

شماره
۱۲۳۹
شهر
صفر

از قرار تصحیح شده خوب از عهده خدمت و وظایف خود برآید که در موجب حکم کما

در
مستشار
دائرة
مشاورت

و بانه را بعد از این که در گذشته در امور هیئت مدیره در خدمت و نظام این دولت در خدمت

در
مستشار
دائرة
مشاورت

در این دولت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و محترم شمس الدین لایق و در این دولت در خدمت و نظام این دولت در خدمت

حکومت چیده کردستان و کردستان

نظر باینکه امر قضاوت و انجام وظایف شرعیة مسلمین قصبه شقزو بانه لازم است
بشخص صاحب

و متدین و فاضلی اجازه داد و شود و طبر باینکه جناب شریعتی از آقای
مشتی
علما

شرفی سلمه اند معروف بدینت و مراتب زهد و تقوی و فرایمی فضلی بوده و
ج
لحاظ

و لخواهی خود را در ضمن انجام قضاوت آنحضرت و بمنقده ظهور رساند است کما کان
اجاز
ان
باشا

داده میشود که با امر قضاوت و اجرا صیغ شرعی در شقزو بانه اشتغال و زینده
عی

دوام دولت ابد مدت قیام واقف نماید


این سند در روز ۱۵ شهریور ۱۳۳۹
 در محضر هیئت مدیره و در حضور
 آقایان ...
 تصدیق و امضاء شد

موصفت تمام عظم را در اعتبار
 در وقت انقضای مدت واری
 در وجه هیئت تمام ۱۱ لیوان ۴۴
 ۱۳۳۹

برای آریب سرف و این حقوق لازم مدرسه بکام سرف و ادیت در عدت بدهد مکرر سرف

تضمین یک پنجم سرف در وجه نفوذ مخیر لکالی مدرسه است که در هر یک پنجم پنجم داشته و یک ششم در
 انعام سرف و تضمین از حق مدرسه آریب لازم آن بر دهنده لهذا بتضمین اعیان و سرف و ادیت
 آقای شیخ محمد زکریا آقای ریس مدرسه آقای حاج محمد حسین آقای حاج میرزا حسین
 آقای میرزا محمد زکریا آقای حاج میرزا محمد اسکندر آقای میرزا محمد زکریا

برای پنجم سرف انتخاب شده که این هیئت مکرر قبول ضمیمه ببعوت و عدت و در وجه
 نظریات مدرسه را در آریب مدرسه سرف مجری دهنده مقرر کند اول مکرر لکالی در نظریات

این هیئت مکرر خارج نه شده ۲۷ محرم کلام ۱۳۳۹

مهر و امضاء هیئت مدیره

مقام محترم نماینده معارف سفر دام اقباله العالی

مراسله ۲ مشعر برابلاغ سمت نمایندگی جناب مستطاب عالی زیارت و از اینکه نظر به اهمیت فوق العاده امروزه معارف و توجهات مخصوصه اولیای امور، انتخاب شخص جناب مستطاب عالی برای پیشرفت این مقصود مقدس بغایت مستحسن و بموقع می باشد باعث امیدواری کامل کارکنان معارف گردیده است، موظفین این مدرسه با صمیمیت قلبی تیریکات خود را تقدیم و موفقیت آن ذات معارف پرورد را از خداوند متعال مسئلت می نمایند.

راجع به وضعیت امور جاریه مدرسه استعلام فرموده اند به تفصیل ذیل خاطر مبارک را مستحضر میدارد.

(۱) مدرسه احمدیه سفر یک مدرسه شش کلاسه ابتدائی می باشد تدریساتش بر وفق پروگرام و ترتیباتش مطابق نظام نامه وزارت جلیله معارف است (۲) منابع مصارفات مدرسه عبارت از ماهی پنجاه تومان کمک خرج دولت و هفده تومان هفت هزار و چهارصد دینار عوض عوارض معارفی ملغا شده و قریب پانزده تومان شهریه ممکن الوصول محصلین می باشد که جمعا به مبلغ هشتاد و دو تومان هفت قران و کسری بالغ می شود و از این عواید مبلغ هفتاد و دو تومان حقوق مقررۀ موظفین و نه تومان کرایه عمارت مدرسه و بقیه دیگر هفده قران و کسری (؟) وجه متفرقه مدرسه مصرف میشود (۳) کارکنان مدرسه عبارتند از یک نفر مدیر و ۳ نفر معلم و یک نفر فراش که هر کدام وظایف مرجوعه خود را ایفاء می نمایند (۴) محصلین مدرسه به موجب صورت علیحده که لفا تقدیم می گردد ۶۲ نفر می باشند هر قسمتی در کلاس خود مشغول تحصیل هستند (۵) اثاثه مدرسه آنچه کهنه و قدیمی می باشد در صورت جداگانه تقدیم و آنچه از اعتبار یکصد تومان که به تازگی امر آن رسید، تهیه می گردد و در دست است هنوز به اتمام نرسیده البته پس از اتمام و اكمال صورت آن هم تهیه و تقدیم خواهد گردید. و نواقص مدرسه البته در نظر مبارک پوشیده نیست فقط آنچه در بدو امر محتاج به اقدام است جلب سه نفر دیگر معلم می باشد که با ۳ نفر موجود شش نفر شوند تا بتوانند شش کلاس مدرسه را در کمال خوبی تدریس نمایند و حقوق ایشان هم باید به طوری در نظر داشته باشند که با کمال رفاه و فراغت خاطر در انجام وظیفه ساعی و جاهد باشند و پیشنهاد دیگر این بنده این است که نماینده محترم تقاضا فرموده اداره معارف از این مختصر وجه شهریه شاگردان صرف نظر فرموده به وجه کمال از طرف دولت پرداخت شود تا اینکه اهالی کاملا به مساعدت دولت امیدوار گردند و مدارس هم وسعت کاملی را پیدا نماید و تفرقه طرز تدریس هم مرتفع گردد.

مدیر مدرسه امضاء عبدالباقی

بقلم محمد رفیع الدین صاحب دارالافتاء دارالعلوم دیوبند

[illegible][illegible]

مقام محترم ریاست فکرتان دام بقائه

در محبت و محبت ریاست محترم این محبت سوره وزارت علیه از اول ماه خرداد امتیازات شایسته گردانیدند چه بفرموده شد
بیت محنت که از جانب حکومت محترم بشود و انشا بگوید بخود - فخر برای امتیازات شایسته که امتیازات نهایی بدادند هر روز به
بدون نام در سوره محترم بهمانیه بجهل وقت در مدت یکروز در تمام در مطبعت بود که مقام وزارت علیه شایسته گردان
امتنان نموده و بحسب عزم سوره اگر گذاردند - دارنده چهار نفوس گردانید شایسته اخذ تصدیقانه و شایسته عموماً
تصدیقانه شایسته انشا بگوید و کسب در حاشیه صورت نمائات جلوه داشته - صورت نمائات شایسته نیست تقدیم
گردد در محض مقام سوره هر روز در محض تقدیم شایسته گردان در حاشیه کارخان مدرسه معلوم میگردد - امیدوارم این سوره
که در محض ریاست و محبت و محبت آن بر سر من تمیز شده و در محض محبت و محبت آن اداره شود و بیرون از این سوره محبت گردد
و در این محبت بزرگوار بزرگوار باقی باشد -

و چون اول محبت و باعث توفیق زیاده بر این گردان میشود استه عا دهم که سرین را بورت بنظر تصدیق مقام محترم ریاست
و نمائات شایسته انشا بگوید مقام محترم و تصدیقانه هر چه بفرموده و ارسال و مایه - در این قسمت بنظر
کامیاب نماند محترم توانم در مرکز بنظر شایسته میفرمایند - شغایان ترجیح اقدام به ترتیبات اداره را بکنند و ملاحظه اند -

میرزا محمد تقی

بانه

از قول فرهنگ جغرافیائی ایران ده سال بعد از محتویات این مجموعه سال ۱۳۲۹
قصبه بانه: مرکز بخش بانه شهرستان سقز در ۶۶ کیلومتری جنوب باختر سقز واقع شده مختصات
جغرافیائی آن به شرح زیر است
طول از گرینویچ ۴۵ درجه - ۵۳ دقیقه - عرض از خط استوا، ۳۵ درجه - ۵۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا ۱۵۲۵ متر
مسافت نسبت به شهرهای مجاور و نوع راه: بانه به سقز ۶۶ کیلومتر راه شوسه درجه ۴ زمستان بواسطه
کثرت برف مسدود می شود. بانه به سردشت ۵۶ کیلومتر، راه شوسه درجه ۴ که در زمستان مسدود از
برف است

بانه به مهاباد ۱۹۷ کیلومتر، راه شوسه درجه ۴ در زمستان مسدود است

بانه به مرز ایران و عراق ۲۱ کیلومتر

قصبه بانه در دامنه و طول تپه ای واقع شده، کوه آرابابا در ۳ کیلومتری جنوب و کوه بابوس در ۵
کیلومتری خاور، قلل و ارتفاعات مستور از جنگلهای بلوط، کوه رشته قلع و کوه خان و غیره زیبایی
جالبی به آن بخشیده است.

اشجار جنگلی کوههای نزدیک شهر به مرور قطع شده و به جای آن تاکستانها احداث گردیده است.
قلعه سرباز خانه در روی تپه ای واقع شده و برجهای متعددی در اطراف شهر دیده می شود. عدم امنیت
و وجود سارقین متعدد در همسایگی باعث می شود که گاهگاهی یاغیان مسلح دستبرد به قراء بخش
حتی قصبه بانه بزنند. کما اینکه در سال ۱۳۲۳ بوسیله یکی از یاغیان، این قصبه (بانه) طعمه حریق شد و
یک هزار خانه و دکان و تمام دارایی مردم جز چند مسجد به کلی نابود شد. پس از تعقیب یاغیان و
اعاده امنیت مجدداً قصبه آباد شد طول خیابان مشجر آن قریب یک کیلومتر و عرض قصبه ۳۰۰ متر
است. دکانین و خانه های مرغوب کنار خیابان بنا شده و روز به روز آبادتر می شود. روشنائی قصبه
بوسیله مولد برقی تأمین میگردد.

آب قصبه از دو چشمه احمد آباد و چشمه درکانی که در یک کیلومتری علیای آبادی واقع شده تأمین
می شود ۵ چشمه کوچک دیگر در نقاط مختلف قصبه موجود و مورد استفاده است در این قصبه ۹
مسجد ۳ دبستان و ۲۵۰ باب دکان وجود دارد. مرکز مرزبانی قسمتی از کشور است و پادگان نظامی آن
یک گردان میباشد بخشداری - شهرداری - شهربانی - گمرک - بهداری - پست و تلگراف و تلفن
آمار، ثبت اسناد دارد از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی درمانگاهی در این قصبه دایر است.
جمعیت بانه قریب ۵ هزار نفر شغل اکثر مردم پیشه ور و قلیلی زرع اند.

بخش بانه از هفت دهستان تشکیل شده بدین شرح

۱- دهستان آلوت	۱۰ آبادی ۱۳۰۰ نفر
۲- دهستان پشت آربابا	۴۶ آبادی ۴۰۰۰ نفر
۳- دهستان پهلوی دژ	۳۰ آبادی ۳۰۰۰ نفر
۴- دهستان دشت طال	۲۶ آبادی ۲۰۰۰ نفر
۵- دهستان سبدلو	۱۱ آبادی ۱۰۰۰ نفر
۶- دهستان شوی	۹ آبادی ۱۵۰۰ نفر
۷- دهستان نمشیر	۲۲ آبادی ۲۲۰۰ نفر
۸- قصبه بانه	۱ آبادی ۵۰۰۰ نفر
جمع	۱۵۵ آبادی ۲۰۰۰۰ نفر

زبان مادری ساکنین بخش، کردی، اکثر مردان به زبان فارسی آشنا هستند، مذهب مسلمان، اهل تسنن تابع طریقه نقشبندیه و قادریه، امروز شهرستان بانه مساحتی معادل ۱۵۸۴/۵ کیلومتر مربع و در حدود ۵/۶ درصد از وسعت استان است طبق آمار سال ۱۳۷۳ جمعیت شهرستان بانه ۹۸۰۰۰ نفر و تقسیمات جغرافیائی آن چنین است این شهرستان دارای یک شهر به بانه، ۴ بخش به نامهای نور، آلوت، مرکزی، نمشیر، ۸ دهستان و ۲۱۸ روستا که ۱۵ روستای آن خالی السکنه است.

دبستان پهلوی بانه

در سال ۱۳۰۳ شمسی آقای حسین اردلان فرزند صارم السلطان از طرف اداره معارف کردستان مأموریت می یابد تا مدرسه پسرانه پهلوی را در بانه تأسیس و افتتاح نماید و این شخص لایق و کارآمد، در کار خود توفیق یافته و حدود سه سال در شرایط سخت و با حداقل حقوق و امکانات زندگی، به خدمت مردم منطقه می پردازد.

اساس برپائی مدرسه از اجاره محل گرفته تا حقوق معلم و مستخدم و تهیه نوشت افزار و میز و نیمکت و صندلی و سوخت زمستانی برای مدرسه و لباس دانش آموزان بی بضاعت، همه و همه از کمک مردم، که با سیاست و درایت و حسن سلوک و مردم داری خاصی که شایسته این مدیر با تدبیر بوده، فراهم آمده است. در سال ۱۳۰۵ این مدرسه دولتی می شود و مقدار زیادی از بار دوش مردم فقیر و تنگدست با همت کم می شود، کارکنان این مدرسه را به ترتیب تاریخ قدمت خدمت در اینجا یاد می کنیم.

۱- حسین خان اردلان مدیر و معلم و مؤسس مدرسه در سال ۱۳۰۳

۲- میرزا علیخان مقبل آموزگار در سال ۱۳۰۳

- ۳- میرزا حسین خان منشی آموزگار در سال ۱۳۰۳
- ۴- میرزا عبدالرحمن مولوی آموزگار در سال ۱۳۰۳
- ۵- میرزا صالح احمدی فرزند شریف آموزگار در سال ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵
- ۶- نجم الدین باقرزاده آموزگار در سال ۱۳۰۵
- ۷- یحیی سپهر آرا در ۱۶/۶/۱۳۰۵ تا اسفند ۱۳۰۶
- ۸- ابوالفضل آزاد همدانی مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۴ تا ۳۰۵/۶/۱۵
- ۹- عطاءالله معتمدی مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰/۶/۱۵
- ۱۰- نبی ساعی فرزند مجید فراش در ۱۳۰۵
- ۱۱- حسین مجد سجادی آموزگار از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷
- ۱۲- حسین هوشیار آموزگار از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷
- ۱۳- نجم الدین ورزنده آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹
- ۱۴- ابراهیم پرنده آموزگار از سال ۱۳۰۷
- ۱۵- نظام الدین مردوخ پور مدیر و آموزگار از ۱۳۱۰ تا مهر ۱۳۱۲
- ۱۶- صادق معتمدی آموزگار از سال ۱۳۰۹
- ۱۷- محمد صبحی فرزند عبدالله آموزگار از سال ۱۳۱۱
- ۱۸- ملا محسن تاج بخش فرزند محمد حسن مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۱ تا مهر ۱۳۱۴
- ۱۹- عبدالحسین خلیلی آموزگار از ۱۳۱۱ تا مهر ۱۳۱۴
- ۲۰- غیرضا نجف خان منطقی آموزگار از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳
- ۲۱- مهدی نصیرزاده صدیقی مدیر و آموزگار از ۱۳۱۴ تا مهر ۱۳۱۵
- ۲۲- حاج علی فرهی آموزگار از سال ۱۳۱۴ تا مهر ۱۳۱۵
- ۲۳- حسین صدقیانی آموزگار از سال ۱۳۱۴ تا مهر ۱۳۱۵
- ۲۴- نبی ساعی آموزگار از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
- ۲۵- ابراهیم شادروان مدیر و آموزگار از ۱۳۱۵ تا مهر ۱۳۱۶
- ۲۶- برهان الدین حمدی فرزند عبدالحمید آموزگار از ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷
- مرحوم حمدی با ابلاغ بانه و ردیف حقوقی آنجا در دبستان پهلوی سندج خدمت می کرد.
- ۲۷- عبدالرحیم مدرسی آموزگار در ۱۳۱۵
- ۲۸- محمد ضیائی آموزگار در ۱۳۱۵
- ۲۹- دارف پیک فراش در سال ۱۳۰۵ بیعد
- ۳۰- محمد رحیم اسعدی آموزگار از سال ۱۳۱۶

- ۳۱- محمد مدرسی آموزگار از سال ۱۳۱۶
 - ۳۲- سیمین دخت ندیمی آموزگار از سال ۱۳۱۶
 - ۳۳- مهاجر پور مدیر و آموزگار از ۱۳۱۸
 - ۳۴- حبیب الله مهدی زاده آموزگار از ۱۳۱۷
- این اشخاص محترم کارکنان دبستان پهلوی و نام بردگان محترم در پائین کارکنان دبستان مختلط نانه بوده اند.

- ۱- بانو مرضیه طباطبائی مؤسس و مدیر دبستان ۴ کلاسه مختلط از ۱۳۱۵ تا شهریور ۱۳۱۶
- ۲- ابو تراب هدائی مدیر دبستان مختلط از شهریور ۱۳۱۶ تا شهریور ۱۳۱۷
- ۳- عذری فرحزا آموزگار از شهریور ۱۳۱۵
- ۴- عبدالله اسکورت مستخدم از شهریور ۱۳۱۵
- ۵- فاطمه میرابیان آموزگار از شهریور ۱۳۱۶
- ۶- کاظم زندی آلی پینک مستخدم از ۱۳۱۶
- ۷- ملوک اوشاری مدیره و آموزگار از ۱۳۱۷
- ۸- سیمین دخت ندیمی آموزگار از ۱۳۱۷
- ۹- قادر علیمزادی مستخدم از سال ۱۳۱۷

دبستان منوچهری سردشت

از فحوای بند ۳ نامه مدیر دبستان دولتی سردشت به استنادار که فتوکی آن ضمیمه است چنین بر می آید که این مدرسه در سال ۱۳۰۷ تأسیس شده و میز و صندلی برای آن ساخته شده است ضمناً ملا سعید خلوصی یکی از معلمین این مدرسه است که از سال ۱۳۰۷ تا سال ۱۳۲۳ در آن محل تدریس داشته است اینک صورت اسامی کارکنان اولیه این دبستان:

- ۱- ملا سعید خلوصی آموزگار از ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۳
- ۲- سید موسی سجادی آموزگار از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳
- ۳- یحیی ریاضی آموزگار از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸
- ۴- یحیی سپهر آرا مدیر و آموزگار از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶
- ۵- حسین اخباری آموزگار از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
- ۶- احمد فتوحی آموزگار از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰
- ۷- محمد صالح اقبال مستخدم
- ۸- محمد باقر تیغدار آموزگار از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰
- ۹- عباس شیخ الاسلامی مستخدم از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

تاریخ شم. برج ... ۱۳۰۵
 ضمیمه ... شماره ۱۶۷۱/۱۵۴۸



وزارت معارف و اوقاف
 و صنایع مستظرفه

۵۲۵
 ۱۰۰
 ۱۰۰
 ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم

آرشیو سرف کوشن

بسم الله الرحمن الرحیم
 ملاحظه در صورتیکه آقای حسین درودن از شهیدان
 تیس روزه با همی سرودن حق بدین مدرسه هندی بانه تصویب شود در چنانچه
 سابقه تا نوزده دارد ماضی حقوق تیس روزه بر طبق قانون استقامت خود را
 بدین با هر سه تری کثرت شود.



۱۰۰
 ۱۰۰
 ۱۰۰
 ۱۰۰

۲۵/۱۱/۱۳۰۵
 شماره ۹۷

سه مرتبه کد رتبه از کثرت نامه اراک سیر از انجمن الدایم خان
 سهم را که موقع حرکت از سنج بآن اداره تقدیم داشته است
 و این فرمانیه که باین دلیل تروید بدین مدرسه تیس روزه
 حسین درودن



اداره معارف و اوقاف تبریز

گزارش نیمه سالیانه دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -

آموزگار معتمدین - آمار معتمدین

۵	=	مهاجری
۱	=	فنیانی
۳	=	نصرتی
۲	=	اسدی
۱	=	امیدی

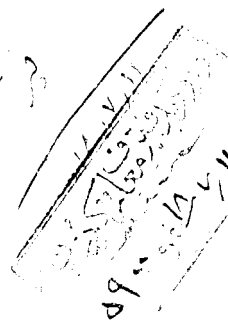
عزیز معتمدین - کلاس اول ۲۰ نفر

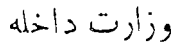
۴	=	نفر
۳۲	=	معلم
۲۹	=	مهاجری
۱۱	=	نصرتی
۱۳	=	نفر

۱۲۹

دبیران و مدیران مدارس

- ۱- آمار معتمدین و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۲- طبع و نشر ۵۹۹ بانه بدیهه دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۳- دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۴- بر اساس اداره کردن دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۵- طبع و نشر ۵۹۹ بانه بدیهه دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۶- زراعت و بهار که در طی ۵۹۹ بانه بدیهه دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -
- ۷- کارکنان دبیران و مدیران مدارس و مراکز آموزشی -





شماره ۱۷۱

روز نوشت نامه به سردار و به سردار به سردار
مورخه ۱۵/۳/۱۴۰۴

دولت دار صبر
مقدم

رونوشت نامه مدیر دبستان دولتی سردشت به استاندار ناحیه ۴ مورخه ۱۷/۳/۱۵ شماره ۱۷۱

جناب استاندار در این موقع که بنگاه معارف سردشت را مورد بذل و توجهات قرار داده و بدین دبستان تشریف فرما شده و کارکنان آن را قرین افتخار فرموده اید تسایسته یـاند نواقصی که موجود و سبب عدم پیشرفت معارف در این بخش مرزی است با نهایت احترام بعرض برسانند.

۱- اداره نمودن دبستانهای شش کلاسه منوط به داشتن یک نفر مدیر و اقلاً پنج نفر آموزگار است که بتوان نتیجه گرفت و این دبستان را یک نفر مدیر و دو نفر آموزگار به سختی اداره می نماید

۲- عمارت فعلی گنجایش یک دبستان شش کلاسه را ندارد زیرا اطاق وسیع لازم دارد و این دبستان دارای چهار اطاق است و اطاق آن بدرد کلاس نمی خورد و بعلاوه حیاط آن کوچک و برای ورزش دانش آموزان مکفی نیست.

۳- اثاثیه دبستان در سال ۱۳۰۷ ساخته شده با اینکه همه ساله تعمیر می شوند باز قابل استفاده نیست و باید مقداری اثاثیه نوساخته شود.

۴- وجود یک نفر هنر آموز ورزش لزومیت دارد و دانش آموزان دبستان سردشت از این حیث خیلی عقب افتاده اند.

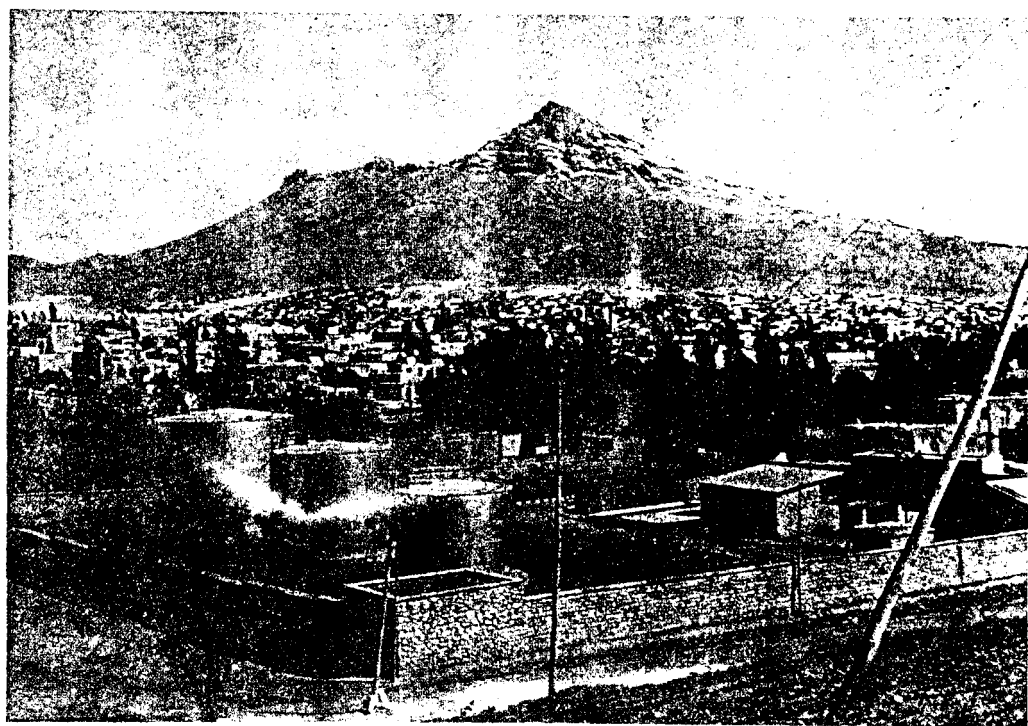
۵- جهت تشویق و ترغیب اهالی و راهنمایی آنان به کلاس اکابر کلیه ادارات در حدود اختیارات خودشان کمک و مساعدت فرمایند چون مردمان این بخش هنوز لذت خط و سواد را ندانسته و به مضرات بی سواد پی نبرده اند بدین جهت از آمدن به کلاس اکابر کوتاهی می نمایند، امید است با تشریف فرمائی جناب استاندار محبوب و معارف پرور بزودی رفع نواقص نامبرده شود.

رونوشت برابر اصل است

مهر و امضا

مدیر دبستان دولتی سردشت

امضاء صادق وزیری



شهر یجار

وضعیت و موقعیت بیجار در سال ۱۳۳۰ از فرهنگ جغرافیائی ایران

شهرستان بیجار یا گروس از شهرستانهای یازده گانه استان پنجم کشور است که از طرف شمال خاور به بخشهای قیدار و ماه‌نشان از شهرستان زنجان از طرف شمال باختر به بخش تکاب از شهرستان مراغه - از طرف باختر به بخش دیواندره از شهرستان سنندج - از طرف جنوب به بخش قروه از شهرستان سنندج - از طرف جنوب خاور به دهستان مهربان از بخش کبودرآهنگ از شهرستان همدان.

وضع کلی طبیعی: منطقه ای است کوهستانی، کم شیب و خاکی، هوای آن سردسیر (زمستان طولانی و تابستانی معتدل) سه رشته کوهستان به شرح زیر در این شهرستان وجود دارد.

۱- کوههای شمالی - در منتهی الیه شمالی شهرستان، کوههای خاکی نسبتاً مرتفعی از شمال باختر به جنوب با بخشهای تکاب و ماه‌نشان، محسوب می شوند. بلندترین قله رشته مذکور به ترتیب از باختر به خاور قله کوه امام زاده ایوب انصاری به ارتفاع ۲۵۱۲ متر، قله کوه زرنیخ در شمال آبادی چیچکلو به ارتفاع ۳۰۳۰ متر، قله کوه شاه نشین در شمال آبادی شاه نشین به ارتفاع ۳۲۰۰ متر است.

۲- کوههای مرکزی - تقریباً موازی با کوههای شمالی از دهستان قراتوره ادامه یافته از شهر بیجار و دهستان پیر تاج گذشته به کوههای خرقان متصل می گردد.

این رشته کوه در چند محل به وسیله رود خانه قزل اوزن - تلوار، مهربان و غیره قطع می گردد. بلندترین قله رشته مرکزی از شمال باختر به جنوب خاور عبارتند از: کوه قیصه به ارتفاع ۲۳۴۶ متر - کوه نقاره کوب در شمال باختر شهر به ارتفاع ۲۲۳۴ متر و کوه پنجه علی در باختر شهر به ارتفاع ۲۴۰۷ متر - کوه حمزه عرب در ۹ کیلومتری خاور بیجار به ارتفاع ۲۵۵۵ متر، کوه تماشا در ۲۰ کیلومتری جنوب خاور بیجار به ارتفاع ۲۲۵۸ متر و کوه چنگ الماس بین دهستان های پیر تاج و گاو بازه به ارتفاع ۲۵۲۵ متر است.

۳- سومین رشته کوههای جنوب شهرستان است که خط الرأس و مقسم المیاء آنها حد طبیعی بین این شهرستان و بخش قروه از شهرستان سنندج محسوب می گردد و قله مرتفع آن قله کوره ریزه کوه واقع در جنوب باختری نجف آباد به ارتفاع ۲۶۴۲ متر است. گودترین محل شهرستان آبادی کل قشلاق واقع در کنار رودخانه قزل اوزن و انتهای خاوری شهرستان است که ۱۳۷۲ متر از سطح دریا مرتفع تر است.

سه رودخانه مهم در این شهر جاری است: ۱- رودخانه قزل اوزن که سرچشمه آن از دهستان سارال بخش دیواندره است که از شمال دهستان سیلتان گذشته پس از پیوستن به رودخانه تلوار به طرف شمال منحرف و وارد زنجان می شود

۲- رودخانه تلوار که از دهستان اسفند آباد بخش قروه سرچشمه گرفته از جنوب خاوری دهستان خسروآباد و پل سلامت آباد و وسط دهستان پیر تاج گذشته در حدود دهستان قشلاقات افشار به رودخانه قزل اوزن ملحق می شود و در دهستان خسروآباد سه رود کوچک به نامهای خسروآباد - سراب شهرک و اوزن دره به آن می ریزد.

۳- رودخانه گوه زن - رودهای کوچک و متعدد دهستانهای کرانی و سیاه منصور به نام رود قمچقاي - حسن آباد - شهرک چیچکلو عموماً یکی شده و به نام گوه زن نامیده می شوند و در اراضی آبادی کل قشلاق به رودخانه قزل اوزن می ریزند.

سازمان اداری - شهرستان بیجار یا منطقه گروس از ۷ دهستان تشکیل شده است بدین شرح:

دهستان پسر تاج ۴۰ آبادی - ۱۲۰۰۰ نفر سکنه

دهستان خسرو آباد ۴۹ آبادی - ۱۶۰۰۰ نفر سکنه

دهستان سیلتان ۲۲ آبادی - ۷۰۰۰ نفر سکنه

دهستان سیاه منصور ۳۵ آبادی - ۱۲۰۰۰ نفر سکنه

دهستان کرانی ۵۹ آبادی - ۱۹۰۰۰ نفر سکنه

دهستان گاوه بازه ۱۵ آبادی - ۶۰۰۰۰ نفر سکنه

دهستان نجف آباد ۵۵ آبادی - ۹۰۰۰ نفر سکنه

شهر بیجار ۱ آبادی - ۱۰۰۰۰ نفر سکنه

جمع ۲۷۶ آبادی - ۹۱۰۰۰ نفر سکنه

از مرکز شهرستان سه راه شوسه به شرح زیر منشعب می شوند:

۱- از طرف جنوب خاور به همدان به طول ۱۵۳ کیلومتر خاکی درجه ۲

۲- از طرف باختر به سندج به طول ۱۴۰ کیلومتر خاکی درجه ۳

۳- از طرف شمال خاور زنجان به طول ۱۵۰ کیلومتر خاکی درجه ۱

راه اخیر در دست ساختمان می باشد.

ارتفاعات مسلط به شهر - باغهای اطراف، نهرهای مشجر در دامنه ارتفاعات، تاکستانهای دره خاور آباد و بهرام علی زیبایی خاصی به این شهر بخشیده که هیچگاه از خاطر بیننده محو نخواهد شد. باغهای و مزارع مجاور در شهر مانند شاهرخ آباد - بارک - پشت شهر و باغهای سراب بهترین تفرجگاه عمومی شهر محسوب می شود.

در این شهر سه خیابان کوتاه احداث شده است. خیابان پهلوی شرقی غربی است دو طرف آن به جاده شوسه همدان و سندج منتهی می شود. خیابان شاهپور از وسط خیابان پهلوی در جهت شمال منشعب، به راسته بازار سرپوشیده می پیوندد.

بازار مذکور به طول ۴۰۰ متر و انتهای شمالی شهر ادامه دارد.

خیابان درختان از خیابان پهلوی در جهت جنوب به طرف سراب کشیده شده است کوچه های قدیم شهر در اطراف بازار و شمال شهر واقع شده و کوچه های نوساز که نسبتاً مستقیم و عریض هستند بین خیابان پهلوی و شاهپور واقع و اکثر کوچه ها سنگ فرش شده است. روشنایی شهر تا شهریور ۱۳۳۰ به وسیله چراغهای نفتی شهر داری تامین می شد ولی در سال مذکور اقدام به تأسیس برق گردید و از این تاریخ چراغ برق دارد.

آب شهر از چشمه ها و قنوات زیر تأمین می شود:

۱- چشمه سراب در یک کیلومتری جنوب شهر از زیر کوه جاری و در مسیر خود روستاها شهر را مشروب می کند. اکثر کوی های شهر از آن استفاده می نمایند.

۲- چشمه دره قراچه، لی که مزرعه بادامستان را مشروب می کند.

۳- چشمه خاور آباد، قسمتی از آبهای خاور شهر را مشروب می نماید.

۴- قنات راه سیاه که باغات شهر از آن استفاده می کنند.

۵- چشمه بهرام علی و دو قنات دیگر در خاور شهر. مزرعه بهرام علی را مشروب می نمایند.

۶- قنات کهریز که بالغ پارک و مزرعه پشت قلعه را مشروب می نماید.

۷- قنات شاهرخ آباد مورد استفاده مزرعه شاهرخ آباد در باختر شهر است.

۸- قنات علیشاه و چند قنات دیگر باغهای وسط شهر را مشروب می نمایند.

خرابه های قلعه بسیار قدیمی و باستانی شهر در خاور و انتهای شاهپور به نظر می رسد. در این شهر بیمارستان وجود ندارد و بهداری آن مریض هاربطور سریایی معالجه می نماید. از طرف سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی، درمانگاهی در این شهر احداث و دایر است. جمعیت شهر حدود ده هزار نفر است که زبان مادری شان کردی فارسی است و به ترکی نیز آشنا هستند مذهب ساکنین شهر مسلمان اغلب شیعه اثنی عشر و در حدود ۲۰ خانوار کلیمی در این شهر سکونت دارند. در این شهر یک دبیرستان ۵ دبستان پسران و ۲ دبستان دختران ۴ مسجد و یک باشگاه ورزشی وجود دارد. دکانین شهر در حدود ۶۰۰ باب می باشد. شغل اکثر سکنه شهر کاسب بازاری - کارکنان دولت - خرده مالک و زارع اند.

صادرات مهم این شهر غلات، لبنیات، حبوبات، پشم و پوست، قالیچه و چوب، واردات عمده اجناس برازی - خرازی - عطاری و غیره است.

فرودگاه طیاره در ۴ کیلومتری شمال شهر در شمال اراضی آبادی تحت واقع شده است. طبق آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان دارای دو شهر به نام بیجار و حسن آباد یا سوکند، ۳ بخش به نامهای

مرکزی. کرانی و جنگ الماس، ۱۱ دبستان و ۲۷۹ روستا می باشد که از این آبادیها ۲۰ آبادی خالی از سکنه است جمعیت شهرستان بیجار در سال ۱۳۷۳ به ۱۲۷۰۰۰ نفر رسیده است.

آموزش و پرورش در بیجار

در اثر تلاش زیادی که برای بدست آوردن مدارک تحصیلی از وجود آموزش و پرورش در بیجار گروس بعمل آوردیم. موفق به بافتن دو نامه قابلی شدیم.

اولی نامه ای است به شماره ۶۲۶ در تاریخ سوم حوت ۱۲۹۹ از طرف حکومت گروس به وزارت معارف و اوقاف مبنی بر اینکه عابادی معارفی بیجار متجاوز از چهارصد و یک توهان و یک ساختمان مخصوص مدرسه ابتدائی که خریداری شده و تشکیل این مدرسه موقوف و موقوفه به وجود رئیس معارف در بیجار است و در نامه متذکر شده اند، چون آقا سید محمد برادر آقا سید ابوالقاسم معروف گروس و علاقمند به امور معارف است، دستور فرمایند ابلاغ ریاست ایشان را صادر نمایند.

نامه دوم، جواب نامه بالاست که وزارت معارف به حکومت گروس نوشته است مبنی بر اینکه وزارت معارف شایستگی آقا سید محمد را با تایید شما قبول دارد نه لازم است ریاست معارف کردستان را در جریان بگذارد تا از آنجا پیشنهاد صدور حکم آقا سید محمد را نمایند نامه دیگری در دست است در سال ۱۳۴۷ قمری که حدود سال ۱۳۰۷ شمسی میشود، در زمان ریاست میرزا صادق رفیعی رئیس معارف و اوقاف گروس یک باب ساختمان در قریه پیر تاج جهت تشکیل و تأسیس مدرسه ابتیاع شده به مبلغ یکصد و ده توهان که نصف آن حین عقد قرار داد پرداخت شده است.

طبق اسناد مربوطه، اولین دبستانی که در شهر بیجار تأسیس شده، دبستان ملی اتحاد کلیمیان است که نورالله نورانی مؤسس و مدیر مسئول آن بوده و در سال ۱۳۰۰ شمسی افتتاح و شروع به کار نموده و از دانش آموزان کلیمی و مسلمان ثبت نام نموده است. دبستانهای نجف آباد و خورخوره و امین حسن آباد یا سوگند و حکمت یا سوگند و هدایت خسرو آباد و دبستان پیر تاج در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ دایر بوده است. دبستانهای ۱۵ بهمن و ۱۷ دی و شاهپور و فردوسی و دبستان پناه ای، مخصوص شهر بیجار و دبستانهای هدایت خسرو آباد و پیر تاج، خیام نظامی قرا توره، سیهر، فرلکند، تدین الله کبود، انوری آغبلاغ و دبستان خاقانی و مولوی و سعد مهر آباد و دبستان دو کلاسه توبی آغاج طبق اسناد موجود در سال ۱۳۱۸ دایر بوده اند.

اسناد موجود نشان می دهد که اشخاص مشروحه زیر از خدمتگزاران اولیه آموزش و پرورش منطقه گروس بوده اند.

- ۱- نورالله نورانی مؤسس و مسئول دبستان ملی اتحاد کلیمیان در ۱۳۰۰ شمسی
- ۲- میرزا آقا صادق رفیعی رئیس معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در ۱۳۰۷ "
- ۳- میرزا رحیم خان کرامتی رئیس معارف و اوقاف در سال تحصیلی ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲
- ۴- میرزا علیخان نور بخش مدیر و آموزگار دبستان پیر تاج در سال ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲
- ۵- میرزا ابراهیم پرنده معلم کلاس ۶ در شهر بیجار
- ۶- محسن شیخ الاسلامی مدیر و آموزگار مدرسه حکمت در حسن آباد! سوکند در ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲
- ۷- حسن ریاضی مدیر و آموزگار در دبستان خسروآباد در ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲

مساجد گروس

مسجد تخت - مسجد جامع - مسجد اولیا - مسجد محمد خان - مسجد آغاج - مسجد گنبد - مسجد سیدان - مسجد خوش مقام - مسجد آب باریک - مسجد جان قلی - مسجد بابا - مسجد قراوطره - مسجد نجف آباد - مسجد حسین خان - مسجد خراسان - مسجد گلچیان - مسجد آلمه قلان - مسجد قبر لعلی - مسجد آغچه گنبد - مسجد پیرگله - مسجد آله کبود - مسجد حلوانی - مسجد چهل امیران - مسجد چشمه کاظم - مسجد زرده کمر - مسجد گرگین - مسجد قوجور - مسجد بابارشانی - مسجد سلامت آباد - مسجد خان بلاغی - مسجد جبرئیل - مسجد دارغیاث - مسجد شوشتری - مسجد حسن آباد - مسجد گلته - مسجد بستاندره - مسجد شاه نشین - مسجد شهرک - مسجد تکیه - مسجد آزاد ویس - مسجد پیر تاج - مسجد قرانقره - مسجد همایون - مسجد جعفر آباد - مسجد فتح آباد - مسجد حسن تیمور - مسجد چولچه - مسجد گاوبازه - مسجد خسروآباد

امام زاده ها

امام زاده علیو - امام زاده سید جواد - امام زاده سید بهمن - امام زاده سید خضر - امام زاده خانقلی - امام زاده حسنی - امام زاده کبود سوار - امام زاده بهرام آباد - امام زاده فاضل - امام زاده موسی - امام زاده اسماعیل - امام زاده سلامت آباد - امام زاده جبرئیل - امام زاده صاحبه - امام زاده قاسم - امام زاده قزل آغاج - امام زاده سعید آباد - امام زاده چهل امیران - امام زاده چنگیز قلعه - امام زاده حسن آباد - امام زاده تابستانی - امام زاده قزل علی - امام زاده سیدان - امام زاده حمزه عرب - امام زاده بابارشانی - امام زاده بهمن سبز

خواجہ غلام احمد دہلوی
برائے مولانا محمد امجد علی
درود پتہ پانچ گناہ لکھنؤ



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible][illegible][illegible]

اقامه حضرت ائمه اربعین علیهم السلام
 من اعراف منوچهری در کربلا
 بر تاج من
 بر تاج من
 بر تاج من



شماره ۱۹۵۴ م

مجله ۱۳۰۳

وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف گروس

شماره ۸۸۴۹

مستقیم معارف و اوقاف

کتابخانه وزارت گریه حبیب الله طاهر

در مستطوف میدارد نظر بکتابت حسین بن علی

و صف قوه بهره کمال از عهده اداره کون کلدس

نقد نموده و بابت در وقت خود بهره نامد

شارالیه در عاتق سن ۱۸ عت خود که کلدس

هر سنج شریان حقوقی است و در وقت حقوق

عده از سنج بخیران چهار کرانه عامه

نموده و بضمیمه آن فال پس در راهی ۹

در مسلمات صحت آن که مرجع و مرتب

۲ چهار عجم رصیح و در کصد هم در عده

مدعی است اماره حضرت شریک

Handwritten notes and signatures on the right margin, including a large signature at the bottom.

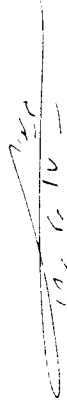


نوشته سلطان شار. ۴۹۰۰
دوره ۱۵، کر ۱۷ که اصل آن اشاره به بیت شد

بدرارائی محل‌پرو اخت نماید .

فرستاده میشود

کارگنہیں وزارت فرهنگ . محمد یزدانفر



اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شماره ۷۷۷۱
تاریخ ۱۳۱۶/۶/۱۴

ادارہ تعلیمات اسلامیہ

[illegible]

02651

15920



وزارت فرهنگ

رونوشت / شماره ۱۲۱۷ / ۲ / ۱ مورخه ۱۳۱۷ / ۱ / ۱ که اصل آن شماره ۱۲۱۷ / ۲ / ۱ ثبت شد

آقای سنبلیله چهل امیرانی

از تاریخ ۱ / ۲ / ۱۳۱۷ با ماهی هفتاد ریال حقوق بسمت تحصیل از اوقات فرهنگت گروس منسوب و حقوق خود را از محل درآمد اوقات دریافت خواهید نمود
داشت لازم است از تاریخ مزبور حقوق ماه اول و کسر صد یعنی از مقرری ماههای
بند خود را بفتح صد و از آن به بانیستکی کشور به وسیله فرهنگت آن حوزه
بند ارایه محل برداخت نمائید .

از طرف کفیل وزارت فرهنگت
مستاد به میسر

مستاد به میسر

رونوشت بران اصلاح اداره

کارشناس وزارت فرهنگت . محمد یزدان

مستاد به میسر



وزارت معارف و اوقاف - باغ مظفر

اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

1000

[illegible]

Winnipeg

10

حساب و معانی
 ۱۱۱۸۵
 ۱۱۱۸۵
 ۱۱۱۸۵

سری اکبر کا راجہ کی اول بیت ان کی ۱۵۱۱ھ میں مراد دیکھو درجہ کی تہہ سے جہاں دیکھو مبرا

سید احمادی، دی در علی راطق دستار، دی نمره ۱۳۴۲

که با خاطرات خود میسر در - - - - -

[illegible]

کارهای خودی که می‌تواند در آنجا بکار آید

تو بهی در کوههای دل در غمت فروزید و بایف با تمام در برگ فروزید ۲۱ و در برگ در غمت همه رسد

میں نے اس کے لئے ایک اور کتاب لکھی ہے جس کا نام ہے "میں نے اپنے آپ کو کیا"۔

[illegible]

منه على الله

15950

10

12011

1940

100

1000

$\frac{19.61}{\text{mms}}$

Handwritten signature or scribble.

مجلسه اول

Thurs. 10. 22. 64



1307/19



وزارت معارف و اوقاف - بیامع تنظیم

اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

11/11/11

10

MAN
HARRIS

[illegible]

—

1972/11/03

15

PCVA
PCVA

19

100

1851

19.21

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً

Thurs. 10. 2nd July

شماره ۳۸۸
تاریخ ۸/۸/۱۳۲۰
پست ۱۳۲۰



وزارت فرهنگ
اداره فرهنگ شهرستان بروجرد

۱۵۷۷

تاریخ ۱۹۰۴۸
شماره ۳۰۸۷۵
گزارش ۱۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الطاهرين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵۷۷



۱۵۷۷



وزارت فرهنگ
(اداره فرهنگ کروس)

تاریخ ۱۳۲۰
شماره ۳۸۸
پست ۱۳۲۰

اداره کازیمینی - وزارت فرهنگ

عطف بابت شماره ۳۱۲۲۴/۵۲۱۴۸
۱۳۲۵/۱۸/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵۷۷

۱۵۷۷

۱۵۷۷

قروه از فرهنگ جغرافیائی ایران وضعیت سال ۱۳۳۰

قروه: بخش قروه از شهرستان سنندج از طرف شمال به شهرستان بیجار - از خاور به شهرستان همدان - از جنوب به بخش سنقر کلیایی از شهرستان کرمانشاه - از باختر به حومه شهرستان سنندج محدود است.

این بخش از ۵ دهستان به شرح زیر تشکیل شده است:

۱- دهستان اسفند آباد ۹۷ آبادی - ۳۱۰۰۰ نفر سکنه

۲- دهستان بیلاق ۴۳ آبادی - ۱۳۰۰۰ نفر سکنه

۳- دهستان چهار دلی ۳۱ آبادی - ۱۲۰۰۰ نفر سکنه

۴- دهستان خدابنده لو ۶۱ آبادی - ۲۱/۵۰۰ نفر سکنه

۵- دهستان لک ۱۵ آبادی - ۲۵۰۰ نفر سکنه

جمع ۲۴۷ آبادی - ۸۰۰۰۰ نفر سکنه

بخش قروه در ۹۳ کیلومتری خاور سنندج - ۹۷ کیلومتری شمال باختر همدان و کنار راه شوسه همدان به کردستان است.

این بخش در دشت واقع شده و سرد است ۴ هزار نفر سکنه و زبان مادریشان ترکی - کردی و به فارسی هم آشنا هستند. آب از چند رشته قنات و زه آب رودخانه و چشمه ها - محصول عمده غلات ، حبوبات ، میوه جات مخصوصا انگور ، شغل ساکنین زراعت و گلخانه داری ، صنایع دستی زنان بافتن قالیچه - جاجیم ، کرباس ، در حدود صد باب دکان.

ادارات دولتی قصبه عبارت است از بخشداری - آمار - دارائی - پست - پاسگاه ژاندارمری - دبستان - چند قهوه خانه کنار راه دارد.

وضعیت امروز شهرستان قروه با مساحتی معادل ۴۳۲۹ کیلومتر مربع.

شهر قروه به عنوان مرکز شهرستان بین ۱۴ دقیقه و ۴۷ درجه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است.

ارتفاع شهرستان قروه از سطح دریا در حدود ۱۹۰۰ متر است.

طبق آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان دارای ۳ شهر به نامهای قروه - دهگلان - سریش آباد و ۲ بخش به نامهای نیلاق و مرکزی و ۱۲ دهستان و ۲۵۳ روستا که ۱۵ روستای آن خالی از مردم است.

جمعیت شهرستان قروه در سال ۱۳۷۳ به ۲۰۶۵۰ نفر رسیده است.

مدرسه انتصاریه

زمان حکومت مظفر خان سردار انتصار در کردستان به سال ۱۳۰۳ در قصبه قروه تأسیس شد. مدرسه که در ابتدا دو کلاس بیشتر نداشت مرحوم میرزا محمد خان جوهری (سعید دیوان) ادیب و شاعر توانمند، کلیه امور مربوط به این مدرسه را پذیرفت و به محل گسیل شد، قریب به سه سال این مدرسه را به خوبی اداره نمود و با تقاضای خود در تاریخ ۱۳۰۵/۹/۲۰ به مدیریت مدرسه تازه تأسیس سریش آباد انتقال یافت.

و آقای میرزا عبدالغنی آیدری به جانشینی او به محل اعزام شد بعد در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۶ آقای آیدری بر ای کار لازم تری به سندج احضار و آقای لطف الله حکمت سرپرستی مدرسه انتصاریه را به عهده گرفت. اینک اسامی کسانی که در سالهای اولیه تشکیل مدارس و پایه ریزی آموزش و پرورش در آنجا خدمت نموده اند.

- ۱- میرزا محمد خان جوهری (سعید دیوان) از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵/۹/۲۰
- ۲- میرزا عبدالغنی آیدری از ۱۳۰۵/۹/۲۰ تا ۱۳۰۶/۶/۱۵
- ۳- حسن شیخ الاسلامی از ۱۳۰۶/۶/۱۵ تا پایان ۱۳۰۷
- ۴- شیخ لطف الله حکمت (موید العلما) از ۱۳۰۵/۶/۱۵ تا پایان سال تحصیلی ۱۳۰۶
- ۵- مسعود فاضل دربندی از فروردین ۱۳۰۷ ابلاغ خدمت در مدرسه دولتی قروه را داشته در ۳۱۲ در رونق جوآنرود از این پس تا ۲۰/۸/۳۰ در سراقحط و حافظ قروه خدمت نموده است .
- ۶- مظفر فرزند محمد امین ندیمی در ۳۰۶ مستخدم مدرسه
- ۷- حسن تارک از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۰۸ معلم مدرسه انتصاریه
- ۸- موسی خان ایقانی فرزند شکرالله در ۳۰۸ معلم مدرسه انتصاریه
- ۹- میرزا عبدالرحیم خیالی پدر آقای یدالله نامجو در سالهای ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۰- علی اصغر بصری فرزند حسن در سال ۱۳۱۰ معلم مدرسه
- ۱۱- عبدالحمید خداکرمی فرزند نایب باقر در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۲- ابوالحسن کیمیا قلم فرزند حاج عبدالله در سال ۱۳۰۹ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۳- محمود ضرابی فرزند حسن در سال ۱۳۱۰ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۴- خلیل صبری در سال ۱۳۱۲ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۵- سید محمود امینی فرزند حاج سید علی اکبر از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ مدیر و آموزگار دبستان حافظ بوده
- ۱۶- ابراهیم یوسفی فرزند خواجه پتروس در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ معلم مدرسه انتصاریه
- ۱۷- حسین شفیعیان مدیر و آموزگار مدرسه انتصاریه در سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵

- ۱۸- سید حسن امینی فرزند سید محمود از سال ۳۱۳ تا ۳۱۵ آموزگار دبستان حافظ
- ۱۹- شکرالله نیک نام در همین سالها مستخدم دبستان حافظ
- ۲۰- سید احمد شونیدی فرزند سید حسین از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۰ مدیر و آموزگار دبستان حافظ
- ۲۱- اسدالله فرهادی سلطان محمد از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۲ آموزگار دبستان حافظ
- ۲۲- جعفر شادروان در سالهای ۳۱۷ و ۳۱۸ آموزگار دبستان حافظ
- ۲۳- مفید رضوی فرزند حسن متولد ۱۲۹۷ سریش آباد در سال ۱۳۱۹ آموزگار دبستان حافظ
- ۲۴- مسعود فاضل دربندی فرزند محمد سعید مجدداً در سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۳ آموزگار دبستان حافظ

سراب قحط

ده از دهستان اسفند آباد بخش شهرستان قروه ۲۴/۵ کیلومتری باختر قروه و ۴ کیلومتری جنوب راه اسفالت قروه - سنج - مدرسه این آبادی در سال تحصیلی ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ به مدیریت میرزا محمد جوهری (سعید دیوان) که قبلاً مدیر دبستان انتصاریه قروه بود افتتاح می شود و پس از مدت یک سال به مدیریت و آموزگار مدرسه خاقانی سریش آباد فرستاده می شود.

کارکنان این مدرسه بدین قرارند:

- ۱- میرزا محمد جوهری (سعید دیوان) مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶
- ۲- نجم الدین ورزنده مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷
- ۳- عبدالعزیز مشرفی فرزند محمد رفیع آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱
- ۴- مسعود فاضل دربندی مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹
- ۵- میرزا سعید خان قصیری آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۶- خلیل صبری مدیر و آموزگار از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱
- ۷- از سال ۱۳۱۴ مدرسه سراب قحط به آبادی دزج انتقال یافته است و طبق مدارک پرونده های مربوطه، اشخاص نام برده زیر در این مدرسه به خدمت مشغول بوده اند.

- ۱- سید محمد ابطی فرزند سید مهدی مدیر و آموزگار دبستان عنصری در سال تحصیلی

۱۳۱۴-۱۳۱۵

- ۲- حسن جلیلی فرزند حاج محمد آموزگار دبستان عنصری دزج در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- ۳- رحمت الله کمالی مستخدم دبستان عنصری در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
- ۴- حسن جلیلی مدیر و آموزگار دبستان عنصری در سال تحصیلی ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷
- ۵- یحیی سپهر آرا مدیر و آموزگار دبستان عنصری در سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴
- ۶- حبیب الله امین کانی مشکانی آموزگار دبستان عنصری در سال تحصیلی ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴

- ۷- اسدالله فرهادی فرزند سلطان محمد آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴
- ۸- سید نجم الدین سجادی فرزند عصام الدین مدیر و آموزگار دبستان عنصری دزج ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸
- ۹- بهاء الدین غمی (شادمان) آموزگار دبستان عنصری دزج در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸
- ۱۰- خلیل بیابانی فرزند موسی خدمتگزار دبستان عنصری دزج در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸
- ۱۱- شاهرخی آموزگار دبستان عنصری دزج در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸

مدرسه خاقانی سریش آباد

این مدرسه در خرداد ماه ۱۳۰۶ با حضور آقای عطاءالله معتمدی نماینده معارف کردستان و کفیل حکومت اسفند آباد تأسیس و افتتاح گردید و در همان روز اثاثیه و ملزومات مدرسه طبق لیست ضمیمه تحویل شیخ نصرالله یرتوی عراق که گویا مستخدم مدرسه بوده، گردیده است. ضمناً در آن تاریخ مدرسه چهار کلاسه بوده صورت کارکنان این دبستان طی سنوات اولیه از این قرار بوده است:

- ۱- میرزا محمد خان جوهری (سعید دیوان) مدیر و آموزگار در سال ۱۳۰۶
- ۲- ابوسعید رضوی آموزگار در سال ۱۳۰۶
- ۳- میرزا ابوالقاسم روحی فرزند ملا علی مدیر و آموزگار در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸
- ۴- محمد علی آرامی فرزند شیخ سلیمان آموزگار در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲
- ۵- میرزا مجید شهابی فرزند ملا جلال آموزگار در سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲
- ۶- محمد حسین اردلان مدیر و آموزگار در سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴
- ۷- حاج شیخ حسین شفیعیان مدیر و آموزگار در سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
- ۸- جعفر شادروان آموزگار ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
- ۹- ناصر بهادری آموزگاری ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۷
- ۱۰- محمد رضا قطب فرزند عباس مدیر و آموزگار ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶
- ۱۱- سید نجم الدین سجادی مدیر و آموزگار ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸
- ۱۲- محمد امین بطحانی آموزگار ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸
- ۱۳- سید محمود سجادی آموزگار ۱۳۱۸ تا ۱۳۱۹
- ۱۴- عزت الله منبری آموزگار ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰
- ۱۵- محمود گوش بر آموزگار ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۴
- ۱۶- مستوره ترابی آموزگار ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴
- ۱۷- محمد کریم فقر خدمتگزار ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۵
- ۱۸- یدالله حاجیان خدمتگزار ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۵

مدرسه دهگلان

این مدرسه در سال ۱۳۰۶ برپا بوده و آموزگارانی در آن به تدریس اشتغال داشته اند و به ترتیب هر که را یافته ایم نام می‌بریم:

- ۱- میرزا شکرالله فرخ پور فرزند محمد امین در سال ۱۳۰۶ مدیر و آموزگار
- ۲- میرزا ابراهیم فقیهی اصفهانی از تاریخ ۱۳۰۶/۶/۲۲ در آنجا تدریس داشته اند
- ۳- شیخ توفیق سدری از سال ۱۳۰۶ تا سال ۱۳۱۰ در آنجا معلم بوده است
- ۴- یحیی سپهر آرا در سال ۱۳۰۶ آموزگار و مدیر مسئول بوده است
- ۵- میرزا جناب دبیری در سال ۱۳۰۷ به این مدرسه انتقال یافته است
- ۶- امین الله اردلان آموزگار این مدرسه در سال ۱۳۰۷
- ۷- سید مصطفی مصطفوی از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۱۱ مستخدم این مدرسه بوده است
- ۸- عبد السلام معتمدی از سال ۱۳۱۱ مدیر و آموزگار این مدرسه
- ۹- ابوالقاسم واسعی فرزند عبدالله از سال ۱۳۱۱ آموزگار در این مدرسه
- ۱۰- مفید رضوی فرزند حسن در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ در این مدرسه تدریس داشته و در سال تحصیلی ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ مدرسه آبادی دلبران را افتتاح نمود و به مدیریت و سرپرستی و تدریس در آنجا مشغول شد.

از طرف وزارت سارف آگاه سارف - نماینده سارف کردن - با آگاهی

سیرا امهرفان جوهر (سیرا دیوان) بر طبق مواد دینار و داد مینار که در امار اود ۱۳۰۵

نایب اکثر پنجاه ۱۳۰۶ شمسی سمیت سیرا در سارف ابار افسار ابار افسار افسار

و از قرار مابین سارف و سارف افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۱- آگاه سیرا امهرفان جوهر سارف افسار افسار افسار افسار افسار

صدور و نظایف سارف افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۲- سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۳- سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

یک سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۴- در صورتی که آگاه سیرا امهرفان جوهر سارف افسار افسار افسار افسار

نقص سیرا افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۵- در صورتی که آگاه سیرا امهرفان جوهر سارف افسار افسار افسار افسار

در داد افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۶- وزارت سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ایم سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

ماده ۷- ایم سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

سارف افسار افسار افسار افسار افسار افسار افسار

مهر و امضا سارف افسار افسار افسار افسار افسار

مهر و امضا سارف افسار افسار افسار افسار افسار



(وزارت عالیله)

اداره عالیله

دایه

لایحه تصویب کردن

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ ۱۲/۱/۱۳۰۹
شماره ۲۷۰ ضمیمه ۳

موضوع

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

۱۳۰۹/۱/۱۲

تاریخ ۸/۱/۱۳۰۹

شماره ۵۴ ضمیمه

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

وزارت داخله

حکومت کردستان

دایره

لایحه تصویب کردن

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

تأیید و تصویب طرح پیشنهادی

۱۴۶۹
۱۳۰۹ خرداد

فارسه حسن آید و بیایم بایست که در قزوین
از راه سراسر آید از راه که شایسته است
خود را به وطن تمام و بیرون از آن
از حسن و کرم و تقی که حال ضایع دارد -
میرد و در قزوین

ملک
۱۳۰۹
شماره قزوین

۱۳۰۹
۱۳۰۹

میرد و در قزوین
از راه سراسر آید از راه که شایسته است
خود را به وطن تمام و بیرون از آن
از حسن و کرم و تقی که حال ضایع دارد -
میرد و در قزوین

تاریخ ۱۳/۳ - ماه - سنه ۱۳۱۸
نمره ۲۴۹۷ ضمیمه



اقای معتمد داسی از طرف خوبخواوان و شرکا و عباس بهقان از طرف انایان پاسیاراصفی و معتمد وزیری
ششد انت یکباب خانه واقع در بخش قروه که شرقاً محدود است بمعبر عمومی و از طرف مغرب و شمال زمین بایر
و از طرف جنوب بمقهوه خانه باداره فرهنگ سند ح برای محل بستن - افق با شرایط ذیل اجاره میدهد
۱- مدت اجاره یکسال کامل شمسی از اول فروردین ۱۳۱۸ تا ایت اخرا سفند ۱۳۱۸ خواهد بود -
۲- مبلغ مال الاجاره هر ۱۲۰۰ ریال است که با قسط ماهانه پرداخت خواهد شد -
۳- نشاف و سکه گیر و ورف روی مستاجر به عهده اداره فرهنگ است -
۴- تشخیص لزوم تعمیر با اداره فرهنگ و تعمیرات لازمه مستاجر به عهده مویرین است -
توضیح اینکه ششد انت خانه مزبور سه دانگ آن متعلق باقای معتمد داسی و شرکا و یکد انت و نیم آن
متعلق باقای تقی معتمد وزیری و یکد انت و نیم دیگر باقای پاسیاراصفی متعلق است و هر یکد اهمیتت
سهم خود از منافع خانه مزبور استفاده مینمایند - رهبر فرهنگ شهرستان سنندج - شکبها



بند ۱ و ۲ هر سه
تحت
بند ۱ و ۲

بند ۱ و ۲ هر سه
تحت
بند ۱ و ۲



اداره کارگزینی
شماره ۷۳۲۳۸
تاریخ ۱۵/۴/۱۳۹۰
سمیه

وزارت فرهنگ

اداره فرهنگ - خنجر

بایسته‌نهاد شماره ۱۳۰/۱۹۹۰ مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۹ مورخ

آقای مفید ضریح فرزند میر حسن
خاتم

دارنده شناسنامه شماره ۱۶۵۰ صادر از سرپرست متولد سال ۵۳

بسمت گزارشی ری کسری و دکتری و فقط قوه

با مافی کسری و ریال و حق از محل بودجه مدرسه

از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۱۹ موافقت میشود.

تاریخ حقوقی و کوائف بموافقت اداره باز منتهی و دستور پرداخت اداره

حسابدار خواهد بود.

در طرف وزیر فرهنگ

تاج

۱۳۱۹/۷/۲۹
۱۳۱۹/۷/۲۹

۱۳۱۹/۷/۲۹
۱۳۱۹/۷/۲۹
۱۳۱۹/۷/۲۹
۱۳۱۹/۷/۲۹

۱۳۸۱/۱۱/۱۳

اصحابه عضافاً نواده کارکنان دبستان دولتی درج که در ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ بطبقم و تضمینیه ۱۰۱ بمرور

شماره ملی	اسم	نام فامیلی	شغل	عدد زوجه	عدد اولاد	تاریخ تولد	حقیقت
۱	سیده محمد	ابطحی	میر	۱	۲	۱	۵
۲	آقا حسن	حصی	آهنگار	۱	۱	۲	۵
۳	هجت به	کمالی	مستخدم	۱	-	-	۲

دبستان دولتی درج





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ: ۱۳۰۶ شمسی

تاریخ: ۱۳۰۶ شمسی
شماره: ۳۱۸

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
از طرف وزارت معارف

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
است بر طبق مواد ذیل

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۱۳۰۶ شمسی لغایت آذر

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
استعلام داشته باشد

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
مطابق دستور اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و در صورت

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
این قرارداد را خواهد داشت

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در ماه و حقوق ایشان در ماه مبلغ و مقدار آن خواهد بود

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
بخواهد استعفا نماید باید دو ماه قبل بواسطه اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه وزارت خانه اطلاع دهد

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
عمل نماید حق مطالبه حقوق دو ماه را نخواهد داشت و اگر اخذ کرده است بوجب این ماده

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
مستقر و متعهد میشود که مبلغ دریافتی را بوسیله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کلی رد نماید

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
و وزارت خانه اخبار دارد که محل خدمت و اوقات و ساعات کار و بوجه ازوم تغییر بدهد

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در طول مدت قرارداد حق ندارد از ساعات خدمت خود مقداری کسر کرده استعفا بدهد و الا کتبات او

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
با اجراء مداول ماده (۴) کلا لغاء خواهد شد

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
این قرارداد در ۷ ماده تصدیق و امضاء شده است

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
محل امضاء و مهر نماینده وزارت معارف

معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
محل امضاء و مهر نماینده وزارت معارف



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف تهران

تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ شمسی
نمره ۲۹۹۱

آقای معرفت رئیس معارف کرجستان از طرف وزارت معارف

با لایحه ای در خصوص آقای لاریجانی که نام خانوادگی او سپهری و تبعه دولت قسریه میباشند است بطریق مواد ذیل

قرارداد مینماید که از اول ماه فروردین سال ۱۳۰۶ شمسی لغایت هفتم خرداد ماه سال ۱۳۰۶ شمسی

بسمت مدیریت سرسره و بکشد اشغال داشته باشد

ماده ۱ - هریز کمر ملازم است که مطابق دستور اداره معارف کرجستان و نظامات وزارت معارف رفتار نماید و در صورت

تخلف وزارت خانه حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت

ماده ۲ - ساعت کار هریز کمر در هفته یکصد و حقوق ایشان در ماه مبلغ سیست هجده خواهد بود

ماده ۳ - هر موقع هریز کمر بخواهد استعفا نماید باید دو ماه قبل توسط اداره معارف کرجستان بوزارت خانه اطلاع دهد

ماده ۴ - چنانچه بر خلاف ماده (۲) عمل نماید حق مطالبه حقوق دو ماه را نخواهد داشت و اگر اخذ کرده است بموجب این ماده

ملازم و متعهد میشود که مبلغ دریانی را بوسیله وزارت معارف بخزانه داری کل رد نماید

ماده ۵ - اداره معارف کرجستان و وزارت خانه اختیار دارد که محل خدمت هریز کمر را رعایت مندرجات این قرارداد و بحسب لزوم تغییر بدهد

ماده ۶ - هریز کمر در طول مدت قرارداد حق ندارد از ساعات خدمت خود مقداری کسر کرده استعفا بدهد و الا کتیرات او

با اجراء متداول ماده (۴) کلا الغاء خواهد شد

ماده ۷ - این قرارداد در ۵ نسخه تحریر شده بامضای طرفین میرسد
نم ۸ - برکه درجهان مت قرارداد نمیشد
محل امضاء و مهر تاییده وزارت معارف

محل امضای صاحب کتیرات

محل امضاء

۲۲
۱۹۰۶

مقام ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۲۲

[illegible]
$$\begin{array}{r} 12.22 \\ 4.11 \\ \hline 16.33 \end{array}$$
[illegible]

مقام محترم ریاست معرفت و ادب کرامت ان دام بقائهم

محرمات فاطمه بارک الله تعالی علیها و علی آئینها و علی ذریعته - بطوریکه فاطمه سرکاره سابقه و مستخدم
 اینجانب بیل ترازی است در مدرسه هم لای و دهقان در ریاست محترم
 فاطمه است بانام خدمات بر جوعه هشتال داشته و در این مدت
 بواسطه نقدان و سایر و بزدن مسلمی دارا است و بواسطه متوسطه است
 در این زمینه تحصیل کرده است که متوق باشد -
 شمر است بنده را به از مدراس شهر شغال داده که در وقت خدمت
 مقدس کمال در ضمن مدراس در خارج تحصیل بقص خود را احاطه کرده
 تا خدمت در علم و ادب داشته و طوری که در این مهم در موجب ترخیص و توفیق
 فاطمه او را برادر است و فرخ

در خدمت آن سرکاره در خدمت

فرخ سرکاره در خدمت

۱۳ / ۱۱ / ۶

در خدمت
 سرکاره

در جواب ~~سرکاره~~ در خدمت ۱۳ / ۱۱ / ۶

در خدمت سرکاره در خدمت سرکاره

در خدمت سرکاره در خدمت سرکاره

بخش هفتم

موقعیت مریوان از کتاب فرهنگ جغرافیائی ایران نوشته شده در ۱۳۳۰

مریوان: یکی از بخشهای شهرستان سنندج و مشخصات آن به شرح زیر است.
حدود: از طرف شمال و باختر به کشور عراق. از جنوب به بخش رزاب (اورامان) و باختر به بخش مرکزی سنندج. از شمال خاور به دهستان خورخوره از بخش بانه شهرستان سقز
ارتفاعات: کوههای بخش مریوان از شعب و یالهای کوه مرافع چهل چشمه گلباغی است و بشرح زیر مشاهده می شود:

۱- کوه هزار مرگه بلندترین کوه بخش مریوان است که در شمال خاوری بخش واقع و ارتفاع آن ۲۷۰۷ متر است از این کوه که یکمی از شعب کوه چهل چشمه است سه شعبه اصلی و یالهای متعددی به شرح زیر منشعب می شود.

۱- به طرف باختر- این شعبه معروف به سلسله پشت شهیدان است.

۲- شعبه شمال باختری- این رشته تقریباً موازی با شعبه اول دره شلیر کشیده شده.

۳- شعبه جنوب خاوری- این رشته همجا بین بخش مریوان و بخش دیواندره واقع شده.

۴- از دوشعبه اول و سوم یالها و شعب کوچکی به طرف جنوب و باختر منشعب شده تا بخش رزاب دامنه دارد و به رودخانه سیرواز می رسد.

رودها مهم آن عبارتند است: ۱- رودخانه گردلان، این رودخانه از دره های باختری کوه هزار مرگه سرچشمه گرفته و از کنار آبادیهای گویله و چناره می گذرد.

۲- رودخانه های چاولکان- ده بنیاد- گلچیدر از ارتفاعات سنگ سفید سرچشمه گرفته و به طرف بخش رزاب می رود.

۳- رودخانه قزلچه که از دره های کوه هزارماله سرچشمه گرفته و از طرف باشه وارد خاک عراق می شود. دریاچه زیروار در ۳ کیلومتری باختر در شاهپور واقع شده و طول آن حدود ۸ و عرض آن ۳ کیلومتر است و در کف آن چشمه هایی وجود دارد که آب این دریاچه را تأمین می کند، آب دریاچه شیرین و حداکثر عمق آن ۲۰ متر است.

سازمان: بخش مریوان از نظر اداره کل آمار از یک دهستان و از نظر تقسیمات فرمانداری از ۴ دهستان به نام مرکزی بالک- ویسه- سرشیو تشکیل شده تعداد قراء و سکنه هریک از دهستانها به شرح زیر است.

دهستان مرکزی ۲۸ آبادی - ۳۷۰۰ نفر

دهستان بالک ۲۲ آبادی - ۴۴۰۰ نفر

دهستان ویسه ۳۰ آبادی - ۵۳۰۰ نفر

دهستان سرشیو ۴۲ آبادی - ۴۶۰۰ نفر

بنابر آمار فوق مریوان از ۱۲۲ آبادی تشکیل شده و جمعیت آن ۱۸ هزار نفر است .

مرکز بخش قصبه دژشاهپور واقع در ۱۳۰ کیلومتری سنندج است .

زبان مادری ساکنین بخش کردی مذهبشان مسلمان سنی شافعی مذهب است .

مساحت مریوان در این تاریخ معادل ۳۹۹۴ کیلومتر مربع است . شهر مریوان بعنوان مرکز شهرستان بین

مدار ۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ

واقع است . طبق آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان دارای ۲ شهر به نامهای مریوان و سروآباد و ۳

بخش به نامهای خاوومیرآباد ، سرشیو و بخش مرکزی و ۱۲ دهستان و ۲۵۴ روستا می باشد که ۳۷

روستای آن خالی از سکنه است .

جمعیت شهرستان مریوان طبق امار سال ۱۳۷۳ به ۱۷۴۰۰۰ نفر رسیده است .

مدرسه دولتی مریوان:

در سال ۱۳۰۵ دبستان چهار کلاسه در شهر مرزی مریوان تشکیل شد و بنا بر موقعیت جغرافیائی و

وضعیت سیاسی خاص منطقه و برای پیشبرد اهداف فرهنگی، اداره آموزش و پرورش وقت، اعضای

اولیه این مدرسه را از میان اهالی منطقه برگزید و آنان را تشویق و ترغیب به برپائی مدرسه و استقامت

در کار نمود.

کارکنان مدرسه به ترتیب سنوات خدمت معرفی می شوند:

- ۱ - ملا عبدالقادر کانی سانانی
 - ۲ - سید بابا رسول برزنجی
 - ۳ - میرزا حسین منشی
 - ۴ - میرزا موسی مینانی
 - ۵ - میرزا شکرالله فرخ پور
 - ۶ - یحیی سپهر آرا
 - ۷ - حاج علیمحمد زاهدی فرزند مهدی اهل اصفهان
 - ۸ - حسین زاهدی فرزند مهدی
 - ۹ - محمد کریم رشیدی
 - ۱۰ - غلامعلی اسکندری
- مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۵ به بعد
- آموزگار از سال ۱۳۰۵ به بعد
- آموزگار از سال ۱۳۰۵ به بعد
- آموزگار از سال ۱۳۰۵ به بعد
- مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸
- مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰
- مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳
- آموزگار از سال ۱۳۱۲
- خدمتگذار از ابتدای تأسیس دبستان
- در سال ۱۳۱۵ مدرسه دولتی شاهپور مریوان به دبستان فرخی تغییر نام یافت.
- مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵

- ۱۱ - علیمحمد قوامی
- مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶
- ۱۲ - ربابه مشیری
- آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶
- ۱۳ - محمد کریم رشیدی
- خدمتگزار
- ۱۴ - حسن شیخ الاسلامی
- مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷
- ۱۵ - محمد صدیق شهبازی
- آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷
- ۱۶ - احمد فتاحی
- خدمتگزار
- ۱۷ - محمد رضا فرشید اسفندانی
- مدیر و آموزگار در سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸
- ۱۸ - بانو صغری بیات
- آموزگار در سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸
- ۱۹ - محمد مهاجر پور
- مدیر و آموزگار از ۲۰/۶/۱۶ تا ۲۳/۹/۲۱
- ۲۰ - محمد کریم سهرابی
- خدمتگزار

دبستان مولوی دزلی:

۱. مدرسی که در نقاط عشایری کردستان در ابتدای تأسیس به نام مدرسه عشایری نامیده می شد طبق نامه

شماره ۶۹۷ سیار

۱۳۱۵/۴/۲۲

به امضای مرحوم علی اصغر حکمت وزیر معارف و اوقاف دستور داده شد از ذکر نام عشایر و غیره خودداری کنند و نام شعرای بزرگ ایران را برای مدارس انتخاب نمایند و به مرکز پیشنهاد بکنند. روی این اصل در سال ۱۳۱۵ کلیه مدارس روستاها و قصبات با نام شعرای ایران نامگذاری و زینت یافت. کارکنان این دبستان از آغاز تأسیس:

- ۱ - بهاءالدین بهلول
- از سال ۱۳۱۱ مدیر و آموزگار این مدرسه بوده تا ۱۳۱۳
- ۲ - اسدالله بابائی
- از سال ۱۳۱۱ آموزگار
- ۳ - علی روحانی
- از سال ۱۳۱۲ آموزگار
- ۴ - میرزا علی قطبی
- در سالهای ۱۳۱۴-۱۳۱۵ مدیر و آموزگار
- ۵ - هاشم غریب نژاد
- در سال ۱۳۱۴ آموزگار
- ۶ - توفیق حریری
- در سالهای ۱۴-۱۵-۱۶ آموزگار
- ۷ - ابوتراب هدایی
- در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۲۰ مدیر و آموزگار
- ۸ - علی قطبی
- از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ آموزگار
- ۹ - فرج الله امانی
- از آغاز تا سال ۱۳۱۵ مستخدم
- ۱۰ - محمد رضا فرشید
- در سالهای ۱۳۱۶-۱۳۱۷ آموزگار

۱۱ - یونس قاسمی فرزند عبدالصمد سال ۱۳۱۷ آموزگار

۱۲ - قادر خان نجفی از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ آموزگار

۱۳ - علیمحمد قوامی از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ آموزگار

۱۴ - محمد امین بطحائی سال ۱۳۱۶

۱۵ - عبدالله دهقان از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ مستخدم این مدرسه

شاید تا مدت‌ها بعد از جنگ دوم جهانی یعنی تا حوالی سال‌های ۱۳۲۵ و تا ۱۳۳۰ مناطق عشایری کردستان از قبیل دیواندره - اورامانات ، مریوان ، بانه، سردشت، جوانرود، سرشیو، و خورخوره سقز نا امن بوده و اغلب به تحریک مالکین شهری در میان خود به نزاع برخاسته و همدیگر را غارت نموده‌اند و بسا خانه و کاشانه همدیگر را آتش زده و افراد زیادی در این میان کشته شده‌اند. در این نقاط مدارس و احیاناً اگر اداره دولتی در آن جاها وجود داشته به کمک ژاندارمری منطقه پا بر جای بوده و ژاندارمری در پیشرفت فرهنگ منطقه مؤثر بوده است و عشایر به زحمت تن به یادگیری درس و حضور در مدرسه داده‌اند اینست که مناطق عشایری بخصوص دیواندره که دیرتر از جاهای دیگر عشایری کردستان تمکین نموده‌اند آمار بی سوادانش بیشتر است نامه ضمیمه شده بخشی از ادعای فوق را تایید می‌کند.

مدرسه رودکی رزاب

این مدرسه را مرحوم محمودانور در سال ۱۳۰۷ افتتاح نمود مدرسه ای بوده چهار کلاسه در شرایطی سخت و طاقت فرسا در میان عشایر و قومی که طالب تحصیل نبوده و شایق به آمدن کلاس درس نبودند. مرحوم انور تا سال ۱۳۱۴ در آنجا ماند و با صبر و تحمل فراوان مردم سرکش و جنگ طلب را به درس و مدرسه رغبت داد. و در فرهنگ و تمدن منطقه مؤثر افتاد ناگفته نماند ، معلمینی که در این منطقه خدمت کردند از حمایت کامل ژاندارمری و ارتش مستقر در منطقه برخوردار بوده اند و اینک صورت اشخاصی که در پیشرفت دانش و فرهنگ آن سامان اثر بخش بوده اند:

- ۱- مرحوم محمود انور از سال ۱۳۰۷ تا پایان ۱۳۱۴ مدیر و آموزگار
- ۲- مسعود فاضل دربندی از سال ۱۳۰۹ تا پایان سال ۱۳۱۲ آموزگار
- ۳- عبدالحمید منجمی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵ آموزگار
- ۴- عبدالصمد خضری فرزند عبدالقادر در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ آموزگار
- ۵- سید اسمعیل عدنانی فرزند فاضل در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲ آموزگار
- ۶- یحیی سپهر آرا در سال ۱۳۱۴ مدیر و آموزگار
- ۷- سید نجم الدین صمدی از آغاز تأسیس مدرسه تا سال ۱۳۱۴ مستخدم بوده
- ۸- میرزا علی روحانی فرزند زین العابدین از شهریور ۱۳۱۲ آموزگار این مدرسه و از سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ سمت مدیری و آموزگاری این مدرسه را داشت.
- ۹- عبدالخالق رجبی سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ معلم این مدرسه بوده است.
- ۱۰- محمد کریم سهرابی از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۷ در این مدرسه مستخدم بوده
- ۱۱- احمد فتاحی نیز از سال ۱۳۱۷ تا پایان سال ۱۳۲۰ مستخدم و سرایدار بوده است.



وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره سہدف اوقاف کریم آباد

نمبره ۱۰۹۸
آقای میرزا اسدالله خان شیرازی
رئیس معارف کرمان
از طرف وزارت معارف

با زیرلای خان ولد آقای زیرلای که نام خانوادگی او سیهرلو... و متولد دولت ایران است بر طبق مواعد دول تواریخ داد
مینماید که از ۱۹۰۹ سال شمسی لغایت رفریضه... مادر رفریضه... سال ۱۳۰۹ شمسی
بسمت برادر... اشتغال داشته باشد

ماده ۱۵ - تمیز پرکردن ملزم است که مطابق دستور اداره معارف کربت ک و اطلاعات وزارت معارف رفیقار نماید.

و در صورت تخلف وزارت خانه حق الغاء این قرار داد را خواهد داشت

مع

[illegible]

ماده ۳ - هر موقع سپهر گزر بخواهد استعفا نماید باید دو ماه قبل توسط اداره معارف گرجستان وزارت خانه اطلاع دهد

ماده ۴ - چنانچه برخلاف ماده (۳) عمل نمایند وزارت معارف حق خواهد داشت که دوماد حقوق مشارالیه را بسندوق خزانه داری کل پس از وصول مسترد دارد

ماده ۵ - اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه وزارت خانه اختیار دارد که محل خدمت سپهر را براساس بارغایت مندرجات این قرارداد و برحسب لزوم تغییر بدهد.

ماده ۶ - **تجربه‌گزار** در طول مدت قرار داد حق ندارد از ساعات خدمت خود مقداری کسر کرده استعفا بدهد و الا کتکرات او با اجراء مداول ماده (۴) کلاً الغاء خواهد شد.

ماده ۷ - هرگاه در جریان مدت قرارداد مقتضیات اساسی اداری و رعایت امور مالی یا مسائل علمی و فنی ایجاب نماید وزارت معارف حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت

ماده ۸ - این قرارداد در نسخه تحریر شده بامضای طرفین میرسد

۹۔ حقوق راہم تطہیر، تقابل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷،

محل امضاء و مهر نماینده وزارت معارف

14. 12

روزنامه ۱۳۷۹۷۹۷۹

شماره

۱۳۷۹۷۹۷۹

روزنامه فرهنگ و ادب



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

دفتر امور فرهنگی

۱۳۷۹۷۹۷۹

محترم جناب آقای دکتر محمد علی احمدی
 معاونت فرهنگی و اجتماعی
 وزارت فرهنگ و آموزش عالی
 تهران
 موضوع: درخواست همکاری در زمینه
 اجرای طرح ملی ارتقای کیفیت
 آموزش عالی
 بدینوسیله به استحضار می‌رساند که
 این وزارتخانه در راستای اجرای
 برنامه ملی ارتقای کیفیت آموزش
 عالی، اقدام به برگزاری دوره‌های
 کارگاه آموزشی برای مدیران و
 اساتید دانشگاه‌ها نموده است.
 در این راستا، به منظور
 بهره‌مندی از تخصص و تجربه
 شما، درخواست می‌گردد که در
 اجرای این طرح همکاری فرمایید.
 خواهشمند است در صورت
 موافقت، مراتب را به این
 وزارتخانه اعلام فرمایید.

روزنامه فرهنگ و ادب
 شماره ۱۳۷۹۷۹۷۹
 روزنامه فرهنگ و ادب

تاریخ: ۱۳۷۹/۰۱/۰۱
 شماره: ۱۳۷۹۷۹۷۹
 روزنامه فرهنگ و ادب



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

دفتر امور فرهنگی

۱۳۷۹۷۹۷۹

محترم جناب آقای دکتر محمد علی احمدی
 معاونت فرهنگی و اجتماعی
 وزارت فرهنگ و آموزش عالی
 تهران
 موضوع: درخواست همکاری در زمینه
 اجرای طرح ملی ارتقای کیفیت
 آموزش عالی
 بدینوسیله به استحضار می‌رساند که
 این وزارتخانه در راستای اجرای
 برنامه ملی ارتقای کیفیت آموزش
 عالی، اقدام به برگزاری دوره‌های
 کارگاه آموزشی برای مدیران و
 اساتید دانشگاه‌ها نموده است.
 در این راستا، به منظور
 بهره‌مندی از تخصص و تجربه
 شما، درخواست می‌گردد که در
 اجرای این طرح همکاری فرمایید.
 خواهشمند است در صورت
 موافقت، مراتب را به این
 وزارتخانه اعلام فرمایید.



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سواد مطبوعه ۴۷۸- مورخه ۹ بهمن ۱۳۴۱- که اصل آن بفرستاده شد

آقای مهدی زاهدی مدیر دبستان مریوان

از تاریخ ۹ شهریور ۱۳۴۱ مبلغ خدمت شما از بدویری و آموزگاران دبستان

مریوان باماهی ۵۰۰ ریال (۵۰۰ ریال اضافه بر حقوق سابق) بسمت

مدیری و آموزگاری دبستان دولتی چهارکلاسی نودسه منتقل میگردید

پیشنهاد لازم در این خصوص ممرکز تقدیم گردیده اضافه حقوق شما پیرامون

تضمین وزارت مبعوضه قابل پرداخت خواهد بود -

رئیس معارف و اوقاف کردستان

سواد مطبوعه اصل است - متصدی دفتر معارف کردستان

رضا (مهر) ناصر مستوفی

تصدیق میشود - رئیس معارف و اوقاف کردستان



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف

تاریخ ۷/۷/۱۳۱۱
شماره ۹۸۸ ضمیمه ۱۸
۱۳۱

اداره
دایره

چون عمل سیر در امور دولتی و قضایی
تحت نظر قرار گیرد

که بشرح ذیل واجد شرایط لازم می باشد و معروض نامیده اند ۲۵۰ ریال حقوق ارجل بر هر مرتبه پیش نهاد و استعدا میشود
که در صورت تصویب این و مقرره مابین قرار گیرد ایشان معروض داده و تصویب نامه رسمی صادر و ابلاغ گردد

۱	آقای محمد قمری بوجوب ۲ نسخه سواد مصدق و رقبه های آن ۲۵۲۱۰ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۲۸۰ میباشد
۲	بوجوب ۲ نسخه سواد مصدق تصدیق نامه ۱۳۴۶ ۱۳۴۶ میباشد
۳	بوجوب امتحان طبق نظامنامه از مشارالیه بعمل آمده و صورت ثمرات امتحانیه ضمیمه است دارای معلومات میباشد
۴	بوجوب سواد مصدق تصدیق نامه ۲۴۸ ۲۴۸ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۳۴۶ میباشد
۵	بوجوب سواد مصدق تصدیق نامه ۱۵۶ ۱۵۶ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۳۴۶ میباشد
۶	بوجوب سواد مصدق تصدیق نامه ۱۵۶ ۱۵۶ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۳۴۶ میباشد
۷	بوجوب سواد مصدق تصدیق نامه ۱۵۶ ۱۵۶ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۳۴۶ میباشد
۸	بوجوب سواد مصدق تصدیق نامه ۱۵۶ ۱۵۶ صادره از ۷/۷/۱۳۱۱ ۱۳۴۶ میباشد
۹	عضو رسمی رقبه و دارای سواد خدمات ۱۰۰ ۱۰۰ میباشد
۱۰	تاریخ ۱۵/۷/۱۳۱۱ دست ۱۰۰ ۱۰۰ دست ۱۰۰ ۱۰۰
۱۱	بوجوب سواد ابلاغ نامه ۱۸۱۷ ۱۸۱۷ ۱۵۰ ۱۵۰ مشغول خدمت شده
۱۲	قبلا نامه ابلاغ ۲۵۰ ریال حقوق ۱۰۰ ۱۰۰ اضافه ۱۰۰ ۱۰۰ حقوق مشغول خدمت خواهد بود
۱۳	مستدعی شغل ۶۷۱ ۶۷۱ آقای محمد قمری ۶۷۱ ۶۷۱

100

1944-1945, 1946-1947

[illegible]

[مقدمه] - کتابخانه عمومی و کتابخانه تخصصی
که از محل بودجه عمومی و بودجه اختصاصی اداره

[آمد ۳] ... در این حق که شما را احاطه کند و در حق که شما را احاطه کند ...
حق دارد که حقوق و منافع او را ...

[illegible]

[ماده ۵] - هرگاه در حین سال تحصیلی، یکی از اعضای هیأت مدیره یا مدیران به دلایل غیر قابل انتفاع از

طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه استعفا دهد، هیأت مدیره می تواند او را جایگزین نماید.

[مادہ ۶] - مقبوضہ کے مالک کے لئے اس قبضہ کو حاصل ہوگا۔ تاہم قبضہ دہانی قبول نہ کرے گا، جبکہ قبضہ دہانی قبول نہ کرے گا۔

[ماده ۷] هرگاه در جهت برآورد داده موجود اختلافی بین وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه‌های وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه‌ها و وزارتخانه یا فراغی حاکمه وزارت معارف حق التعماد این قرار داد را خواهد داشت

[ماده ۸] - وزارت معارف اختیارات دارد محل خدمت اشخاص را به موجب این قانون و حسب اوضاع و احوال تغییر دهد.

[9-012] - این قرارداد در دو نسخه تنظیم گردید که یک نسخه آن نزد کارفرما و بقیه آن نزد پیمانکار خواهد ماند.

فوقه و فوقه و فوقه

2025-03-25 10:00:00



موقعیت دیواندره در سال ۱۳۳۰ از فرهنگ جغرافیائی ایران

دیواندره ده نام یکی از بخشهای شهرستان سنندج است این بخش در شمال شهرستان واقع و محدود است از طرف شمال به بخش تکاب از شهرستان مراغه و بخش سقز از طرف خاور به شهرستان بیجار، از طرف جنوب به بخش حومه سنندج از طرف جنوب باختر در حدود ۱۵ کیلومتر با کشور عراق (در حدود پیش رفتگی دره شلیر) از طرف باختر به بخش حومه شهرستان سقز

وضع طبیعی: به طور کلی بخش دیواندره منطقه ای است کوهستانی بطوریکه پست ترین نقطه آن بیش از ۱۸۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و بلندترین کوه کردستان (چهل چشمه) در این بخش واقع است و ارتفاع بلندترین قله آن به ۳۴۶۴ متر میرسد سرچشمه طویلترین رودخانه های ایران یعنی قزل اوزن یا سفید رود از دهستان سارال این بخش بوده و سرچشمه رودخانه جغتو چای که به دریاچه رضائیه می ریزد نیز از دهستان خورخوره این بخش است

بخش دیواندره از ۶ دهستان بشرح زیر تشکیل شده:

- ۱ - دهستان حسین آباد - ۳۹ آبادی - ۷۰۰۰ نفر سکنه
 - ۲ - دهستان قره توره - ۵۰ آبادی - ۱۲۰۰۰ نفر سکنه
 - ۳ - دهستان اوباتو - ۴۴ آبادی - ۹۰۰۰ نفر سکنه
 - ۴ - دهستان تیلکوه - ۴۶ آبادی - ۸۰۰۰ نفر سکنه
 - ۵ - دهستان سارال - ۳۹ آبادی - ۵۰۰۰ نفر سکنه
 - ۶ - دهستان خورخوره - ۴۶ آبادی - ۷۰۰۰ نفر سکنه
- جمع - ۲۶۶ آبادی - ۴۸۰۰۰ نفر سکنه

وضع طبیعی دیواندره تپه ماهور، هوای آن سرد، آب از چشمه ها و زه آب رودخانه و محصول عمده آن غلات، لبنیات، حبوبات، صیفی جات، مختصر انگور - ادارات دولتی آن بخشداری - انتظامات عشایری، دارایی - غله - دسته ژاندارمری - پست و تلگراف و تلفن - فرهنگ - بهداری - شعبه دخیانیات - شعبه راه

یک دبستان ۶ کلاسه مختلط یک مسجد و ۴۰ باب دکان سکنه آبادی حدود ۱۰۰۰ نفر زبان کردی و فارسی هم بلد هستند مذهب مسلمان سنی شافعی شغل عمده زراعت و کسب می باشد

راه شوسه سنندج - بیجار به سقز از وسط آبادی میگذرد. ادارات و دکانها در کنار راه شوسه واقع شده در تابستان همه روزه اتومبیل رفت و آمد می نماید ولی زمستان بواسطه کثرت برف و خرابی راه رفت و آمد اتومبیل مشکل می شود.

در تقسیمات امروز این شهر دارای یک شهر به نام دیواندره، ۲ بخش به نامهای کرفتو و مرکزی و ۹ دهستان و ۱۹۳ روستا که سه روستا خالی از مردم است. جمعیت دیواندره در سرشماری سال ۱۳۷۳ به ۸۷ هزار نفر رسیده است.

دبستان عشایری گلباغی دیواندره

این دبستان در سال ۱۳۰۷ به مدیریت محمد حسین اردلان با چهار کلاس درس در قصبه دیواندره تشکیل شد و معلمین دلسوز و با تقوایی که نامشان ذکر می‌شود با وی همکاری داشتند در شرایطی سخت و نبود امکانات رفاهی همراه با خشونت و سرسختی خوی عشایری، آن هم گلباغی. این اشخاص و اشخاص محترم دیگری که بعد از آنان این وظیفه خطیر را بر عهده گرفتند، حقیقه انتخاب شده بودند و توانستند با متانت و پایداری و استقامت، طبع خشن و سرکش اشخاصی را که حاضر به قبول داشتن مدرسه نبودند رام کنند، از طرفی هم مالکین آن آبادیها، بودن مدرسه و وجود معلمین را (که موجب تنویر افکار مردم محل می‌شدند و به توهم اینکه مانع اطاعت از مالک و دادن حق مالکانه خواهند شد) تحمل نمی‌کردند و در برقراری آن کارشکنی می‌نمودند از جمله شرایط سخت، طرز تفکر رئیس فلاح، زخمی است بر جراحات مهلک معلمین مبارز و جانباز آن زمان.

این اشخاص مصدر خدمات ارزنده ای در این منطقه بوده اند.

- ۱- میرزا محمد حسین اردلان مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۲- میرزا اسمعیل شکبیا آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۳- محب الله معتمد وزیری آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۴- عبدالله کمالی آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۵- یحیی سپهر آرا آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۶- ملا اسحق مدرس آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
- ۷- صادق معتمدی مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴
- ۸- میرزا شکرالله فرخ پور آموزگار از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴
- ۹- حیدر محی آموزگار از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴
- ۱۰- حسن تارک آموزگار از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴
- ۱۱- مهدی زاهدی مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵
- ۱۲- غلامعلی اسکندری آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵
- ۱۳- حاج علی محمد زاهدی آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵
- ۱۴- حسین زاهدی آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵

۱۵ - سیف الله دیوانی	خدمتگزار تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
۱۶ - حاج علی محمد زاهدی	مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶
۱۷ - حسین اخباری	مدیر و آموزگار در سال ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
۱۸ - بهاء الدین غمی (شادمان)	آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
۱۹ - ابوالقاسم مداحی	آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
۲۰ - بهاء الدین غمی (شادمان)	مدیر و آموزگار ۱۳۱۷ - ۱۳۲۰
۲۱ - فخر معلی امین دهقان	آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰
۲۲ - محمد علانی	آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۲۰
۲۳ - خلیل سیار	آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۷ - ۱۳۲۰
۲۴ - سیف الله دیوانی	خدمتگزار در سال تحصیلی ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

دبستان سنائی اوباتو

این دبستان را مرحوم خلیل صبری در سال ۱۳۰۶ در آبادی باشماق (ایران شاه - ایران خواه) با دو کلاس درس گشودند و سال بعد با ارزیابی که از استعداد دانش آموزان بعمل آورد مدرسه را چهار کلاسه نمود.

کسانی که در این مدرسه از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۲۰ خدمت نموده اند بدین قرارند:

۱ - خلیل صبری	مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹
۲ - میرزا آقا خان عمویی	آموزگار از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹
۳ - میرزا اسمعیل شکیا	آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
۴ - میرزا احمد لطفی	آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
۵ - نظام الدین مردوخ پور	آموزگار از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰
۶ - محمد صالح کریم پور	آموزگار از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳
۷ - یوسف انور پور	آموزگار از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳
۸ - میرزا عارف عرشی	مدیر و آموزگار از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳
۹ - محمد علی قطبی	مدیر و آموزگار ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵
۱۰ - محمد کریم علاقه بندان	آموزگار ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵
۱۱ - علی فرومند	خدمتگزار از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۵
۱۲ - محمود فاطمی قمی	مدیر و آموزگار ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۶
۱۳ - جمال شکوهی	مدیر و آموزگار ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰

- ۱۴ - هدایت الله منجمی زاده
آموزگار ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸
- ۱۵ - فاطمه میرابیان
آموزگار ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹
- ۱۶ - علی اکبر ستار بخش
خدمتگزار ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶
- ۱۷ - غزاله یاشار
آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹
- ۱۸ - محمد ظهوریان
خدمتگزار از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰

دبستان ناصر خسرو حسین آباد:

این دبستان نیز در سال ۱۳۱۵ تأسیس شد.

این اشخاص در سالهای اولیه در آنجا خدمت نموده اند:

- ۱- محمد شونندی
مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸
- ۲- محمد حسن ملکی
خدمتگزار
- ۳- علی اکبر ستار بخش
خدمتگزار

مقام محترم ریاست معارف کردستان بمقام بقاؤه العالی
 محترماً خاطر مبارک را تقدیم می‌سازم این بنده مدتی است
 در دیوانه به شغل تدریس و خدمت بنوع اشتغال داشته در این موقع
 به اولیاء دولت قورقوکت عطف توجه به کردستان فرموده و مدارس را
 تأسیس نموده اند بنده هم به بنوعی می‌دانم که بنوعی خدمت این نوع
 و هم وطن تقدس کوشیده خدمات خود را برابر هم مستعد
 در دیوانه مدرسه تأسیس گردیده است بنده را نیز جزو یک از معین قرار
 داده فرمایند و حقوقی که کفایت خرج بنده معلوم فرموده و حکم لازم صادر
 فرماید که با مروری به پرورازم ایام افاضت ستاد باد اسحق المیرزا بنویسد



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۱-ل

بتاریخ ۱۰/۱/۱۳۰۷
 شماره ۱۵۱۸۸/۶۱۷۸
 شعبه ۱

بازنایند معارف کردستان

شماره ۷۱۱ راجع به استخدام و تسهیلات جهت مسکن و دست درخت و دیگر
 در دیوانه در تاریخ ۱۳۰۷ به هر ده تان حقوق مرور تصدیق
 فیج در دبیرستان متوجه واقع گوید لایحه است بخوبی متوجه که کثرت است
 مستند و خدمت مروری فرزند خوانده در حال نایب تا نسبت بصورت درجه مترقی نام دهد
 معوق مروری به درخوف و درایت و درایت



توانه (۵)



تاریخ ۲۷/۲ ماه سنه ۱۳۰۷

وزارت معارف و اوقاف

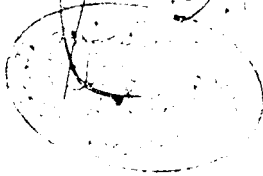
شماره ۴۳۱۷ ضمیمه
۲۲۲۴

و صنایع مستظرفه

اداره ...
دایره ...

آرشیف کتب

در تعقیب شماره ۲۷ تاریخ ۲۸/۱/۰۷ و جوابیه شماره ۷۱۷ تاریخ ۱۷/۲/۱۰۷
آرشیف کتب به جهت تسهیل در خدمت بابر بارز و قانی حقوق در تاریخ ۱۷/۲/۱۰۷
در تاریخ ۱۳۰۷ در تعقیب مقام سنج در تاریخ ۱۷/۲/۱۰۷ و نسبت به صدور دستور
در تاریخ ۱۷/۲/۱۰۷ در طرف اداره کتب اقدام لازم به عمل آمده است.



درج شده است
به عمل آمده است

در تاریخ ۱۷/۲/۱۰۷

۸۷۰-۵

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

توقیراً به استحضار خاطر مبارک میسر شد - بدست ۱۳۰۰ هجری قمری ویران شد و حساب آن اداره محترمه
از جهت حقوق اینجانب و سایرین و در این مدت به هیچ وجه برای صرفه و زیاده کاری
ندیده و محوطه به همکاران فراوانی داشته و در این موقع از طرف طبکهاران برای تأدیه طلب خودشان و طبقات
اسناد و کتب و در دست دارند و سعه ادارات آن منقش شد و دست سختی برای بنده وارد آمد و بعد و تنهایی
از یکماه است بواسطه فقه ای و جوایز اختیارات و سبب در این روزها گاهی عارض گشاید
با وجودیکه اولین کسی از کتبه شمولین آن اداره محترمه بر استخفاف و محروم شدن از شرف و سزاوارت و در کمیسیون محترم
سربازگیر بنظر آید اقدام به هرزه به او و در طرف کمیسیون فوق الذکر ملاحظه و نظر خرج
طبق قوانین مقرره از شرف و سزاوارت و سبب و در وقت را تا صد و ورقه و سبب آن اداره محترمه
تعمیم داشته و شرف اینجانب به هم است و به هیچ وجه سزاوارت و حقوق سیر کارکنان را در کمیسیون
اینجانب با فقه معافیت و سبب شرف به هم و سبب و در وقت اینها گشاید و به ناکرده
حقوق ۱۳۰۰ هجری اینجانب به بدستین به همکاران و فوق الماده و مزاجات و در بطاق مدار توقیف و اظهار
سیر و امر به بدست آن در نشر یک ع آیه است و دارد در صورتیکه عایق برای بدست حقوق
اینجانب در پیشرفت سبب فریاد هر چه زودتر باید ویران شد و حقوق ۱۳۰۰ هجری را بدست نادرین
و آخر عقب رانم در این ناحیه بدست ۱۳۰۰ سال است و این به هم شرافت و عیب زدگی
خود را در آن غم به یکجا میگرد - در برید و سبب ویران شد -





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف

تاریخ ۱۸/۱/۱۳۱۸ م. شمسی

شماره ۱۰۰۰

قرارنامه کارکنان دبستانها

- آقای **مین کیم** رئیس معارف و اوقاف **کریل** از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آقای **مسک زامی** صاحب رفته و بابت ۲۷۰۰۰ دراز ناحیه **اصفهان** و متوال سال ۱۲۷۲ شمسی **والد** آقای **موسی حکیم** که نام خانوادگی او **رلمی** و تبعه دولت علیه ایران است بر طبق مواد ذیل قرار داد مینماید که از ۱۵ **مهر** **مهر** سال ۱۳۱۴ شمسی لغایت ۱۵ **مهر** **مهر** سال ۱۳۱۵ شمسی **بسمت** **مدرس** **دبستان** **دبستان** اشتغال داشته باشد [ماده ۱] **تحریر** ملزم است که بر طبق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار نموده و در موارد تصدیقات اداری تابع مقررات نظامنامه داخلی وزارت معارف خواهد بود
- [ماده ۲] - ساعات خدمت **تحریر** در هفته **۲۰ ساعت** و حقوق ایشان در ماه مبلغ **مصدور** است که از محل بودجه **مدرسه** تأدیه خواهد شد
- [ماده ۳] - هر موقع که بخواهد استعفا کند باید دو ماه قبل وزارت معارف کتبیاً اطلاع دهد و الا وزارت معارف حق دارد که حقوق دو ماه او را کنار سازی نماید چنانچه پرداخته شده باشد استرداد کند
- [ماده ۴] - پرداخت حقوق ایام تعطیل دبستان موکول باین است که در خاتمه امتحانات سال تحصیلی مشغول خدمت باشد و میزان آن به تناسب مدتی خواهد بود که در آن ماه و ایام سال تحصیلی خدمت کرده است یعنی اگر در تمام آن ماه ایام مزبور خدمت کرده باشد تمام حقوق مدت تعطیل دبستان تأدیه و اگر کمتر خدمت کرده باشد بهمان نسبت از حقوق مدت تعطیل دبستان کسر خواهد شد
- [ماده ۵] - هر گاه در جریان سال تحصیلی بخواهد بر طبق ماده ۳ استعفاء بدهد و با آنکه قرارداد ایشان از طرف وزارت معارف باطل شود مشارالیه حق مطالبه حقوق ایام تعطیل دبستان را نخواهد داشت
- [ماده ۶] - **تحریر** متعهد است که تا اقصاء مدت این قرارداد شغل موظف دیگری و سایر دوائر دولتی قبول نکند مگر آنکه قبلاً رضای وزارت معارف را جلب نموده باشد
- [ماده ۷] - هر گاه در مدت قرارداد به وجود اخطار کتبی وزارت معارف برخلاف نظامات و احکام و دستورهای وزارت معارف عمل نماید و یا اینکه از نقطه نظر تعلیم و تربیت یا اخلاق عدم رضامندی وزارتخانه را فراهم سازد وزارت معارف حق انقضاء این قرارداد را خواهد داشت
- [ماده ۸] - وزارت معارف اختیار دارد محل خدمت ایشان را با رعایت مذرجات این قرار داد بر حسب لزوم تغییر بدهد
- [ماده ۹] - این قرارداد در **کلاس** **نسخه** **تحریر** و با امضاء طرفین میرسد

رئیس معارف و اوقاف

امضاء صاحب قرارداد



میلوت

وزارت معارف و اوقاف
اداره معارف و اوقاف کردستان
دایره

نمبر کتاب ثبت ۴۳۱۱

تاریخ تحریر

تاریخ صدور ۱۳۷/۲۸

ضمیمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحج تکیه ذی القعدة سنه ۱۳۷۲ هـ
میت ایستادن در روز پنجشنبه ۱۳۷۲ هـ
جمعه ۱۳۷۲ هـ منتظر آمدن است و آن را که از سر راهی
و ده دهم دارد به جبهه حرکت نماند خانه را که از راه
در از دست برد تا به جبهه می باشد



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف کدستان

تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۱۲ ماه ... سال ۱۳۱۲

شماره ۸۵۵۵

قرارنامه کارکنان دبستانها

آقای ... رئیس معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با ...
 صاحب و قلمرویت ... ۱۸۹۰ ... و متولد سال ۱۲۸۹ شمسی ... آقای ... که ام خانواده کی او ...
 و تبعه دولت علیه ایران است بر طبق مواد ذیل قرار داد می نماید که از ... اول ... ماه ... سال ۱۳۱۲
 شمسی ... ماه ... سال ۱۳۱۵ شمسی به سمت ... در ... اشتغال داشته باشد
 [ماده ۱] - ... ملزم است که طبق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار و ده و در موارد تقصیرات اداری تابع مقررات
 نظامنامه داخلی وزارت معارف خواهد بود
 [ماده ۲] - ساعات خدمت ... در ... و حقوق ایشان در ماه مبلغ ... است
 که از محل بودجه ... تأدیه خواهد شد
 [ماده ۳] - هر موقع که بخواهد استعفا دهد دو ماه قبل وزارت معارف کتبی اطلاع دهد و الا وزارت معارف
 حق دارد که حقوق دو ماه او را کسر و آن را بخواهد چنانچه پرداخته شده باشد استرداد کند
 [ماده ۴] - پرداخت حقوق این تعطیل نسبت به ... فایده در خدمت استعفا سال تحصیلی مشغول خدمت
 باشد و میزان آن به تناسب مدتی خواهد بود که در نه ماه و نیم سال تحصیلی خدمت کرده است یعنی اگر در تمام
 نه ماه نیم مشغول خدمت کرده باشد تمام حقوق مدت تعطیل نسبت به ... و اگر کمتر خدمت کرده باشد بهمان نسبت
 از حقوق مدت تعطیل نسبت کسر خواهد شد
 [ماده ۵] - هر گاه در جریان سال تحصیلی بخواهد بر طبق ماده ۳ استعفا دهد و با آنکه قرارداد ایشان از
 طرف وزارتخانه ملغی شود مشار الیه حق مطالبه حقوق این تعطیل دبستان را نخواهد داشت
 [ماده ۶] - ... متعهد است که تا اقصای مدت این قرارداد شغل موقت دیگری در سایر دوائر دولتی
 قبول نکند مگر آنکه قبلاً رضای وزارت معارف را جلب نموده باشد
 [ماده ۷] - هر گاه در مدت قرارداد وجود اختلال کتبی وزارت معارف بر خلاف نظامات و احکام و دستورهای
 وزارت معارف عمل نماید و یا اینکه از نقطه نظر تعلیم و تدریس یا اخلاق عدم رضامندی وزارتخانه را فراهم سازد وزارت
 معارف حق لغو این قرارداد را خواهد داشت
 [ماده ۸] - وزارت معارف اختیار دارد محل خدمت ایشان را با رعایت مندرجات این قرار داد بر حسب احوال تغییر بدهد
 [ماده ۹] - این قرارداد در ... نسخه تحریر و با امضاء طرفین میرسد

رئیس معارف و اوقاف

مضاء صاحب قرار داد



فعلی ...

بتاریخ ۱۲/۴/۱۳۱۵ ماه ۵ ۱۳۱
نمبره ۶۹۷ ضمیمه



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره.....

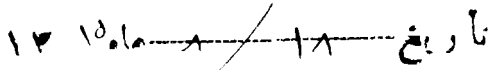
دایره.....

آقای سرکار فخرالدین

نورم است بطوریکه حضور دادگستر دادگستر نام دبستان فخرالدین در دوازدهم
تیر داده و معتمدین دبستان نام یک زهرا و دیگران را از آنجا بجا آورده
نمایند و دستور تقصیر داده شود و در کسبه نیز در نظر داشته باشند که معتمدین
برادر علی نام دبستان چهارم را از آنجا بجا آورده و در دوازدهم
بطوریکه دستور داده شد و از آنجا بجا آورده شد و در کسبه
نام معتمدین است و نیز از آنجا بجا آورده شد و در کسبه بجا آورده شد.

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
ع. م. ه.

۳/۵/۱۳۱۵



موضوع

اداره معارف و اوقاف کردستان
در اصفهان

[illegible]

19

24.15

۳۴۶

تاریخ ۱۵/۸/۱۸

نمره ۱۱۴

اداره معارف و اوقاف ایالتی کردستان

دائرة: دبستان فردوسی

پاسخ شماره ۷۵۷۱ بعرض می‌رساند تا حال رؤسای دوائر کردستان از سر لشکر و حکمران و رئیس شهرپانی و غیره چندین دفعه قبل از تشریف فرمائی بندگان اعلیحضرت و بعد از آن در موقع عبور از دیواندره جهت بازدید به دبستان تشریف آورده‌اند و هیچ‌گونه ایراد ندیده‌اند، بدیهی است اگر چنانچه یک ایراد جزئی مشاهده می‌کردند خاطر مبارک و سلامت محترم را مستحضری می‌نمودند به همین دلیل عرض می‌کنم: فدوی از روز ورودم به خدمت معارف در مراقبت و انتظام و سعیات داخلی دبستان کوچکترین قصوری بخرج نداده‌ام و در موقع تشریف فرمائی جناب آقای رئیس کل فلاحات تمامی نوآموزان و کارکنان در کلاس بودند و کلاهمان در میخ بود فقط چهار نفر از نوآموزان کلاس ۴ که سرشان زخم داشت کلاه در سر داشتند اگر چنانچه آقای رئیس فلاحات اظهار فرموده باشند که تمامی نوآموزان و کارکنان کلاه در سرشان بود در حقیقت بی‌انصافی فرموده‌اند و زحمات یک نفر مامور بدبخت را در همچو جائی که از حبس تاریک بدتر است خون جگر خورده انجام وظیفه می‌نمایند بهتر داده‌اند این است در خاتمه محض استحضار مبارک قسم می‌خورم به مقدسات عالم بغیر از چهار نفر مذکور فوق هیچک از نوآموزان و کارکنان کلاهمان در سر نبوده.

مدیر دبستان دولتی دیواندره - امضاء

اخباری

جانب بیست و نهم شماره ۱۳۳۴ راجع به تجدید اجاره محل دستان سنای اوبانوی

جانب بیست و نهم شماره ۱۳۳۴ راجع به تجدید اجاره محل دستان سنای اوبانوی
 ملکات محترم در باره ملکات اوقاف و غیره و دیوار واقع در قریه باغ
 باغی بهال شکری نمایند و در ملکات اوقاف و غیره و دیوار واقع در قریه باغ
 چیل ریل از اول فروردین ۱۴۱۸ تا آخر اسفند ۱۴۱۸ در مقابل بیست -
 ۴۸۰ ریال و باقی طشهور کار سازی شهر و تمام تعمیرات و مخارج
 مالکانه بهیچ وجه از موجب است و بهیچ وجه از موجب است و بهیچ وجه از موجب است

براساس فوق تقدس نموده - مدیر دستان سنای اوبانوی - تهران



۲۰

- ۲- محمد امین فرجی خدمتگزار
- ۳- یحیی ریاضی مدیر و آموزگار ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۳

دبستان دقیقی بیساران:

دبستانی بوده است چهار کلاسه، سال تأسیس آن ۱۳۰۹ کسانی را که از پیش در این مدرسه خدمت کرده اند نام می بریم:

۱- یحیی سپهر آرا	مدیر و معلم در سال ۱۳۱۱
۲- صادق معتمدی	مدیر و آموزگار در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
۳- احمد فخر شیخ الاسلامی فرزند باقر	آموزگار در سال " تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
۴- محمود زند فرزند کر معلی	خدمتگزار
۵- اسدالله فروتن فرزند حسین	مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰
۶- احمد فخر شیخ الاسلامی	آموزگار از سال تحصیلی ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰
۷- علیمحمد زاهدی	آموزگار ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۲۰
۸- ابراهیم شاه مرادی	خدمتگزار
۹- خلیل بیابانی	خدمتگزار

دبستان رمشت

که بعدها به انوری رمشت نام گذاری شد در سال ۱۳۰۶ تأسیس گردید و مرحوم سید نجم الدین سجادی فرزند عصام الدین بنیان گذار این مدرسه بوده است.

بترتیب تقدم اشخاصی را که در آنجا خدمت نموده اند نام می بریم:

۱- سید نجم الدین سجادی	مدیر و آموزگار دبستان ۴ کلاسه از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۶
۲- محمد محی	آموزگار از ۳۰۶/۶/۱۵ تا ۳۰۷/۶/۱۷
۳- ابوالمحمد مهاجر	آموزگار از " تا ۱۳۱۲
۴- حاج شیخ حسین شفیقیان	آموزگار از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲
۵- نجم الدین ورزنده	آموزگار از " ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲
۶- حسن تارک	آموزگار " ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵
۷- یدالله برات پور	آموزگار از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
۸- سید موسی سجادی	آموزگار از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵
۹- محمد هاشم غریب نژاد	خدمتگزار تا سال ۱۳۱۶
۱۰- سید مصطفی مصطفوی	خدمتگزار تا سال ۱۳۱۶

۱۰- محمود پاکزادیان آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶

۱۱- ابوتراب هدائی مدیر و آموزگار از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰

۱۲- میرابیان آموزگار از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰

در سال تحصیلی ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۳۲ پایه و نوسود و نودشه و روانسر و جوانرود به نواحی تابعه کرمانشاه ضمیمه شد و آموزش و پرورش این محلها نیز از آموزش و پرورش کردستان مجزا و جزو کرمانشاه گردید.

مدرسه ادیب هجیج:

این مدرسه در سال ۱۳۱۹ به وسیله آقای ادیب راه اندازی و تأسیس شد از سال ۱۳۲۱ آقای حسن جمیع مدیر و مسئول مدرسه ادیب بوده، در مهرماه ۱۳۲۶ که مجدداً نامه ها و گزارشهای ماهیانه به امضاء او به اداره رسیده معلوم میشود تا آن موقع هم در آنجا مسئول بوده است در سالهای اولیه چهار پنج دانش آموز بیشتر جذب نشده اما در اتر جدیت آقای جمیع تعداد ۲۵ محصل به تحصیل پرداخته اند. در سال ۱۳۲۶ گزارشی به اداره می فرستد و می گوید چون آبادی هجیج بسیار گرم و از اول بهار معشیت در آنجا مشکل می نماید و اهالی که تحمل گرما را ندارند به ییلاق و هوار می روند سالهای گذشته با مشکل زیادی روبرو شده ام، اجازه دهید بعد از تعطیلات عید امتحانات آخر سال را انجام دهیم تا دانش آموزان بی محابا و خود سرانه مدرسه را تعطیل نکنند، اداره مربوطه مدیر را به پیروی از مقررات موظف ساخته است.

دبستان خرم هانه گرمله

این دبستان در سال ۱۳۱۵ تشکیل شد و کارکنان اولیه این دبستان بدین قرار اند:

۱- حسن زاهدی مدیر و معلم از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰

۲- حیدر محی آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰

۳- محمود پاکزادیان آموزگار از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰

۴- ابراهیم عظیمی خدمتگزار

۵- محمد مبارکشاهی خدمتگزار

دبستان انوری آساوله

این دبستان در سال ۱۳۱۶ تأسیس شد اما از مؤسس آنجا اطلاعی بدست نیامد کارکنان این مدرسه دو

کلاسه در سالهای تحصیلی ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ بدین قرار است:

۱- عبدالحمید منجمی مدیر و آموزگار

- ۱۴- مقدمه: با توجه به اینکه در این کتاب به موضوعات گوناگون پرداخته شده است، لازم است که در ابتدا به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب پرداخته شود.
- ۱۵- مروری بر کلیات: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
- ۱۶- مروری بر کلیات: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
- ۱۷- مروری بر کلیات: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
- ۱۸- مروری بر کلیات: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.

فصل اول: کلیات و اهداف

- این فصل به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
- ۱- غلامحسین صالح: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
 - ۲- ابوالحسن شمس: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
 - ۳- صالح کتبخان: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.
 - ۴- کریم: در این بخش به توضیح کلی دربارهٔ این کتاب و اهداف آن پرداخته شده است.

فصل دوم: روش‌های آموزشی

این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است.

- اینست صورت اسامی کلاک‌های این مدرسه که از قلمرو روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است. در این فصل به توضیح کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی و اهداف آن پرداخته شده است.
- ۱- صادق معتمدی
 - ۲- سید محمد محمدی
 - ۳- محمد دین محمدی
 - ۴- سید موسی محمدی
 - ۵- بهاء الدین محمدی
 - ۶- مسعود محمدی

دبستان شاهپور پاوه

این دبستان که بعدها به نام دبستان سعدی پاوه نام گذاری شد در شهریور ماه سال ۱۳۰۵ از طرف رئیس اداره معارف به آقای محمود انور مأموریت داده شد تا به منطقه پاوه رفته و مدرسه پسرانه آنجا را افتتاح کند شخص محترم مذکور بوسیله قاطر از گردنه ها و بیراهه ها گذشته خود را به سرزمین پاوه می رساند شب جمعه در مسجد جامع حضور می یابد و پس از طی بیاناتی جریان افتتاح مدرسه را به دستور اداره معارف کردستان مطرح و از اهالی کمک و معاضدت می طلبد پس از رد و بدل سخنان موافقین و مخالفین موفق می شود نظر اکثریت را به دایر کردن مدرسه جلب نماید سپس محل آبرومندی را با ماهی ۸۰ ریال اجاره می کند و از دانش آموزان ثبت نام بعمل می آورد ابتدا مدرسه ای چهار کلاسه ترتیب می دهد بدین معنی که از باسوادان مکتبی امتحان بعمل آورده و هر یک را به میزان سوادشان در کلاس مربوطه قرار می دهد و به اداره معارف کردستان گزارش کار را می دهد و درخواست معلم می کند اداره نیز آقایان صادق معتمدی و سید محمود سجادی را ابلاغ معلمی پاوه می دهد و آنان را بدانجا روانه می کند در سال ۱۳۰۷ که مدرسه پاوه اعتبار و استحکام یافته آقای محمودانور به افتتاح و مدیریت رزاق اورامان مأمور می شود و آقای کریم علاقه بندان به مدیریت پاوه انتخاب و صادق معتمدی مدیر و آموزگار مدرسه جوانرود میشود. در سال ۱۳۱۰ آقای صادق معتمدی به دیواندره انتقال می یابد و آقای صالح خردمند با ابلاغ مدیریت و آموزگاری به پاوه می رود.....

اینک لیستی از کارکنان مدارس پاوه:

- ۱- محمود انور از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ مدیر و آموزگار
- ۲- صادق معتمدی از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ آموزگار
- ۳- کریم علاقه بندان از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ مدیر و آموزگار
- ۴- سید محمود سجادی از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ آموزگار
- ۵- حسین سعید نیا فرزند سید محمد اهل گروس از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ مدیر و آموزگار
- ۶- آقای صالح خردمند از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ مدیر و آموزگار
- ۷- قادر خان نجفی از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ آموزگار
- ۸- ایوب کابلی از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۷ آموزگار
- ۹- حبیب الله مهدی زاده از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۱۷ مدیر و آموزگار دبستان نوین یاد خانگاه پاوه
- ۱۰- حیدر محی در سال ۱۳۱۷
- ۱۱- عبدالمجید بهرامی مستخدم از سال افتتاح تا سال ۱۳۲۰
- ۱۲- سعید عدنانی از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۷ آموزگار
- ۱۳- حبیب الله اویدی سال تحصیلی ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۱۷ آموزگار

ل- ۲۱

۱۴۱



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ ۲۰ ماه سنه ۱۳۰

نمره ۵۹۱۹ ضمیمه ۲۲۸۸

اداره

دایره

پرنسپال

پیشنهاد نموده راجع به نقل صدق خان سیدی از مدرسه مولانا به عبدالمطلب خان

مبتدی و کلاس در مدرسه به هر هفته تان و پنج وقت مورد تصویب مقام

منیع وزارت جلیله متبوعه دامت شوکته واقع گردید لازم است

بهمین نحو اقدام و مقررات متعدد المال و دستور نموده ۲۲۹۱۹
۸۹۸۱

۱۰-۱۰-۱۳۰۷ را بموقع اجراء گذارید ح



۱۱۹۲

رود بهر صدق خان سیدی بدفع می نماید پس رسیدم که در اول راجع

بنام ممرضت را در عدو بین حریفی با هزار ریت محترم خبر عرب

تقریر حواله رود

شماره مسلسل: ۱۳۰۰ شمسی

تاریخ:

تاریخ: ۱۳۰۰ شمسی

موضوع: درخواست صدور مجوز

موضوع: درخواست صدور مجوز

بسم الله الرحمن الرحیم
موضوع: درخواست صدور مجوز

اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...

در تاریخ ... در محل ...
اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...

بسم الله الرحمن الرحیم
موضوع: درخواست صدور مجوز

اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...

در تاریخ ... در محل ...
اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...

در تاریخ ... در محل ...
اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...

در تاریخ ... در محل ...

اینجانب به استحضار می‌رسانم که به منظور انجام امور مربوط به ...
در تاریخ ... در محل ...



موضوع: درخواست صدور مجوز



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

اداره

دایره

بسم الله الرحمن الرحیم
موضوع: درخواست خرید کتب و اسناد
کتابخانه و اسناد و کتابخانه
موضوع: درخواست خرید کتب و اسناد
کتابخانه و اسناد و کتابخانه
موضوع: درخواست خرید کتب و اسناد
کتابخانه و اسناد و کتابخانه



۱۵۹۲
۱۳۰۲/۱۲/۲۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - (۱) حسین بیگلربیگی
معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آمار سود صاحب درجه هجرت ۲۹۲۳
زنجیه مرکز گردستن و متولد سال ۱۲۸۲ شمسی ولد انار محمد سعید خانم فاذا گد اوفا منور و در بند و تبعه است ایران است بر طبق براد
زیر قرارداد نماید از ۱۶ ماه شهر در سال ۱۳۱۲ شمسی یعنی ۱۵ ماه شهر در سال ۱۳۱۵ شمسی سبت آخر جمعه هر کلاس سال او ۲۰ دین بوازرد
دشتن دل داشته باشد - (۱) ش رالیه نام است که مطابق دستور و نظایات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و در موارد نقصیه است اداره
ناجی غور است نظایات داخل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۲) مدت ش رالیه در صفحه سی است و حقوق ایشان در ماه مبلغ دوازده ریال است
بر از محرم بود به محرم تا دید خواهر شلوه (۳) هر سوغت هر خواهر استغفا کند باید به قهر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و در موارد حقوق
اولم رانز نایب پنج پردانه شده باشد استر و دکت (۴) اداف حقوق ایام تعطیل بستن کر کل بن استم در فته انتی است کل خصیه
شغل فته بستن و نیران آن بنایب مدته خواهد بود در دینه ماه و نیم کل خصیه فته کرده است یعنی اگر در آن ماه و نیم فته فته کرده باشد تا حقوق است تعطیل
بستن آید اگر کمتر فته کرده باشد بهمان نسبت از حقوق است تعطیل بستن کمتر خواهد شد (۵) هر چه در بدین سال خصیه نخواهد بر طبق ماده ۲ استغفا به
و یا اینکه قرارداد ایشان از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه رالیه منطبق به حقوق ایام تعطیل بستن را نخواهد داشت (۶) ش رالیه استغفا
است این قرارداد و شغل سوغت دیگر در بر آید هر قدر که کمتر از آنکه فلا رف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه باشد (۷) هر چه در است قرارداد
با وجود اخطا کتب وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و احکام و دستور وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و یا استغفا از نقطه نظریه و تدریس و یا اخطا مهم رفتندی -
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۸) وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۹) وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه این را با رعایت
مندرجات این قرارداد در تبیین (ماده ۹) این قرارداد در آنست که هر یک از طرفین میسر - (۱۰) معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - (۱۱) معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

(ادارہ معارف و اوقاف کردستان)

تاریخ ۱۳۱۲.۵

..... امره ۴۴۷ ضمیمه

از دره می رود و در دهانه

[illegible]

کتابخانه عمومی

شماره ۵۸۲۴



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اداره اسناد و کتابخانه ملی

دفتر اسناد و کتابخانه ملی

دایره اسناد و کتابخانه ملی

مجلس شورای اسلامی

کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی

۹۷۴



کتابخانه عمومی
شماره ۵۸۲۴
۱۳۹۱/۱۰/۱۶



11-1-14

11. *Chrysomelidae* (10 spp.)

وزارت مالیت

ادارہ علمیہ گودستان

دايرة

در تصدیق ۱۳۱۰ که در حق آن جناب در دست آن جناب است و با و به شماره
میرجیب مرسله ۱۳۰۰ که در حق آن جناب در دست آن جناب است و با و به شماره
در صورت عدم مرسله قانع و در دست آن جناب است و با و به شماره

سرا و شرح فوق در

[Handwritten signature]

1978-1979

02

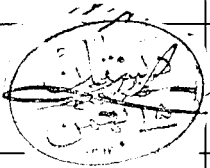
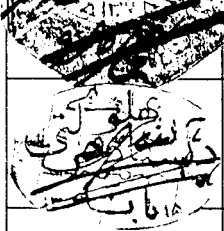
١٢٠

بخش هشتم

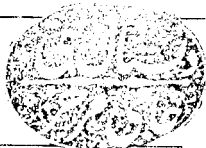
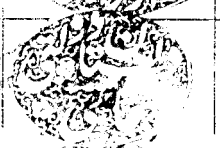
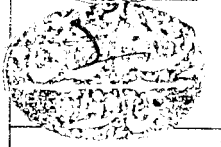
تصاویر و مشخصات معروضات مورد آموزش و پرورش استان کرمان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نوع نگارنگار	موضوع	زمان	مکان	نوع نگارنگار	موضوع
۱	تصویر نگارنگار	انجمن دانش آموزان	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	انجمن دانش آموزان
۲	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۳	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۴	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۵	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۶	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۷	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۸	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۹	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا
۱۰	مدرسه سید الشهدا	تصویر نگارنگار	۱۳۱۵	تهران	تصویر نگارنگار	مدرسه سید الشهدا

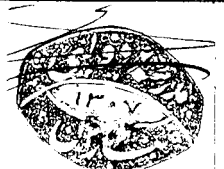
اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۱۱	مدرسه بدیع		دلبران	۱۳۱۹	اجاره	دو کلاسه	
۱۲	دبستان بزرگمهر		پایگلان	۱۳۱۹	اجاره	دو کلاسه	
۱۳	دبستان بوستان	سقز		۱۳۱۸		چهار کلاسه	
۱۴	دبستان بهرام	سقز		۱۳۱۷		چهار کلاسه	
۱۵	دبستان پانزده بهمن	سنندج		۱۳۱۴		شش کلاسه	
۱۶	پر ماکدو	سنندج		۱۲۷۳	وقف	شش کلاسه	
۱۷	مدرسه پرورش	سقز		۱۳۱۴	اجاره	شش کلاسه	
۱۸	مدرسه پهلوی	سنندج	تغییر نام	۱۳۰۶	وقف	شش کلاسه	
۱۹	مدرسه پهلوی	بانه		۱۳۰۳	اجاره	چهار کلاسه	
۲۰	مدرسه تربریز		تربریز	۱۳۱۵		دو کلاسه	

اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۲۱	دبستان تربیت	سنندج		۱۳۱۶		شش کلاسه	
۲۲	دبستان ترقی شهرداری	سنندج		۱۳۱۸		چهار کلاسه	
۲۳	دبستان تودار		تودار	۱۳۰۶		چهار کلاسه	
۲۴	دبستان تهذیب		درلی	۱۳۱۴		چهار کلاسه	
۲۵	دبستان جامی	سقز	مرخز - قلعه کهنه	۱۳۱۶		چهار کلاسه	 
۲۶	(د) حافظ (انتصاریه)	قروه		۱۳۰۳	اجاره	شش کلاسه	 
۲۷	دبستان حسامیه		دیر مولی	۱۳۲۲	اجاره	چهار کلاسه	
۲۸	دبستان حکمت	سقز		۱۳۰۷		شش کلاسه	 در ۱۳۱۴ از خورخوره به سقز انتق ال داده شد
۲۹	دبستان خاقانی		سریش آباد	۱۳۰۶	اجاره	چهار کلاسه	 
۳۰	دبستان خرم		هانه گرمه	۱۳۱۵	اجاره	دو کلاسه	

اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی-اجاره- وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۳۱	دبستان خیام	روانسر		۱۳۱۵	اجاره	دو کلاسه	
۳۲	دبستان مختلط دانش	سنندج		۱۳۱۳	اجاره	شش کلاسه	
۳۳	دبستان دقیقی	کامیاران		۱۳۲۱	اجاره	چهار کلاسه	
۳۴	دبستان دقیقی	بیساران		۱۳۰۵	اجاره	چهار کلاسه	
۳۵	دبستان رازی (اعتمادیه)	صلوات آباد		۱۳۱۱	تغییر نام اجاره	پنج کلاسه	
۳۶	دبستان رمشت	رمشت		۱۳۰۶	اجاره	دو کلاسه	
۳۷	دبستان رنگه ریژان	سقز	رنگه ریژان	۱۳۱۹	اجاره	دو کلاسه	
۳۸	دبستان رودکی		رزاب	۱۳۰۷	اجاره	چهار کلاسه	
۳۹	دبستان روزبه	سنندج	سرچی	۱۳۲۰	اجاره	چهار کلاسه	
۴۰	دبستان رونق		جوانرود	۱۳۰۶	اجاره	چهار کلاسه	

اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۴۱	دبستان زردویی	کامیاران		۱۳۱۹	اجاره	چهار کلاس	
۴۲	دبستان سالاریه	سنندج		۱۳۸۲	اجاره	چهار کلاس	
۴۳	دبستان سعادت	سنندج		۱۳۸۰	اجاره	چهار کلاس	
۴۴	دبستان سعدی (شاهپور)	پاوه		۱۳۰۵	اجاره	چهار کلاس	
۴۵	دبستان سنائی		تیلکوه	۱۳۰۷	اجاره	دو کلاس	
۴۶	دبیرستان شاهدخت	سنندج		۱۳۱۴	اجاره	هفت کلاس	
۴۷	دبیرستان شاهپور	سنندج		۱۳۰۵	دولتی	هفت کلاس	
۴۸	دبیرستان شاهپور	سقز		۱۳۱۴	دولتی	هفت کلاس	
۴۹	دبستان شاهدخت	سنندج		۱۳۱۷		شش کلاس	
۵۰	دبستان شاهین		شاهینی	۱۳۱۹		چهار کلاس	

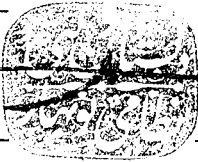
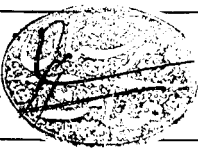
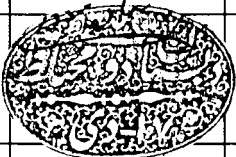
اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۵۱	دبستان شهناز	سقز		۱۳۱۸	اجاره	چهار کلاسه	
۵۲	دبستان صادق الماک	سندج		۱۳۷۷	اجاره	چهار کلاسه	
۵۳	دبستان طای		طای	۱۳۰۶	اجاره	دو کلاسه	
۵۴	دبستان عنصری		سرايقط (دزج)	۱۳۰۷	اجاره	چهار کلاسه	
۵۵	دبستان غزالی		نوسود	۱۳۱۱	اجاره	دو کلاسه	
۵۶	دبستان فارابی (مختلط بانه)	بانه		۱۳۱۵	اجاره	چهار کلاسه	
۵۷	دبستان فخر رازی		کانی سواران	۱۳۲۲	اجاره	دو کلاسه	
۵۸	دبستان فرخی	مريوان		۱۳۰۶	اجاره	شش کلاسه	
۵۹	دبستان فردوسی	ديواندره		۱۳۰۷	اجاره	شش کلاسه	
۶۰	دبستان گاو آهننتو		گاو آهننتو	۱۳۲۰	حجره مسجد	دو کلاسه	

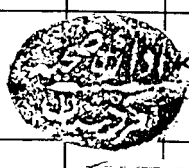
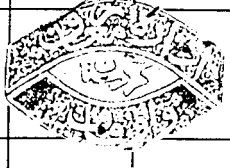
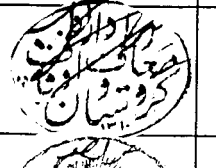
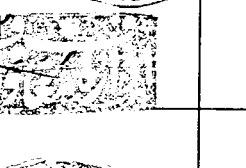
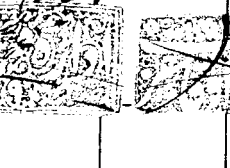
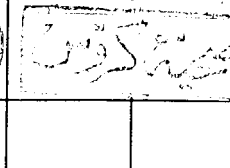
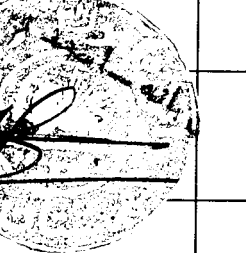
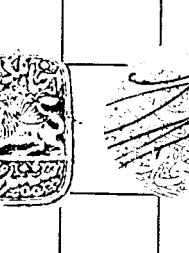
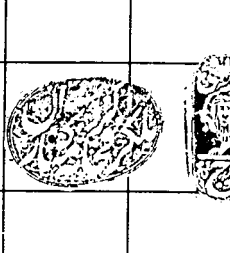
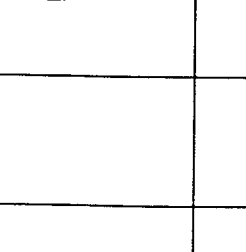
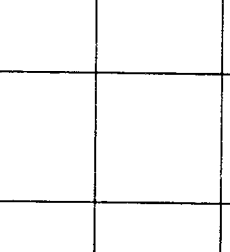
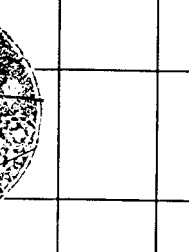
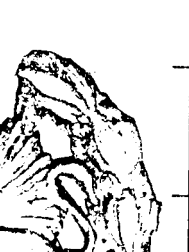
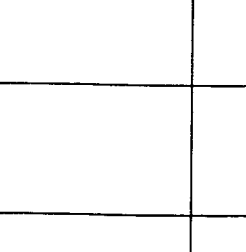
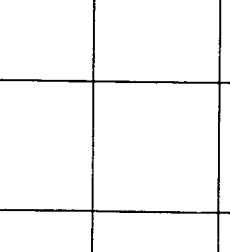
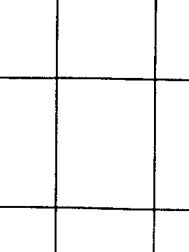
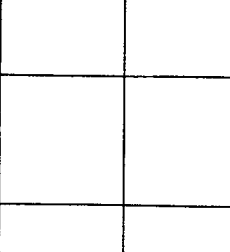
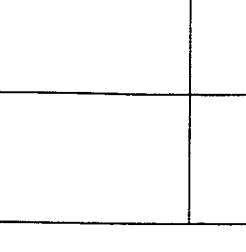
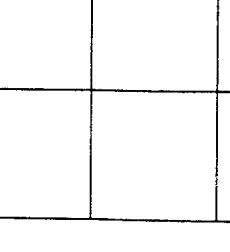
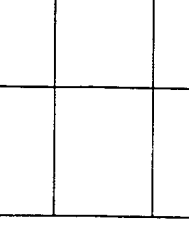
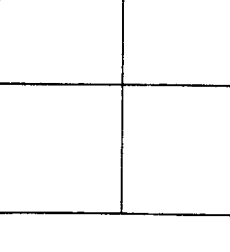
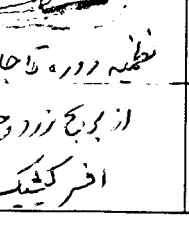
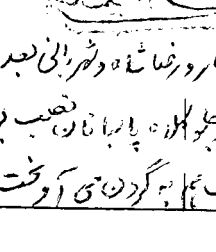
اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تأسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۶۱	دبستان مختلط آذر میدخت	سنندج		۱۳۲۲	اجاره	چهار کلاسه	
۶۲	دبستان مریوان	مریوان		۱۳۰۵	اجاره	شش کلاسه	
۶۳	دبستان مستوره	سنندج		۱۳۰۵	اجاره	پنج کلاسه	
۶۴	دبیرستان مستوره	سنندج		۱۳۱۷	اجاره	سه کلاسه	
۶۵	دبستان مقدم		امروله	۱۳۱۹	اجاره	دو کلاسه	
۶۶	دبستان معرفت	سنندج		۱۲۸۳	اجاره	چهار کلاسه	
۶۷	دبستان ممتازیه (جنت - اسدیه)	سنندج		۱۳۰۸	اجاره	چهار کلاسه	
۶۸	دبستان مولوی		دزلی	۱۳۰۶	اجاره	دو کلاسه	
۶۹	دبستان منوچهری	سردشت		۱۳۰۶	اجاره	دو کلاسه	
۷۰	دبستان ناصر خسرو		حسین آباد	۱۳۱۵	اجاره	چهار کلاسه	

اسامی و مشخصات آموزشگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزشگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزشگاه
۷۱	دبستان ناهید	قروه		۱۳۲۲	اجاره	چهار کلاسه	
۷۲	دبستان نوباوگان		نوسود	۱۳۱۱	اجاره	دو کلاسه	
۷۳	دبستان نظامی نوبهار	سقز	کس نزان	۱۳۱۵	اجاره	چهار کلاسه	
۷۴	دبستان وصال	جوانرود		۱۳۱۵	اجاره	چهار کلاسه	
۷۵	دبستان هدایت	سنندج		۱۳۱۷	ادولتی	شش کلاسه	
۷۶	دبیرستان هدایت	سنندج		۱۳۱۸	دولتی	دو کلاس ضمیمه دبستان	
۷۷	دبستان هفده دی	سنندج		۱۳۱۳	اجاره	شش کلاسه	
۷۸	دبستان ادیب هجیج		هجیج	۱۳۱۹	اجاره	دو کلاسه	
۷۹	مدرسه هو با تو		اوباتو	۱۳۰۶	اجاره	چهار کلاسه	 
۸۰	مدرسه امید	بیجار	حسن آباد یاسو کند	۱۳۱۱	اجاره	دو کلاسه	 مدرسه حسن آبار یا مکر کند

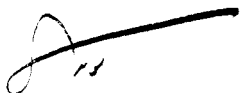
اسامی و مشخصات آموزگاههای حوزه آموزش و پرورش استان کردستان از ابتدای تاسیس تا سال ۱۳۲۲

ردیف	نام آموزگاه	شهر	روستا	تاریخ تاسیس	دولتی - اجاره - وقف	تعداد کلاس	مهر مدرسه یا آموزگاه
۸۱	مدرسه هدایت	بیجار	خسرو آباد	۱۳۱۱	اجاره	دو کلاس	
۸۲	مدرسه پیر تاج	بیجار		۱۳۱۱	اجاره	دو کلاس	
۸۳	مدرسه ملی اتحاد	بیجار		۱۳۰۰	اجاره	شش کلاس	
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							
							

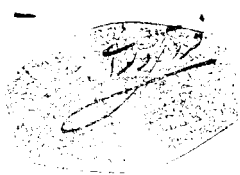
مهر و امضای مدیران مدارس اکابر (بزرگسالان) حوزه آموزش و پرورش استان کردستان

از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰

مدیر مدرسه اکابر شماره ۴۴ -



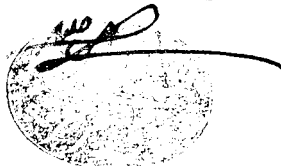
مدیر مدرسه اکابر ۱۸ -



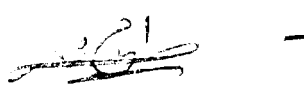
مدیر مدرسه اکابر ۱۲ -



مدیر مدرسه اکابر ۲۶ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۱ -



بلاغه نو
۱۷/۱۱/۴۰

مدیر مدرسه اکابر ۱۴ -



مدیر مدرسه اکابر صلوات آباد ۲۹ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۲ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۳ -



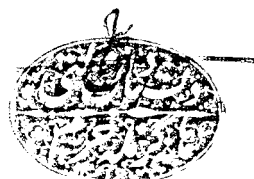
مدیر مدرسه اکابر ۲۱ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۵ -



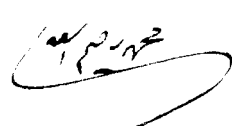
مدیر مدرسه اکابر ۲۲ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۹ -



مدیر مدرسه اکابر ۲۴ -



مدیر مدرسه اکابر ۱۷ -



مهر و امضای مدیران مدارس اکابر (بزرگسالان) حوزه آموزش و پرورش استان کردستان

از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰

مدیر مدرسه اکابر شماره ۱ سنقر

مالک

مدیر مدرسه اکابر شماره ۱ سنقر

حسن شیب

مدیر مدرسه اکابر لا تنز

فاضل

مدیر مدرسه اکابر ۱ کرند

سید علی

مدیر مدرسه اکابر شماره ۱

سید احمد

مدیر مدرسه اکابر شماره ۲ همدان

سید علی

مدیر مدرسه اکابر ۱

سید علی

مدیر مدرسه اکابر شماره ۳

سید علی

مدیر مدرسه اکابر

سید احمد

سید علی

مدیر مدرسه اکابر شماره ۴

سید علی

مدیر مدرسه اکابر شماره ۵

سید علی

مدیر مدرسه اکابر شماره ۵

سید علی

۱۷/۱۲/۲۱

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهر سندج در سال

تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	میزان حقوق	ملاحظات
۱	آقای حسین شکبیا	رئیس معارف و مدیر دبیرستان شاهپور	۹۲۰ ریال	۳۲۰ ریال آن حق التدریس است
۲	" بحر العلوم ال آقا	حسابدار اداره	۴۴۰ ریال	
۳	" عباس ضیائی	حسابدار "	۴۴۰ ریال	
۴	" رضا ناصر مستوفی	ثبات "	۲۷۰ ریال	
۵	" ناصر صدیق وزیری	منشی "	۲۵۰ ریال	
۶	" عبدالحسین نعیمی	دبیر دبیرستان شاهپور	۴۴۰ ریال	
۷	" حسن شکبیا	" " "	۳۴۰ ریال	
۸	" سید مهدی بهبهانی	" " "	۶۰۰ ریال	
۹	" غلامعلی گویا	" " "	۴۵۰ ریال	
۱۰	" فتح الله یمنی ابری	" ورزش	۵۵۰ ریال	
۱۱	" حبیب الله آداری	" فرانسه	۴۵۰ ریال	
۱۲	سید محمد باقر حیرت سجادی	" ادبیات و عربی	۶۰۰ ریال	
۱۳	" عبدالکریم دبیری	آموزگار دبستان هدایت	۲۰۰ ریال	
۱۴	" ابراهیم یوسفی پطرس پور	آموزگار دبستان	۱۶۰ ریال	
۱۵	" اسمعیل شکبیا	آموزگار دبستان	۲۲۰ ریال	
۱۶	" اسدالله فروتن	آموزگار دبستان	۱۸۰ ریال	
۱۷	" سعدالدین شهابی	آموزگار دبستان	۱۴۰ ریال	
۱۸	" علینقی پرورش	مدیر دبستان هدایت	۳۲۰ ریال	
۱۹	" محمد تابش	آموزگار دبستان هدایت	۲۰۰ ریال	

**میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهر سنندج در سال
تحصیلی ۱۳۱۴، ۱۳۱۵**

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	میزان حقوق	ملاحظات
۲۰	آقای عبدالکریم دبیری	آموزگار دبستان هدایت	۲۰۰ ریال	
۲۱	"حیدر محی	آموزگار دبستان هدایت	۱۷۰ ریال	
۲۲	"محمود پاکزادیان	آموزگار دبستان هدایت	۱۵۰ ریال	
۲۳	"عبدالله شادران	مدیر و آموزگار بدر	۱۴۰ ریال	
۲۴	"عبدالغفار ارجمندی	آموزگار دبستان هدایت	۲۵۰ ریال	
۲۵	"عطاء الله عظیمی	مدیر و آموزگار دبستان بذر	۲۵۰ ریال	
۲۶	"غلامعلی کمانگر	آموزگار دبستان بدر	۲۰۰ ریال	
۲۷	"عباس خاکسار	آموزگار دبستان بدر	۱۸۰ ریال	
۲۸	"ناصر مشیر وزیری	آموزگار دبستان بدر	۱۴۰ ریال	
۲۹	"سید محمود شوندی	آموزگار دبستان بدر	۱۴۰ ریال	
۳۰	"حسین شکبیا	معلم ادبیات و جغرافیا در دبیرستان معقول و منقول	۱۲۰ ریال	
۳۱	"محمود مفتی	دبیر فقه و اصول	۱۲۰ ریال	
۳۲	"محمد صدیق مجتهدی	دبیر ادبیات	۱۳۰ ریال	
۳۳	"عبدالمجید اصولی	دبیر صرف و نحو منطق	۱۰۰ ریال	
۳۴	"ابوالقاسم صادق وزیری	دبیر قسمتی از ادبیات	افتخاری	

(میزان کرایه محل های ذیل در سال ۱۳۱۴)

ردیف	نام محل	مبلغ در ماه
۱	اداره معارف در سندج	۲۰۰ ریال
۲	دبیرستان شاهدخت	۲۵۰ ریال
۳	دبستان بدر	۱۵۰ ریال
۴	کودکستان دانش	۱۸۰ ریال
۵	دبستان دوشیزگان ۱۷ دی	۱۵۰ ریال
۶	دبستان مروان	۵۰ ریال
۷	دبستان اوباتو	۳۰ ریال
۸	دبستان رزاق	۳۰ ریال
۹	دبستان صلوات آباد	۴۰ ریال
۱۰	دبستان دزلی	۲۰ ریال
۱۱	دبستان رمش	۲۰ ریال
۱۲	دبستان دیواندره	۴۰ ریال
۱۳	دبستان سریش آباد	۳۰ ریال
۱۴	دبستان قروه	۳۰ ریال
۱۵	دبستان جوانرود	۴۵ ریال
۱۶	دبستان بیساران	۲۰ ریال
۱۷	دبستان خور خوره حکمت	۴۰ ریال
۱۸	دبستان سردشت	۸۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهرهای تابعه و دهات استان کردستان در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

شماره ردیف	نام و نام خانوادگی	محل خدمت شهرستان سنقر	سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
۱-	آقای رفیع زونوس	مدیر دبستان شاهپور	۳۵۰ ریال
۲-	آقای بهاء الدین غیاثی	آموزگار شاهپور	۲۵۰ ریال
۳-	آقای رشید افغانی	"	۲۰۰ ریال
۴-	آقای ابوالقاسم مداحی	"	۱۶۰ ریال
۵-	آقای محمد رشید باکنهاد	"	۱۵۰ ریال
۶-	آقای محمد رحیم اسعدی	"	۱۳۰ ریال
۷-	آقای نصرالله صالحی	"	۱۲۰ ریال
۸-	آقای محمد شریفی	مدیر دبستان حکمت	۲۵۰ ریال
۹-	آقای هدایت الله مجیدی	آموزگار "	۱۵۰ ریال
۱۰-	آقای عارف بیگ	مستخدم دبستان شاهپور	۹۰ ریال
۱۱-	آقای صالح کنعانبان	دبستان حکمت	۸۰ ریال

سردشت

۱۲-	آقای حبیب سبهرآرا	مدیر دبستان سردشت	۴۲۰ ریال
۱۳-	آقای حسن احسانی	آموزگار دبستان سردشت	۲۰۰ ریال
۱۴-	آقای احمد فتوحی	"	۱۵۰ ریال
۱۵-	آقای سعید خلوصی	"	۱۳۰ ریال
۱۶-	آقای صالح اقبال	مستخدم "	۸۰ ریال

بانه

۱۷-	آقای شکرالله فرخ پور	کفیل دبستان بانه	۳۰۰ ریال
۱۸-	آقای محمد صحیحی	آموزگار بانه	۲۰۰ ریال
۱۹-	آقای غلامحسن تاج بخش	"	۱۸۰ ریال
۲۰-	آقای صالح احمدی	"	۱۴۰ ریال
۲۱-	آقای حسین صدیقیانی	"	۱۲۰ ریال

اوباتو

۲۲-	نبی ساعی	مدیر دبستان اوباتو	۲۵۰ ریال
۲۳-	آقای محمد املاعی	مدیر دبستان اوباتو	۱۸۰ ریال
۲۴-	آقای کریم علافندان	آموزگار دبستان اوباتو	۸۰ ریال
۲۵-	آقای عالی فرومند	مستخدم "	۸۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهرهای تابعه و دهات

استان کردستان در سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

شماره ردیف	نام و نام خانوادگی	محل خدمت	سال تحصیلی ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵
دیواندره			
۲۶ -	"مهدی زاهدی	مدیر دبستان دیواندره	۳۰۰ ریال
۲۷ -	آقای خلیل سیار	آموزگار دبستان دیواندره	۱۸۰ ریال
۲۸ -	آقای سیف الله دیوانی	مستخدم دبستان دیواندره	۸۰ ریال
نوسود			
۲۹ -	آقای مهدی مرشد زاده	مدیر دبستان نوسود	۴۲۰ ریال
۳۰ -	آقای علی اکبر سپهری	آموزگار دبستان نوسود	۳۰۰ ریال
۳۱ -	آقای عبدالکریم قاضی	آموزگار دبستان نوسود	۱۰۰ ریال
۳۲ -	آقای رضا علی دیوانیان	مستخدم دبستان نوسود	۱۰۰ ریال
پاوه			
۳۳ -	آقای حسین سعید نیا	مدیر دبستان پاوه	۴۲۰ ریال
۳۴ -	آقای صالح خردمند	آموزگار دبستان پاوه	۳۰۰ ریال
۳۵ -	آقای قادر نجفی	آموزگار دبستان پاوه	۱۰۰ ریال
۳۶ -	آقای عبدالحمید بهرامی پاوه	مستخدم دبستان پاوه	۱۰۰ ریال
دزلی			
۳۷ -	آقای محمد علی قطبی	مدیر و آموزگار دبستان دزلی	۴۲۰ ریال
۳۸ -	آقای توفیق حریری	آموزگار دبستان دزلی	۳۰۰ ریال
۳۹ -	آقای هاشم غریب نژاد	آموزگار دبستان دزلی	۱۰۰ ریال
۴۰ -	آقای فرج الله امانی	مستخدم دبستان دزلی	۱۰۰ ریال
رزاب			
۴۱ -	آقای عبد الحمید منجمی	آموزگار دبستان رزاب	۱۸۰ ریال
۴۲ -	آقای سید نجم الدین صمدی	مستخدم دبستان رزاب	۸۰ ریال
بیساران			
۴۳ -	آقای صادق معتمدی	مدیر دبستان بیساران	۲۵۰ ریال
۴۴ -	احمد فخر شیخ الاسلامی	آموزگار دبستان بیساران	۱۵۰ ریال
۴۵ -	آقای محمود زند	مستخدم دبستان بیساران	۸۰ ریال

مريوان			
۴۶-	آقای غلامعلی اسکندری		۳۰۰ ریال
۴۷-	آقای حسین زاهدی		۲۰ ریال
۴۸-	محمد کریم رشیدی		۸۰ ریال
جوانرود			
۴۹-	آقای علی روحانی	مدیر و آموزگار دبستان جوانرود	۳۰۰ ریال
۵۰-	آقای مسعود فاضل دربندی	آموزگار دبستان جوانرود	۲۰۰ ریال
۵۱-	آقای محمد رضا خدري	مستخدم دبستان جوانرود	۸۰ ریال
رمشت			
۵۲-	آقای ید الله برات پور	مدیر و آموزگار دبستان رمشت	۲۵۰ ریال
۵۳-	آقای سید موسی سجادی	آموزگار دبستان رمشت	۱۵۰ ریال
۵۴-	آقای سید مصطفی مصطفوی	مستخدم دبستان رمشت	۷۰ ریال
صلوات آباد			
۵۵-	آقای احمد منبری	مدیر و آموزگار دبستان صلوات آباد	۲۵۰ ریال
۵۶-	آقای باقر راستین	آموزگار دبستان صلوات آباد	۱۵۰ ریال
۵۷-	آقای محمد مرادویسی	مستخدم دبستان صلوات آباد	۷۰ ریال
دزج- سرايقحط			
۵۸-	آقای سید محمد ابطحي	مدیر دبستان دزج	۲۵۰ ریال
۵۹-	آقای حسن جلیلی	آموزگار دبستان دزج	۱۵۰ ریال
۶۰-	آقای رحمت الله کمالی	مستخدم دبستان دزج	۸۰ ریال
قروه			
۶۱-	آقای محمود امینی	مدیر دبستان قروه	۳۰۰ ریال
۶۲-	آقای حسن آئینی	آموزگار دبستان قروه	۲۰۰ ریال
۶۳-	آقای شکرالله نیک نام	مستخدم دبستان قروه	۸۰ ریال
سريش آباد			
۶۴-	آقای حسین شفیعیان	مدیر دبستان سريش آباد	۳۰۰ ریال
۶۵-	آقای جعفر شادروان	آموزگار دبستان سريش آباد	۱۸۰ ریال
۶۶-	آقای محمد کریم فقر	مستخدم	۸۰ ریال

صورت اسامی مستخدمین جزء اداره معارف کردستان و مؤسسات تابعه در سال ۱۳۱۴

ردیف	اسم و نام خانوادگی	محل خدمت	مدت خدمت	حقوق ماهیانه	عیدی یکساله ریال	میزاجت
۱	میرزا آقا فخرالدینی	مستخدم اداره معارف	یکساله	۹۰	۹۰	
۲	شریف اوقافی	مستخدم دبیرستان شاهپور	یکساله	۹۰	۹۰	
۳	محمد جعفر رکنی	مستخدم دبیرستان شاهپور	یکساله	۸۰	۸۰	
۴	محمد امین محرالاسرار	مستخدم دبستان هدایت	یکساله	۹۰	۹۰	
۵	شکرالله فخرالدینی	مستخدم دبیرستان شاهدخت	یکساله	۹۰	۹۰	
۶	تاج خانم معمری	مستخدم دبیرستان شاهدخت	یکساله	۶۰	۶۰	
۷	محمد ضیاء مرادی	مستخدم دبستان بدر	یکساله	۹۰	۹۰	
۸	علی محمد عرب	"کودکستان دانش"	یکساله	۵۰	۵۰	
۹	احمد چمنی	مستخدم کودکستان هنر	یکساله	۶۰	۶۰	
۱۰	محمود مرادویسی	یکساله	یکساله	۷۰	۷۰	
۱۱	شکرالله نیکنام	مستخدم دبستان قروه	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۲	محمد اکرم فقر	مستخدم دبستان سریش آباد	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۳	رحمت الله کمالی	مستخدم دبستان دزج	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۴	سید مصطفی مصطفوی	مستخدم دبستان رشت	یکساله	۷۰	۷۰	
۱۵	محمود زند	مستخدم دبستان بیساران	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۶	سید نجم الدین صمدی	مستخدم دبستان رزاب	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۷	فرج الله امانی	مستخدم دبستان دزلی	یکساله	۱۰۰	۱۰۰	
۱۸	محمد کریم رشیدی	مستخدم دبستان مریوان	یکساله	۸۰	۸۰	
۱۹	عبدالمجید بهرامی	مستخدم دبستان پاره	یکساله	۱۰۰	۱۰۰	
۲۰	محمد رضا خدری	مستخدم دبستان جوانرود	یکساله	۸۰	۸۰	
۲۱	رضا علی دیوانیان	مستخدم دبستان نوسود	یکساله	۱۰۰	۱۰۰	
۲۲	سیف اله دیوانی	مستخدم دبستان دیوانده	یکساله	۸۰	۹۰-۴۲	
۲۳	علی فرومند	مستخدم دبستان اوباتو	یکساله	۸۰	۸۰	
۲۴	عارف پیک	مستخدم دبستان سقز	یکساله	۹۰	۹۰	
۲۵	محمد صالح کنعانیان	مستخدم دبستان سقز	یکساله	۸۰	۴۰-۲۶	
۲۶	نبی ساعی	مستخدم دبستان بانه	یکساله	۹۰	۵۰-۸۲	
۲۷	صالح اقبال	مستخدم دبستان سردت	یکساله	۸۰	۸۰	

صورت احتجاجات معارف کورستان ۱۳۱۴

3

ردیف	شرح	علاقه	نوع	تاریخ	مبلغ	توضیحات
۱	۱- تعمیرات و نگهداری	۲۷۲۰	-	-	-	-
۲	۲- تعمیرات و نگهداری	۲۷۲۵۰	-	-	-	-
۳	۳- تعمیرات و نگهداری	۱۲۰۰۰۰	-	-	-	-
۴	۴- تعمیرات و نگهداری	۲۵۰۰۰۰	-	-	-	-
۵	۵- تعمیرات و نگهداری	۱۶۲۵	-	-	-	-
۶	۶- تعمیرات و نگهداری	۱۲۰۰	-	-	-	-
۷	۷- تعمیرات و نگهداری	۲۵۳۰	-	-	-	-
۸	۸- تعمیرات و نگهداری	۵۷۰۵	-	-	-	-
۹	۹- تعمیرات و نگهداری	۱۲۰	-	-	-	-
۱۰	۱۰- تعمیرات و نگهداری	۴۵۱۷	-	-	-	-
۱۱	۱۱- تعمیرات و نگهداری	۴۵۰	-	-	-	-

شرح وقت منیج احتیاجات درجه اول

تاریخ

۱ اونیع جغرافیای حزن کردستان از حیث وسعت خاک و صعوبت عبور و مرور در نقاط مختلفه و رسیدگی و سرکشی بمدارس برکنده آن و بلاغ و اهمیت نمودن سرمد بر روی مرز دستانها موجب خواهد شد که قسمت اعظم اوقات مانده، صرف این نقطه صرف شود و سرگردان و نظیر آنها در سایر حرزات و ولایات اسباب وجود ندارد و از طرف دیگر باید اواسر و دستور کار وزارت بخواند و احسن ممبر شود و با بزرگان اعضا و کافه انجمن دادن اسرار و بهر بطور که موجب عیب غیر مقصد در است (چنانکه تا به حال عملی نشده) و بطور قطع یکفرقه در مینت در آن واحد نشر و میب و مقصد بر سر و سیر کارها را مستغرق باشد بنابرین وجود یکفرقه منشی بر اساسه فرق العاده لازم باشد و از قرار این ۲۱ ریه پیشینده است و تصویب از اوارد -

۲ صورت زیر اعتبار تعمیر از آنست $\frac{4896}{1311000}$ نقدیم ثمرات -

۳ دستانها سرمد کنده ابداً بمهاریت بی ندارند و در سبب یا اغنیاء با طرز غیر بطریق تعمیر کلاس میگرد در صورتیکه بصدیقیم یا یکمین پنج در خاک حواقی (پنجاهین) عمارات عاییه با شکوهی بار بار میسکت آن عدد و برپا گردید است. ترجمهات کماله اعلیحضرت شاهنشاهی و وزارت صید مستقیم نسبت بامتن معارف مخصوصاً در نقاط سرمد و اماکن مرز از تمدن در درجه اول اکیب وجود داشته و بر طبق معیار بهین جهت در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی چهار باب عمارت در هر یک از این نقاط باشد در سال تقابیر ۱۳۰۰۰ ریال تخمین ثمرات

۴ چون در شهر سنج عمارت در بار دیر استانی شایب باشد وجود ندارد و در ۲۵۰۰۰۰ ریال بار بار شایب عمارت برای دیر استانی شایب و ضرورت دارد در زمین فروری واقع در وسط شهر بنام شه (زمین فروری) و فضلداران بنام مینت و سرور حقیق و یک از ادارات (مترجم نباشد) سربازخانه قدیم از طرف اداره مکتوم قوفاً و قریباً تخمین خواهد شد و بار عمارت دیر استانی به نهایت شایب باشد دستان سردشت در عمر دستان نصب شده بکده مهر از آنست فضلداران چهار کلاس داشته و کلاس اول دارد بنابرین اعتبار ۲۵۰ ریال برای یکفرقه آموزگار منظور شده در شهر شاه و نیم آخر سال مرمت شود -

۵ حقوق فاضل آموزگار کلاس اول و ثمریات دستان سردشت ۸۰ ریال و آموزگار دیگر آن ۱۲۰ ریال در یوانده و جواز در هر یک ۱۵ ریال میباشند و این را تمام یکفرقه ششم خبرداران غیر انداخته نمیدانند ۲۰ ریال بار آموزگار ثمریات ۸۰ ریال بار آموزگار ۲۰ ریال و ۵۰ ریال بار هر یک از آموزگاران جواز و در یوانده اضافه منظور شده ۱۰۰ ریال و ۱۳۱۴ مرمت شود -

۷ تقویدانه و سردشت نصب است هم کردستان هستند و مدیر دستان آنها عده بامور و در نقطه سرمد کارها اوقات نیز میباشند و بر طبق سیرادارات در این نقطه غایب ۳۰ و ۴۰ پاشند و بار هر یک از مدیران تقویدانه ۷۰ ریال و بار مدیر سردشت ۸۰ ریال و بار مدیر زراب ۸۰ ریال و بار مدیر جواز در ۵۰ ریال اضافه منظور گردید است -

۸ بر طبق مذاکرات شفاهی فرمانده مکتوم تپه مستقر کردستان قریب نود و نه نفر و در هر یک بکده مهر تپه و فضلداران یک کلاس دستان کلاس در آنجا شست و شوی دارد بار مدیر آن ۲۰ ریال و آموزگار ۳۰ ریال و ششم ۱۰۰ ریال و کرایه کلاس ۵۰ ریال و درخت سیدانه ۵۰ ریال منظور شد است -

۹ حقوق فاضل ششم دستان سردشت ۵۰ ریال است ۲۰ ریال در شهر شاه و نیم اضافه منظور شد است -

خلاصہ بر وجہ ۱۴۱۴ معارف کورستان

۱۰۵

د

شرح	حقوق (۱)	مخارج (۲)	جمع کل (۳)	ملاحظات
۱	۲۱۶۰۰		۲۱۶۰۰	اعقاب حقوق اعضا ادارہ
۲	۱۴۲۰۰		۱۴۲۰۰	مدیران دبیرستانہ
۳	۴۱۰۷۵		۴۱۰۷۵	دبیران دبیرستانہ
۴	۷۸۶۰۰		۷۸۶۰۰	مدیران دبستانہ
۵	۱۱۶۰۴۰		۱۱۶۰۴۰	اموزگارانی دبستانہ
۶	۶۴۲۵		۶۴۲۵	دبیروزنشر
۷	۲۵۸۰۰		۲۵۸۰۰	سختدین خبرہ
۸	-	۴۰۲۴۰	۴۰۲۴۰	اعقاب رنجی راج ادارہ
۹	-	۱۰۰	۱۰۰	کتاب و ابرہان
۱۰	-	۱۲۵۰	۱۲۵۰	خرید اثاثہ
۱۱	-	۱۲۲۴۰	۱۲۲۴۰	مطبوعات و لازم تحصیلین
۱۲	-	۶۶۰۰	۶۶۰۰	اعادہ دبستان سیحان
۱۳	-	۱۲۰۰	۱۲۰۰	ایدا نذر
۱۴	-	۳۸۴۰	۳۸۴۰	اکابر
	-	۴۵۴۷۰	۴۶۸۱۱۰	

صحت مندرجات فوقہ بر عایت کویہ قوانین و مقررات موجودہ تنظیم شدہ است بقید مسئولیتی در ساء عمداً و یا بدست تقدیر میکنم - امیر سردف

صحت مندرجات فوقہ را بطریق اعتبارات صورت تنظیم شدہ است بقید مسئولیتی در ساء عمداً و یا بدست تقدیر میکنم - محاسب سردف

صورت هزینه های اساسی در محل های زیر در سال ۱۳۱۹ ماهیانه

ردیف	نام محل	حقوق موظفین	کرایه محل دبستان	نوشت افزار	هزینه روشنایی	دستمزد کلاس اکابر	جمع کل
۱	مربیان	۹۶۰ ریال	۲۰۰ ریال	۳ ریال	۳۵ ریال	۱۹۰ ریال	۱۳۸۸ ریال
۲	پاوه	" ۱۰۳۵	" ۴۵	۳ ریال	" ۳۵	۱۹۰ ریال	" ۱۳۰۸
۳	رزاب	" ۷۰۰	" ۸۰	" ۲	" ۱۸	" ۱۱۰	" ۹۱۰
۴	دزلی	" ۴۵۰	" ۴۵	" ۲	" ۳۵	" ۱۱۰	" ۶۴۲
۵	نوسود	" ۸۲۰	" ۶۰	" ۳	" ۳۵	" ۱۹۰	" ۱۱۰۸
۶	جوانرود	" ۴۳۰	" ۴۵	" ۲	" ۱۸	" ۱۱۰	" ۶۰۵
۷	نودشه	" ۶۲۰	" ۷۰	" ۲	" ۳۵	" ۱۰۰	" ۸۲۷
۸	بیساران	" ۵۱۰	۳۰ گ	" ۲	" ۱۸	" ۱۱۰	" ۶۷۰
۹	قروه	" ۸۳۰	دولتی	" ۳	" ۳۵	" ۱۹۰	" ۱۰۵۸
۱۰	سریش آباد	" ۵۳۰	" ۳۰	" ۲	" ۱۸	" ۱۱۰	" ۶۹۰
۱۱	هانه گرمه	" ۶۷۰	" ۶۰	" ۲	" ۱۸	" ۱۰۰	" ۸۵۰
۱۲	روانسر	" ۳۷۷	" ۱۰۰	" ۲	" ۱۸	" ۱۰۰	" ۵۹۷
۱۳	دزج	" ۳۷۰	" ۶۰	" ۲	" ۱۸	" ۱۱۰	" ۱۲۵
۱۴	زردویی	" ۱۰۰	" ۲۳	" ۲	—	—	

خدمتگذار آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

۱۰	" محمد حسین آذربین	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره یک سردشت				
۱	" اسدالله طاهری افشار	مدیر و آموزگار	۹۰	
۲	" محمد چمنی	آموزگار	۸۰ ریال	
۳	" مختار اصغری	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۴	" محمد صالح اقبال	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲ سردشت				
۵	سیمتقو قدوسی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۶	حسن حاج علی اکبری	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۳ سردشت				
۷	" علی اوسط جعفری	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۸	" محمود بریاجی	خدمتگذار	۲۰ ریال	

آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

۹	" محمد امین علائی	آموزگار	۸۰ ریال	
۱۰	" علی فرومند	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۴ سقر				
۱۱	" حسین جلیلی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۲	" حسین صادقی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۱۳	آقای محمدرشید امامی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۴	" محمد شیخ الاسلامی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۶ سقر				
۱۵	" محمد سعید عدنانی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۶	" محمد علی عبدی بربری	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۷ سقر				
۱۷	" محمد رحیم اسعدی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۱ بانه				
۱	" محمود نجفی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۲	" عمر سلامی	آموزگار	۸۰ ریال	
۳	" قادر علیمردای	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲ بانه				
۴	" صالح احمدی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۵	" احمد فتاحی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۳ بانه				
۶	" حسین اخباری	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۴ بانه				
۷	" نبی ساعی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۸	" محمد فتاحی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۵ بانه				
۹	" ابراهیم عزیززاده	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	

آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

آموزشگاه شماره ۲۴ خضری			
۵۴	آقای یحیی سپهر آرا	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۵۵	"عنایت الله گوشبر	خدمتگذار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۲۵ اویهنک			
۵۶	آقای مهدی زاهدی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۵۷	"محمود طالبی	خدمتگذار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۲۶ شاهینی			
۵۸	"بهاءالدین غمی (شادمان)	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۵۹	"جعفر فرامرزی	خدمتگذار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۲۷ رشت			
۶۰	"سید موسی سجادی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۶۱	"احمد زارعی رشتی	خدمتگذار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۲۸ نوبیاد سندج			
۶۲	"عبدالله شادان	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۶۳	"نعمت الله صوفی مجید پور	خدمتگذار	۲۰ ریال
۶۴	"عبدالحسین تابش	بازرس	۱۵۰ ریال
آموزشگاه شماره یک سقز			
۱	آقای محمدرشید پاکنهاد	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۲	"هاشم شیرزادی	آموزگار	۸۰ ریال
۳	"صالح امینی	خدمتگذار	۲۰ ریال
۴	"یعقوب یمنی	"	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۲ سقز			
۵	"محمد حسین اعظمی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۶	"حسین صدیقیانی	آموزگار	۸۰ ریال
۷	"عباس شیخ الاسلامی	خدمتگذار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۳ سقز			
۸	"جمال شکوهی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال

آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

آموزشگاه شماره ۱۶ قروه				
۳۶	آقای احمد شوندی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۳۷	"اسدالله فرهادی	آموزگار	۸۰ ریال	
۳۸	آقای احمد چمنی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۳۹	آقای فرج الله مرادی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۱۷ سریش آباد				
۴۰	آقای سیف الله اسدی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۴۱	آقای یدالله حاجیان	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۱۸ دیواندره				
۴۲	آقای محمد ضیائی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۴۳	آقای سیف الله دیوانی	خدمتگذار پ	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۱۹ خرم هانه گرمه				
۴۴	آقای احمد حق پناه	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۴۵	آقای علی باغبانی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲۰ حسین آباد				
۴۶	آقای ابراهیم شهبازی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۴۷	آقای ابراهیم زندیوریان	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲۱ خیام روانسر				
۴۸	آقای غلامحسین تاج بخش	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۴۹	"عبدالحسین کریمی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲۲ آساوله				
۵۰	آقای عبدالحمید منجمی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۵۱	"عبدالکریم جواهری	خدمتگذار	۲۰ ریال	
آموزشگاه شماره ۲۳ صلوات آباد				
۵۲	احمد منبری"	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۵۳	"محمود مرادویسی	خدمتگذار	۲۰ ریال	

آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

آموزشگاه شماره ۷ پاوه			
۲۰	" نظام الدین مردوخ پور	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
آموزشگاه شماره ۸ دبستان رودکی رزاب			
۲۱	" علی روحانی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۲۲	" محمد کریم سهرابی	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۹ دبستان مولوی دزلی			
۲۳	" علیمحمد قوامی	مدیر و آموزگار	۲۰ ریال
۲۴	" عبدالله دهقان	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۰ دبستان غزالی نوسود			
۲۵	" ابو تراب هدائی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۱ / ادیب هجیج			
۲۶	آقای عبدالکریم حق شناس	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۲۷	آقای محمد آزادی	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۲ دبستان رونق جوانرود			
۲۸	آقای محمد ابطحی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۲۹	آقای محمد رضا خدری	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۳ دبستان الفت نودشه			
۳۰	آقای محمود پاکزادیان	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۳۱	آقای محمد مبارک شاهی	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۴ پیر خضران			
۳۲	آقای عبدالله شهریر	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۳۳	آقای محمد امین فرجی	خدمتگزار	۲۰ ریال
آموزشگاه شماره ۱۵ دقیقی فرجی			
۳۴	آقای اسدالله فروتن	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال
۳۵	" منصور فروتن	خدمتگزار	۲۰ ریال

آموزشگاههای سالمندان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

شماره	آموزشگاه شماره ۱ سنندج	سمت	میزان حقوق	
۱	آقای سید علینقی پرورش	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۲	" حبیب الله اویسی	آموزگار	۹۰ ریال	
۳	" جعفر رکنی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۴	" محمد آزادی	"	۲۰ ریال	

آموزشگاه شماره ۲ دبستان هدایت

۵	" ابراهیم شماع	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۶	" ایوب کابلی	آموزگار	۸۰ ریال	
۷	" محمد امین محرم اسرار	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۸	" عبدالرحمن طاعتی	خدمتگذار	۲۰ ریال	

آموزشگاه شماره ۳ دبستان ۱۵ بهمن

۹	" عبدالرحیم مدرسی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۰	" محسن شیخ الاسلامی	آموزگار	۸۰ ریال	
۱۱	" محمد شریف اوقافی	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۱۲	" احمد وزیر رشید	خدمتگذار	۲۰ ریال	

آموزشگاه شماره ۴ دبستان بدر

۱۳	آقای سعید مشیری	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۴	" سید محمد سجادی	آموزگار	۸۰ ریال	
۱۵	" علی دیانتس	خدمتگذار	۲۰ ریال	
۱۶	" محمد ظهوریان	"	۲۰ ریال	

آموزشگاه شماره ۵ دبستان پهلوی

۱۷	" محمد مدارسی	مدیر و آموزگار	۹۰ ریال	
۱۸	" علیمحمد ورمزیار	خدمتگذار	۲۰ ریال	

آموزشگاه شماره ۶ مریوان

۱۹	آقای حسن شیخ الاسلامی	آموزگار	۸۰ ریال	

ساختمانهای اجاره ای آموزش و پرورش (فرهنگ) در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

ردیف	نام محل	نام اجاره دهندگان	مبلغ اجاره
۱	اداره فرهنگ	آقای عباس دهقان	۸۰۰ ریال
۲	دبستان شاهدخت	آقای محمد سعید بزرگی	۳۵۰ ریال
۳	پانزده بهمن	بانو بدیعہ کمالی	۵۰۰ ریال
۴	بدر	آقای فیضہ رمضانی	۴۲۰ ریال
۵	دانش	آقای عزیز شیدا	۴۰۰ ریال
۶	هفده دی	آقای علی فخر العلمانی	۳۵۰ ریال
۷	ترقی	یوحنا ژرژ	۳۵۰ ریال
۸	تربیت	بانو صغری حکمت	۲۵۰ ریال
۹	دبیرستان شاهدخت	آقا جان عظیمی	۴۵۰ ریال
۱۰	دبستان صلوات آباد	سید کاظم صلواتی	۵۰ ریال
۱۱	دبستان سعدی پاوه	آقای قادر نجفی	۴۵ ریال
۱۲	دبستان عنصری دزج		۶۰ ریال
۱۳	دبستان حافظ قروه	معمد هاشمی و دهقان	۱۰۰ ریال
۱۴	دبستان خاقانی سریش آباد	آقای بختیار خواجه وند	۳۰ ریال
۱۵	دبستان رونق جوانرود	آقای قادر رستمی	۴۵ ریال
۱۶	دبستان دقیقی بیساران	آقا براخزانی	۳۰ ریال
۱۷	سنائی اوباتو	علی حبیبی	۷۰ ریال
۱۸	دبستان نودشه	بانو آمنه بهمن پور	۷۰ ریال
۱۹	دبستان مولوی دزلی	آقا برا رضائی	۴۵ ریال
۲۰	دبستان رودکی رزاب	محمد امین رحمانی	۸۰ ریال
۲۱	دبستان فردوسی دیواندره	عبدالحمید سنندجی سالار سعید	۱۲۰ ریال
۲۲	دبستان آساوله	عبدالخالق محمدپور	۴۰ ریال
۲۳	اداره و دبستان مریوان		۲۰۰ ریال
۲۴	دبستان خیام روانسر	احمد زارع	۱۰۰ ریال
۲۵	دبستان خرم هانه گرمه	طلعت سپهری	۶۰ ریال
۲۶	دبستان غزالی نوسود	طلعت سپهری	۶۰ ریال

۲۷	زردویی		۲۳ ریال
۲۸	دبستان ناصر خسرو حسین آباد	یوسف مرادی	۹۰ ریال
۲۹	دبستان شمشیر	حسین مرادی	۳۰ ریال
۳۰	دبستان باینگان	ملافتح فرشید	۶۰ ریال
۳۱	دبستان رمشت	فتحعلی سفره کبود	۴۰ ریال
۳۲	دبستان دهگلان	غفوری	۳۰ ریال
۳۳	دبستان ادیب هجیج	آقای شیخ جامی	۶۰ ریال
۳۴	دبستان دلبران	رضا آصف	۵۰ ریال
۳۵	دبستان طای	لطف الله اسحقی	۶۰ ریال
۳۶	دبستان امروله	شهاب الدین نقشبندی	۴۰ ریال
۳۷	دبستان پایگلان	حاج میرزا مراد	۵۰ ریال
۳۸	دبستان شاهین شاهینی	محمد آذرپور	۴۰ ریال
۳۹	دبستان حکمت سقر		۸۰ ریال
۴۰	دبستان پرورش سقر	حاج سلیم و کیلی	۱۲۰ ریال
۴۱	دبستان فارابی بانه	حاج باباضیائی	۱۴۰ ریال
۴۲	دبستان سرشیو سقر	شیخ عبدالحمید	۵۰ ریال
۴۳	آموزش و پرورش بانه	حسین نصرالله توتونچی	۱۴۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهر سندج در سال

تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	میزان حقوق
۱	آقای اسدالله سرمدی	رئیس فرهنگ	۱۰۵۰ ریال
۲	"عبدالحسین تابش	حسابدار اداره	۶۸۰ ریال
۳	"رضا ناصر مستوفی	متصدی دفتر و کارگرینی	۴۴۰ ریال
۴	"اسمعیل شکیا	کارپرداز	۳۴۰ ریال
۵	"میر هاشم معتمد هاشمی	تحویل دار و متصدی اموال	۴۴۰ ریال
۶	"ابراهیم شماع	کمک حسابدار	۳۲۰ ریال
۷	"فریدون ندیمی	نویسنده منشی	۳۲۰ ریال
۸	"محمد مدرسی	بایگان	۲۵۰ ریال
۹	"محسن شیخ الاسلامی	ثبات	۲۲۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهر سندج در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

۱۰	بانو ویکتوریا اردلان	ماشین نویس	۳۵۰ ریال
۱۱	آقای سید محمد باقر	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۲۰ ریال
۱۲	"نورالدین صفوی	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۱۰ ریال
۱۳	"اسمعیل خیامی	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۱۰ ریال
۱۴	"کاظم السادات افجه	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۱۰ ریال
۱۵	"امیر ترابی	دبیر دبیرستان شاهپور	۴۰۰ ریال
۱۶	"علی شهیدی	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۱۰ ریال
۱۷	"علی فرجاد تهرانی	دبیر دبیرستان شاهپور	۸۱۰ ریال
۱۸	"غلامعلی گویا	دبیر دبیرستان شاهپور	۶۰۰ ریال
۱۹	"حبیب الله آداری	دبیر فرانسه دبیرستان شاهپور	۵۳۰ ریال
۲۰	آقای عبدالله یوسفی شلمو	دبیر شیمی دبیرستان شاهپور	۳۵۰ ریال
۲۱	"خلیل شامیاتی	دبیر ورزش دبیرستان شاهپور	۵۴۰ ریال
۲۲	"لطف الله مبشری	"موسیقی دبیرستان شاهپور	۶۸۰ ریال
۲۳	"احمد متوسل	آموزگار	۲۷۰ ریال
۲۴	"میر موسی مشیری	رئیس دبیرستان سه کلاسه شاهدخت	۵۰۰ ریال
۲۵	"محمد امین زندی پور	دبیر دبیرستان شاهدخت	۴۵۰ ریال
۲۶	"اسدالله یادگاری	دبیر دبیرستان شاهدخت	۳۰۰ ریال
۲۷	"برهان الدین حمدی	دبیر دبیرستان شاهدخت	۴۲۰ ریال
۲۸	"بانو بهجت شامیاتی	دبیر دبیرستان شاهدخت	۲۵۰ ریال
۲۹	"ملوک دخت اردلان	دبیر دبیرستان شاهدخت	۲۵۰ ریال
۳۰	آقای عبدالعلی صدرالاشرافی	مدیر و دبیر دبیرستان دو کلاسه هدایت و دبستان	۴۰۰ ریال
۳۱	"عبدالرحیم مدرسی	آموزگار	۳۰۰ ریال
۳۲	"اسدالله ریاضی	آموزگار کلاس ۶	۳۰۰ ریال
۳۳	"عبدالکریم دبیری	آموزگار کلاس ۵	۳۵۰ ریال
۳۴	"بانو وحیده معتمدی	آموزگار کلاس ۴	۲۶۰ ریال
۳۵	"هاجر ترابی	آموزگار کلاس ۳	۱۷۰ ریال
۳۶	"ماه منیر معتمد هاشمی	آموزگار کلاس ۲	۱۸۰ ریال
۳۷	"ماه منیر مسعودی	آموزگار کلاس ۱	۱۶۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهر سندج در سال تحصیلی ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	میزان حقوق
۳۸	آقای اسدالله صالحی	دبیر	۴۰۰ ریال
۳۹	آقای جواد موحد	مدیر و آموزگار دبستان ۱۵ بهمن	۴۴۰ ریال
۴۰	آقای قادر نجفی	آموزگار کلاس ۵	۲۵۰ ریال
۴۱	" رشاد بزرگی	آموزگار کلاس ۳	۱۸۰ ریال
۴۲	" سعدالدین شهابی	آموزگار کلاس ۶	۳۲۰ ریال
۴۳	" طاهر حسینی	آموزگار کلاس ۴	۱۸۰ ریال
۴۴	" بانو بتول معین وزیری	" " ۱	۱۸۰ ریال
۴۵	آقای علی سجادی	دبستان بدر مدیر و آموزگار ۴	۳۲۰ ریال
۴۶	آقای عباس عزتیار	آموزگار کلاس ۶	۲۴۰ ریال
۴۷	آقای میر فخرالدین مشیری	آموزگار کلاس ۵	۳۲۰ ریال
۴۸	آقای عبدالکریم حق شناس	" " ۱	۱۴۰ ریال
۴۹	بانو حاجیه شاه اویسی	" " ۳	۱۸۰ ریال
۵۰	" لیلا صیادیان	" " ۲	۱۶۰ ریال
۵۱	بانو مرضیه طباطبائی	دبستان شاهدخت مدیر و آموزگار ۶	۲۸۰ ریال
۵۲	آقای خلیل غریب پور	آموزگار کلاس ۵	۲۳۰ ریال
۵۳	بانو قمرالخوانسار امجد	آموزگار کلاس ۴	۱۵۰ ریال
۵۴	" سعیده جواهری	" " ۲	۱۵۰ ریال
۵۵	" فخرالسادات ترابی	" " ۳	۱۸۰ ریال
۵۶	" فرخ لقا اردلان	" " ۱	۱۴۰ ریال
۵۷	" حمیرا آدمی	" " ۱	۱۴۰ ریال
۵۸	بانو اختر ایران پور	مدیر و آموزگار دبستان دخترانه دانش	۲۰۰ ریال
۵۹	آقای رحیم ابوطالبی	آموزگار کلاس ۴	۴۰۰ ریال
۶۰	بانو وجیهه اردلان	آموزگار کلاس ۵	۲۳۰ ریال
۶۱	" قدسیه روز بخش	" " ۳	۱۸۰ ریال
۶۲	" فاطمه خاکپور	" " ۲	۱۸۰ ریال
۶۳	" عزیزه صادق وزیری	" " ۱	۱۷۰ ریال

میزان حقوق خدمتگزاران فرهنگ (آموزش و پرورش) در شهرها و دهات تابعه استان
کردستان در سال تحصیلی ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	محل خدمت	میزان حقوق	
شهرستان مریوان				
۱	آقای ریاضی	مدیر دبستان	۲۵۰ ریال	
۲	" امان اللهی	آموزگار "	۱۵۰ ریال	
۳	" شجاعی	" "	۱۶۰ ریال	
۴	" کریم رمزی	مستخدم	۸۰ ریال	
پاوه				
۵	" نظام الدین مردوخ پور	مدیر دبستان	۴۲۰ ریال	
۶	" نجفی	آموزگار "	۱۳۵ ریال	
۷	" بیات	" "	۱۵۰ ریال	
۸	" بهرامی	" "	۱۱۰ ریال	
۹	" غریب پور	" "	۲۲ ریال	
وزاب				
۱۰	روحانی		۳۸۰ ریال	
۱۱	" رجبی		۲۳۰ ریال	
۱۲	" محمد کریم سهرابی		۹۰ ریال	
دزلی				
۱۳	" قوامی	مدیر دبستان	۳۵۰ ریال	
۱۴	" عبدالله دهقانی	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال	
نوسود				
۱۵	" ابوتراب هدائی	مدیر دبستان	۴۲۰ ریال	
۱۶	" میرابیان	آموزگار "	۱۸۰ ریال	
۱۷	" عبدالکریم حق شناس	" "	۱۳۰ ریال	
۱۸	" فرجی	مستخدم دبستان	۹۰ ریال	
جوانرود				
۱۹	" سید محمد ابطحی	مدیر و آموزگار دبستان	۳۳۰ ریال	
۲۰	" محمد رضا خدری	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال	

نودشه			
۲۱	" سيد موسى سجادی	مدیر دبستان	۲۷۰ ریال
۲۲	" شهسواری	آموزگار دبستان	۲۵۰ ریال
۲۳	" مبارکشاهی	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال
بيساران			
۲۴	" اسدالله فروتن	مدیر دبستان	۲۵۰ ریال
۲۵	" احمد فخر شيخ الاسلامی	آموزگار "	۱۸۰ ریال
۲۶	" منصور فروتن		۸۰ ریال
قروه			
۲۷	آقای شوندي	مدیر دبستان	۳۰۰ ریال
۲۸	" فاضل دربندی	آموزگار	۲۶۰ ریال
۲۹	" فرهادی	" "	۱۷۰ ریال
۳۰	" مرادی	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال
سریش آباد			
۳۱	" سيد محمود سجادی	مدیر دبستان	۲۵۰ ریال
۳۲	" یدالله حاجیان	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال
۳۳	" عزت الله منبری	آموزگار دبستان	۱۸۰ ریال
هانه گرمه			
۳۴	" پاکزادیان	مدیر و آموزگار دبستان	۳۴۰ ریال
۳۵	" باغبانی	آموزگار دبستان	۱۱۰ ریال
۳۶	" حق پناه	" "	۲۲۰ ریال
روانسر			
۳۷	" غلامحسین تاج بخش	مدیر و آموزگار دبستان	۲۷۸ ریال
۳۸	" عبدالحسین کریمی	مستخدم دبستان	۱۰۰ ریال
دزج و سرايقحط			
۳۹	" بهاءالدين غمی (شادمان)	مدیر دبستان	۲۷۰ ریال
۴۰	" شاهرخي	آموزگار دبستان	۱۰۰ ریال
زردویی			
۴۱	" عبدالکریم رسول آبادی	مدیر و معلم	۱۳۰ ریال

۴۲	حبیب الله قادری	مستخدم	۱۰۰ ریال	
دلیبران				
۴۳	رجبی	مدیر و معلم	۲۳۰ ریال	
ادیب حجیج				
۴۴	"عبدالکریم حق شناس	مدیر و معلم	۱۳۰ ریال	
شمشیر				
۴۵	"غریب پور	مدیر و معلم	۲۲۰ ریال	
پایگان				
۴۶	"احمد فخرشیخ الاسلامی	مدیر و معلم	۱۸۰ ریال	
دیواندره				
۴۷	"نہاء الدین غمی	مدیر و آموزگار	۲۷۰ ریال	
۴۸	بانو علویہ فرومند	آموزگار	۱۸۰ ریال	
۴۹	سیف الله دیوانی	خدمتگزار	۱۰۰ ریال	

بخش نهم

جمع آوری البسه و اشیاء قدیمی استانهای مختلف از طرف وزارت معارف

از سال ۱۳۱۴ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه شعباتی تشکیل شده که بطور چشمگیری به تلاش و فعالیت افتاده بودند. این تلاش و کوشش به جبران بی محتوا بودن اسم بی مسمای صنایع مستظرفه که دنبال نام وزارت معارف و فرهنگ، قرار داده شده بود و سالها از عمر بی مصرف آن می گذشت، مرحوم علی اصغر حکمت وزیر آن زمان وزارت معارف شخصی محقق، مؤلف، نویسنده، روشن، جهانپس و آینده‌نگر بود. این شعبات را او به نام اداره باستان‌شناسی، سنگا، مردم‌شناسی، اداره کل عتیقیات مؤسسه، انسان‌شناسی، وابسته به اداره کل باستان‌شناسی و موزه ایران‌شناسی، در وزارتخانه ایجاد و فعال کرده بود و به امضای وی، بی‌دری متحد المال (بخشنامه) به سراسر ادارات معارف استانها و شهرستانها، در حرید و ارسال سریع اشیاء عتیقه مازل، تابوهای تاریخی و مذهبی و اشیاء مذهبی، انواع کتاب دعا، طلسم، رمل و اسطرلاب، کتب خطی و قرآنیهای نفیس که در مزارات و بقاع و تکایا و قبرستانهای خانوادگی و مساجد، در شهرها و روستاها، جمع‌آوری می‌شد و نیز به ادارات تابعه دستور داده شده بود با کمک معلمین، حکایات و اشعار، برآه‌های تاریخی و امثال فلک‌نریکی ملی، اخلاقی، نژادی یا مذهبی و سببه دانش آموزان تهیه و به مرکز ارسال گردد.

توصیه شده بود، اسناد و مدارک، فرمانهای سلطنتی، قبایله جات، عقدنامه‌های قدیمی و نوشته‌های خطی که دارای تصاویر باشند را خریداری نموده به شعبه مربوطه ارسال دارند.

در اداره کل باستان‌شناسی و موزه ایران باستان، اطافها و غرفه‌هایی برای نمایش زندگی گذشته مردمان هر یک از استانها در نظر گرفته شده و به سرعت اشیاء خریداری شده و ارسالی را در آن طاقها به معرض تماشای عموم می‌گذارند. انواع فرشهای نفیس محلی را در قطعات کوچک سفارش می‌کردند و زینت آلات زنانه و لباس‌های محلی زنان و مردان، اشیاء و امثال خانگی و ظروف و آلات و ابزار زندگی فلاحی و صنعتی، انواع چکش و قفل و کلید، لوله، ظروف طبخ، زین و برنگ و کلیه اشیاء مربوط به است و شتر و سبزه را حایب بودند.

اسباب و آلات جراحی و حکیم‌بانی‌های قدیم و اسباب جواهر سازهای گذشته و آلات و وسایل دارو خانه‌های قدیمی، انواع عصا و چوبدستی، صندوفج‌های زینتی، انواع قلیان و کوزه قلیانها، قاپهای درست و شکسته قلم‌کاری و وسایل رمل و اسطرلاب و خلاصه هر چه مربوط به زندگی گذشته مردمان کشورمان بود، خواستار بدست و سفارش تهیه آنها را می‌نمودند و متذکر می‌شدند: (قیمت اشیاء خریداری شده را هر محلی و چه ممکن باشد و در آن اداره موجود باشد، پرداخت سوده استاد خرج را به ضمیمه اشیاء ایتباعی به مرکز ارسال دارید، تا وجه آن حواله گردد، به این ترتیب هیچگونه بهای برای خریداری اشیاء باقی نماند.)

این نوع سفارشات و خرید و ارسال اشیاء قدیمی تا پایان سال ۱۳۱۷ که پایان خدمت مرحوم علی اصغر حکمت در وزارت معارف بود، مجدّانه ادامه داشت، از آن پس سفارشات در این زمینه ها به کندی صورت می گرفت و در نتیجه قطع گردید. برای نمونه تعدادی از بخشنامه ها و سفارشات شعبات مربوطه به امضای وزیر و نیز صورت اشیاء خریداری شده و ارسالی از مناطق مختلف کرّستان را - در دو صفحه بعد از نظرتان می گذرانیم

عناوین وزارتخانه:

زمانی که در تهران و شهرستانها مدارس گسترش یافت برای اداره آنها از لحاظ تأمین، محل مدرسه (دولتی یا اجاره ای) حقوق معلمین و اداره کنندگان مدرسه، آب، برق، سوخت زمستانی و سایر هزینه های ضروری، وزارتخانه ای تأسیس شد و چون کلیه علوم و حرف و فنون در مدرسه تعلیم می شد و کارهای اوقافی نیز تحت نظر این وزارتخانه بود لذا نام وزارتخانه را (وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه) نهادند.

مدتی بعد سازمان اوقاف مجزا شد و وزارت معارف و صنایع مستظرفه برجای ماند در سال ۱۳۱۳ عنوان وزارت فرهنگ به جای وزارت معارف و صنایع مستظرفه انتخاب شد در سال ۱۳۴۶ به علت توسعه وزارتخانه ها و سازمانها و اهمیت هر یک از قسمتهای جدا شده، عنوان وزارت فرهنگ جای خود را به وزارت آموزش و پرورش داد و از بطن وزارت معارف و صنایع مستظرفه و وزارت فرهنگ عناوین دیگری به وجود آمد چون: وزارت اطلاعات و جهانگردی - وزارت آموزش عالی - وزارت فرهنگ و هنر - سازمان تربیت بدنی - سازمان پیش آهنگی و غیره که بعد از آن وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت فرهنگ و هنر نیز تغییراتی پیدا کرد و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما و سازمان میراث فرهنگی تبدیل شد.

اسامی رؤسای ادارهٔ معارف (اداره فرهنگ) از ابتدا تا سال ۱۳۲۰ شمسی

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ خدمت	سمت
۱	سید محمدباقر حیرت سجادی رکن الاسلام	۱۲۸۶	رئیس اداره معارف کردستان
۲	فریدالدوله همدانی	۱۲۹۲	رئیس اداره معارف کردستان
۳	سید محمدباقر حیرت سجادی	۱۲۹۲	رئیس اداره معارف کردستان
۴	حاج یحیی معرفت اعتضاد الاسلام	۱۳۰۲	رئیس اداره معارف کردستان
۵	سید محمدباقر حیرت سجادی	۱۳۰۴	رئیس اداره معارف کردستان
۶	حاج یحیی معرفت اعتضاد الاسلام	۱۳۰۵	رئیس اداره معارف کردستان
۷	میرزا صادق خان فاطمی	۱۳۰۶	رئیس اداره معارف کردستان
۸	میرزا اسدالله خان نوری اسفندیاری	۱۳۰۷	رئیس اداره معارف کردستان
۹	زین العابدین ادیب سلطانی	۱۳۰۸	رئیس اداره معارف کردستان
۱۰	میرزا موسی خان نثری همدانی	۱۳۰۹	رئیس اداره معارف کردستان
۱۱	میرزا مهدی خان شهیدی	۱۳۱۰	رئیس اداره معارف کردستان
۱۲	سید کمال الدین بحر العلومی	۱۳۱۱	رئیس اداره معارف کردستان
۱۳	میرزا محمدعلی نصیریان	۱۳۱۲	رئیس اداره معارف کردستان
۱۴	میرزا حسین خان شکیبا	۱۳۱۳	رئیس اداره فرهنگ کردستان
۱۵	اسدالله سرمدی	۱۳۱۸	رئیس اداره فرهنگ کردستان
۱۶	شفیع زاده	۱۳۲۰	رئیس اداره فرهنگ کردستان

تاریخ ۲ / ۷ / ۱۳۱۱ هـ

نمبره ۱۰۰۰ / ضمیمه

۴۷۵۹۰



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره
دائره کل عتبات

آقای رئیس معارف و اوقاف

متعاقب متحد المال شماره ۱۳ / ۱۵۰۸۸ مورخه ۱۵ / ۳ / ۱۰ راجع به جمع آوری البسه و اشیاء قدیمی برای موزه انسان شناسی و متحد المال شماره ۴۷ / ۱۶۳۱۹ راجع میزان اعتبار که جهت آن اداره برای خرید اشیاء منظور شده اشعار میدارد باین که تذکر داده شده در موقوفه شئی برای موزه مزبور در نظر گرفته میشود کفایتی که از وجوهی که بلامانع و در آن اداره موجود است قیمت آن تادیه شود که پس از ارسال شئی و اسناد خرج مربوطه به مرکز وجه آن از اعتبار که برای آن اداره اختصاص داده ارسال گردد معینا مساعد میشود اغلب آقایان رؤساء معارف بمصبرد این کشتی را در نظر میگیرند کفایت نمایند قبلا درخواست ارسال اعتبار مینمایند لکن در این قبیل موارد چنانچه در متحد المال فوق تذکر داده شده قیمت اندائی که خریداری میشود از هر وجهی که ممکن باشد و در آن اداره موجود است پرداخت نموده اسناد خرج را بضمیمه شئی ایتیاغی به مرکز ارسال دارند تا وجه آن حواله گردد باین ترتیب هیچگونه بهانه برای خریدار اشیاء باقی نماند و میتوانید از لباسهای کوناگون که سکه حوزه مأموریت شما قدیم میباشد نمونههای کامل جمع آوری و ارسال دارید.

تاریخ ۱۳ / ۱۵۰۸۸
مورخه ۱۵ / ۳ / ۱۰
نمبره ۴۷ / ۱۶۳۱۹
راجع به میزان اعتبار
که جهت آن اداره
برای خرید اشیاء
منظور شده اشعار
میدارد باین که
تذکر داده شده
در موقوفه شئی
برای موزه مزبور
در نظر گرفته
میشود کفایتی
که از وجوهی که
بلامانع و در آن
اداره موجود است
قیمت آن تادیه
شود که پس از
ارسال شئی و
اسناد خرج
مربوطه به مرکز
وجه آن از اعتبار
که برای آن اداره
اختصاص داده
ارسال گردد
معینا مساعد
میشود اغلب
آقایان رؤساء
معارف بمصبرد
این کشتی را
در نظر میگیرند
کفایت نمایند
قبلا درخواست
ارسال اعتبار
مینمایند لکن
در این قبیل
موارد چنانچه
در متحد المال
فوق تذکر داده
شده قیمت
اندائی که
خریداری
میشود از هر
وجهی که
ممکن باشد
و در آن
اداره
موجود
است
پرداخت
نموده
اسناد
خرج
را بضمیمه
شئی
ایتیاغی
به مرکز
ارسال
دارند
تا وجه
آن
حواله
گردد
باین
ترتیب
هیچگونه
بهانه
برای
خریدار
اشیاء
باقی
نماند
و
میتوانید
از
لباسهای
کوناگون
که
سکه
حوزه
مأموریت
شما
قدیم
میباشد
نمونههای
کامل
جمع
آوری
و
ارسال
دارید.

تاریخ ۲ / ۷ / ۱۳۱۱ هـ

رؤسه وزیر معارف و اوقاف



۱۳ / ۱۵۰۸۸



از کتاب آیت الله العظمی

اداره کمر عقیمات

دائرة

آثار رجب مبارک و اوقات رجب

در تحقیق مذاکرات جلسه مشورت معارفی مورخ ۱۳/۱۶/۱۴۰۰ مقدار صفحه ۱۶ الی ۲۲ در
مجله تعلیم و تربیت و در تحقیق متحد العال شماره $\frac{۱۳}{۱۵} / \frac{۱۰}{۳} / ۱۰$ راجع به جمع آوری اشیاء و
اثاثیه بران موسسه انجان شناسی این وزارتخانه انتشار داشت که از سرآقایان روساء معارف
جدیدی در تهیه و جمع آوری بهمن داده و اشیاء و لباسهای کوناگون به عنوان هدیه از اشخاص
و مبادیور اشیاء جمع آوری گردد معاضات نامی از انجمن آقاییان روساء معارف و اوقاف
جز معارف آن رایج بان شرقی در جمع آوری اشیاء و البسه قدیمی بهمن نموده و تصور میروند اگر
این بزرگه امتداد یابد موسسه انسان شناسی هیچوقت نمیتواند به قسمت از منظور خود را که تهیه
مجموعه از البسه قدیمه سابقین را در بر باشد عمل نماید لذا مجدداً مراتب را اطلاع رسانی نموده و
مذکور میشود که مسامحه در امر تولید مسئولیت برای شما خواهد نمود لذا لازم است دستور دهید
از این تاریخ تا دو ماه دیگر اشیاء مذکور در متحد العال سابق الذکر را تهیه و معرکوارسانی دارید

منہجہ - ارف و اوتاف

بجای خود در آن داد و بیداد
با آنکه آنرا از آن فراموش کرد
اما این را فراموش کرد

3.1.14/11

وزارت رف و ادب

ايشب ازل العزب ان نساى صمى آوى نموده با دگر خفاص اينها تمام كرده دارد -

۱- چراغ ۹ شبه برخی بارقاراع ۲۸ شتمیر که روی آن مسقوش ده عده اش دایره مسرات
شعاع ~~۱۸~~ شتمیر دایره سیده شده زنجیر برخی که شتمیر بد - عده شتمیر دایره شتمیر و شتمیر
از این قندیل مسر محراب نموده چراغ زنجیر برخی که شتمیر بد - عده شتمیر دایره شتمیر و شتمیر
بعض این دایره در عده شتمیر که شتمیر بد - عده شتمیر دایره شتمیر و شتمیر
در این چراغ زنجیر که شتمیر بد - عده شتمیر دایره شتمیر و شتمیر
در این چراغ زنجیر که شتمیر بد - عده شتمیر دایره شتمیر و شتمیر

۲ - چراغ سی قلم لکوم به (پسینوز) در کتب ذرہ قطعہ بر جید و حج بهم مربوط میشود از احوال
آن ۴۲ ستمیر قطر قاعدہ شریک است ستمیر است روی این چراغ لحرف کعب
کعبه بنام آن گذارده میشود در این روغن کعب ریخته و بر سیدہ فقیہہ بنیہ شمع میگردد
و قلمی را در قعر در کعبان معمول بهم -

۳۴ شستن برنجی با آغاج ۱۷ و شستن در آب سرد و پخته و در زیر درختان سمول به
یک مقرر اینی که طاهر است و رفت و در آب سرد و پخته و در زیر درختان سمول به
نمودن هر چندی شستن یا رفتی دیگر نه مقرر است سمول شده و دست آن نیست که
بف کردن چراغ منوع و فاج از آب سمول به سمول به و در این عقده در پای
از طبقات است ام دارد که در در زیر هر نسبت بر کشتن نفوذ در سوخ یافته باش
و در این عقده در در زیر هر نسبت بر کشتن نفوذ در سوخ یافته باش

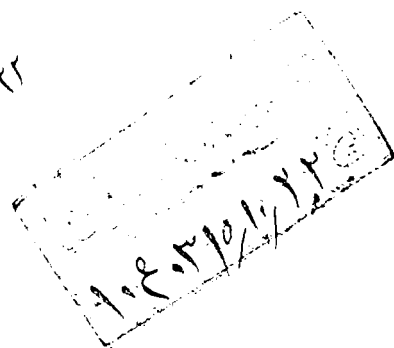


رقای سیر معارف در دقایق و دستان

در مکتوب شماره ۷۹۰۴ مورخه ۱۸/۸/۱۵ آن اداره تصدیق شد در سه جهت که در آن
تهیه گردیده در صدریکه تا بهال زبیده بعضی است رونق در ارسال به کمال جهت تهی شدن
تسلیع به نام بطریقه دستر هم شد و پس شد به کمال اثر در تسلیع جنس و در
تهیه به حق از شب مختلف کرد در بناها جانی - شرفی - باشر - در
رجاق - پیرال - مذهبی - کمر بنی در رسد و البته هر یک از اینها در
شخصات و خصوصیات است تهیه در ارسال در این چنانکه بعضی به عکس در نظر
آن دم بغیرت بهتر خلد بود نقاشی رسیده ارد اسان دفع را بر طبق تقررات
بطریقه بقاء که هم شد در سه نسخه تهیه نموده در ارسال در این تا رجاء آن خواست
در زیر کتب در دست



امضاء
۱۵/۸/۱۵





وزارت فرهنگ و آموزش عالی

اداره

دائرة

اشیا* مربوط بکارهای صنعتی و دستی

۱- اسباب و آلات جراحی قدیم که اطباء و حکیم بائی های سابق استعمال مینمودند

۲- اسباب و آلات جواهر سازهای قدیم

۳- اسباب و آلات دواخانه های قدیم

اشیا* مربوط به ملبوس

۱- عماهای مختلف

۲- چوبهای دستی

۳- چوبهای دستی جوانها

۴- بادبزنهای با شکل مختلف

آلات موسیقی

کلیه آلات و ادوات موسیقی محلی که سابقا مورد استعمال داشته است

وسایل تفریح و بازی

اسباب بازیهای که اطفال و بچه ها داشته و همچنین کلیه وسایل تفریح که برای مردان مورد استعمال داشته

وسایل آرایش

۱- کلیه اسباب آرایش یک نفر زن در خانه

۲- قلیانهای مختلف محلی

۳- قالبهای درست و شکسته قلمکار

متفرقه

۱- قسمتهای مربوط بطب عوامانه

۲- کلیه اشیا* مربوط به تعزیه (در صورتیکه تکمیل و شکسته و یاره نباشد)



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره

دائرة

۳- کتابخانه‌های مذهبی

۴- طلسم و سباب جاد و وسخ و غیره

مکشی

۱- تهیه حکم از تیب های مختلف و نژاد های محلی یکی از مقابل و دیگری از نیمه

۲- نقشه و طرح خانه های قدیمی یا توجه به صنعت معماری آن

۳- حکم حمام های قدیمی و قلعه ها

بدیهی است در انتخاب و ارسال اشیا مذکور دقت لازم نموده و حتی یک نفر از اعضا آن اداره که ذوق بیشتری برای انجام این امر دارد انتخاب نموده و دستور دهید که در جمع آوری اشیا مورد نیاز دقت نموده اثاثیه را سبب

را انتخاب نماید که شکسته و یا باره نباشد و قابل ضبط و نگاهداری در موزه باشد

ضمناً لان است وصول این بخشنامه را اطلاع داده و مفاد آن را بقسمتهای تابعه ابلاغ نمائید - ختامه خاطر

نشان مینویسید در صورتیکه در انتخاب و ارسال اشیا دقت و توجه نشود و ممرکز حمل گردد بخش آن اداره اشیا

فرستاده خواهد شد هر شیء نیز با میمه پرسش نامه باید ارسال گردد

وزیر معارف و اوقاف

بازریخ ۵ / م ماه سنه ۱۳۱۶
 دوره ۲۳۴ ضمیمه ۲ ورقه
 ۱۹۹ م ۱



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موسسه انسان شناسی

دائرة

آقای رئیس معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بخشنامه عمومی

نظر باینکه منظور از تشکیل موسسه انسان شناسی تنها جمع آوری البسه طبقات مختلف نمیباشد بلکه از اشیاء و اثاثیه و سایر قسمتهای دیگر منسوب به البسه نیز مورد نظر و توجه است و بطریق هر روز با اشیاء همان روز باید علیحدت جمع آوری و تمایز داده شود لذا فهرستی از جزئیات در آن رعایت شده است فرستاده میشود که باید آن اشیاء و اثاثیه منظور را جمع آوری نمود و منظور اطمینان بخشی بمرکزینترستود

مدارک کتبی

۱- مدارک مربوط بانسان شناسی مخصوصا کتب و نوشته های خطی که دارای تصاویر و حکاکی باشد و کتبی که از افسانه های قدیمی و جن و شیطان و آل و ترکیب اعداد برای دفع شر و غیره حکایت نمایند
 ۲- قبایله عقد نامهای قدیمی و ویدمانامه ها - قبایله های بیخ و منشوی - القاب و خوامین و غیره

اشیاء متعلق به خانه

- ۱- چکرهای مختلف که بدرب ورود خانه میگذاشتند
- ۲- انواع و اقسام کلید و قفل
- ۳- وسایل مختلف برای روشنائی - مشعل - چراغهای مختلف روغنی - چراغهای مختلف دیگر - مود دان
- ۴- ظروف و اشیاء که جهت خنک شدن آب به کار میبردند
- ۵- کیکهای که جهت خنک شدن غذا مورد استفاده واقع می گشته است
- ۶- زین و سرج و کلیه اشیاء مربوط با سب و نشتر و غیره



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

محلله بنگاه مردم شناسی

دائرة

شماره ۱۳۳ - ۱۶۱ ع ۴

تاریخ ۱۳۳۴/۱۲/۱۷

اداره معارف و اوقاف کردستان

چون اخلاقی که برای نمایش زندگانی گذشته افراد در نظر گرفته شده علاوه بر ملبوس و اشیاء منسوب بان و زینت آلات و اثاثیه کار و غیره یک تخته قالیچه بسیار کوچک که از هر حیث مشخص و مخصوص به افراد باشد مورد احتیاج میباشد لازم است هر چه زود تر ابتیاع نموده و ارسال دارد البته قالیچه کوچکی که انتخاب و خریداری مینمائید باید لا اقل در ۱۵ سال قبل بافته شده باشد زیرا که بافت قالیه های فعلی افراد از نظر کار و رنگ آمیزی و نقشه با قالیه های که در ۲۰ سال قبل تهیه میشده بکلی اختلاف و تفاوت فاحشی پیدا کرده است -

وزیر معارف و اوقاف



فرمان
تاریخ ۱۳۳۴/۱۲/۱۹
مستطابق
مستطابق
مستطابق



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
اداره بنگاه مردم شناسی

شماره ۳۰۷ / ۷۰۷۶۹

تاریخ ۱۷/۴/۱۳۲۸

اداره معارف و اوقاف کردستان

از اثنایه و وسایل خانه و آلات موسیقی و سایر قسمت های که بین افراد معمول و متداول بوده در موزه مردم شناسی موجود نیست مقتضی است از کلیه اشیاء و وسایل خانه و ظروف و ابزار و آلات زندگانی و فلاحی و صنعتی و مجموعه از سایر قسمت های دیگری که بنظر میرسد خریدار نموده و ارسال دارند تا ویتین افراد از هر حیث تکمیل شود -

وزیر معارف و اوقاف
ر. طوف

سنت

مقرر شد که اقلام مذکور
در بنگاه مردم شناسی
موجود گردد
۱۷/۴/۱۳۲۸

مستند
۳۲۳۸
۱۷/۴/۱۳۲۸



وزارت سارف و اوقاف و صنایع متفرقه

پیشنامہ

آقای رئیس دہشت گردی

نظر باینکہ تا سیر موزہ مذہبی جزو برنامه اداره سارف و اوقاف و صنایع متفرقہ پاکستان است کہ درجہ زودتر بایستی بہ کنایہ آرا اسلام نمایند تا از است بیکیہ مأمورین خود کوحت و مستقر دہند کہ در جمع آوردی تابنودار مذہبی تاریخی را ایما مذہبی تا سارف و صنایع متفرقہ دہند ہم نیز دانستہ باشند اقدامات لازمہ را بنمایند تا بدینوسیلہ این قبیلہ ایما بہت را ایما دہند و نظام مذہب تاریخی و مزارات و تالیا و قبرستانہا از راد نہور و دفعہ کرد آمدہ است ازین سرت و در موزہ مذہبی گرا آورد خوب بدینہی است سانیکہ در اسرار این پیشنامہ چہیت و مساعی لازمہ را بغی دہند مورد تمویز مانہ و دستور وزارت فرستادہ شوند کردید . مانہ این پیشنامہ را بایانہ کلید کارمندان آن ادارہ رسانیدہ و جوابی را آئینی دہید .

کنیس وزارت دہشت گردی

۱۳۸۵

۱۳۸۵/۱/۲۴
۱۳۸۵/۱/۲۴
۱۳۸۵/۱/۲۴

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ
امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ
واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

تاریخ: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

امروز: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ

واریت و اوراق و اسناد و اسناد
دوره: ۱۳۱۴ هـ - ۱۳۱۵ هـ



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

الحاقیه بنگاه موزوم شناسی

شماره ۴۹۸۴/۱۵۵

تاریخ ۱۷/۳/۳۰

ضمیمه

اداره معارف و اوقاف کردستان

چون در سال جاری اعتباری جهت خرید انبیا موزه مردم شناسی موجود است مقتضی است با در نظر گرفتن مفاد بخشنامه شماره ۱۳۱۱۹/۲۳۴ مورخه ۵/۴/۱۶ از انبیا و اثنایه و مجموعه کاملی از زینت آلات که مضمون به اکراد بایند و سابقاً مورد استفاده و استعمال داشته هرچه زودتر خریداری بضمیمه اسناد هزینه در سه نسخه ارسال دارید -

وزیر معارف و اوقاف



۱۱۱۱۱۱۱۱



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

خطوبه بنگاه موزوم شناسی

شماره ۱۱۳۰۱۱/۱۱۳۰

تاریخ ۱۳/۳/۳۰

ضمیمه

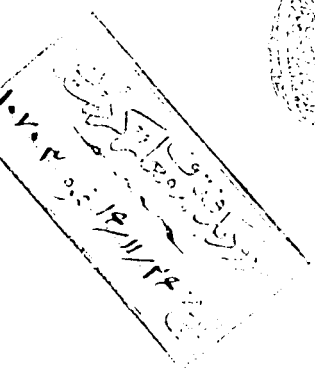
اداره معارف و اوقاف کردستان

چون در مرکز یک دست لباس بسیار فاخر بزرگ بنفشه گلایبتون دوزی مربوط بزنهای اعیان کرد خریداری شده مقتضی است یک سرکردی (کلاه) - که از هر حیث متناسب با لباس مذکور در فوق و مربوط بزنهای اعیان باشد بضمیمه یک جفت کفش هرچه زودتر خریداری و ارسال دارید تا لباس مزبور از هر حیث کامل شود .

وزیر معارف و اوقاف



۱۵/۱۵





وزارت فرهنگ و آموزش عالی

۱۰۱۲۸
شماره ۱۲۱

اناره
شماره
تاریخ
شماره

اناره معارف و اوقاف کوردستان

لغا میل سیمد و بیست رمال قیمت یک تخته قالیچه وسجاد ه خریداری

ان اناره جهت بنگاه مردم شناسی ارسال گردید متنی استورصول

رئیس اناره حسابداری
انرا اشعار دارند

رئیس اناره حسابداری

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

۸۰۴۵
شماره ۳۲۶
تاریخ ۱۳۰۴/۱۸
شماره

استور بنگاه مردم شناسی

اناره معارف و اوقاف کوردستان

نامه شماره ۲۵۰۳ مورخه ۱۲/۳/۲۱ بضمیمه اسناد هزینه دوتخته

قالیچه ارسالی دریافت گردید باناره حسابداری دستور اناره شد

مبلغ ۳۲۰ رمال قیمت قالیچه هارا حواله نمایند

رئیس اناره معارف و اوقاف

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱

۱۲۱
۱۲۱
۱۲۱



انستوت بنگاه مردم شناسی

شماره ۸۴۶۹/۳۱

تاریخ ۱۳۵۴/۳/۱۶

شبهه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف کردستان

نامه شماره ۱۹۵۵ مورخه ۱۳۵۴/۳/۱۷ بضمیمه یک کمر بند و د و

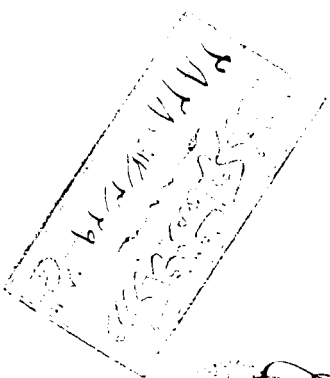
بازوبند و اصل گردید باد اذره حسابداری دستور داده شد که قیمت

آنها که بالغ بر مبلغ ۴۴۴ ریال است حواله نمایند مقتضی است -

مجموعه ارزینت آلات مختلف اگراد که سابقا مورد استعمال داشته -

تسویه و ارسال دارند -

وزیر معارف و اوقاف
لرزلوف



هه بام
۱۳۵۴/۳/۱۷

۱۵
۱۵

۱۳۵۴/۳/۱۷

بمبلغ
۱۳۵۴/۳/۱۷

ل - ۲



انستوت بنگاه مردم شناسی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شماره ۲۲۴/۷۵۸۷

تاریخ ۱۳۵۴/۳/۱۷

اداره معارف و اوقاف کردستان

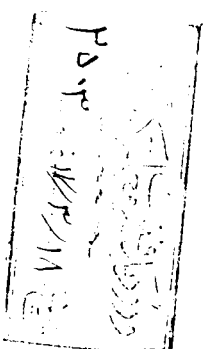
نامه شماره ۱۵۰۰ مورخه ۱۳۵۴/۳/۱۷ بضمیمه دو تخته قالبچه ارسالی

واصل گردید چون اسناد هزینه آن ضمیمه نبود مقتضی است قیمت هر یک

از آنها را علیحده معلوم نموده و ارسال دارند تا وجه آن حواله شود -

وزیر معارف و اوقاف

لرزلوف



۱۳۵۴/۳/۱۷

۱۳۵۴/۳/۱۷

۱۳۵۴/۳/۱۷



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شماره ۴۵۸۳۰ / ۸۰۴

تاریخ ۱۷/۹/۲۱

اداره بنگاه مردم شناسی

ضمیمه

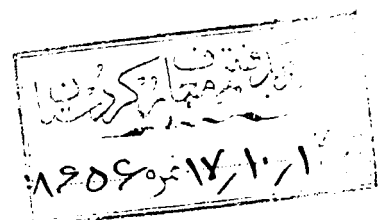
اداره فرهنگ کردستان

نامه شماره ۶۴۹۳ مورخه ۱۷/۹/۷۷ بضمیمه یک تخته قالیچه بافت کردی که بمبلغ ۵۰۰ ریال خریداری و فرستاده بودید دریافت گردید با اداره حسابداری دستور داده شد وجه مذکور را هرچه زود تر حواله نماید ضمناً مقتضی است در خرید یک تخته قالیچه دیگر طبق دستور سابق اقدام ننماید البته قیمت آن نباید از مبلغ ۵۰۰ ریال تجاوز کند و در صورتیکه قالیچه قدیمی تر باشد بدرجات منظور را بیشتر تامین خواهد ساخت

کفیل وزارت فرهنگ



۱۷/۹/۲۱





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
(اداره معارف و اوقاف کردستان)

۱۳۱ ماه تاریخ [یادداشت]

لباس مریوانی



عرق حین الوان یکی

در آفتابانو

در حوخه (قبا)

در رانگی (شلوار)

در بستک

کلاش (گفتی) یکجفت

مست حیدرل کا راع

عسکره
بسته
بسته



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
(اداره معارف و اوقاف کردستان)

۱۳۱ ماه تاریخ [یادداشت]

لباس اورامی



کلاه بامسه کلاخی

قهای راه دراز

سینه پوش راه راه

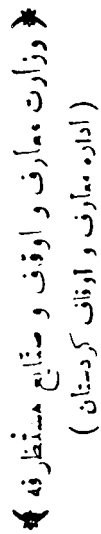
پارچه برای شال ۴ ذرع

شلواردی یکی

کوری یکی

پیراهن یکی

عسکره
بسته
بسته



۱۸۱۰ تاریخ [باد داشت]

141

قاریغ

لہاس زمانہ سفند ح

3.

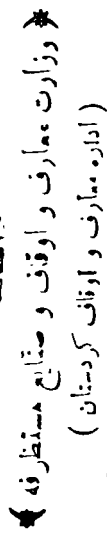
بہارِ زن

١٣١

زیرجامہ زنانہ، بیکی

کلا، ودستمال وزیرجانہ

۱۰۰



三六

قاریغ

لباس سقزی ((قار راغائی))

فہرست

۱۵۳

३१

شلواری کردی
مینی

ت
ن
و

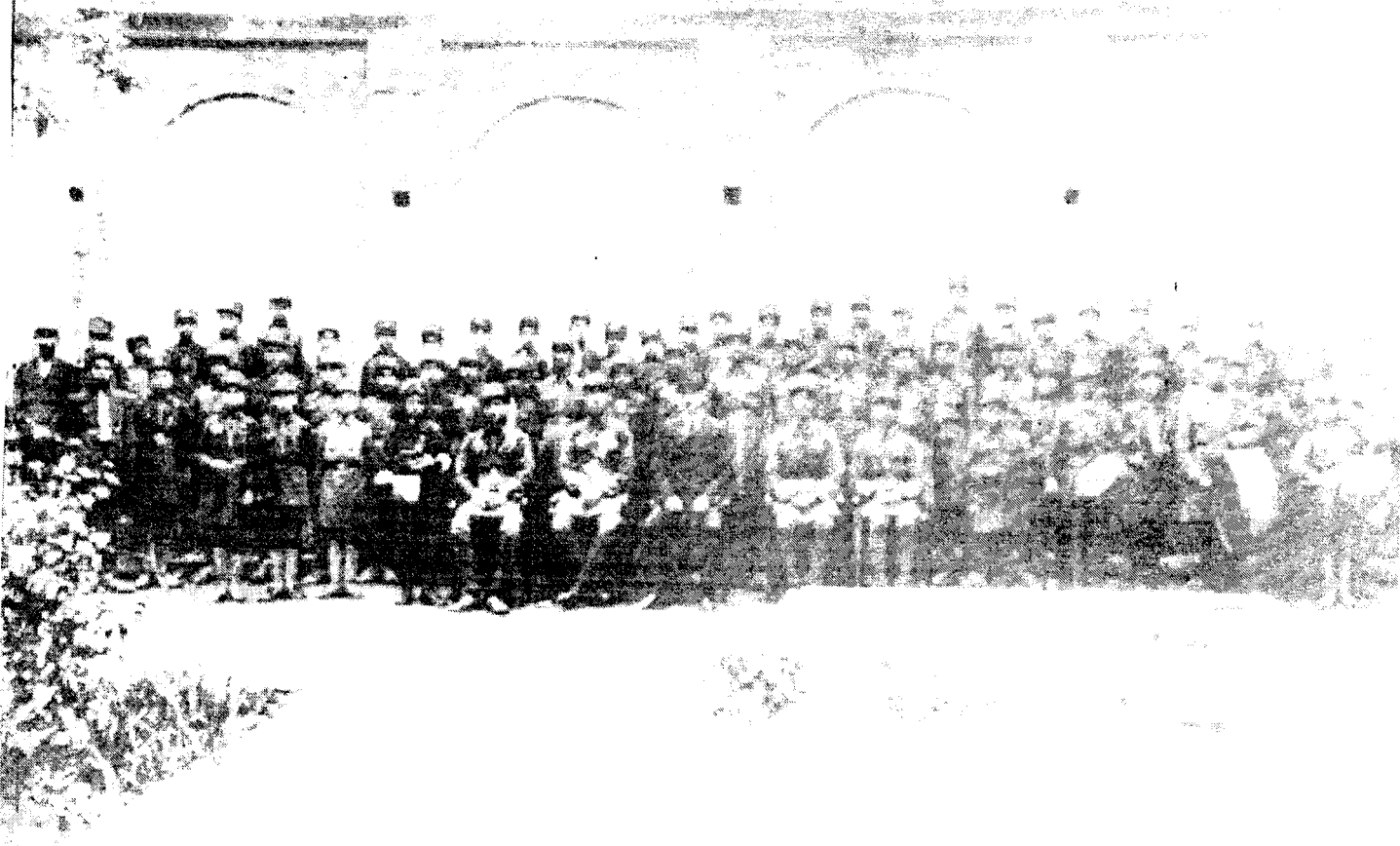
سه عدد



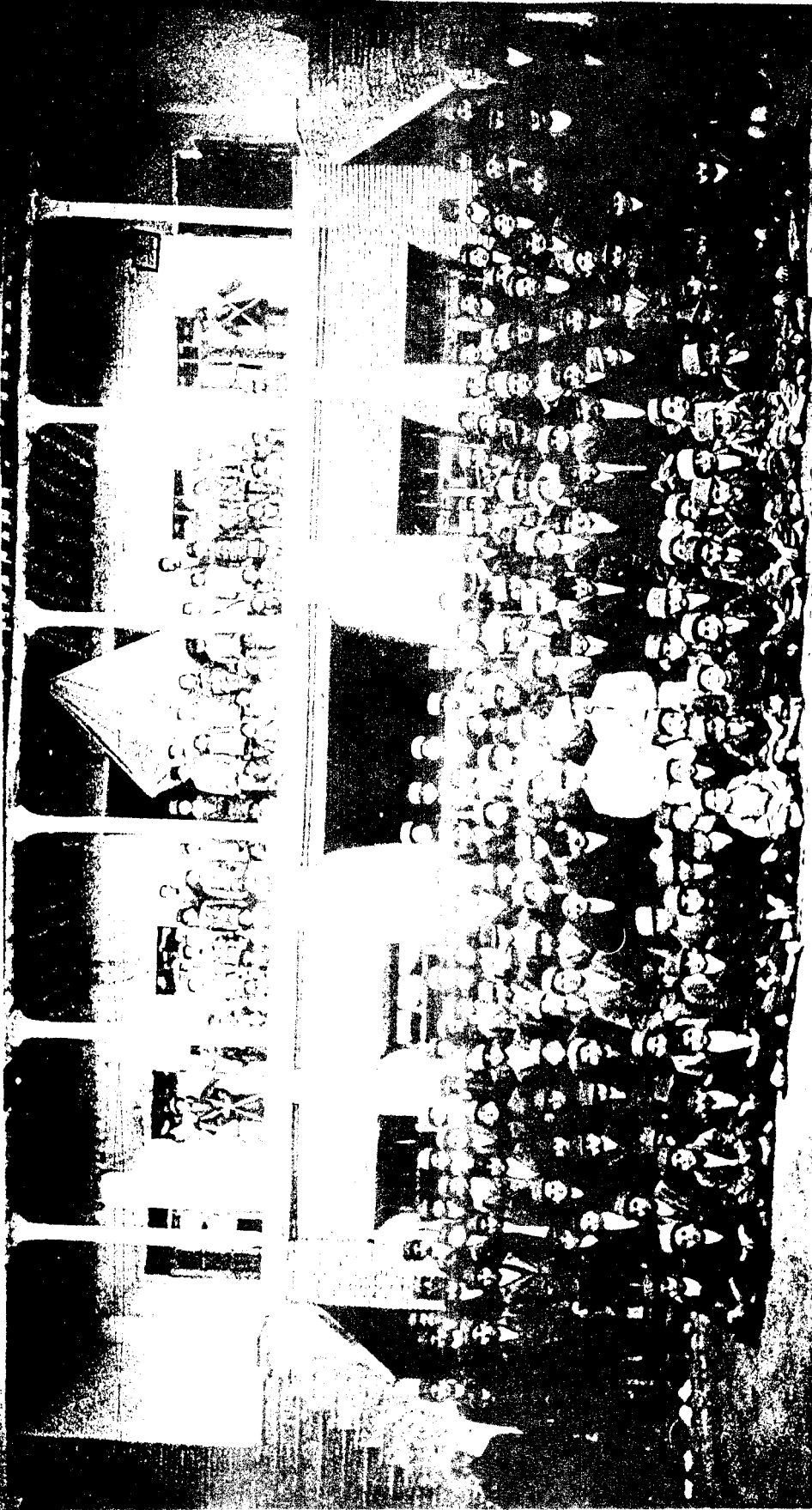
جیت درس ورزش پیش آهنگان به سرپرستی آقای حسین اردلان معلم ورزش سال ۱۳۱۰



تعدادی از معلمین و تحصیل در دانش پیش آهنگی سال تحصیلی ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱



جشن پیش آگاهی در سال تحصیلی ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱



یادداشت‌های موسیقیست‌ها در جشن‌های موسیقی

عدد ۱۰۰
 مجله‌ی «شهرت» شماره ۱۰۰
 ۱۳۱۱



(محمد فاضل احمد صاحب دارالاحكام في سنة ١٣١٣ هـ)

ردیف اول از رتبه به چپ :

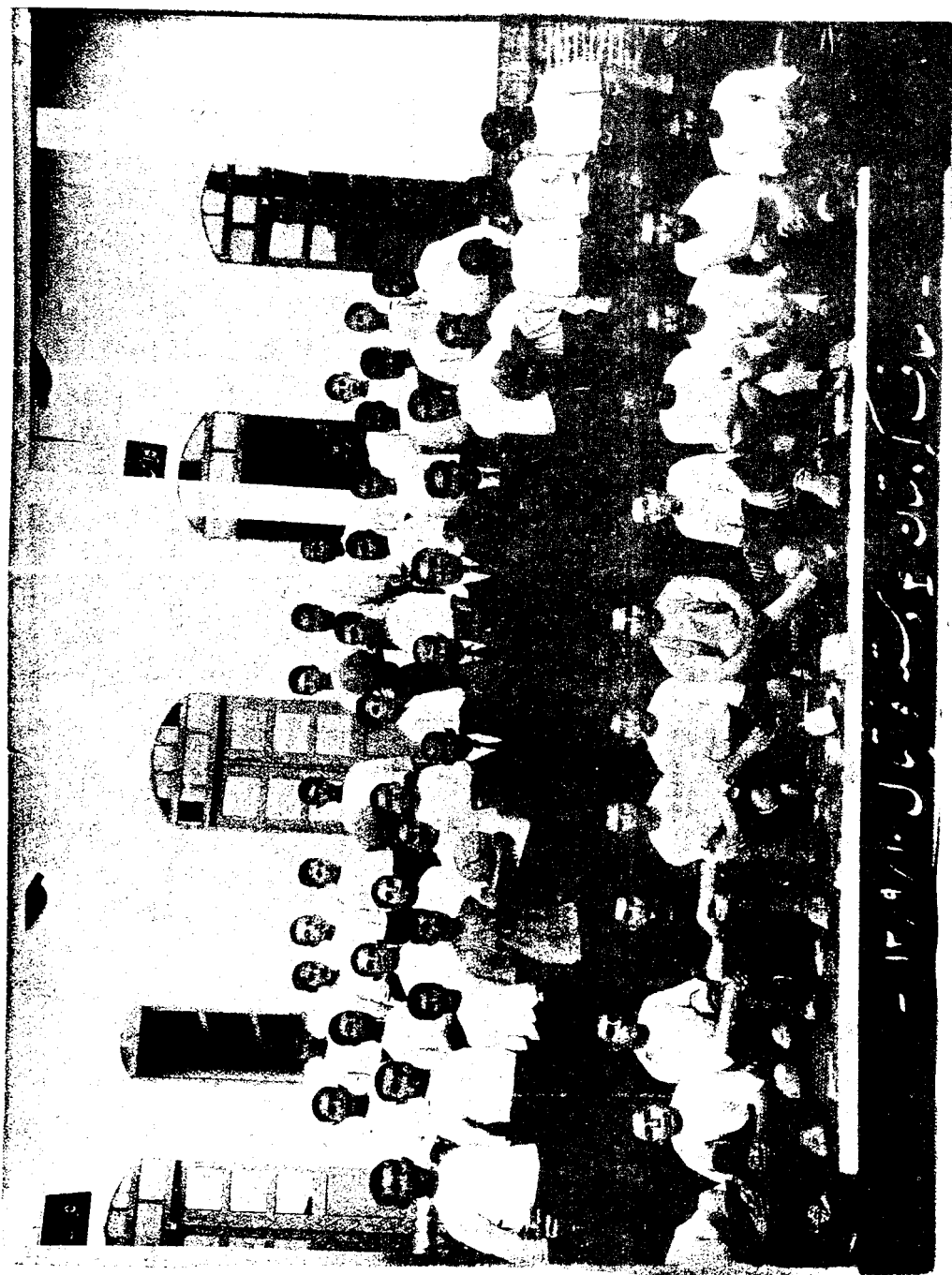
- ۱- حاجی خواندوری ۲ سرنگ غفور کلامی ۳ رضا منطقی انجاری معلم ۴ حسین کروی ۵ حسین فغمی مدر ۶ عطاء در حبیبی ۷ خلیل صبرای معلم
۸ رضا سراجی (رشد یان) ۹ خاکند اردلان ۱۰ محمد کتبیبا.

ردیف دوم (وسط) از رتبه به چپ :

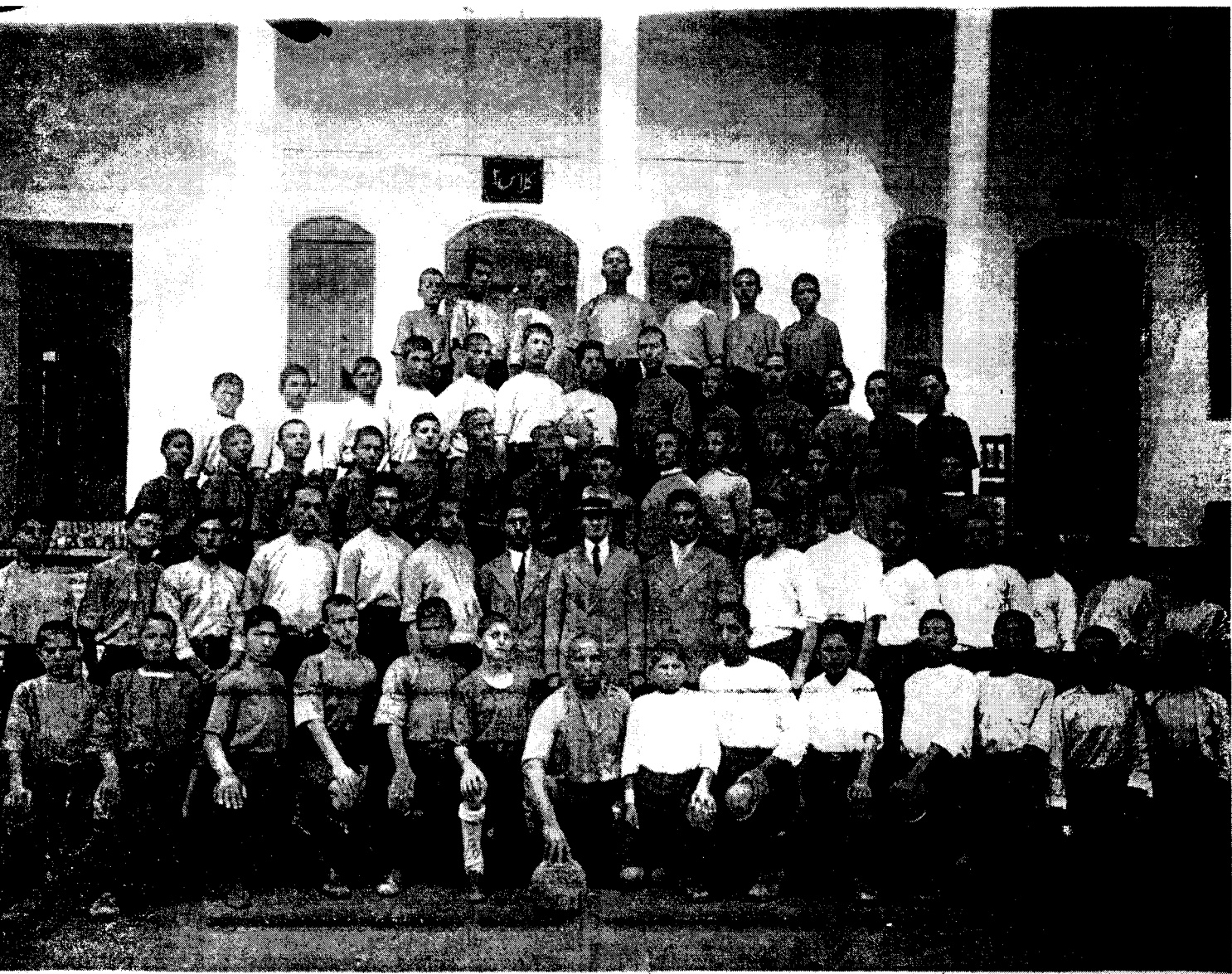
- ۱- نظریه حاتم پور ۲ حسن آیتی ۳ کاظم رضا دق وزیر ۴ عابدین صادقی وزیر ۵ جعفر کلای ۶ مبارک اردشیر دوان
۷ اکبر احیم ۸ احمد شکوکار ۹ عبدالرحیم معمار پور

ردیف سوم (راست) از رتبه به چپ :

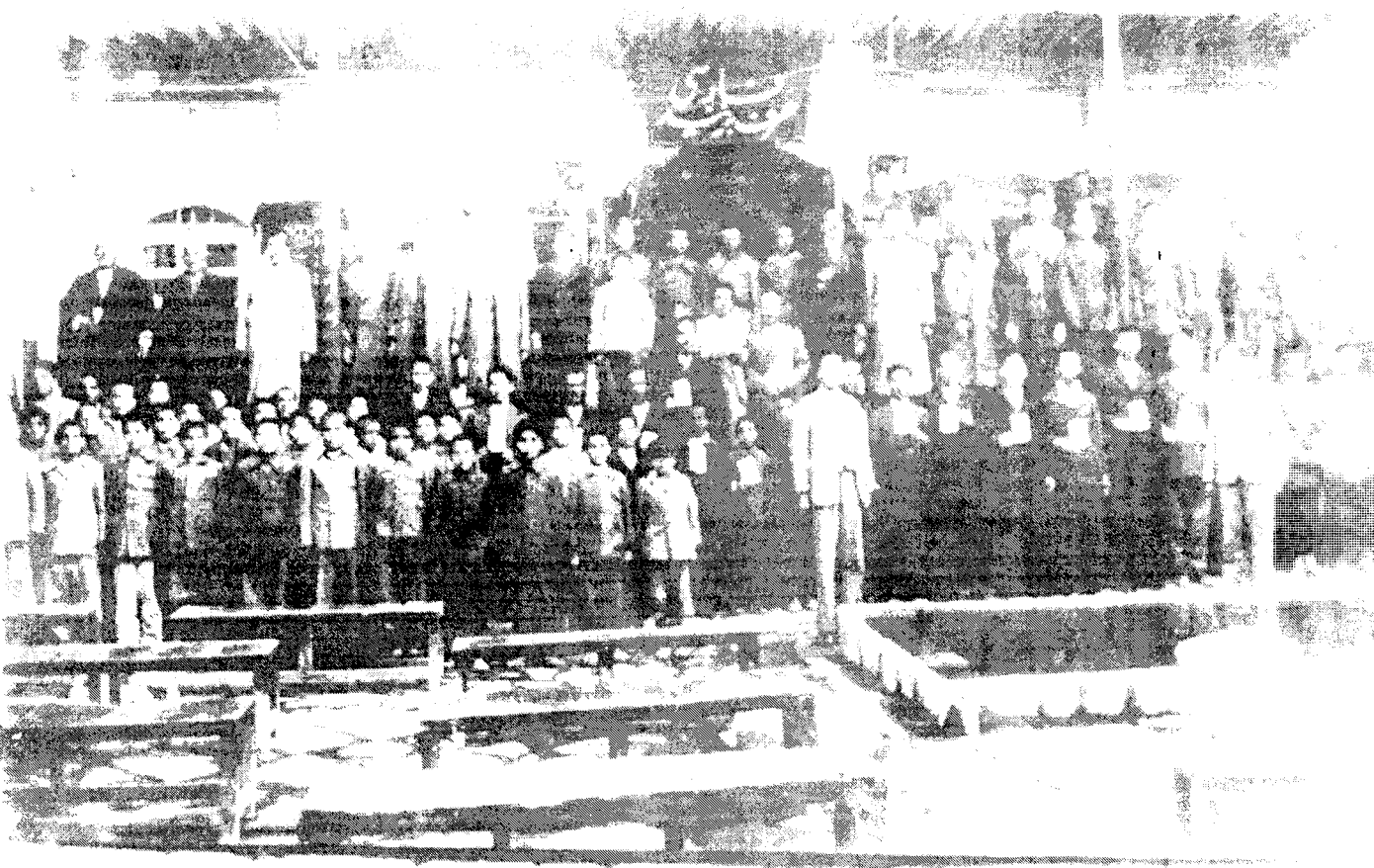
- ۱- حسین محمد منزلت لارخانج ۲ محمد طریز زمانه پور ۳ کاظم معتمد وزیر ۴ جواد معتمدی ۵ محمد صبحی ۶ علی نوروزی
۷- علی مهر آذر ۸ سعیدی شیخ لاسلامی ۹ مسعود رحیم پور ۱۰ میرزا آقا خا خا طلمانی



مجلس شورای ملی - ۱۳۰۹/۱۰



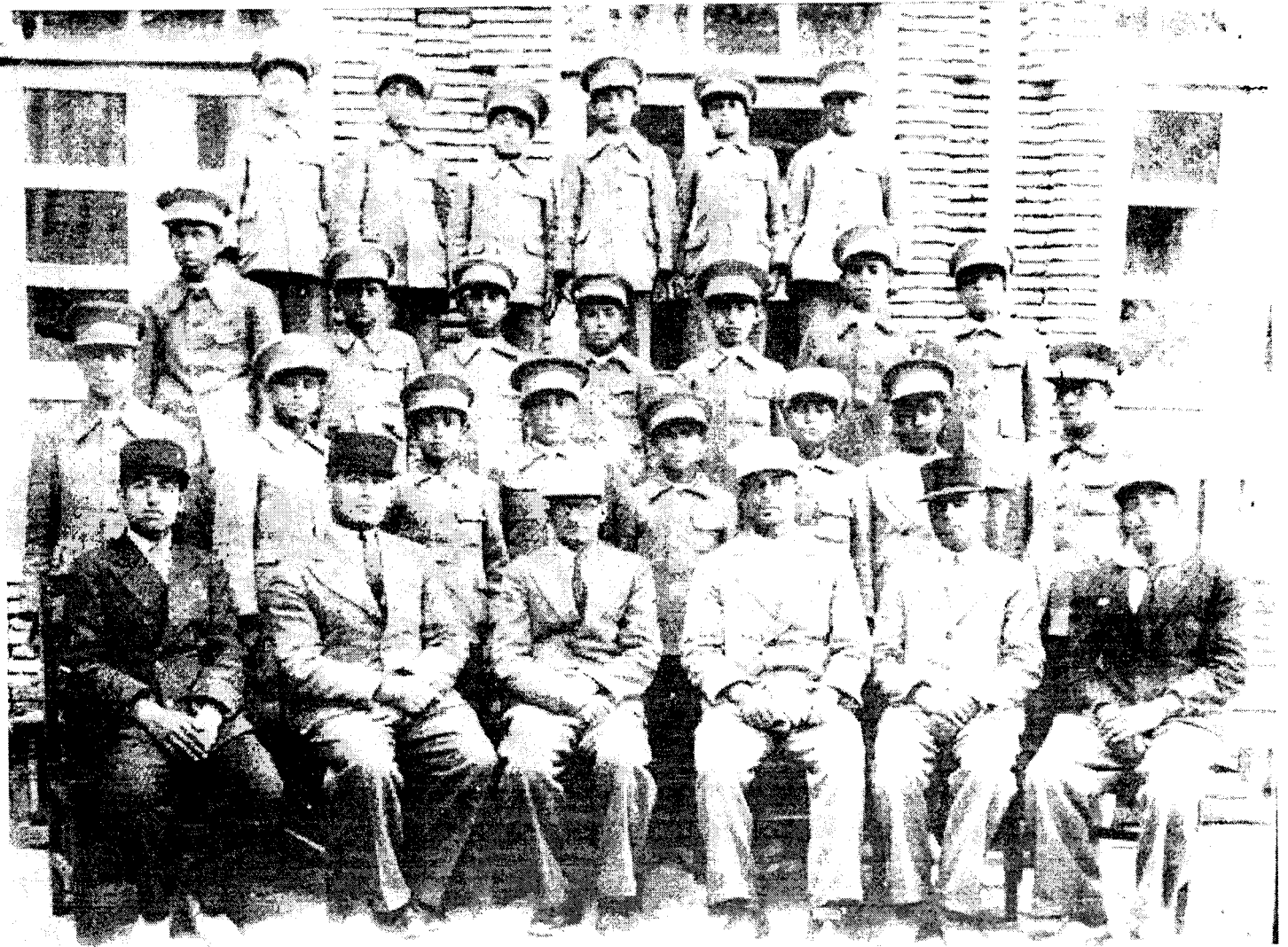
مؤنکریستان و بستانه ایلی عروستوبانکت بیل ۱۴۱۱ -



دانش آموزان اکابر (شبان) دبستان هیئت در ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵



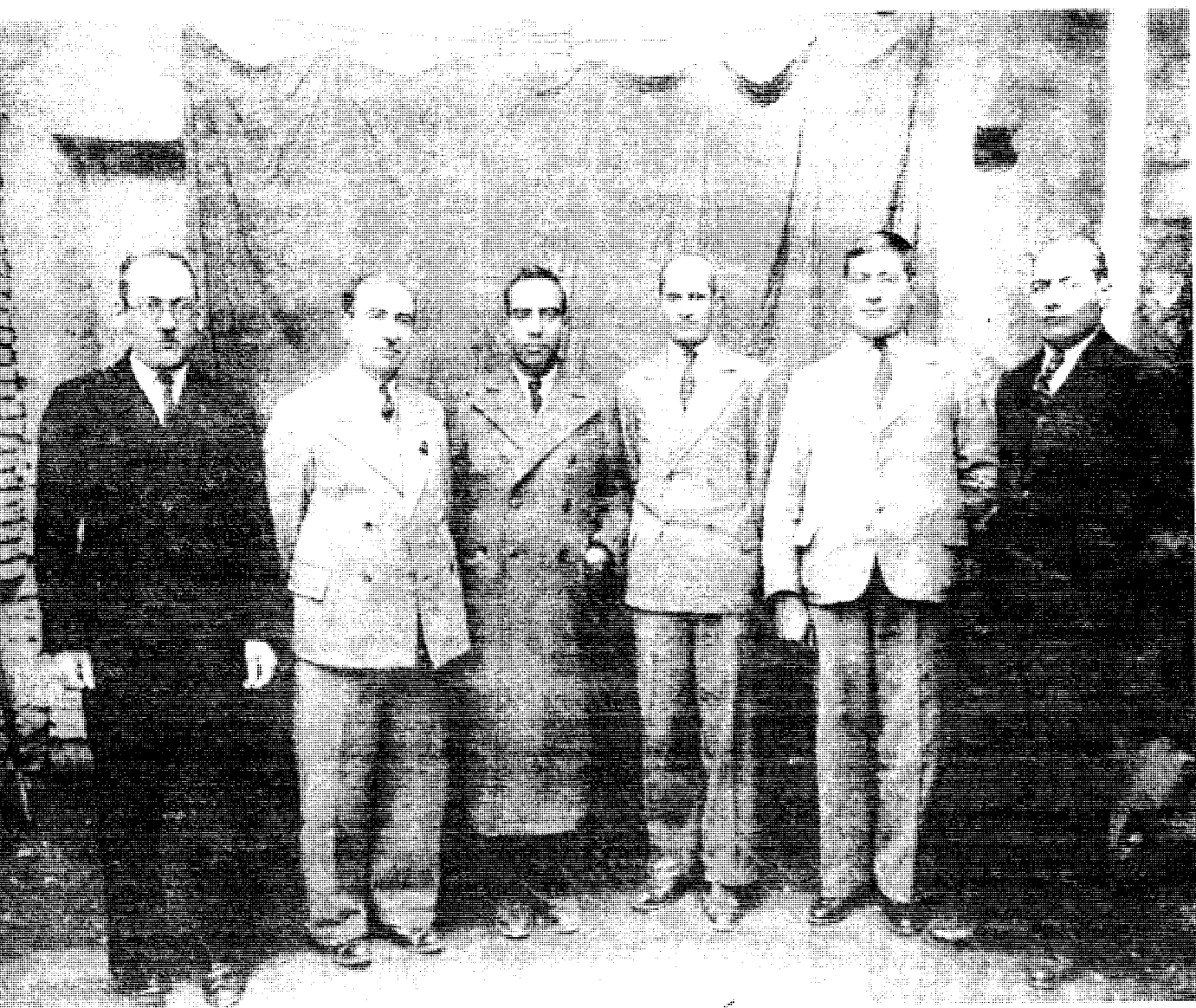
کبک تیم از فوتبالیت های دبیرستان خیرالمنهج در ۱۳۱۴



ریف جلد از دست : ۱- تابش ۲ ایر تو ابی ۳ ابری معلم ورزش ۴ حسین شکیبا رئیس اداره ۵ ضعی رئیس دبستان ۶ - عطاء الدین عطی علی
 ۷ - ۱ غریز الله ملک محمد پور ۲ باقر چایچی ۳ سرنگ مناسکی ۴ عبداللہ عجمہ جلدی ۵
 ۶ توفیق رحمت پناہ ۷ خلیل شرمندہ ۸ صالح اسد پور ۹ ادیف ۱۰ از دست : ۱
 ۲ محمد شان صادق زری ۳ سید اشرف صحافی ۴
 ۵ عبداللہ صفری ۶ هدایت رحمت جلدی ۷ زرافتی ۸
 ۹ سید آفر ۱۰ سرنگ ناصر شرفی ۱۱ سیدی محمد زری ۱۲ سید احمد صحافی ۱۳
 ۱۴ سرنگ رحمت بہ ناظر

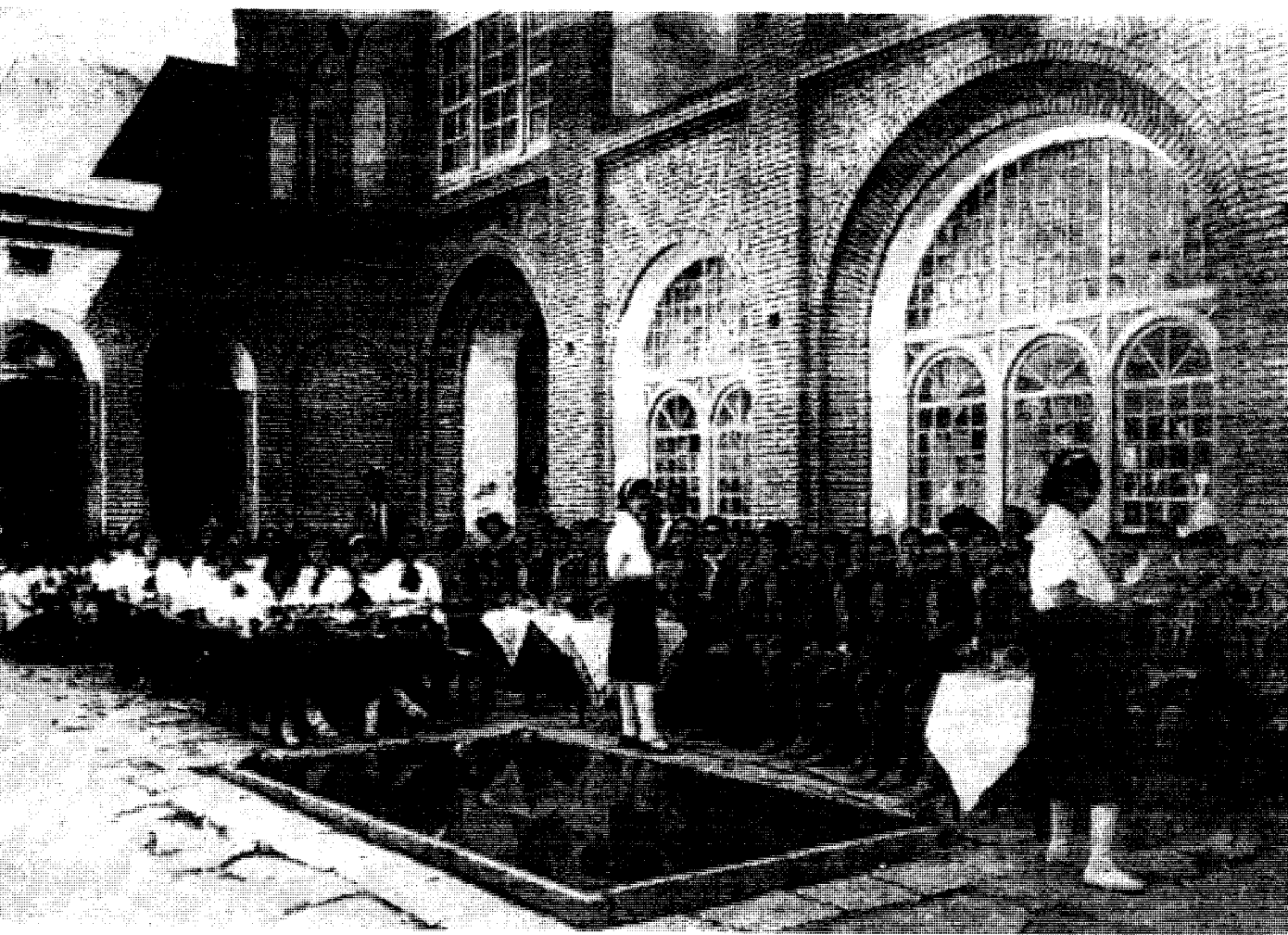


غلامعلي گریا پسرهای یادی صادق دزیری فرماندار پست نسیمی برغانی ابروی معلوم درویش



حسین شکیبا
رئیس اداره

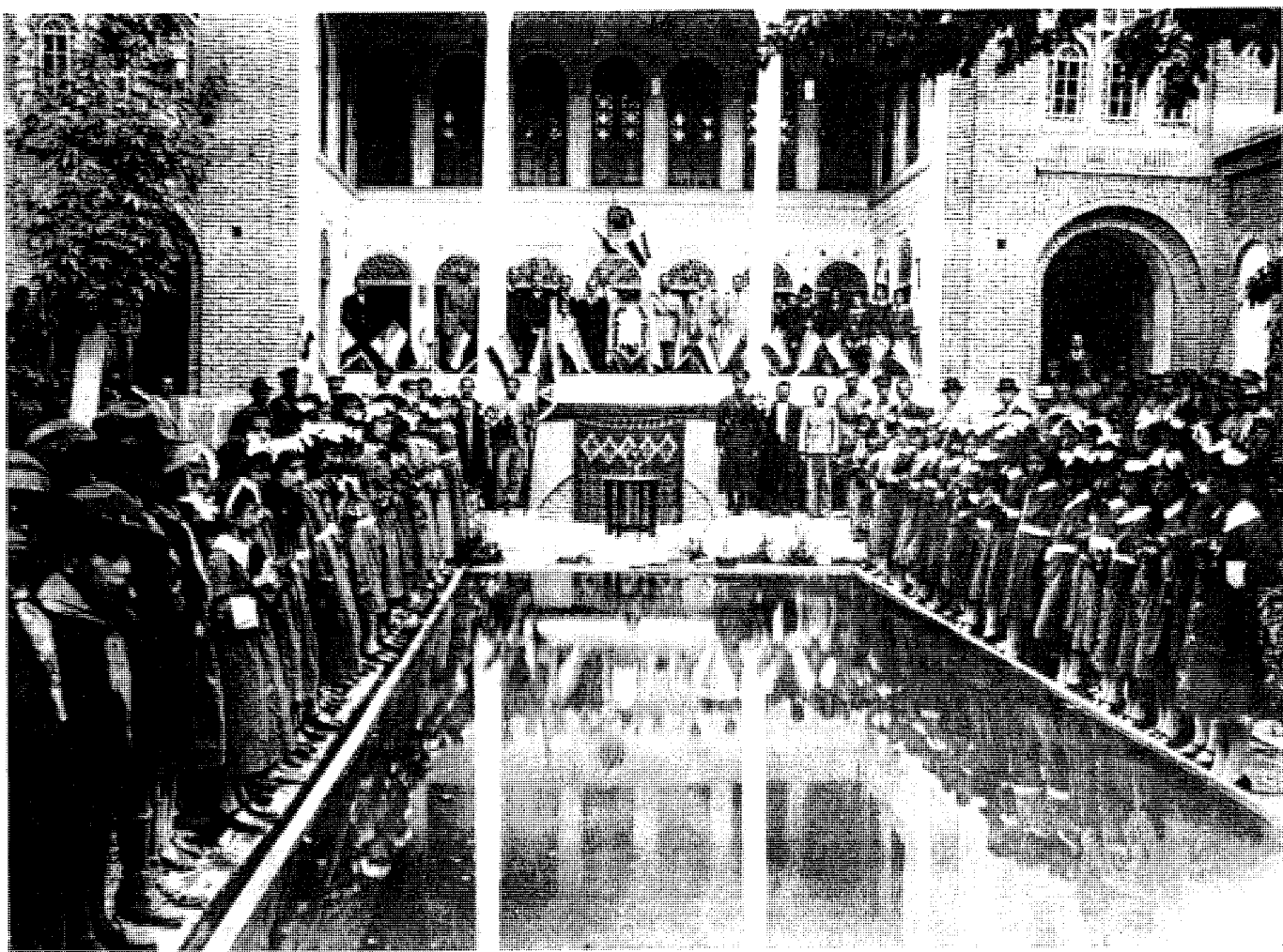
دیمی برغانی
رئیس انبار



اجتماع پیش آهنگان دختران

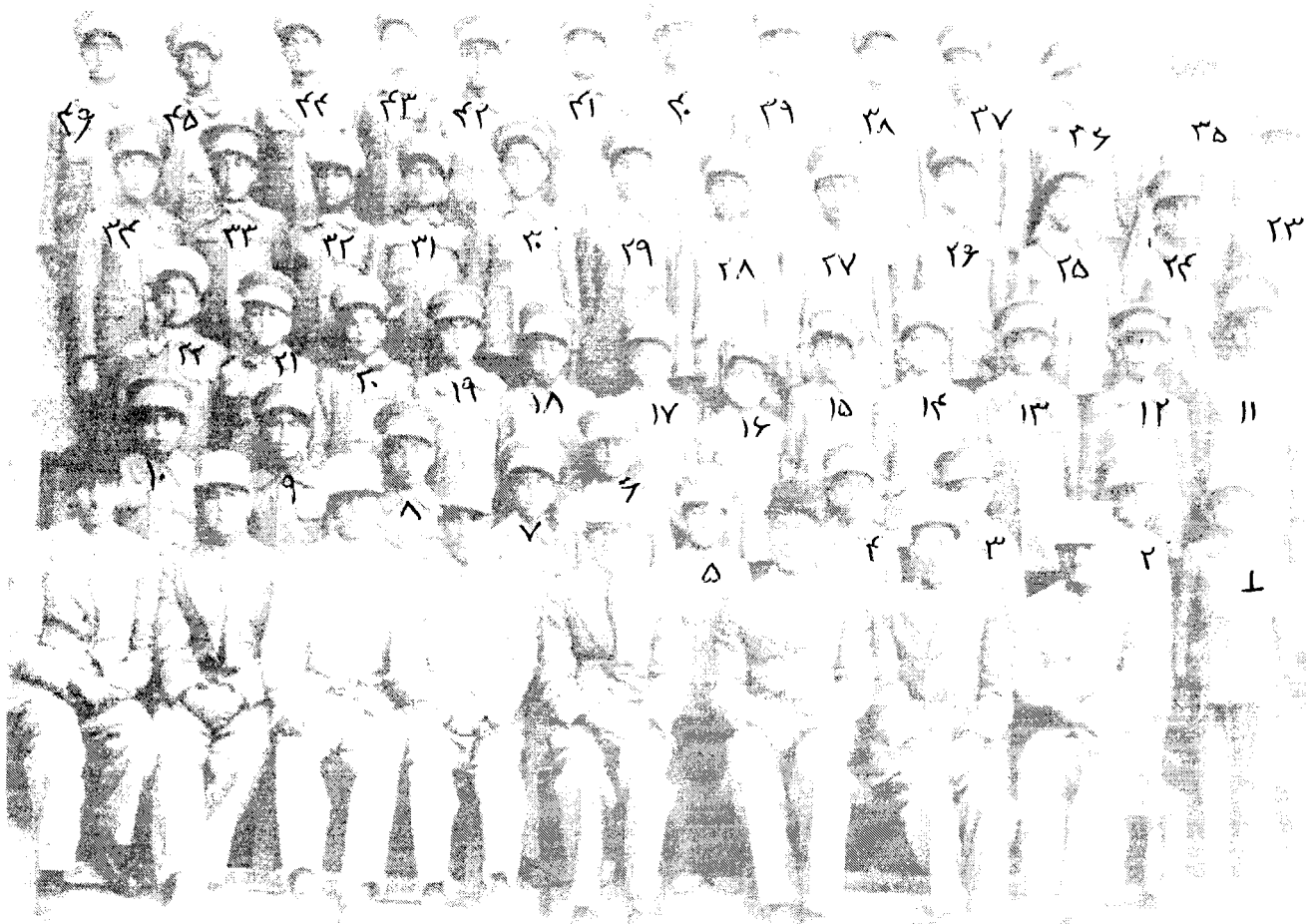


جلسه امتحان تجدیدی درس خطاطی و نگارگری در شهر پورماه ۱۳۱۴



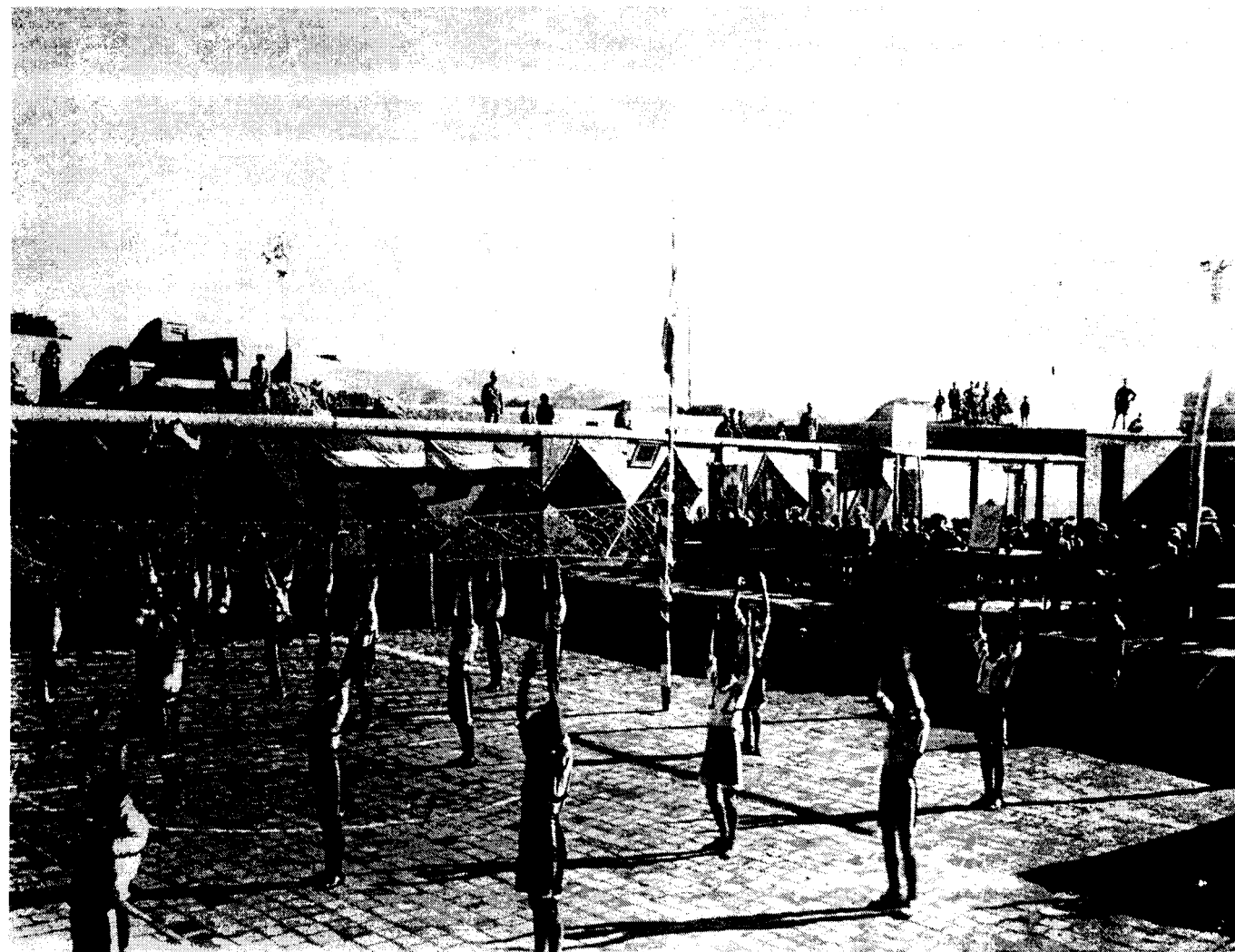
گروهی از دانشجویان در خانه حاج ملک، تجار دققی از این ساختمان اکنون محل امور صنعتی است

۱ رحمت الدنا طبری ۲ ۳ ۴ ناصر سلطان پور ۵ احمد صغائی ۶ تاج پور شمس الملک آرا ۷ ۸ سید آفرین زندہ دل
 ۹ - عبداللہ حاجہ سید ۱۰ صدیق رحمت طلبی ۱۱ باقر چایچی ۱۲ الیاسی ۱۳ صدام طارق وزیر ۱۴ جہانگیر محمد وزیر
 ۱۵ ۱۶ یحییٰ ناصر ستونی ۱۷ ۱۸ عساکر زبیر ۱۹ میر موسیٰ شیری ۲۰ ۲۱ حسین شرفی نسب ۲۲ ۲۳
 ۲۴ توفیق رحمت طلبی ۲۵ عزت الدین بخاری ۲۶ عارف بزرگی ۲۷ توفیق رحمت پناہ ۲۸ عبداللہ صفری ۲۹ محمد خان ستار
 ۳۰ ۳۱ رشید رامیار ۳۲ سرنگ مناسکی ۳۳ عارف ۳۴ ۳۵ خلیل شرنی ۳۶ ہدیٰ نراقی ۳۷ خانگہ لٹو
 ۳۸ سرنگ عباس عبادی ۳۹ صالح رسد پور ۴۰ ناصر محمد پور ۴۱ عبدالخالق عندلیبی ۴۲ ملک محمدی ۴۳ حسن کر باسی
 ۴۴ خانگہ لٹو ۴۵ ایوب نبی بستر ۴۶ یونس قاسمی

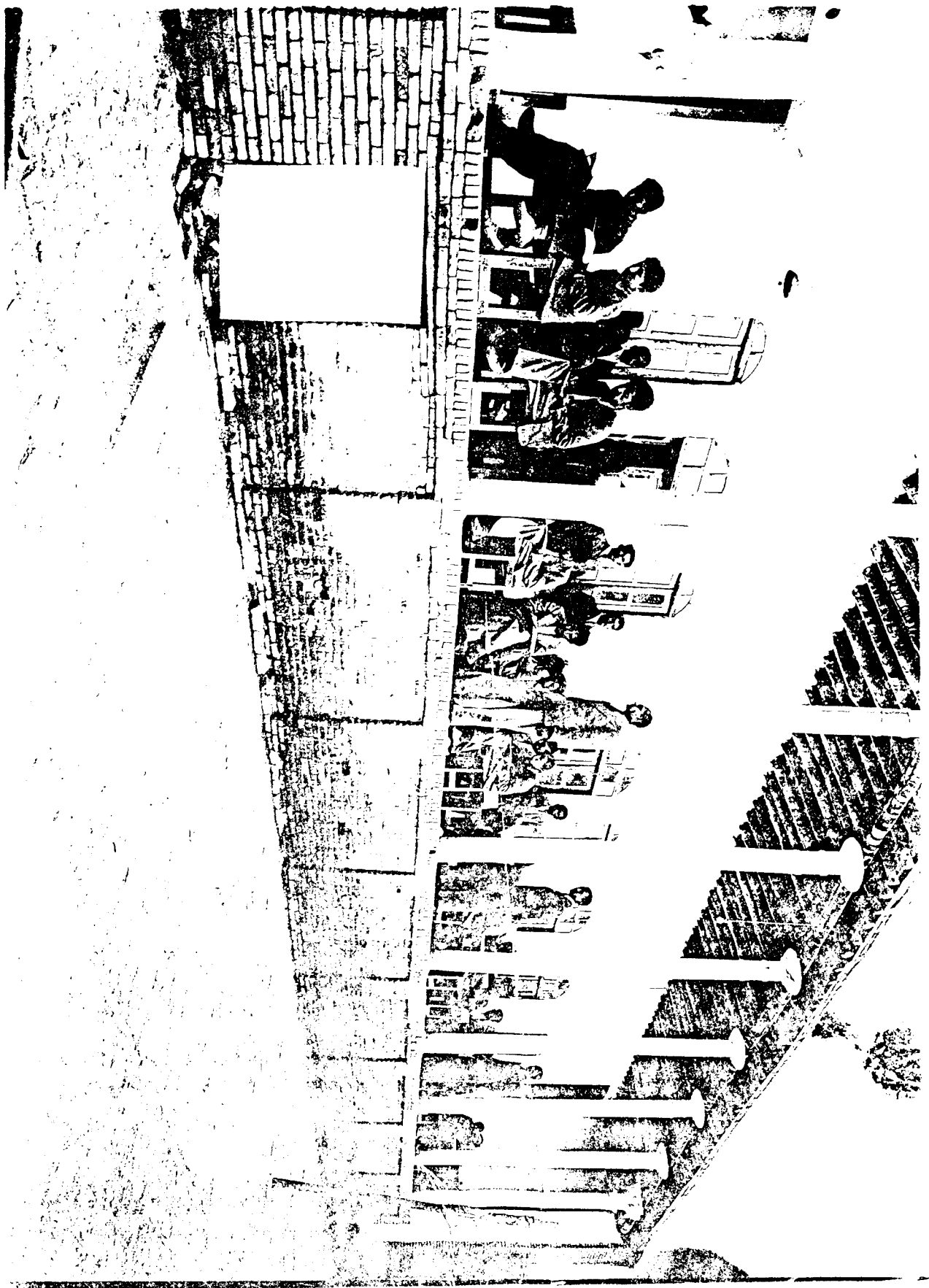


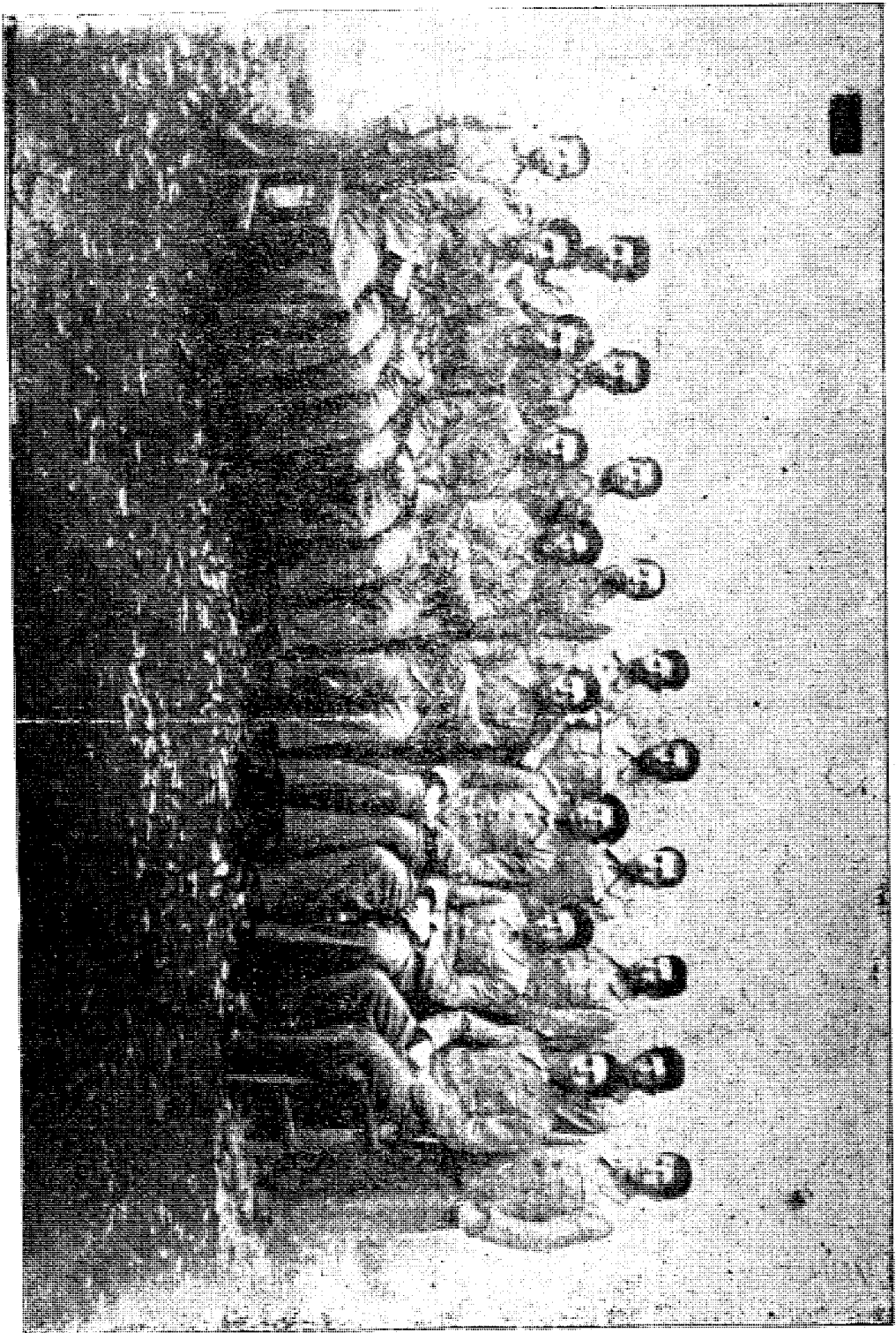
غلامی گریا پور دانش حسین بشکیا بہبانی ابوی میوآداری مشکین

برہنہ ددیشان شاپور سال ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵

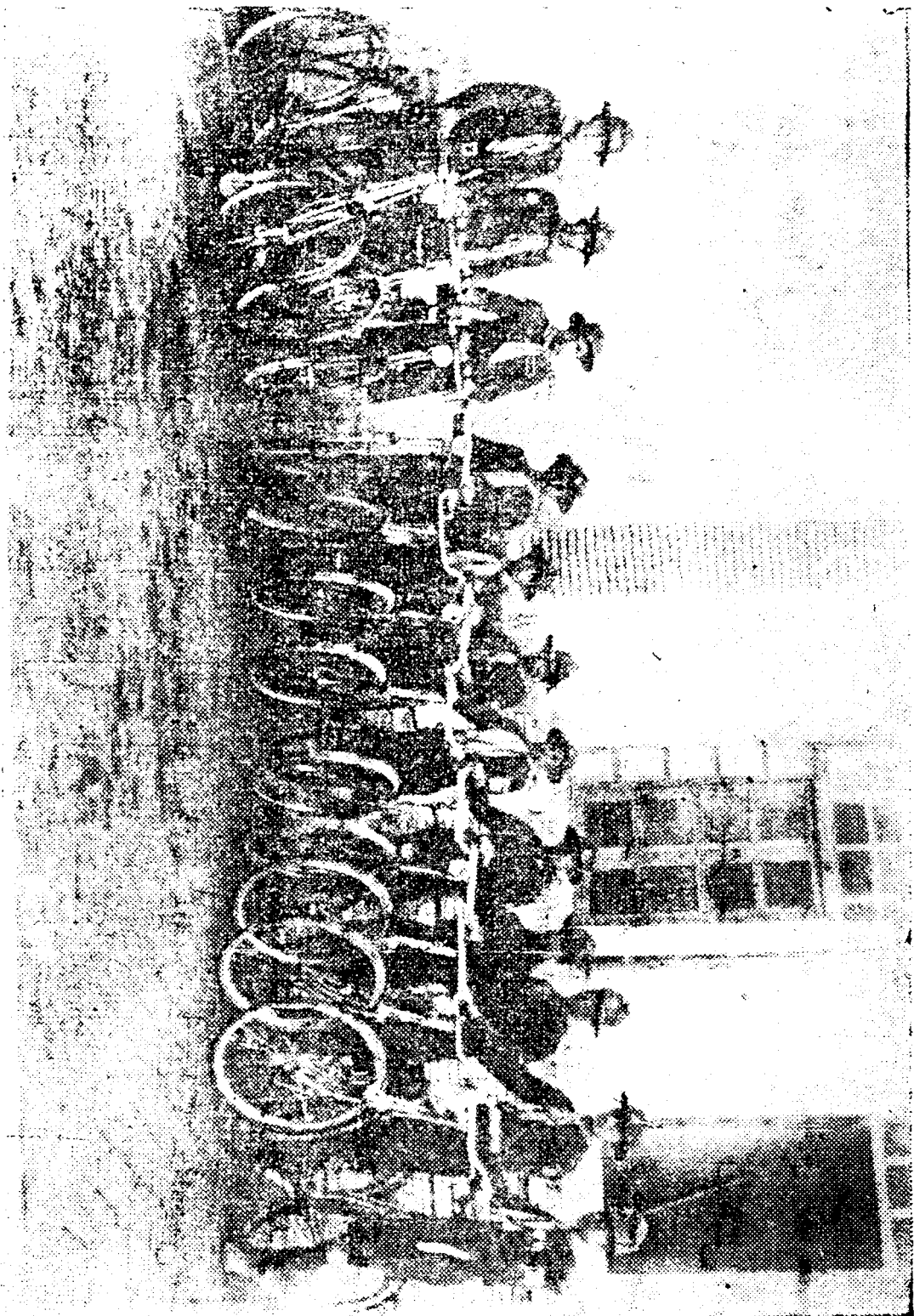


حیات دیکھ دہرستان بڑا پتہ سید حدود سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵

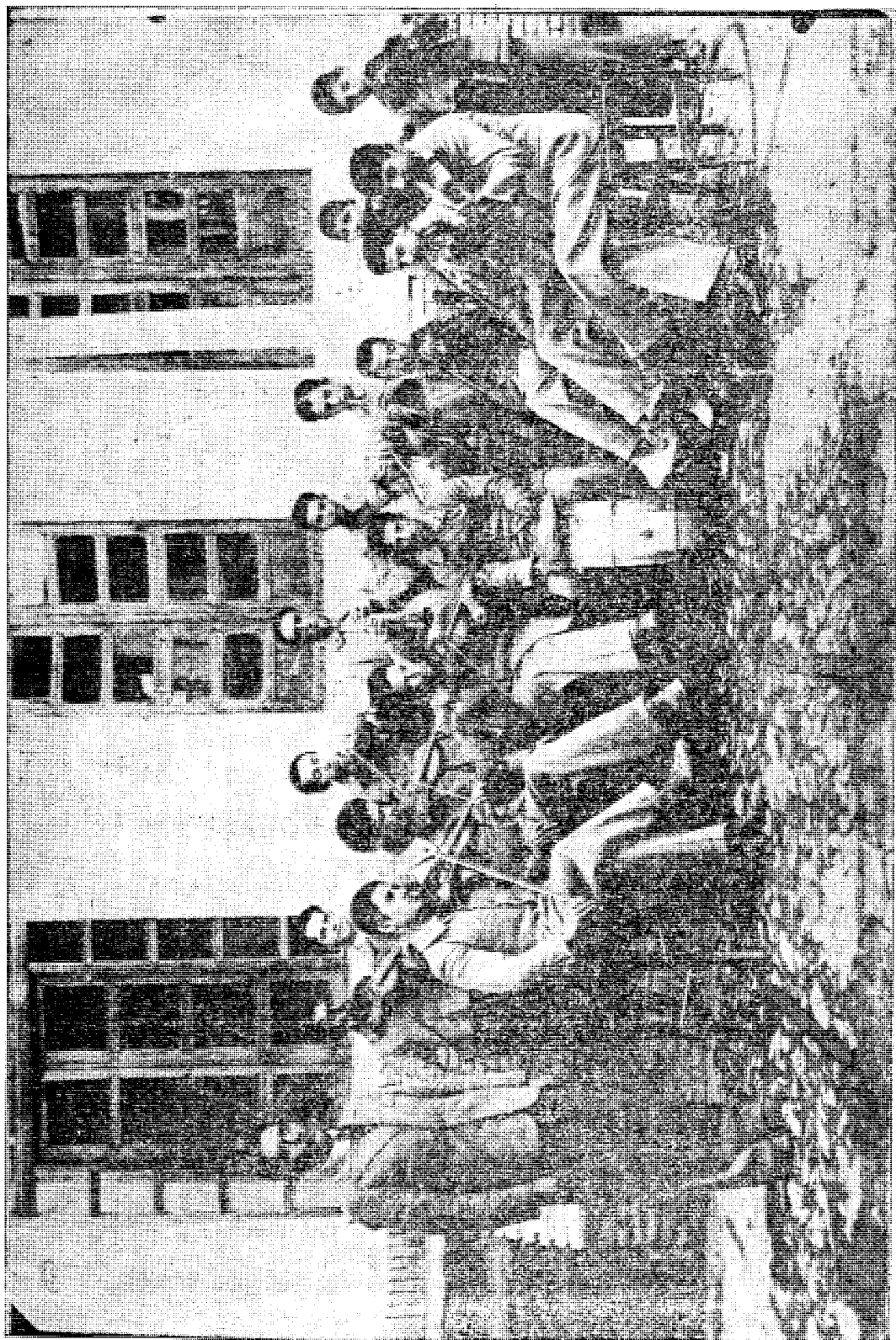




هیت رئیسہ الجمعیہ

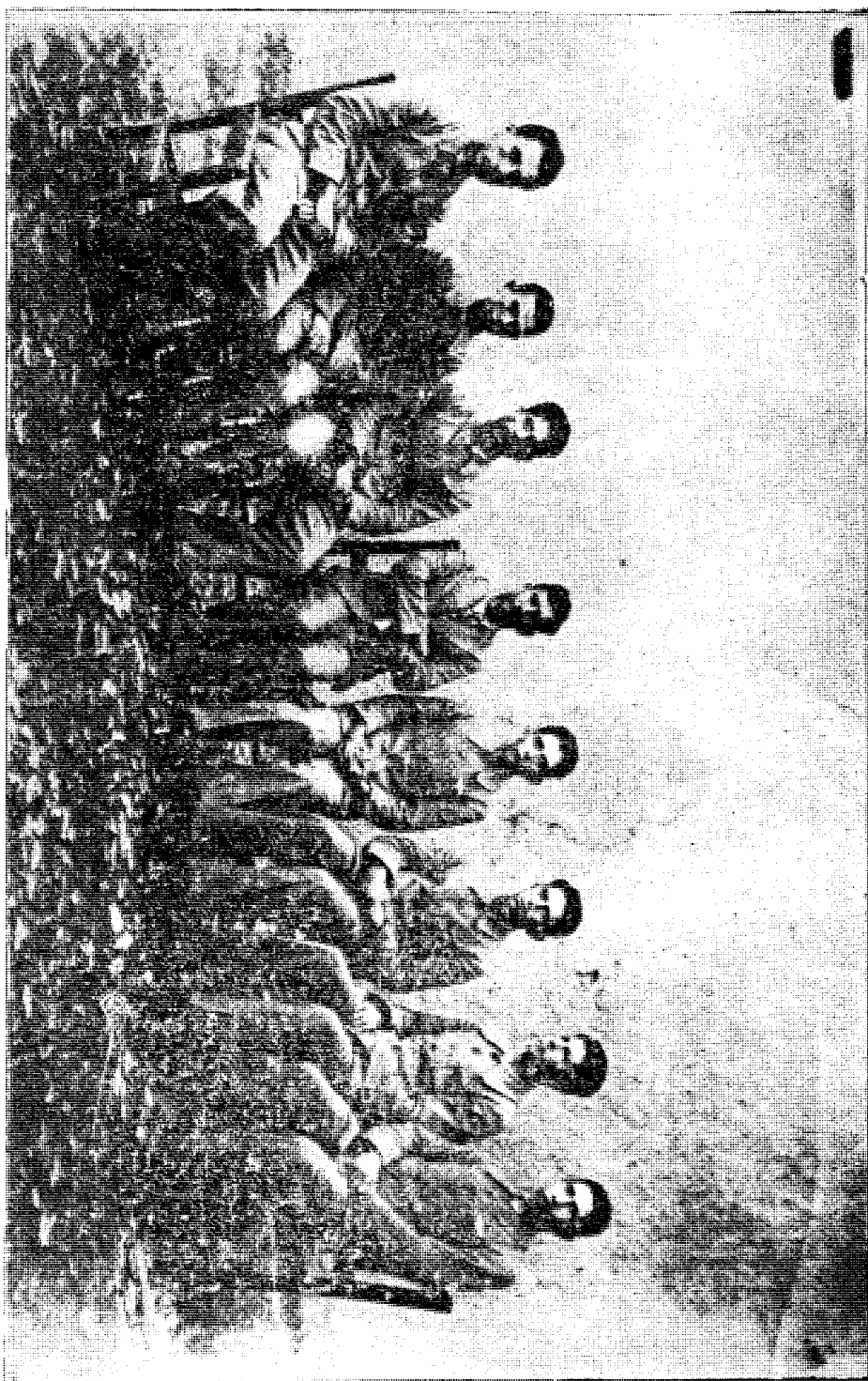


یک دسته از پیش آهنگان دو چرخه صوار دبیرستان

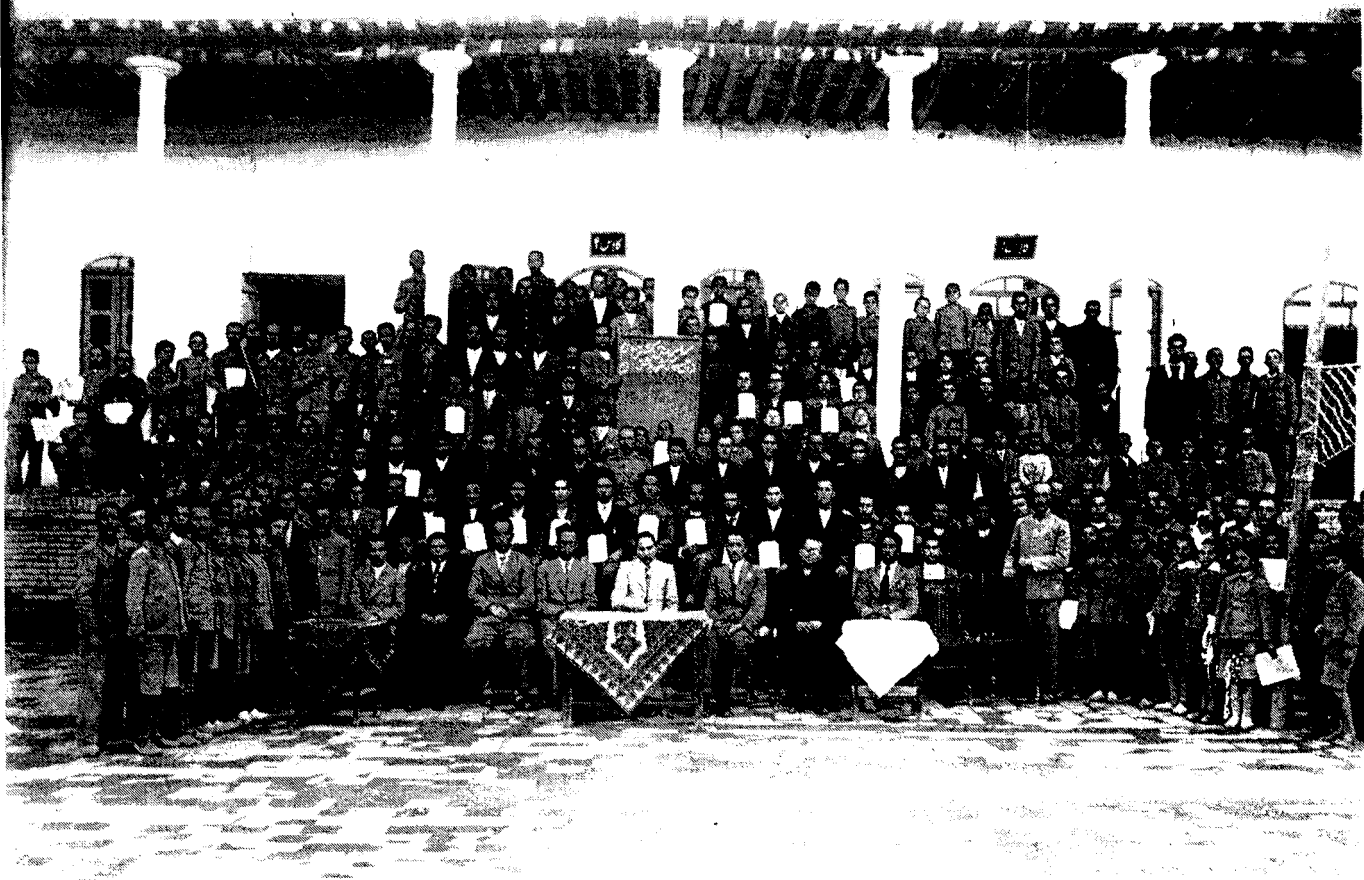


هیئت ارکستر دیورستان

اعضاء انجمن ادبی دبیرستان



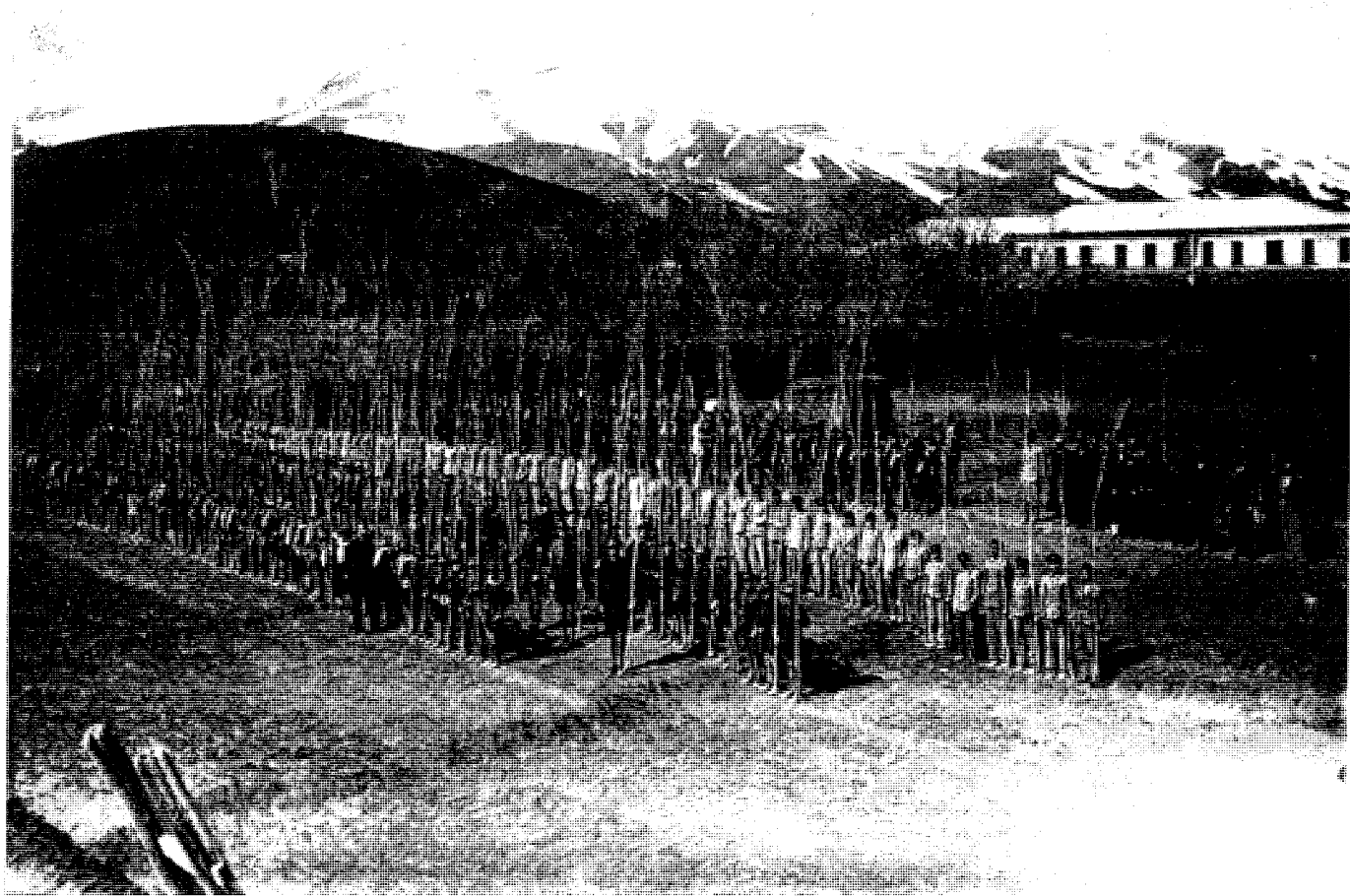
از راست به چپ ۱- مهدی نراقی ۲- عبدالعلی مشرفی ۳- همایون حکمتی ۴- ناصر آزادپور ۵- غلامعلی گویادیر ۶- وفا
ظہیر اعظمی ۷- عبدالرحیم نیک پی ۸- اجمال حکمتی ۹- غلامعلی گویادیر ۱۰- وفا



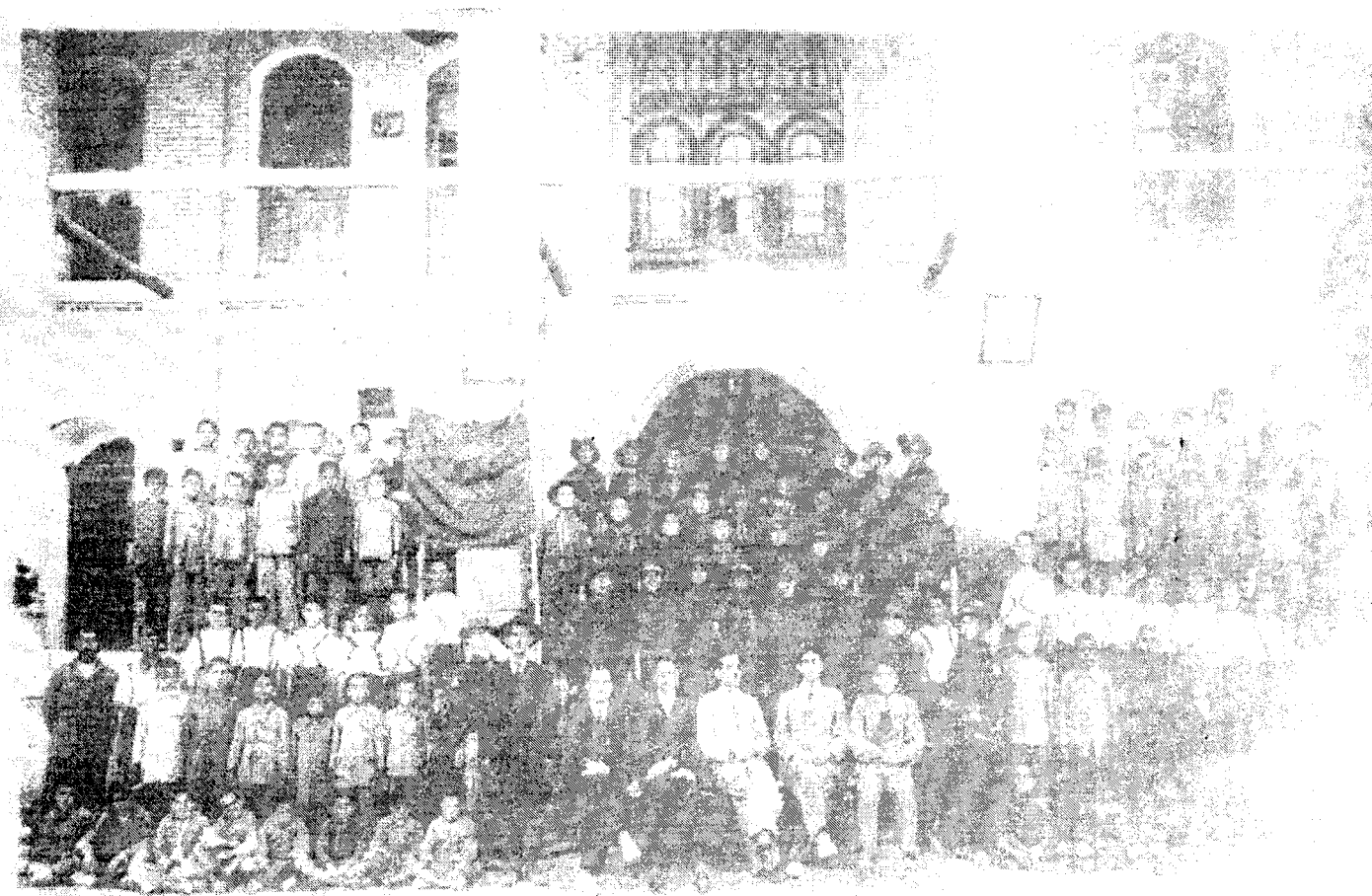
دانشان هایت با دو کلاس در بریتانیا سال ۱۳۱۵



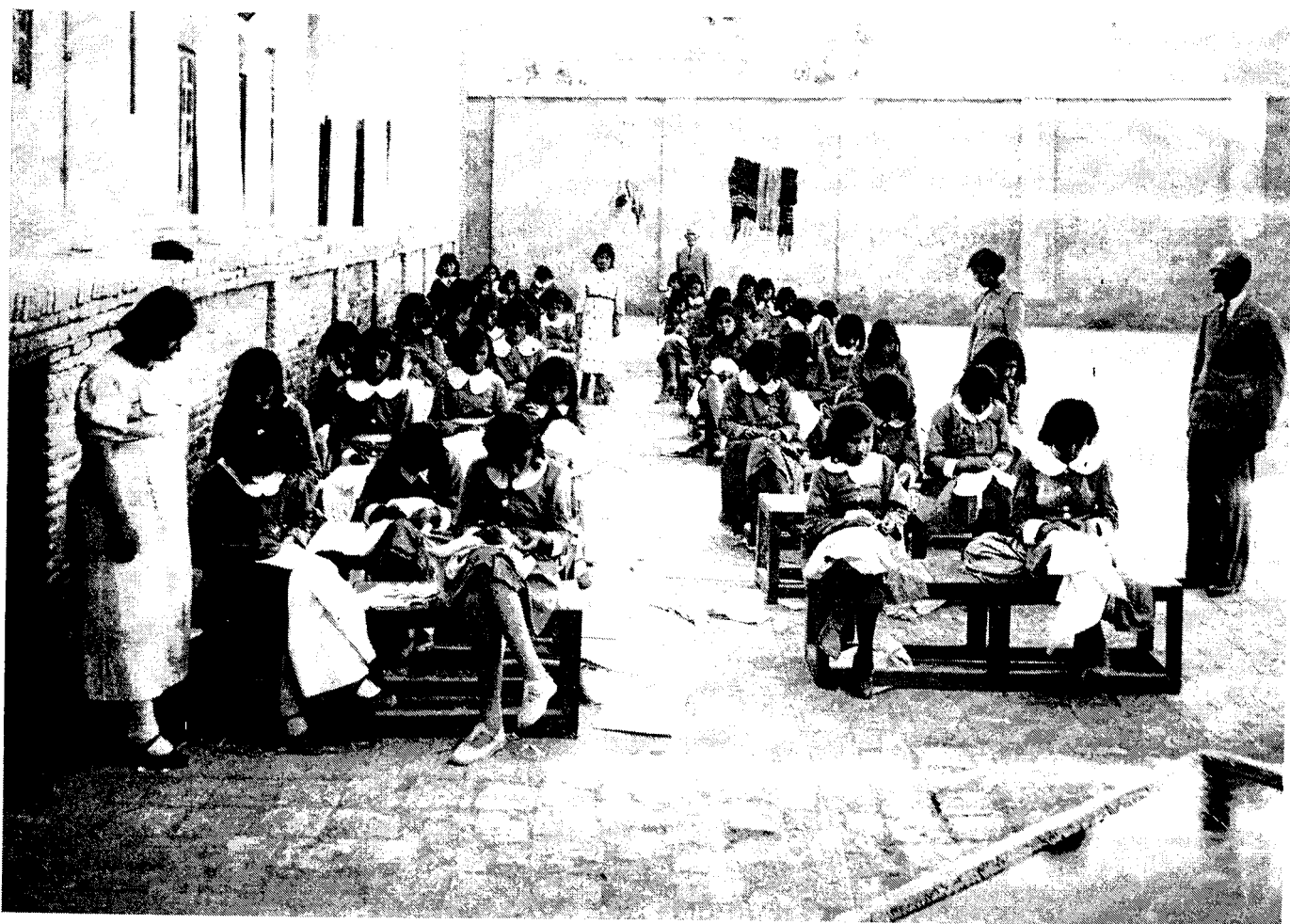
جلسه امتحان خرداد ماه ۱۳۱۵ در ساختمان اداره آموزش و پرورش خانه حاج ملک التجار



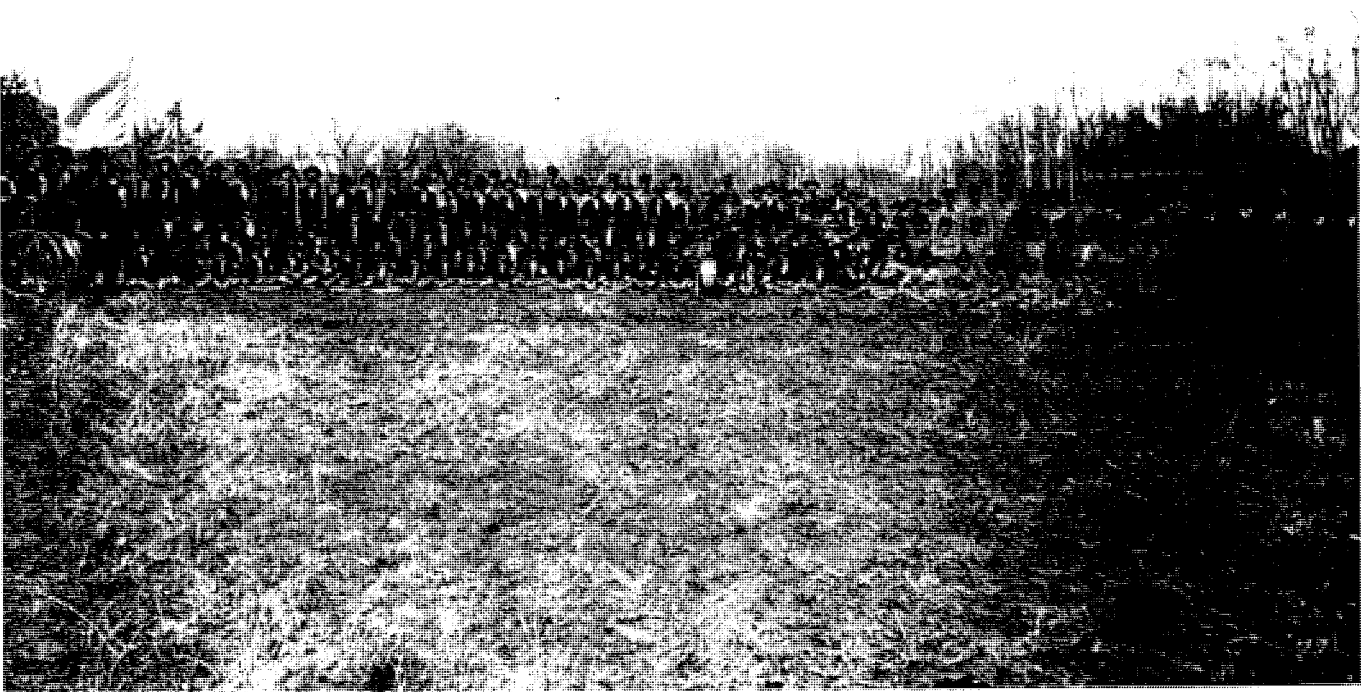
جشن درختکاری در محوطه مسجد اقبال و میدان حسن آباد و پاکب علی کنونی سال ۱۳۱۶



۱۳۱۶



جلسه امتحان درس خیاطی در خرداد ۱۳۱۶ هـ. ق. سال سوم دبیرستان متکوره بهار خانم اثر قلم محبت
 رئیس فرهنگستان کیهانیه در محبت است



پیش آہنگان مذاکرہ جنگی اتفاق معین سال ۱۳۱۶

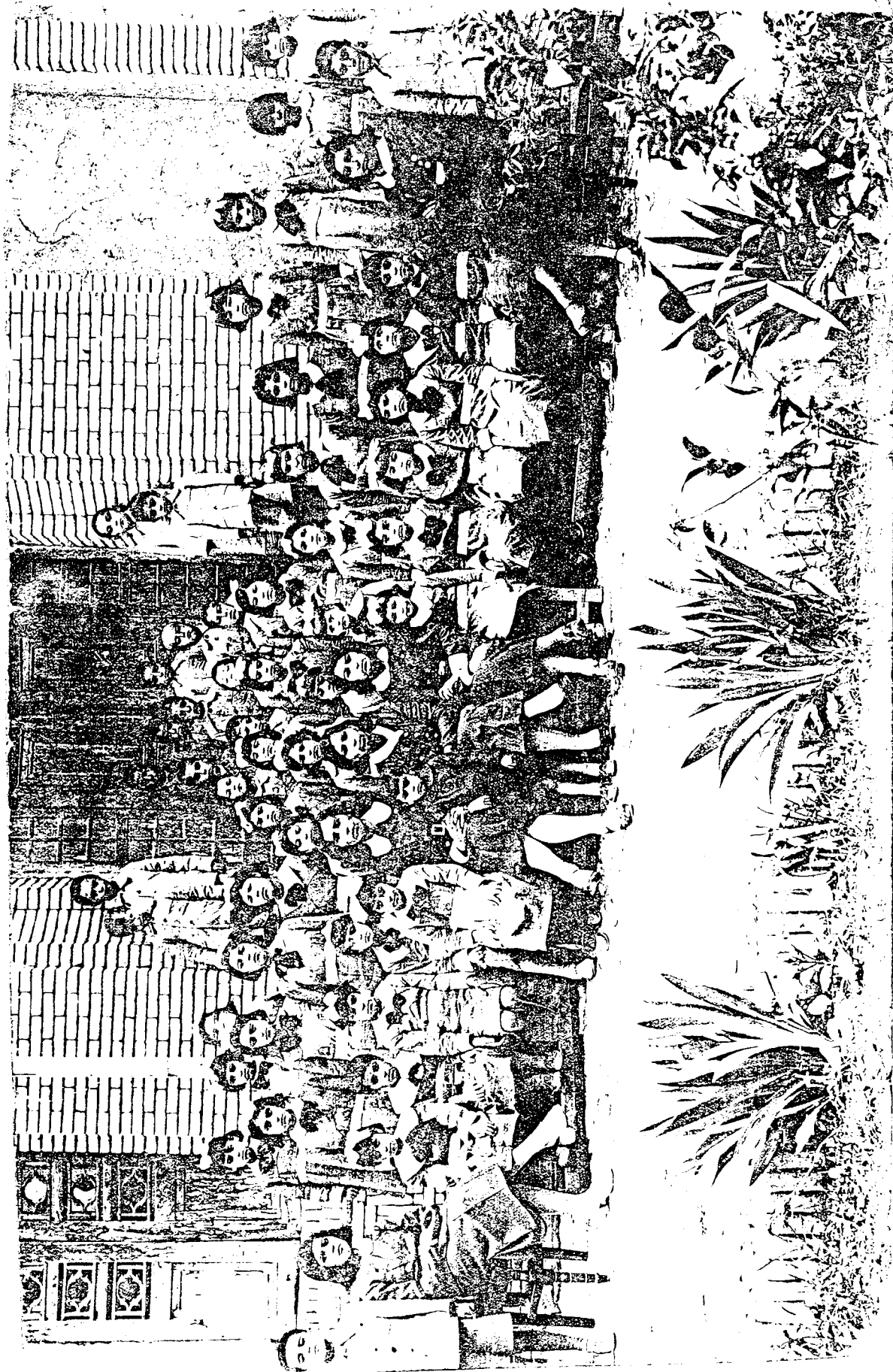


دانش آموزان دبیرستان نمونه پنگا برگزار می‌کنند جشنی حدود سال ۱۳۱۸ - ۱۳۱۷



جشنی به مناسبت کشف حجاب بازرگانی سال ۱۳۱۷ در رستگان ۱۷ دی شریج

دشنه ۱۷ دی سنه ۱۳۱۷





سال ۱۳۱۸ در آن دوران کلان ششمین بار نشستند

۱- آقای جهانگیر صفی ۲ آقای شهباز رضا ۳ آقایی

ادینی ۴ امین پرویا ۵ محمد محمود ۶ کریم احمدی ۷ حبیب الله انزلی ۸ غوث احمد خاوری ۹ ناصر خاوری

۱۰- محمد علی رستمی ۱۱ حسن مرادی ۱۲ عبداللین انصاری ۱۳ نجیب روحانی ۱۴ میرزا محمد ضیاء الدی ۱۵ صالح الهادی ۱۶ علی ابراهیم رشتی ۱۷ عبدالمکریم صدیقی ۱۸ شکر الله شیدا ۱۹ میرزا بابا بهرامشاه ۲۰ محمد رحیم الحسیان ۲۱ صدیق متولی ۲۲ نجم الدین مصطفی ۲۳ حاج محمد امین نوحی

